کیهان ۵۸۷
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۱۵ تا پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۵ خورشیدی
سال چهل و سوم ـ شماره ۲۰۵۳



پایداری یک ملت برای آزادی

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

کیهان

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

سال چهل و سوم
کیهان شماره ۲۰۵۳ (۵۸۷)
۱۵ تا ۲۱ آبان ۱۴۰۵
۶ تا ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶



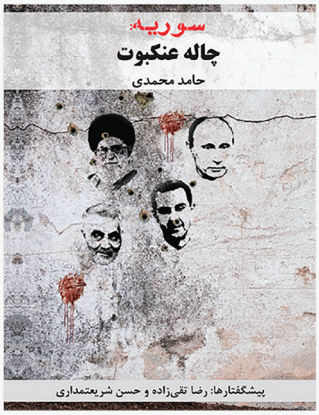
کیهان
KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



نامه ها و عاشقانه ها
حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی
نوشته: داریوش پیرنیا
به کوشش منصوره پیرنیا
لطفا جهت تهیه کتاب " نامه ها و عاشقانه ها " با انتشارات مهرایران
شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E.mail:pirnia@pirnia.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه : چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)
برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing Email: satrap@btconnect.com wwww.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - در هواپیمای رهبران فراری جایی برای پیاده‌نظام سرکوبگر نیست! / حامد محمدی ۴
تیتر هفته - پایداری یک ملت برای آزادی ... / ۴-۵



شاهزاده رضا پهلوی در «تایمز برو کسل»: اروپا باید در کنار مردم ایران بایستد... / ۶-۷
کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا؛ «در کنار مردم ایران می‌ایستید یا به مماشات با... / ۸-۹
اینترنت آزاد پیش از سقوط رژیم می‌رسد؟... / فرید خلیفی ۹
وال استریت ژورنال: خسارت حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا تا ۱۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود... / ۱۰
آسوشیتدپرس: دزدان دریایی سومالی یک لنج ماهیگیری ایرانی با ۲۳ سرنشین را ربودند... / ۱۰-۱۱
بازنشر یا صاحب‌الزمان به ظهورت شتاب کن... / خیر اندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر گذار از طوفان - خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی / بخش (۱۸) ... / ۱۲-۱۳



اورشلیم پست: اسرائیل باید خود را برای جنگی مستقل و بدون محدودیت زمانی علیه جمهوری اسلامی... / ۱۴
پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میاندوره‌ای کنگره آمریکا... / ۱۵
اصرار بر مذاکره؛ الگوی یک سیاست «شکست‌خورده» ... / ۱۶-۱۷
پایان شمارش آراء در اسرائیل؛ نتانیاهو با وجود از دست دادن اکثریت پارلمانی همچنان شانس... / ۱۷
پایان مذاکرات بدون نتیجه؛ متحدان آمریکا در خلیج فارس برای آغاز حملات به جمهوری اسلامی... / ۱۸-۱۹
نیویورک تایمز: هشدار اسرائیل به آمریکا و دولت‌های عربی درباره استفاده احتمالی جمهوری اسلامی از... / ۱۹



قاچاق تسلیحات؛ شبکه پنهان وزارت دفاع جمهوری اسلامی برای دور زدن محاصره آمریکا... / ۲۰-۲۱
نقطه تلاقی پول رژیم ایران و تجارت خانواده وزیر آمریکایی!... / فرید خلیفی ۲۱
وحالا آلمان! آفتی که به جان اروپا افتاده... / بهنام محمدی ۲۱
گزینه‌های حمله علیه جمهوری اسلامی به ترامپ ارائه شد... / ۲۲
تلاش قطر برای جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی... / ۲۳
تماس تلفنی ترامپ با نتانیاهو در میانه میانجیگری قطر... / ۲۴
دونالد ترامپ: باید تکلیف یکی دو سایت هسته‌ای ایران را روشن کنیم؛ کار ۱۰ دقیقه است!... / ۲۵
جمهوری اسلامی، نیروی دریایی و هوایی بریتانیا را «سازمان تروریستی» اعلام کرد!... / ۲۵
اولتیماتوم دادستان تهران برای برخورد با بلاگرها، تورهای گردشگری و بی‌حجابی... / ۲۶
گفتگو با ایمان صفتی درباره امکانات و مشکلات خبرنگاری در دو فضای ایرانی و اروپایی... / ۲۷
گزارشی از اختر قاسمی درباره نمایش «۷۷ ساعت» در کلن... / ۲۷
عبور نفت از میان آتش؛ پشت صحنه مأموریت کنترل تنگه هرمز توسط نیروی دریایی آمریکا... / ۲۸-۲۹
حملات آمریکا به مراکز نظامی در جنوب ایران ساعاتی پیش از آغاز انتخابات میاندوره‌ای آمریکا... / ۲۹
کلیسای پائول، میزبان «ریترِ ایرانی»... / بهزاد پرنیان ۳۰-۳۱
ما چه می‌خواهیم؟ از رهایی ایران تا تمرین رواداری برای آینده... / نادر زاهدی ۳۲
المیادین: مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند خروج اورانیوم‌ها از ایران زمینه‌ساز حمله بعدی خواهد بود... / ۳۲-۳۳
اجرای ۷۷ حکم اعدام در ایران طی ماه گذشته میلادی... / ۳۳



۴۸ سال پس از روزهای «عملیات مشترک»، دود کدام آتش چشمان فرانسه را می‌سوزاند؟... / مهدی قدیمی ۳۴-۳۶
تشدید رکود تورمی در بازار مسکن ایران... / ۳۶-۳۷
جمهوری اسلامی و خشونت نهادی علیه زنان... / ۳۸
تشدید کمبود گاز در ایران؛ احتمال قطع گاز در ۱۳ استان... / ۳۹
افشاگری یک اقتصاددان: دولت پزشکیان از سال گذشته دلار ۲۷۰ هزار تومانی را هدف‌گذاری... / ۴۰-۴۱
تورم کمرشکن برای مردم؛ ادعای «شکست دشمن» برای حکومت!... / ۴۱-۴۲
حذف «ارز ترجیحی» بیش از ۴۵۰۰ قلم کالا؛ منتظر موج جدید افزایش قیمت‌ها باشید!... / ۴۲-۴۳
بستری‌های سوختگی در ایران؛ ۲۹ درصد قربانیان اسیدپاشی عمدی و ۱۶ درصد اقدام به خودسوزی... / ۴۴
امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی انالوجه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی ۴۰۴، اعدام شدند... / ۴۵
کمبود و گرانی دارو از مرز هشدار گذشته است... / ۴۶-۴۷
چند کشته و زخمی در حمله افراد مسلح به نیروهای ارتش و انتظامی در استان سیستان و بلوچستان... / ۴۷
سقوط ساختار درمان؛ افزایش ۱۰ برابری قیمت تجهیزات پزشکی... / ۴۸
آیا عقیده‌ی سیاسی باید سرنوشت سلامت یک ایرانی را رقم بزند؟... / مهدی میرسعیدی ۴۹
بیش از ۳۵ حمله در یک ماه؛ راهزنی دریایی جمهوری اسلامی با روش‌های چریکی... / ۵۰-۵۱
تحریم یک شبکه هندی و یک شرکت ترکیه‌ای به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در... / ۵۱
خبـــرهای کوتاه... / ۵۲-۵۳
پشت جلد - عکس هفته / امانتدار ملت ۵۴

سرمقاله

در هواپیمای رهبران فراری جایی برای پیاده‌نظام سرکوبگر نیست!

در دوران پادشاهی پهلوی، پوشیدن یونیفرم نظامی ارزش و اعتبار داشت. افسران و درجه‌داران در کوچه و خیابان و میان مردم مورد احترام بوده و در زندگی شخصی از رفاه نسبی برخوردار بودند. محمدرضا شاه پهلوی با کمک امرای تحصیلکرده، ارتش نوین ایران را توسعه می‌داد. بخشی از برنامه‌های نیروهای مسلح آن دوران ارتقاء رفاه پرسنل بود. حقوق کافی، برخورداری از مسکن سازمانی، اوقات فراغت و امتیازاتی که خانواده و فرزندان نظامیان از آن برخوردار می‌شدند، سبب میشد تا پیوستن به نیروهای مسلح «عزت» باشد. دولت وقت پول نفت را صرف تجهیز ارتش با خرید انواع و اقسام هواپیماهای مدرن و تقویت نیروی هوایی، دریایی و زمینی می‌کرد تا کشور و منطقه در صلح بماند. خبری هم از «نیابتی» و حمایت‌های میلیارد دلاری از آنها نبود.



هرچند بعد از انقلاب اسلامی با شروع جنگ عراق، جایگاه نظامی‌ها در جامعه نزول پیدا کرد، اما بخش بزرگی از مردم برای «ارتش» هنوز ارزش و اعتبار قائل بودند. تعبیر این بود که ارتشی‌ها از خود مردم هستند. با اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از بدو تأسیس نهادی سرکوبگر بود، اما حتی آندسته از سپاهیانی هم که برای دفاع از میهن روانه جبهه‌ها می‌شدند، مورد احترام مردم بودند.

امروز اما وضعیت بسیار متفاوت است. بجز هواداران نظام، همان عده‌ای که تحت عنوان «جانفدا» در خیابان‌ها تجمع می‌کنند، اکثریتی بزرگ از مردم، نیروهای سپاه پاسداران و حتی انتظامی را سرکوبگر، مزدور و جنایتکار می‌دانند. هرچند ارتشی‌ها به صورت سازمانی و مستقیم در سرکوب مردم نقش ندارند اما سکوت و بی‌تفاوتی آنها در مقابل سرکوبگری‌های سپاه و انتظامی سبب شده تا آنها نیز نزد مردم بی‌اعتبار شوند. بعد از قتل عام مردم در خیزش دی‌ماه ۱۴۰۴ این باور که ارتشیِ دست‌پرورده‌ی جمهوری اسلامی «بی‌غیرت» است، تقویت شد.

نیروهای مسلح ایران، زیر پرچم جمهوری اسلامی امروز نه معیشت دارند، نه اعتبار. بسیاری از نظامی‌ها که تا پیش از جنگ، شغل دوم داشتند، به دلیل وضعیت جنگی آن را از دست داده‌اند. حقوق‌های ناچیز، تلفات سنگین و جنگ فرسایشی آنها را خسته کرده. موارد ترک خدمت، فرار، خودزنی و درگیری‌های یگانی افزایش پیدا کرده است.

در چنین وضعیتی وقتی یک آتش‌نشان، معلم یا کارگر از درد و رنج زندگی خود می‌گوید عمدتاً همدردی عمومی را پی دارد اما اگر یک نظامی مثلا در شبکه‌های اجتماعی از مشکلات معیشتی خود صحبت کند یا برای آمریکا و اسرائیل رجزبخواند، از واکنش کاربران می‌شود عمق تنفر از آنها را دریافت.

در شرایطی که هر آن احتمال از سر گرفتن جنگ وجود دارد، نظامی‌هایی که در مراکز و پادگان‌هایشان مدت‌هاست در حالت آماده‌باش هستند جانشان در خطر است. درست آن زمان که مقامات سیاسی و ملاهای عافیت‌طلب در دخمه‌ها پنهان‌اند، اطلاعات و موقعیت‌های نظامی‌ها لو می‌رود و هدف قرار می‌گیرند. سفره پرسنل خالیست و نارضایتی آنها از نظام به شدت زیاد. ولی تصمیم نهایی با خودشان است، که کنار مردم باشند یا سرنوشت خود را به حکومتی گره بزنند که در حال حاضر بی‌شباهت به وضعیت رژیم بشار اسد در سوریه نیست: در هواپیمای رهبران فراری جایی برای پیاده‌نظام سرکوبگر نیست!

تیتر هفته

پایداری یک ملت برای آزادی



دریافت جایزه «بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» توسط شاهزاده رضا پهلوی در ماه آبان، با توجه به دو رویداد مبارزاتی مهم مردم، یکی در تجمع آبان ۹۵ در پاسارگاد و دیگری اعتراضات سراسری آبان۹۸، برای ایرانیان نیز یادآور سال‌ها و روزهایی است که با همبستگی و پایداری، در مسیری دشوار و پرهزینه، برای رسیدن به آزادی و دموکراسی طی کرده‌اند؛ مسیری که همچنان ادامه دارد و رسیدنش به مقصد امری قطعی است.

اهدای جایزه «بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» به ملت ایران «به پاس شجاعت، فداکاری و مبارزه مداوم در راه دموکراسی، آزادی و حقوق مدنی» و دریافت این جایزه به امانت توسط شاهزاده رضا پهلوی همزمان با دهمین سالگرد تجمع بی‌سابقه و درخشان آبان۹۵ در پاسارگاد، یادآور مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران و تغییر جدی مسیر اعتراضات آنان از اصلاحات به سوی جنبشی براندازانه است که اکنون با نام «انقلاب ملی شیروخورشید» و با رهبری شاهزاده رضا پهلوی شناخته می‌شود.

روز شنبه هفتم نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۶ آبان ۱۴۰۵ شاهزاده رضا پهلوی جایزه «بنیاد فریدریش نائومان» به ملت ایران را به پاس شجاعت و مبارزه پایدارشان برای آزادی، دموکراسی و حقوق بشر دریافت می‌کند تا، آنطور که این بنیاد اعلام کرده، روزی آن را به نمایندگان منتخب مردم بسپارد.

مراسم اهدای این جایزه در کلیسای تاریخی «پائول» در شهر فرانکفورت آلمان برگزار می‌شود. این کلیسا یکی از مهمترین نمادهای تاریخی دموکراسی در کشور آلمان به شمار می‌رود که نقش برجسته‌ای در حافظه تاریخی مردم این کشور دارد.

دریافت این جایزه توسط شاهزاده رضا پهلوی در ماه آبان، با توجه به دو رویداد مبارزاتی مهم مردم، یکی در تجمع آبان ۹۵ در پاسارگاد و دیگری اعتراضات سراسری آبان۹۸، برای ایرانیان نیز یادآور سال‌ها و روزهایی است که با همبستگی و پایداری، در مسیری دشوار و پرهزینه، برای رسیدن به آزادی و دموکراسی طی کرده‌اند؛ مسیری که همچنان ادامه دارد و رسیدنش به مقصد امری قطعی است.

هفتم آبان۹۵، یک نقطه عطف

هفتم آبان ۱۳۹۵ همزمان با روز کوروش بزرگ، هزاران شهروند در اقدامی از پیش اعلام‌نشده در پاسارگاد تجمع کردند. گردهمایی در مقبره کوروش با شعارهای ملی و پادشاهی‌خواهانه از جمله «کوروش پدر ماست، ایران وطن ماست» و «مظهر آزادی ما کوروش است، آنکه قوی است نه آدمکش است» همراه شد. در این میان، شعارهایی چون «رضاشاه روحت شاد» و «شاهزاده تولدت مبارک»، که به زادروز شادهزاده در نهم آبان اشاره داشت، بیانگر توجه ویژه تجمع‌کنندگان به خاندان پهلوی بود.

این تجمع به علت حضور پرشمار مردم و غافلگیر شدن نهادهای امنیتی و انتظامی قابل سرکوب نبود اما در روزهای بعد ده‌ها تن از افراد شناسایی‌شده در تجمع بازداشت شدند و در سال‌های پس از آن نیز، پاسارگاد در هفتم آبان برای ورود عموم بسته ماند!

در هر حال، تجمع هفتم آبان ۱۳۹۵، نقطه عطف و آغاز مسیری بی‌بازگشت در اعتراضات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. اگرچه از نخستین هفته‌ها پس از پیروزی انقلاب ۵۷ نارضایتی و اعتراض به جمهوری اسلامی، از جمله تجمع بزرگ زنان مخالف با حجاب در ۱۷ اسفند ۵۷ در تهران، جریان داشت اما عمدتا مقطعی بودند. اتاق فکرهای امنیتی جمهوری اسلامی که پس از پایان جنگ ایران- عراق دریافته بودند پتانسیل اعتراضی گسترده‌ای در جامعه شکل گرفته و دیگر نمی‌توان «ناکارآمدی‌ها و سوء مدیریت‌ها» را پشت عنوان جنگ پنهان و توجیه کرد، با راه‌اندازی جریان اصلاحات تلاش کردند تا یک آلترناتیو «خودی» برای جلب و جذب شهروندان منتقد و

←

معترض ایجاد کنند. این پروژه امنیتی برای مدتی توانست بخشی از افکار عمومی در ایران را مشغول کند و در رویدادهایی مانند اعتراضات دانشجویی تیر۷۸ که با ماهیت اصلاح‌طلبانه اما حضور جمعی از دانشجویان

نوروز و... ادامه یافته بود در آبان۹۵ نخستین نمود سیاسی خود را در پاسارگاد به نمایش گذاشت.

اعتراضات سال‌های بعد در دی۹۶، امرداد ۹۷، آبان۹۸، شهریور ۴۰۱ همگی در ادامه مسیری قرار گرفتند که تجمع

حداکثری جهانی برای تحقق آن، به کار می‌بندم.»

اعتراضات دی ۱۴۰۵ نیز مانند اعتراضات سال‌های گذشته در واکنش به افزایش قیمت ارز و اعتصاب کسبه از بازار تهران گسترش یافت و با سرعت به اعتراضاتی سراسری و



مخالف حکومت شکل گرفت، پتانسیل اعتراضی به ویژه جوانان را تخلیه کند. بازداشت‌ها و برخوردهای امنیتی نیز صحنه اقدامات اعتراضاتی تحت مدیریت تئوریسین‌های امنیتی اصلاح‌طلب را تکمیل می‌کرد.

نقطه پایان بر اصلاح‌طلبی

اعتراضات خرداد ۸۸ که علیه نتایج انتخابات ریاست جمهوری حکومت شکل گرفت، بزرگترین خیزش سال‌های پیش از دهه ۹۰ خورشیدی به شمار می‌رود. جناح به اصطلاح اصلاح‌طلب پشت نامزدی میرحسین موسوی و مهدی کروبی در انتخابات قرار گرفتند و در آنسو محمود احمدی‌نژاد مورد حمایت جناح اصولگرا قرار گرفت و دو قطبی هیجان‌انگیزی از انتخابات فرمایشی ترسیم شد.

با پیروزی محمود احمدی‌نژاد، جرقه اعتراضات زده شد و مردم جان به لب رسیده و بخشی از مخالفان در درون و خارج کشور نیز با اعتراضات گسترده‌ای که به «جنبش سبز» معروف شد همراه شدند. پا پس کشیدن میرحسین موسوی از حقوق ملت در بیانیه‌ها و تأکید و پافشاری‌اش بر وفاداری تمام و کمال به جمهوری اسلامی و قانون اساسی‌اش و آرمان‌های روح‌الله خمینی، و درخواست مکرر برای بازگشت مردم به خانه‌ها و خویشتنداری آنها، مانند پتکی بر سر اکثر تجمع‌کنندگانی فرود آمد که به سوی آنها شلیک شده و به شدت سرکوب شده بودند. اما همین شوک در عمل سبب گذاشتن نقطه پایان بر اصلاح‌طلبی شد و شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا» که در سال‌های بعد سر داده شد، تأکید بر همین نقطه پایان است.

جنبش ملی از پیروزی انقلاب ۵۷ تا آبان ۹۵ همواره زیر پوست جامعه در برابر حکومتی که آمده بود تا هویت ایرانی مردم را بزداید و از آنها «امت اسلامی» در خدمت یک «انقلاب جهانی» بسازد در جریان بود. این جنبش که در سال‌های بعد از انقلاب ۵۷ با مقاومت‌های مدنی از جمله در برگزاری جشن‌های ملی مانند یلدا و چهارشنبه‌سوری و

پاسارگاد نیز تداوم آن بود. مسیری که تجمعات اعتراضی را در یک حرکت تاریخی، از اصلاح‌طلبی به براندازی با تأکید بر هویت ملی و دموکراسی تغییر داد. بسیاری این تغییر را «بیداری ملی» ارزیابی می‌کنند. تکرار شعارهایی چون «رضاشاه روحت شاد» در همه اعتراضات سراسری که پس از آبان۹۵ رخ داد بیانگر همین «بیداری ملی» و تداوم آن است.

حتی در اعتراضات ۱۴۰۱ که برخی گروه‌های سیاسی اپوزیسیون و احزاب تلاش کردند اعتراضات را به جنسیت، استان یا قوم و تباری محدود کاهش دهند، مردم معترض در سراسر ایران، با هوشیاری، با سر دادن شعارهایی چون «از کردستان تا تهران، جانم فدای ایران» بر همبستگی ملی در جنبش آزادیخواهانه‌ی خود تأکید کردند.

از سوی دیگر اگرچه کشته شدن مهسا امینی به دست مأموران گشت ارشاد در شهریور۴۰۱ و پیش از آن، بحران‌های اقتصادی مانند افزایش ناگهانی قیمت بنزین در آبان۹۸ آغازگر تجمعاتی بودند که به سرعت به اعتراضات سراسری تبدیل شدند اما ماهیت سیاسی این اعتراضات همواره با خواست براندازی حکومت در شعارها و پایداری مردم نمایان بوده است.

انقلاب شیروخورشید به رهبری شاهزاده رضا پهلوی

شاهزاده رضا پهلوی که در درازای ۴۷ سال گذشته و از سال‌های جوانی تا کنون مبارزه برای آزادی ایران از چنگال جمهوری اسلامی را با تکیه بر خواست و نظر مردم ادامه داده است، طی سال‌های اخیر نیز بارها از سوی مردم ایران در جریان اعتراضات خیابانی صدا زده شد. او در آبان ۱۴۰۳ در پیامی خطاب به «ملت بزرگ ایران» اعلام کرد: «من بنا به خواست شما، آمادگی خود را برای هدایت تغییر و رهبری دوران گذار اعلام کرده‌ام. توان من ناشی از قدرت شماست. نیرویی را که از تداوم مبارزه و اعتراضات حق‌طلبانه‌تان می‌گیرم، در مسیر استقرار دولتی ملی، و جلب حمایت

بی‌سابقه در بیش از ۱۱۰ شهر کشور تبدیل شد. یکی از مهمترین تفاوت این اعتراضات، پذیرش نقش رهبری شاهزاده رضا پهلوی از سوی معترضان و پاسخ مردم به فراخوان‌های وی است. شعارهای چون «جاویدشاه»، «پهلوی بر میگرده» و «ای شاه ایران برگرد به ایران» و بالابردن تصاویر شاهزاده رضا پهلوی، محمدرضاشاه فقید و شهبانو فرح پهلوی، پیام گویای معترضان است. این دور از اعتراضات مردم ایران از سوی شاهزاده رضا پهلوی با عنوان «انقلاب شیروخورشید» معرفی شده و حمایت گسترده ایرانیان خارج کشور با برگزاری صدها تجمع و تظاهرات، و چند تظاهرات بزرگ در کشورهایی چون آلمان و آمریکا و کانادا با حضور چندصد هزار تن، نشان داده است که جنبش ملی که طی چند سال بلوغ یافته و گسترده شده، حالا در ابعاد یک انقلاب در برابر جمهوری اسلامی ظاهر شده است.

در دی۴۰۴ جمهوری اسلامی با قساوتی بی‌مانند ده‌ها هزار شهروند بی‌دفاع را در جریان چند روز به رگبار بست و هزاران تن را مجروح و بازداشت کرد و بزرگترین کشتار مردم غیرنظامی توسط حکومت مستقر در یک کشور را رقم زد و نام خود را به عنوان سرکوبگرترین حکومت تاریخ معاصر جهان ثبت کرد. با وجود چنین سرکوب خونینی اما همچنان نبض انقلاب شیروخورشید در رگ‌های جامعه ایران می‌تپد.

از سوی دیگر، رویکرد دولت‌ها و نهادهای غربی نسبت به نقش شاهزاده رضا پهلوی، از جمله دعوت او به کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۲۶، و اعطای جایزه «آزادی» بنیاد فریدریش نائومان به او به عنوان امانتدار ملت ایران، نشان می‌دهد جهان نیز به تدریج نقش وی را در رهبری مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران پذیرفته و مجبور است سرانجام به خواست یک ملت تسلیم شود. مردم ایران امیدوارند کشورهای غربی، همانطور که شاهزاده رضا پهلوی هفته جاری در پارلمان اتحادیه اروپا تأکید کرد، با پایان دادن به مماشات با جمهوری اسلامی، در مسیر مبارزه برای آزادی و دموکراسی به آنها یاری برسانند.

شاهزاده رضا پهلوی در «تایمز بروکسل»:

اروپا باید در کنار مردم ایران بایستد



دیدار شاهزاده رضا پهلوی با کریستوف گومار، نایب رئیس کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان اروپا و عضو فراکسیون «حزب مردم اروپا» / بروکسل/ سه‌شنبه ۳ نوامبر ۲۰۲۶

روشن و یکسان خواهد بود: سیاست اروپا در قبال جمهوری اسلامی به شکست انجامیده است و نمایندگان منتخب مردم اروپا از جمله کسانی هستند که بیش از دیگران در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند این سیاست را تغییر دهند. تغییری که نه‌تنها به سود ملت ایران، بلکه در راستای منافع و امنیت اروپا و شهروندان آن نیز خواهد بود.

ایستادن در کنار مردم ایران اقدامی از سر خیرخواهی نیست، بلکه ضرورتی برای تأمین امنیت ملی اروپاست.

سرنوشت ایران را ملت ایران رقم خواهد زد. آنچه امروز از اروپا انتظار می‌رود، نه تعیین آینده‌ی ایرانیان، بلکه پایان دادن به سیاست‌هایی است که به تداوم حیات جمهوری اسلامی یاری می‌رساند.

مردم ایران برای آزادی بپا خاسته‌اند. اکنون زمان آن است که اروپا نیز در کنار این ملت و در سوی درست تاریخ بایستد.

من برای سرنگونی جمهوری اسلامی طرح و برنامه‌ای مشخص دارم: شکل دادن به جنبشی فراگیر در تمامی شهرها و شهرستان‌های ایران، تعمیق شکاف‌ها و اختلافات درونی رژیم و ترغیب نیروهای امنیتی به جدا شدن از آن و پیوستن به مردم، گرد آوردن ایرانیان خارج کشور در گسترده‌ترین ائتلاف ممکن، و جلب حمایت‌های عملی و مؤثر از خارج کشور. هدف من از سفر به بروکسل نیز دستیابی به همین حمایت‌هاست.

آنچه ملت ایران از اروپا انتظار دارد، ابراز همدردی و دلسوزی نیست، بلکه پایان دادن به سیاستی است که همچنان برای نجات رژیمی رو به زوال، طناب نجات به سوی آن می‌اندازد. اروپا خود به خوبی می‌داند که چگونه باید به این سیاست پایان دهد.

شاهزاده رضا پهلوی که این روزها طی سفر اروپایی خود در کشورهای بلژیک و آلمان حضور می‌یابد، سه‌شنبه ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۵ برابر با سوم نوامبر ۲۰۲۶ در مقاله‌ای جامع و تأثیرگذار که در «تایمز بروکسل» منتشر شده، از جمله بر نقش کشور بلژیک و پایتخت آن در مبارزات ملت ایران برای رسیدن به آزادی و دموکراسی تأکید کرده است.

متن کامل این مقاله را در ادامه می‌خوانید.

بروکسل در تاریخ مبارزات ملت ایران برای دستیابی به آزادی و دموکراسی جایگاهی ویژه دارد. بیش از یک قرن پیش، هنگامی که ایرانیان در جریان جنبش مشروطه نخستین قانون اساسی خود را تدوین می‌کردند، قانون اساسی بلژیک را یکی از الگوهای خویش قرار دادند.

این هفته به بروکسل سفر می‌کنم؛ شهری که نهادهای اروپایی مستقر در آن، نگاهبانی از منافع، آزادی، رفاه و آینده‌ی ۴۵۰ میلیون شهروند اروپا را بر عهده دارند.

در جریان این سفر، با رهبران پارلمان اروپا از احزاب و گرایش‌های سیاسی گوناگون دیدار و گفتگو خواهم کرد. همچنین با شماری از اعضای دولت و پارلمان بلژیک ملاقات خواهم داشت.

پیام من به تمامی آنان روشن و یکسان خواهد بود: سیاست اروپا در قبال جمهوری اسلامی به شکست انجامیده است و نمایندگان منتخب مردم اروپا از جمله کسانی هستند که بیش از دیگران در موقعیتی قرار دارند که می‌توانند این سیاست را تغییر دهند. تغییری که نه‌تنها به سود ملت ایران، بلکه در راستای منافع و امنیت اروپا و شهروندان آن نیز خواهد بود.

اروپا برای شناخت ماهیت و کارنامه‌ی جمهوری اسلامی نیازی به معرفی این رژیم ندارد. تنها در سال‌های اخیر، همینجا در بلژیک، فردی که در پوشش دیپلمات جمهوری اسلامی فعالیت می‌کرد، به اتهام دست داشتن در توطئه‌ی بمب‌گذاری در فرانسه، در دادگاهی در شهر آنتورپ محکوم شد. یک امدادگر بلژیکی [در ایران] به گروگان گرفته شد تا سرانجام در ازای آزادی همان دیپلمات محکوم‌شده، آزاد گردد. در همین حال، یک پژوهشگر دانشگاهی که سابقه‌ی تدریس در دانشگاه آزاد بروکسل را دارد، یک دهه

←

است که در تهران در خطر حکم اعدام بسر می‌برد.

در آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئد و دیگر کشورهای اروپایی نیز شبکه‌هایی از عوامل افراطی که از سوی جمهوری اسلامی تأمین مالی می‌شوند، سرگرم طراحی و تدارک حملات تروریستی هستند.

اتحادیه اروپا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است. اقدامی مثبت که باید از آن استقبال کرد. با اینهمه، سیاست اروپا در قبال تهران همچنان تا حد زیادی بر مماشات با جمهوری اسلامی استوار است؛ سیاستی که زمامداران این رژیم به خوبی از آن آگاه هستند و در محاسبات خود بر تداوم آن حساب می‌کنند.

اروپا در پذیرش این واقعیت که جمهوری اسلامی رژیمی ضعیف، متزلزل و گرفتار شکاف‌ها و اختلافات عمیق درونی است و سرانجام فرو خواهد پاشید، بیش از اندازه تعلل ورزیده است. در ماه ژانویه، میلیون‌ها ایرانی از سراسر کشور، از تمامی استان‌ها و از اقشار و طبقات گوناگون جامعه، علیه جمهوری اسلامی بپا خاستند. تنها در دو شب، بیش از ۴۰ هزار تن از آنان به خاک و خون کشیده شدند.

از آن پس، جمهوری اسلامی آموخته است چگونه بی‌آنکه کشتارهایش به صدر اخبار رسانه‌ها راه یابد، همچنان به کشتن ادامه دهد. زندانیان را هربار یک یا دو نفر به چوبه‌ی دار می‌سپارد و شماری را نیز در ملاء عام از جرثقیل حلق‌آویز می‌کند. از ماه ژانویه تا کنون، بیش از ۷۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند و در حال حاضر نیز بیش از ۱۰۰ تن از معترضان با خطر اجرای حکم اعدام روبرو هستند.

این شیوه‌ی رفتار حکومتی نیست که به اقتدار و بقای خود اطمینان داشته باشد، بلکه به جانوری زخم‌خورده می‌ماند که از سر درماندگی به هر سو چنگ می‌اندازد و دندان نشان می‌دهد و می‌آزماید که تا کجا می‌تواند به خشونت و سرکوب ادامه دهد، بی‌آنکه بهایی برای آن بپردازد.

رژیمی با چنین ماهیت و کارنامه‌ای نمی‌تواند شریکی قابل اعتماد باشد. جمهوری اسلامی در طول ۴۷ سال گذشته پیوسته دروغ گفته و هربار که پای میز مذاکره نشسته، هدفی جز خریدن زمان نداشته است. هرگونه توافق با این رژیم نیز تنها تا زمانی دوام خواهد آورد که فرصت و توان کافی برای نقض آن را به دست نیاورده باشد. به محض آنکه زمان لازم را خریده و قدرت خود را بازیافته باشد، همان توافق را نیز زیر پا خواهد گذاشت.

جمهوری اسلامی با حمایت از جنگ روسیه علیه اوکراین، تلاش برای دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای، توسعه‌ی موشک‌هایی که بُرد آنها به خاک اروپا می‌رسد، باج‌خواهی از کشورهای اروپایی از طریق بستن تنگه‌ی هرمز و دست زدن به اقدامات تروریستی در خاک اروپا، امنیت این قاره را به مخاطره انداخته است.

از این رو، ایستادن در کنار ملت ایران نه اقدامی از سر خیرخواهی و نوع‌دوستی، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تأمین امنیت ملی اروپا و حفاظت از منافع و امنیت شهروندان آن است.

ایرانیان چشم‌انتظار آن نیستند که جهانیان برای نجات آنان به میدان بیایند. آنان خود برای رهایی از جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و از من خواسته‌اند رهبری این مبارزه را بر عهده بگیرم.

من برای سرنگونی جمهوری اسلامی طرح و برنامه‌ای مشخص دارم: شکل دادن به جنبشی فراگیر در تمامی شهرها و شهرستان‌های ایران، تعمیق شکاف‌ها و اختلافات درونی رژیم و ترغیب نیروهای امنیتی به جدا شدن از آن و پیوستن به مردم، گرد آوردن ایرانیان خارج کشور در گسترده‌ترین ائتلاف ممکن، و جلب حمایت‌های عملی و مؤثر از خارج کشور. هدف من از سفر به بروکسل نیز دستیابی به همین حمایت‌هاست.

این ائتلاف، گستره‌ای به وسعت سراسر ایران دارد و تمامی طیف‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد: از چپ تا راست، از جمهوریخواهان تا پادشاهی‌خواهان، و از تمامی اقوام و گروه‌های مذهبی در مناطق مختلف کشور.

آنچه این مجموعه‌ی متنوع را به یکدیگر پیوند می‌دهد، پایبندی به چهار اصل بنیادین است: حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی ایران، جدایی دین از حکومت، تضمین حقوق فردی تمامی شهروندان، و به رسمیت شناختن حق ملت ایران برای تعیین نوع نظام سیاسی آینده‌ی کشور از طریق انتخاباتی آزاد، سالم و منصفانه.

در این جنبش، برای هر فرد و جریان سیاسی که این چهار اصل را بپذیرد، جایگاه و امکان مشارکت وجود دارد. حتی برای کسانی که با من و دیدگاه‌هایم اختلاف نظر دارند.

ما همچنین خود را برای فردای پس از جمهوری اسلامی آماده می‌کنیم. در چارچوب «پروژه شکوفایی ایران»، گروهی از کارشناسان، متخصصان و مدیران فنی و اجرایی در ده‌ها حوزه گوناگون، سرگرم تدوین برنامه‌ها و پی‌ریزی بنیان‌های لازم برای استقرار یک نظام دموکراتیک باثبات و پایدار هستند. هدف من دستیابی به ثباتی ماندگار و بلندمدت است، نه کسب یک پیروزی شتابزده و زودگذر.

آنچه ملت ایران از اروپا انتظار دارد، ابراز همدردی و دلسوزی نیست، بلکه پایان دادن به سیاستی است که همچنان برای نجات رژیمی رو به زوال، طناب نجات به سوی آن می‌اندازد. اروپا خود به خوبی می‌داند که چگونه باید به این سیاست پایان دهد.

پس از تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، کشورهای اروپایی مأموران اطلاعاتی روسیه را که در پوشش دیپلماتیک فعالیت می‌کردند، از خاک خود اخراج کردند، شبکه‌های مالی و اقتصادی وابسته به ثروتمندان بانفوذ روس را هدف تحریم قرار دادند، دارایی‌هایی را که به نام بستگان و عوامل نیابتی آنان پنهان شده بود، شناسایی و ردیابی کردند و حساب‌های بانکی و املاک و مستغلات مجلل آنان را مسدود ساختند.

جمهوری اسلامی نیز باید با همان تدابیر و محدودیت‌ها روبرو شود و پارلمان اروپا می‌تواند در پیشبرد و اجرای چنین سیاستی نقشی پیشگام بر عهده بگیرد.

نمایندگان پارلمان اروپا می‌توانند در پنج زمینه‌ی مشخص و مؤثر دست به اقدام بزنند:

نخست: تعیین معیار و پیشگامی در تغییر سیاست اروپا

پارلمان اروپا سال‌ها خواستار قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی بود. خواسته‌ای که سرانجام در ماه ژانویه [۲۰۲۶] تحقق یافت. اکنون این نهاد باید با بهره‌گیری از قطعنامه‌های خود، از شورای اتحادیه‌ی اروپا و کمیسیون اروپا بخواهد همان مجموعه تدابیر و ساز و کارهایی را که پیشتر علیه روسیه به کار گرفته شد، در قبال جمهوری اسلامی نیز به اجرا بگذارند.

از جمله این اقدامات، تشکیل کارگروهی ویژه، مشابه کارگروهی است که اروپا برای مسدود کردن و توقیف دارایی‌های ثروتمندان بانفوذ روسیه ایجاد کرده است. کارگروهی با مأموریت شناسایی صاحبان اصلی و ذینفعان واقعی دارایی‌ها، افشای شبکه‌های پنهان مالکیت، تعطیل کردن شرکت‌های پوششی و صوری، و شناسایی و مسدود ساختن ثروت‌های پنهان جمهوری اسلامی و وابستگان آن.

دوم: اعمال فشار بر دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا برای اخراج عوامل و برچیدن شبکه‌های وابسته به جمهوری اسلامی

این اقدامات نباید تنها به اخراج دیپلمات‌های رژیم محدود بماند، بلکه باید مأموران و عوامل عملیاتی سپاه پاسداران، بستگان و نزدیکانی را که ثروت و دارایی‌های رژیم به نام آنان نگهداری می‌شود، و همچنین واسطه‌ها و کارگزارانی را در بر بگیرد که در پولشویی، دور زدن تحریم‌ها، تهدید و ارعاب مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور و خرید املاک و مستغلات به نمایندگی از رژیم نقش دارند.

پارلمان‌های ملی کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز می‌توانند با طرح مکرر و صریح این مطالبات و اعمال فشار مستمر بر دولت‌های متبوع خود، بر ضرورت اقداماتی تأکید کنند که اجرای آنها مدت‌هاست به تأخیر افتاده است.

سوم: بهره‌گیری از اهرم بودجه و اختیارات مالی پارلمان اروپا

پارلمان اروپا در تصمیم‌گیری درباره‌ی بودجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا از اختیارات مشترک برخوردار است. این نهاد می‌تواند با اختصاص منابع مالی لازم به ابزارهای اینترنتی که هنگام قطع اینترنت از سوی جمهوری اسلامی، امکان حفظ ارتباط ایرانیان با شبکه‌ی جهانی اینترنت را فراهم می‌کنند، مانع از آن شود که ۹۰ میلیون ایرانی بار دیگر ارتباط‌شان با جهان قطع شود.

چهارم: اجازه ندهید شجاعت و جانفشانی مردم ایران به اعداد و ارقام در گزارش‌ها تقلیل یابد

امروز بیش از ۱۰۰ تن از معترضان در ایران با خطر اجرای حکم اعدام روبرو هستند. نمایندگان شماری از پارلمان‌های اروپایی با بر عهده گرفتن کفالت سیاسی زندانیان به صورت فردی، نام و سرنوشت آنان را بارها و آشکارا مطرح کرده و در برابر افکار عمومی و نهادهای بین‌المللی قرار داده‌اند.

جمهوری اسلامی زندانیان را هربار یک یا دو نفر به چوبه‌ی دار می‌سپارد، زیرا بر این تصور است که کسی نظاره‌گر این اعدام‌ها نیست و سرنوشت قربانیان در سکوت و بی‌خبری به فراموشی سپرده خواهد شد. هر نماینده‌ی پارلمان اروپا که کفالت سیاسی یک زندانی را بر عهده بگیرد، این تصور رژیم را باطل می‌کند و نشان می‌دهد که اعدام زندانیان و سرکوب معترضان در ایران از چشم جهانیان پنهان نخواهد ماند.

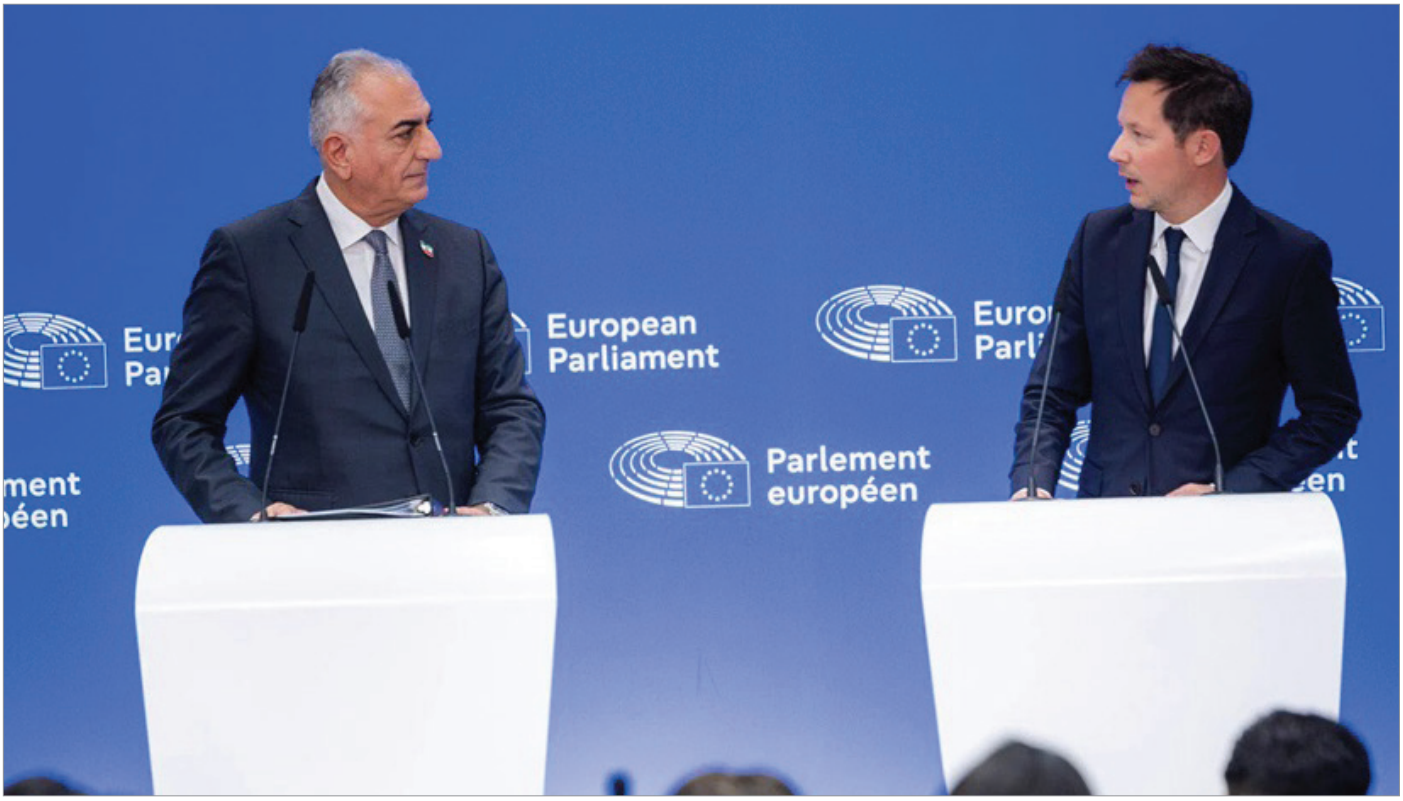
پنجم: همکاری با ما برای تسهیل و تسریع جدایی نیروها و کارگزاران از ساختار جمهوری اسلامی

دوران گذاری که ما در پی آن هستیم، نباید به فاجعه‌ای مشابه آنچه در جریان بعث‌زدایی در عراق روی داد، منتهی شود. مقامات و کارگزاران جمهوری اسلامی که از رژیم جدا شوند و در کنار ملت ایران قرار گیرند، در ایران آینده، جایگاهی خواهند داشت.

ما تا کنون در این زمینه پیشرفت‌هایی داشته‌ایم. از شما می‌خواهیم با همکاری و حمایت خود، به گسترش و شتاب بخشیدن به این روند یاری رسانید.

***منبع: تایمز بروکسل**
ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا؛ «در کنار مردم ایران می‌ایستید یا به مماشات با جمهوری اسلامی ادامه می‌دهید؟»



شاهزاده رضا پهلوی و فرانسوا- خاویر بلامی نایب رئیس فراکسیون «حزب مردم اروپا» در پارلمان اروپا/ بروکسل / چهارم نوامبر ۲۰۲۶

فرانسوا- خاویر بلامی نایب رئیس فراکسیون «حزب مردم اروپا» در پارلمان اروپا و سیاستمدار راست میانه فرانسوی که به همراه شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس خبری شرکت کرده بود با تأکید بر تهدیدات جمهوری اسلامی علیه امنیت کشورهای اروپایی، بر لزوم حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران تأکید کرد.

شاهزاده رضا پهلوی درباره اثرات انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر ایالات متحده و پیروزی دموکرات‌ها بر آینده جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا و تهدیدهایی که همچنان از سوی رژیم و رهبرش ادامه دارد، گفت: «درباره انتخابات آمریکا، تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که این دموکراسی است. این دقیقاً ماهیت دموکراسی است. این همان چیزی است که ما می‌خواهیم روزی در ایران داشته باشیم؛ زمانی که شهروندان ایرانی حق رأی دادن در انتخابات را داشته باشند، حقی که امروز از آن برخوردار نیستند. چه چپگرا باشید و چه راستگرا، باید از حقوق مردم ایران دفاع کنید.»

رهبر انقلاب شیروخورشید با یادآوری اینکه خوشحالی جمهوری اسلامی از نتایج انتخابات در هر کشوری زنگ خطر جدی برای غرب است، تأکید کرد: «مبارزه با جمهوری اسلامی نه مبارزه آمریکا یا اروپا، بلکه مبارزه مردم ایران برای آزادی است، اما مردم ایران به تنهایی نمی‌توانند پیروزی شوند.»

وی درباره مسیر آینده مبارزات ایران و همچنین صدور فراخوان آتی برای اعتراضات سراسری مردم، با اشاره به اعتراضات دی۴۰۴ با تأکید بر اینکه موضوع تعیین‌کننده این است که مردم چگونه می‌توانند بار دیگر کنترل خیابان‌ها را به دست بگیرند، از جمله گفت: «مسئولیت من زمانی که قرار است فراخوانی دهیم اینست که با کمترین تلفات ممکن، با کمترین هزینه ممکن، این موازنه قدرت را به جایی برسانیم که بخشی از آن شاید کمک خارج به مردم ایران باشد؛ تقویت کردن مردم بطوری که وسایلی برای دفاع از خود و دفاع مشروع داشته باشند و در آن واحد فشاری باشد بر عواملی که فکر می‌کنند با آن توحش می‌توانند مردم را ساکت کنند و مانع بازگشت آنها [به خیابان] باشند.»

شاهزاده رضا پهلوی در جریان سفر اروپایی خود به بلژیک و آلمان، روز چهارشنبه چهارم نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۳ آبان ۱۴۰۵ ضمن دیدار با شماری از نمایندگان پارلمان اروپا، در یک کنفرانس خبری در محل پارلمان شرکت کرد و به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ گفت.

فرانسوا- خاویر بلامی نایب رئیس فراکسیون «حزب مردم اروپا» در پارلمان اروپا و سیاستمدار راست میانه فرانسوی که به همراه شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس خبری شرکت کرده بود با تأکید بر تهدیدات جمهوری اسلامی علیه امنیت کشورهای اروپایی، بر لزوم حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران تأکید کرد.

شاهزاده رضا پهلوی در این کنفرانس خبری بار دیگر تأکید نمود که جمهوری اسلامی یک حکومت جهادیِ انقلابی است که ایران را اشغال کرده و آن را به پایگاه تروریسم جهانی تبدیل کرده است. او گفت: «تا زمانی که این رژیم در قدرت بماند، نمی‌توان صلح و ثبات در خاورمیانه داشت؛ این رژیم باید برود، نه تنها به نفع مردم ایران، بلکه به نفع اروپایی‌ها نیز هست.»

شاهزاده رضا پهلوی یادآوری کرد: «ایران در مسیری قرار داشت که می‌توانست به کره جنوبیِ خاورمیانه تبدیل شود. اما در مقابل، به کره شمالی خاورمیانه تبدیل شد چرا که حکومتی بر پایه ایدئولوژی اسلامگرایی و مارکسیستی، قدرت را در کشور به دست گرفت.»

شاهزاده رضا پهلوی درباره اثرات انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر ایالات متحده و پیروزی دموکرات‌ها بر آینده جنگ جمهوری اسلامی و آمریکا و تهدیدهایی که همچنان از سوی رژیم و رهبرش ادامه دارد، گفت: «درباره انتخابات آمریکا، تنها چیزی که می‌توانم بگویم این است که این دموکراسی است. این دقیقاً ماهیت دموکراسی است. این همان چیزی است که ما می‌خواهیم روزی در ایران داشته باشیم؛ زمانی که شهروندان ایرانی حق رأی دادن در انتخابات را داشته باشند، حقی که امروز از آن برخوردار نیستند. چه چپگرا باشید و چه راستگرا، باید از حقوق مردم ایران دفاع کنید.»

او در ادامه توضیح داد: «زمان آن رسیده که کشورهای غربی به مردم ایران به عنوان جایگزینی واقعی برای جمهوری اسلامی نگاه کنند و بجای مذاکره و امتیاز دادن به حکومت، در مبارزه مردم ایران برای آزادی شریک شوند.»

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید بر اینکه در طول ۴۷ سال گذشته همواره جمهوری اسلامی از مذاکرات برای «خرید وقت» استفاده کرده است، گفت: «جمهوری اسلامی فقط زبان قدرت را می‌فهمد و با [برخورد ضعیف] و مماشات، رفتار خود را تغییر نخواهد داد.»

رهبر انقلاب شیروخورشید با یادآوری اینکه خوشحالی جمهوری اسلامی از نتایج انتخابات در هر کشوری زنگ خطر جدی برای غرب است، تأکید کرد: «مبارزه با جمهوری اسلامی نه مبارزه آمریکا یا اروپا، بلکه مبارزه مردم ایران برای آزادی است، اما مردم ایران به تنهایی نمی‌توانند پیروزی شوند.»

او همچنین با اشاره به اینکه «حمایت از مردم ایران باید فراتر از قطعنامه‌ها و موضع‌گیری‌های نمادین باشد»، گفت: «مردم ایران نیز در مبارزات خود معطل تصمیم‌گیری دولت‌های غربی نخواهند ماند.»

وی درباره مسیر آینده مبارزات ایران و همچنین صدور فراخوان آتی برای اعتراضات سراسری مردم، با اشاره به اعتراضات دی۴۰۴ با تأکید بر اینکه موضوع تعیین‌کننده این است که مردم چگونه می‌توانند بار دیگر کنترل خیابان‌ها را به دست بگیرند، گفت: «فرای آنکه این رژیم کاملا مشروعیت‌اش را از دست داده، درواقع یک موازنه قدرت عملی است که چگونه خیابان‌های ایران به مردم این فرصت را خواهند داد تا برگردند و حق‌شان را بگیرند. چیزی که اتفاق افتاد این بود که رژیم از روی وحشت اینترنت را قطع کرد و مردم را سرکوب کرد. سیاست ارعاب و ترس و ناامید کردن مردم جزو استراتژی همیشگی نظام بوده اما من فکر نمی‌کنم هم‌میهنانمان دلسرد یا ناامید شده باشند؛ برعکس، با این دریای خونی که بین ما و رژیم فاصله انداخته، تا زمانی که ایران آزاد نشود مبارزه‌مان ادامه خواهد داشت. همه ما حاضر هستیم جان‌مان را در این راه هزینه کنیم. اما مسئولیت من زمانی که قرار است فراخوانی دهیم اینست که با کمترین تلفات ممکن، با کمترین هزینه ممکن، این موازنه قدرت را به جایی برسانیم که بخشی از آن شاید کمک خارج به مردم ایران باشد؛ تقویت کردن مردم بطوری که وسایلی برای دفاع از خود و دفاع مشروع داشته باشند و در آن واحد فشاری باشد بر عواملی که فکر می‌کنند با آن توحش می‌توانند مردم را ساکت کنند و مانع بازگشت آنها [به خیابان] باشند.»

او همچنین با اشاره به اینکه طی سفرهای ماه‌های گذشته به کشورهای اروپایی و دیدار با مقامات سیاسی دریافته که درک روشنی از تهدیدهای جمهوری اسلامی علیه اروپا وجود دارد، بار دیگر خطاب به رهبران احزاب سیاسی در غرب تأکید کرد: «بهتر است روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنید، نه اینکه به تغییر رفتار جمهوری اسلامی امید ببندید. همه احزاب در اروپا و آمریکا باید از مبارزه مردم ایران حمایت کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی همچنین روز شنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۴۰۵ با شماری از نمایندگان پارلمان اروپا از جمله دیوید مک‌آلیستر رئیس کمیسیون امور خارجه پارلمان اروپا، سباستین تینکینن رئیس هیئت فنلاندی در فراکسیون محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپا، و چارلی وایمرز نایب‌رئیس فراکسیون محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان اروپا، دیدار و گفتگو کرد.

اقدامات عملی اتحادیه اروپا برای حمایت از مردم ایران از جمله مواردی چون اعمال تحریم‌های بیشتر علیه جمهوری اسلامی، کمک به حفظ دسترسی آزاد و پایدار مردم به اینترنت، حمایت نظامی جمهوری اسلامی از روسیه در جنگ اوکراین، نقش جمهوری اسلامی در تأمین مالی گروه‌های تروریستی، از محورهای گفتگو در دیدار شاهزاده رضا پهلوی با نمایندگان پارلمان اروپا بود.

همچنین دفتر ارتباطات شاهزاده رضا پهلوی گزارش داده، دانیال عیوضی از آسیب‌دیدگان سرکوب اعتراضات دی۴۰۴، و سارا صادقی محسنی و ارسلان خوبی‌پور که برادرانشان در اعتراضات دی‌ماه جان باختند، با هدف «طرح روایت‌های بازماندگان و خانواده‌های کشته‌شدگان اعتراضات» در دیدار شاهزاده با نمایندگان پارلمان اروپا حضور داشتند.

همزمان رهبر انقلاب شیروخورشید در یادداشتی که روز گذشته در روزنامه «بروکسل تایمز» منتشر شد، از کشورهای اروپایی خواست تا از سیاست مماشات با جمهوری اسلامی دست بردارند.

او در این یادداشت استدلال کرد که ادامه سیاست معامله با تهران نه‌تنها به سود مردم ایران نیست، بلکه با منافع امنیتی اروپا نیز تعارض دارد. وی افزود: «اروپا در پذیرش این واقعیت که جمهوری اسلامی رژیمی ضعیف، متزلزل و گرفتار شکاف‌ها و اختلافات عمیق درونی است و سرانجام فرو خواهد پاشید، بیش از اندازه تعلل ورزیده است. در ماه ژانویه، میلیون‌ها ایرانی از سراسر کشور، از تمامی استان‌ها و از اقشار و طبقات گوناگون جامعه، علیه جمهوری اسلامی بپا خاستند. تنها در دو شب، بیش از ۴۰ هزار تن از آنان به خاک و خون کشیده شدند.»

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد: «از آن پس، جمهوری اسلامی آموخته است چگونه بی‌آنکه کشتارهایش به صدر اخبار رسانه‌ها راه یابد، همچنان به کشتن ادامه دهد. زندانیان را هربار یک یا دو نفر به چوبه‌ی دار می‌سپارد و شماری را نیز در ملاء عام از جرثقیل حلق‌آویز می‌کند. از ماه ژانویه تا کنون، بیش از ۷۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند و در حال حاضر نیز بیش از ۱۰۰ تن از معترضان با خطر اجرای حکم اعدام روبرو هستند.»

در بخش دیگری از این یادداشت آمده است: «اتحادیه اروپا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است. اقدامی مثبت که باید از آن استقبال کرد. با اینهمه، سیاست اروپا در قبال تهران همچنان تا حد زیادی بر مماشات با جمهوری اسلامی استوار است؛ سیاستی که زمامداران این رژیم به خوبی از آن آگاه هستند و در محاسبات خود بر تداوم آن حساب می‌کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی در این یادداشت پنج زمینه مشخص برای اقدامات موثر اتحادیه اروپا را پیشنهاد داد: «تعیین معیار و پیشگامی در تغییر سیاست اروپا»، «اعمال فشار بر دولت‌های عضو اتحادیه‌ی اروپا برای اخراج عوامل و برچیدن شبکه‌های وابسته به جمهوری اسلامی»، «بهره‌گیری از اهرم بودجه و اختیارات مالی پارلمان اروپا»، «اجازه ندهید شجاعت و جانفشانی مردم ایران به اعداد و ارقام در گزارش‌ها تقلیل یابد» و «همکاری با ما برای تسهیل و تسریع جدایی نیروها و کارگزاران از ساختار جمهوری اسلامی».

گفتنی است شاهزاده رضا پهلوی طی روزهای آینده به آلمان سفر خواهد کرد تا روز شنبه هفتم نوامبر ۲۰۲۶ برابر با ۱۶ آبان ۱۴۰۵ جایزه آزادی سال ۲۰۲۶ بنیاد «فریدریش نائومان» را که به ملت ایران اهدا می‌شود به امانت دریافت کند.

به گزارش دفتر رسانه‌ای شاهزاده رضا پهلوی، بنیاد «فریدریش نائومان برای آزادی» در آلمان، جایزه آزادی سال ۲۰۲۶ خود را به ملت ایران اهدا می‌کند، تقدیری از شجاعت و اراده ایرانیانی که با وجود سرکوب وحشیانه جمهوری اسلامی، برای آزادی و دموکراسی مبارزه می‌کنند. مراسم اهدای این جایزه در «کلیسای پائول» فرانکفورت برگزار می‌شود.

ایرانیان در این روز تظاهرات بزرگی را تدارک دیده‌اند تا بار دیگر صدای آزادی و حقوق مردم ایران را به گوش جهان برسانند.

اینترنت آزاد پیش از سقوط رژیم می‌رسد؟



فرید خلیفی - گزارش‌ها حکایت از آن دارند اینترنت آزاد برای مردم ایران یکی از پرونده‌های مهم روی میز دولت آمریکاست. ۲۴ اکتبر ۲۰۲۶، رویترز فاش کرد که دولت‌های بایدن و ترامپ بارها از اسپیس‌ایکس خواسته‌اند خدمات استارلینک را در کشورهای مختلف فعال یا غیرفعال کند. دولت ترامپ نیز فعال ساختن این خدمات در ایران را پس از حملات سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ با این شرکت مطرح کرده بود.

وال‌استریت ژورنال: خسارت حملات ایران به پایگاه‌های آمریکا تا ۱۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود



حمله موشکی جمهوری اسلامی به پایگاه آمریکا در اردن

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی نوشت که بر اساس برآورد پنتاگون، حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه دست‌کم پنج میلیارد دلار خسارت وارد کرده و این رقم ممکن است به ۱۵ میلیارد دلار برسد.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) بر اساس یافته‌های وال‌استریت ژورنال، هزینه بازسازی ساختمان‌ها را بدون احتساب تجهیزات و سامانه‌های داخلی، بیش از چهار میلیارد دلار برآورد کرده است.

براساس گزارش وال‌استریت ژورنال، جمهوری اسلامی به تاسیسات آمریکا در کویت، بحرین، عراق، اردن، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی حمله کرده است. با این حال، بیشترین حملات در کویت انجام شده. مرگبارترین حمله به نیروهای آمریکایی نیز حمله پهپادی رژیم ایران به بندر شعیبه بود که طی آن شش سرباز آمریکایی کشته شدند.

روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی که هشتم آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، نوشت که بر اساس برآورد پنتاگون، حملات موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی به پایگاه‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه دست‌کم پنج میلیارد دلار خسارت وارد کرده و این رقم ممکن است به ۱۵ میلیارد دلار برسد.

این روزنامه با بررسی تصاویر ماهواره‌ای، اظهارات مقامات آمریکایی و گزارش‌های مربوط به حملات جمهوری اسلامی ایران، آثار تخریب در ۲۷۴ سازه واقع در ۲۴ تاسیسات نظامی منطقه را شناسایی کرده است. به نوشته وال‌استریت ژورنال، هزینه بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده به تنهایی ممکن است از چهار میلیارد دلار فراتر رود.

بر اساس این گزارش، پایگاه‌های آمریکا در کویت و بحرین از جمله تاسیساتی بودند که در مراحل نخست جنگ آسیب‌های گسترده‌ای دیدند. همچنین حمله ۲۶ تیرماه ۱۴۰۵ جمهوری اسلامی به پایگاه هوایی موفق السلطی در اردن، سه نظامی آمریکایی را کشت و دست‌کم به ۱۹ ساختمان آسیب رساند.

بر اساس این گزارش، شرکت‌های بزرگ تجاری ماهواره‌ای آمریکا نیز در همان اوایل جنگ، انتشار تصاویر با وضوح بالا را از تأسیسات نظامی در این منطقه متوقف کردند.

این روزنامه در بخشی از این گزارش تأکید کرد، بررسی تصاویر ماهواره‌ای ممکن است همه آسیب‌ها را نشان ندهد و بخشی از سازه‌های شناسایی‌شده نیز در تاسیسات مشترک با کشورهای میزبان قرار دارند.

مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) بر اساس یافته‌های وال‌استریت ژورنال، هزینه بازسازی ساختمان‌ها را بدون احتساب تجهیزات و سامانه‌های داخلی، بیش از چهار میلیارد دلار برآورد کرده است.

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، جمهوری اسلامی به تاسیسات آمریکا در کویت، بحرین، عراق، اردن، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی حمله کرده است. با این حال، بیشترین حملات در کویت انجام شده. مرگبارترین حمله به نیروهای آمریکایی نیز حمله پهپادی رژیم ایران به بندر شعیبه بود که طی آن شش سرباز آمریکایی کشته شدند.

این پایگاه دست‌کم ۳۰ بار هدف حمله قرار گرفت که طی آنها دست‌کم ۱۵ آشیانه هواپیما، شمار زیادی انبار و ۱۰ ساختمان نزدیک منطقه مسکونی آسیب دیده یا تخریب شدند.

آسوشیتدپرس: دزدان دریایی سومالی یک لنج ماهیگیری ایرانی با ۲۳ سرنشین را ربودند

یک مقام امنیت دریایی در نیروی پلیس دریایی منطقه خودمختار پونتلند اعلام کرد که کشتی «آزینی» روز پنجشنبه هفتم آبان ۱۴۰۵ در محدوده‌ای میان شهرهای ساحلی بندر بیله و هافون، در شمال‌شرق سومالی، ربوده شده است.

این مقام روز یکشنبه به آسوشیتدپرس گفت که ۱۲ دزد دریایی این شناور را که حامل ۲۱ خدمه ایرانی و دو نیروی امنیتی سومالیایی بود، تصرف کرده‌اند.

مرکز امنیت دریایی اعلام کرد که هنوز از وضعیت و سلامت خدمه اطلاعی در دست نیست. این مرکز در هشدار به‌روزشده خود اعلام کرد که دزدان دریایی ممکن است از این شناور به عنوان یک «کشتی مادر» برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های تجاری استفاده کنند.

مرکز امنیت دریایی اقیانوس هند اعلام کرد، دزدان دریایی سومالی یک لنج ماهیگیری ایرانی با ۲۳ سرنشین را ربودند. این مرکز هشدار داد که این شناور ممکن است به پایگاهی برای انجام حملات بیشتر به سایر کشتی‌ها تبدیل شود.

یک مقام امنیت دریایی در نیروی پلیس دریایی منطقه خودمختار پونتلند اعلام کرد که کشتی «آزینی» روز پنجشنبه هفتم آبان ۱۴۰۵ در محدوده‌ای میان شهرهای ساحلی بندر بیله و هافون، در شمال‌شرق سومالی، ربوده شده است.

این مقام روز یکشنبه به آسوشیتدپرس گفت که ۱۲ دزد دریایی این شناور را که حامل ۲۱ خدمه ایرانی و دو نیروی امنیتی سومالیایی بود، تصرف کرده‌اند.

مرکز امنیت دریایی اعلام کرد که هنوز از وضعیت و سلامت خدمه اطلاعی در دست نیست. این مرکز در هشدار به‌روزشده خود اعلام کرد که دزدان دریایی ممکن است از این شناور به عنوان یک «کشتی مادر» برای پشتیبانی از حملات به کشتی‌های تجاری استفاده کنند.

عملیات دریایی آتالانتا اتحادیه اروپا در حال بررسی این حادثه است. این مرکز از کشتی‌های حاضر در منطقه خواسته است هوشیاری خود را حفظ کنند و هرگونه فعالیت مشکوک را گزارش دهند.

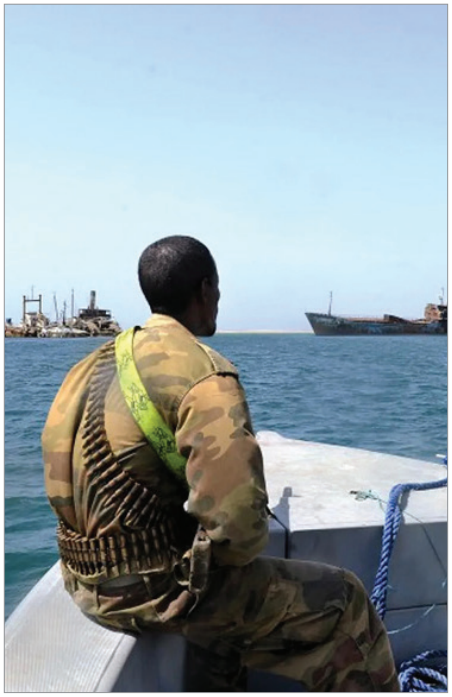
افزایش مجدد دزدی دریایی در سومالی

این حادثه در پی افزایش دوباره فعالیت دزدان دریایی سومالی در خلیج عدن و غرب اقیانوس هند رخ داده

است.

طی چهار ماه گذشته شش کشتی تجاری در همان منطقه ربوده شده است. برخی از این حملات در فاصله‌ای قابل توجه از سواحل سومالی انجام شده است.

از جمله این موارد، نفتکش حامل فرآورده‌های نفتی «سیبو ۱» بود که حدود ۲۵۲ کیلومتر از شرق شهر المکلا در



دزدان دریایی سومالی

یمن فاصله داشت.

مقام‌های منطقه پونتلند اواخر تابستان اعلام کردند که پیش از آنکه نیروهای امنیتی موفق به پس گرفتن این شناور شوند، دزدان دریایی پنج نفر از خدمه نفتکش «MT Hon-our 25» را به قتل رساندند. این نفتکش از ماه زمستان گذشته در اختیار دزدان دریایی بود. مقامات همچنین از بازداشت ۱۶ مظنون به دزدی دریایی خبر داده‌اند.

از سر گرفتن فعالیت دزدان دریایی، خطر دیگری را به تهدیدهای موجود علیه کشتیرانی در منطقه‌ای اضافه کرده که پیشتر در پی جنگ آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران با اختلال مواجه شده بود.

حملات در تنگه هرمز و تهدیدهای حوثی‌های یمن، متحد رژیم ایران، علیه کشتی‌های مرتبط با عربستان سعودی در مسیر باب‌المندب، مسیرهای انتقال نفت به بازارهای جهانی را با پیچیدگی‌های بیشتری روبرو کرده است.

این اختلالات موجب طولانی‌تر شدن مسیر سفر کشتی‌ها و افزایش هزینه حمل و نقل نفت شده است.

آسوشیتدپرس پیش از این گزارش داده بود که برخی محموله‌های نفتی که مسیر خود را از اطراف قاره آفریقا تغییر داده‌اند، مجبور به طی مسیرهایی شده‌اند که تا یک ماه طولانی‌ترند. همچنین نرخ اجاره روزانه نفتکش‌هایی که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، به یک میلیون دلار رسیده بود.

در طول دهه گذشته، گشت‌زنی‌های دریایی بین‌المللی و بهبود تدابیر امنیتی دریایی، به شدت از میزان دزدی دریایی سومالی کاسته بود. اما توقیف‌های اخیر بار دیگر نگرانی‌ها درباره تهدید کشتی‌ها در امتداد سواحل طولانی این کشور را افزایش داده است.

بازنشر

یا صاحب‌الزمان به ظهورت شتاب کن...

(کیهان لندن شماره ۱۲۵۱ - فروردین ماه ۱۳۸۸)

خیراندیش (احمداحرار)



پرزیدنت دکتر محمود احمدی‌نژاد به‌طور مکرر و مؤکد از ظهور قریب‌الوقوع حضرت امام زمان خبر داده‌اند. آیت‌الله امامی کاشانی هم در خطبهٔ نماز جمعه فرمودند «نوروز، روز فَرَج است و ظهور حضرت ولیّ عصر در نوروز خواهد بود».

امسال که گذشت. انشاءالله تعالی در نوروز سال آینده شاهد ظهور حضرت خواهیم بود.

در احوال شیخ صدوق (فرزند ابن بابویه که مزارش در نیمه‌راه تهران ـ شهر ری واقع است) نوشته‌اند رکن‌الدوله دیلمی مجلس مناظره‌ای بین او با علمای اهل سنت ترتیب داد و سؤالاتی مطرح کرد ازجمله در باب مهدی موعود. یکی از سؤالات دربارهٔ علت وجود و تاریخ ظهور حضرت بود.

شیخ فرمود: «علت وجودش در زمان غیبت، بقای زمین و آسمان است و الاّ آسمان قطره‌ای نازل نمی‌کند و زمین برکت خود را بیرون نمی‌دهد. همچنین پیغمبر فرمود اگر زمین بدون حجت بماند هرآینه ساکنان خود را فرو می‌برد همچنان که امواج دریا اهل دریا را در خود فرو می‌برند. لَماجَت باهلها کما یموج‌البحر باهله. و امّا خداوند صاحب‌الزمان را به‌جهت امری که اراده داشته غایب کرده است و بنابراین وقت ظهورش را جز خدا کسی نمی‌داند».

باوجود این، حضرت صاحب‌الامر نظر به لطف خاصی که نسبت به علمای اَعلام و فقهای عِظام داشته و دارد گهگاه از پردهٔ غیبت بیرون می‌آید و با ایشان همکلام می‌شود یا چهرهٔ مبارک را بر آنان می‌گشاید و عنداللزوم برایشان منشیگری می‌کند یا در نقش قاری بر سر جنازه‌شان قرآن می‌خواند.

اینها که عرض می‌کنم همه مستند و مکتوب است. خادم منزل امام خمینی نقل می‌کند که پاره‌ای شبها از پشت در اتاق ایشان می‌شنیدیم که با کسی گفتگو داشتند در حالی که در اتاق تنها بودند. یک بار فضولی کردم و پرسیدم کسی خدمتتان بود. فرمودند من خدمتشان بودم، گاهی که تهجّد می‌کنم و توسّل می‌جویم تشریف می‌آورند و مرا ارشاد می‌فرمایند!

در کرامات علاّمه حلّی، معاصر سلطان محمد خدابنده، آمده است که یکی از علمای اهل تسنّن کتابی در ردّ تشیّع نوشته بود اما از بیم آن که به دست علمای شیعه بیفتد و ردّیه بر آن بنویسند، کتاب را برای استنساخ به کسی نمی‌داد. علاّمه حلی توسط یکی از شاگردان او کتاب را به دست آورد ولی فقط یک شب فرصت داشت که بخواند و نسخه‌برداری کند. در نیمه شب از فرط خستگی به‌خواب رفت و کتابت ناتمام ماند. صبحدم وقتی چشم از خواب گشود با حیرت مشاهده کرد که کتاب، تمام و کمال رونویسی شده و در آخر آن هم نوشته است «کتبه محمد ابن الحسن‌العسکری».

و نیز در شرح احوال ابوجعفر شیخ محمدبن شیخ حسن، نواده شهید ثانی، نوشته‌اند شبی که وفات کرده و هنوز دفن نشده بود از کنار جنازهٔ او صدای خواندن قرآن به‌گوش می‌رسید. کسی از اهل اندرون پرسید کیست که قرآن می‌خواند؟ قاری جواب داد من مهدی قائم هستم!

این را هم به‌کرّات در دوران جنگ ایران و عراق خواندیم و شنیدیم که به‌شهادت علمای حاضر در جبهه، حضرت صاحب‌الامر شبها سوار بر اسب سفید بر بالای بلندی ظاهر می‌شود و فرماندهی جنگ عملا با اوست.

پس، جای طعن و ایراد نیست که چرا در جلسه هیأت وزیران یک صندلی هم برای حضرت می‌گذارند و یا آن طور که حجت‌الاسلام پناهیان رئیس اتاق فکر رهبر معظم انقلاب اسلامی اخیراً اظهار فرموده است جوانان ایرانی برای امام زمان کارت دعوت می‌فرستند تا جشن عروسی‌شان را به قدوم خود مزیّن فرمایند...

یا صاحب‌الزمان به ظهورت شتاب کن
عالم ز دست رفت، تو پا در رکاب کن

کیهان

با نشر

و چنین می‌گذشت زندگی در تبعیدگاه خارک

حزب امکان ارسال کمک مالی نداشت و فقط رهنمودها و تحلیل‌های سیاسی می‌داد

یکی از رفقا مأمور بود خمیر دندان را به حداقل روی مسواک زندانیان بگذارد تا از حیف و میل آن جلوگیری شود!

در چای «گورک» چه معجزه‌ای بود که می‌توانست همه را راضی کند؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آبان‌ماه ۱۳۸۲تا اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ -از شماره‌های ۹۸۰ تا ۱۰۰۲)

«گذار از طوفان» تازه‌ترین کار ناخدا دکتر حمید احمدی در ضبط خاطرات چهره‌های سرشناس نظامی و سیاسی جنبش چپ در ایران عصر پهلوی است.

این کتاب، خاطرات مرتضی زربخت سروان خلبان نیروی هوایی را در دهه ۲۰ به شیوه گفت و شنود منعکس می‌کند.

مرتضی زربخت از افسرانی است که در جوانی به سازمان نظامی حزب توده پیوست و بدین سان قدم در راه یك زندگی پر تلاطم گذاشت.

متولد سال ۱۳۰۰ در تهران، زربخت در سال ۱۳۱۹ (آخرین سال سلطنت رضاشاه) در رشته هوایی دانشکده افسری ثبت نام کرد. در مهرماه ۱۳۲۱ (زمان اشغال ایران به‌وسیله قوای متفقین) با درجه ستوان دومی به‌عنوان افسر دیده‌بان فارغ‌التحصیل شد و به هنگ هوایی اصفهان انتقال یافت. سال بعد، برای گذراندن دوره خلبانی به تهران بازگشت. در سال ۱۳۲۳ به عضویت سازمان نظامی حزب توده درآمد. در سال ۱۳۲۵ به اتفاق ستوان یکم علی جودی، با دو هواپیمای جنگی راهی تبریز شدند و به فرقه دموکرات آذربایجان پیوستند.

پس از سقوط فرقه دموکرات و فرار رهبران فرقه به آن سوی مرز، زربخش و ۹ افسر فراری دیگر رهسپار کردستان عراق شدند و با ملامصطفی بارزانی پیوند همکاری بستند. در جنگی که بین بارزانیها و ارتش مجهز ایران رخ داد، شرکت کردند و شکست خوردند. پس ازآن به خاك عراق پناه بردند و به مدت سه سال در عراق زندانی بودند و در فروردین ۱۳۲۹ به ایران تحویل داده شدند.

در دادگاه بدوی نظامی، هر شش تن به اعدام محکوم شدند. در دادگاه تجدیدنظر حکم اعدام درباره یکی از آنها ــ ابوالحسین تفرشیان ــ ابرام شد و چهار نفر ــ ازجمله مرتضی زربخت ــ مجازاتشان به حبس ابد تقلیل یافت. زربخت در بهمن ماه سال ۱۳۳۷ آزادی خود را بازیافت و اکنون، در هشتاد و سه سالگی از خاطرات خود سخن می‌گوید.

گزیده‌ای از خاطرات مرتضی زربخت را در صفحه خاطرات و تاریخ می‌خوانید...

گذار از طوفان

خاطرات مرتضی زربخت در گفتگو با حمید احمدی(۱۸)

انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران ــ برلین

در هر حال، کم‌کم رابطه‌مان با ستوان یکم وحدت بهتر شد و تا این که روزی مرا خواست و گفت: «از پادگان بوشهر تلگراف کرده‌اند که یک لنج حامل میوه برای شیخ‌نشین‌ها دچار طوفان شده و برای جلوگیری از غرق شدن، صندوق‌های میوه را به دریا ریخته و موج دریا، این صندوق‌ها را به ساحل خارک آورده است. باید این‌ها را بفروشیم تا پول آن را به صاحبش بدهیم.»

البته این ظاهر قضیه بود که پولش را به صاحبش بدهند، چون از این «امامزاده» چنین معجزه‌ای بعید به‌نظر می‌رسید. بعد از این توضیحات، گماشته خود را صدا زد و گفت، یک بشقاب از آن میوه‌ها را بیاورد. تعارف کرد، خوشه‌ای از آن انگور را خوردم. چه انگور سیاه درشتی! او شروع کرد به قیمت‌گذاری. از کیلویی ۵۰ ریال شروع کرد و من از ۱۰ ریال. و سرانجام به کیلویی ۲۰ ریال به توافق رسیدیم و ۲۰ صندوق از آن میوه‌ها را خریدیم. قرار شد صندوق‌های میوه را خودمان به انبار حمل کنیم و در آنجا، قپان (وزن) کنند و تحویل بدهند. مقداری هم انار و فلفل سبز بود. خلاصه، با خرید میوه‌ها، رفقایمان نان و انگور سیری خوردند. میوه‌ها، آب‌خوردگی پیدا کرده بود. نمی‌شد آن‌ها را برای مدتی نگهداشت. این بود که من «دبه» کردم و قیمت را به کیلویی ۱۰ ریال تنزل دادم. آرسن مقداری از این انگورها را پخت و از آن‌ها شیره انگور درست کرد و برای صبحانه به ما نان و حلوا می‌دادند. در واقع، با این خریدها و دیگر خریدهای هفتگی از بندر نزدیک که برای فرمانده پادگان هم بی‌خبر نبود. روابط فی‌مابین رو به بهبود می‌رفت. با این‌همه، هنوز محدودیت‌ها مرتفع نشده بود. گروهبان جلال هر شب برنامه خاموشی و اهانت را تکرار می‌کرد. من این جریان را به ستوان وحدت گفتم ولی او در جواب می‌گفت کنترل نامبرده از عهده من خارج است. البته، او دروغ می‌گفت چون افسر باتجربه‌ای بود و گروهبانان از او حساب می‌بردند.

پیک‌نیک در چشمه نوشان

در این ایام، برای اولین بار بعد از آن عملیات کودتایی در خارک، از ستوان وحدت اجازه گرفتم که ۷، ۸ نفر از زندانیان مثل گذشته برای پیک‌نیک بتوانند به چشمه نوشان بروند. من این رفقا را بدرقه کردم تا بدون برخورد از محوطه خارج شدند. در این موقع، گروهبان جلال سر رسید و شروع کرد به ناسزا گفتن و امر به مراجعت آنان داد. من جلو رفتم تا به او توضیح بدهم که رفتن این عده با نظر موافق فرمانده پادگان بوده است. او شروع کرد به من هتاکی کردن، عصبانی شدم و اختیار از دستم در رفت و با آنکه او جسما آدم قوی و عظیم‌الجثه‌ای بود، یک سیلی محکم به صورتش نواختم. او تفنگ را از دست سرباز گرفت تا مقابله کند. اما رفقای ما ریختند و مرا به داخل اتاق بردند. بعد، مرا به پادگان احضار کردند. گروهبانان که به همقطارانشان بی‌احترامی شده بود، در بین راه با قنداق تفنگ از من «پذیرایی» کردند. سرم شکست و فک چپم آسیب دید و در رفت. هنوز هم در شرایط غیرعادی اگر دهن دره بکنم، فکم درمی‌رود و باید جا بیندازم.

به‌هرحال با آن وضعیتی که آثار آن معلوم بود، به پادگان رسیدم و به اتاق فرمانده پادگان وارد شدم. نخست، نسبت به رفتار گروهبانان اعتراض کردم. ستوان وحدت سعی کرد تا از من استمالت کند و گفت گروهبان جلال از اجازه‌ای که به شما داده بودم، بی‌اطلاع بوده به هر حال او را تنبیه خواهم کرد. بدین ترتیب، ما چند شبی از اهانت‌های گروهبان مزبور راحت بودیم. گاهی سر و کله‌اش پیدا می‌شد ولی دیگر از آن هارت و پورت قبلی افتاده بود. از این به بعد، گله بز به چرا می‌رفت و رفقا هم گاهی به پیک‌نیک می‌رفتند.

دیدار با سرگرد وحدت در رستوران بعدها که دوره زندانم تمام شد، در سال‌های ۱۳۴۰ بود که ما زندانیان خارک با هم دوره داشتیم و ماهی یک بار در یکی از رستوران‌های لاله‌زار نو و یا جایی دیگر جمع می‌شدیم و شامی می‌خوردیم و از خاطرات دوران تبعید در خارک، داد سخن می‌دادیم.

یک بار، دکتر پیروز به من که ترتیب‌دهنده این برنامه بودم، گفت: «سرگرد وحدت بیمار من است و اظهار تمایل کرده که اگر دوستان شما اجازه بدهند، یک شب بیایم و از زندانیان سابق خود دیدار کنم.» چون جمع ما جنبه سیاسی نداشت. یکی از زندانیان سابق خارک که به ساواک قول همکاری داده بود در این دوره شرکت می‌کرد و این را هم ما می‌دانستیم. گفتیم، اشکالی ندارد بیاید. در دوره ماهیانه بعدی، سرگرد وحدت به‌اتفاق دکتر پیروز در آن جمع شرکت کرد. آن شب خیلی خوشحال شد که بعد از سال‌ها با کسانی روبرو می‌شود که روزی زندانی او بودند و حال، هر کدام برای خود در جامعه موقعیت خوبی کسب کرده‌اند. در آن شب، از او درباره حادثه آن شب و عملیات کودتایی در خارک سؤال کردم. او گفت: از همه شما معذرت می‌خواهم. دستوری بود که به من داده شده بود. یعنی شدت عمل تا حد خونریزی بود که من راضی نشدم و سر و ته قضیه را با آن تیراندازی و به آن شکل، هم آوردم. بعدها، این جناب سرگرد به درجه سر تیپی رسید. در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷، رئیس ستاد فرمانداری نظامی تهران بود که سپهبد رحیمی در رأس آن قرار داشت.

ساختن تنور و پخت نان

اگر موافق باشید، مجدداً برگردیم به خاطرات دوران تبعید در خارک و در خصوص زندگی داخلی و معیشت.

بله. وقتی تعداد ما به ۱۲۰ نفر رسید، تهیه نان مشکل لاینحلی برایمان شده بود. یکی از زندانیان بنام بلوری پیشنهاد کرد که اگر از بندر گناوه آرد وارد شود، من در اینجا با خاک رس و موی بز تنور می‌سازم و نان تافتون خواهیم پخت. البته، احتیاج به کمک‌هایی دارم مثل خمیرگیر و سوخت‌رسان و نان‌درآور. خودم کار شاطری را انجام می‌دهم. بعد از این پیشنهاد، برنامه خرید آرد سازماندهی شد و آرد وارد کردیم. فقیهی دوانی (پدر پیروز دوانی) کار خمیرگیری را پذیرفت و حسین حداد هم آتش‌انداز و نان‌درآور شد.

کار نانوایی و پخت نان در هوای شرجی و گرم خارک از شاق‌ترین کارها بود که با فداکاری این جوانان به ثمر رسید. بدین ترتیب، اساس ارتزاق ما سر و صورت پیدا کرد. نام بلوری از آن به بعد، به شاطر تبدیل شد و همه او را شاطر خطاب می‌کردند. ندانستیم شغل شاطری را از کجا

آموخته بود.

بعدها که از زندان آزاد شد، یک شرکت تعلیم رانندگی در چهارراه سید علی تهران دایر کرد به‌نام «آموزش رانندگی ساحل». خانواده مرا هم او تعلیم رانندگی داد و به پای اخذ گواهینامه رساند. یادش به‌خیر.

نمی‌دانم، قبلاً این موضوع را گفتم یا نه که غذای ما محدود می‌شد به صبحانه: نان و خرما و چای. صرف ناهار با ماهی فقط در فصل زمستان ممکن می‌شد و آن موقعی بود که صیادها ماهی صید می‌کردند. در آن موقع می‌توانستیم ماهی سرخو و یا هامور که خیلی ارزان و کیلویی ۵ ریال بود، خریداری کنیم. پشت سر هم، نان و ماهی و یا برنج با ماهی می‌خوردیم. برای دادن تنوع به غذای ماهی، قلیه ماهی و یا کتلت ماهی و سیب‌زمینی تهیه می‌کردیم. البته، دسترسی به ماهی هم در فصل زمستان به‌ندرت بود. یعنی وقتی دریا آرام بود. صید ماهی به دست می‌آمد. گاهی هم یک لنج صیادی که دارای سردخانه بود، لنگر می‌انداخت. ناخدای آن به دیدن فرمانده پادگان می‌آمد و سیبیلش را چرب می‌کرد. در این موقع، به ما هم لطفی می‌کرد و چند تا ماهی شیر به ما می‌فروخت. ماهی شیر یکی از بهترین ماهی‌های خلیج فارس است. در مواقع دیگر که چنین فرصتی نبود و یا در فصول دیگر، هفته‌ای یک رأس بز پیر و یا بز نر ذبح می‌کردیم و از این طریق، دو وعده غذای گوشتی مثل آبگوشت یا خوراک‌های دیگر تهیه می‌دیدیم. آبگوشت بی‌گوشت هم از نوآوری‌های تبعیدیان خارک بود. یعنی مصالح آبگوشت را داشت منهای گوشت. به جای دنبه هم از روغن نباتی استفاده می‌شد. گاهی هم دو تا مرغ سر می‌بریدیم و آبگوشت مرغ می‌خوردیم. در آب آن، نان تریت کرده و می‌خوردیم. با نخود و لوبیا و سیب‌زمینی به‌اصطلاح گوشت‌کوبیده تهیه می‌کردیم.

مضیقه مالی در خارک

آقای زربخت! باز هم می‌خواهم از خارک و مسائل آنجا سؤال کنم. مثلاً تهیه پوشاک و چگونگی تماس زندانیان با خانواده‌هایشان و احتمالاً دریافت کمک‌های مالی از خانواده‌ها؟

بله. سؤال خوبی کردید. بد نیست در این مورد توضیح بدهم. در جزیره خارک، از نظر مالی خیلی در مضیقه بودیم لذا به آن دسته از دوستانی که از خانواده‌های متوسط بودند، توصیه می‌شد تا در حد مقدور از خانواده‌هایشان کمک مالی طلب کنند. حزب هم در آن زمان امکان ارسال کمک مالی نداشت و فقط رهنمودها و تحلیل‌های سیاسی می‌داد. کارگران و دهقانان عضو حزب در جزیره خارک، نه تنها امکان دریافت کمک مالی از خانواده‌هایشان را نداشتند بلکه به‌علت عدم حضور سرپرست خانواده و تأمین امرار معاش، این گونه خانواده‌ها در مرحله از هم پاشیدگی بودند. در چنین شرایطی کمک‌های محدود نقدی و جنسی خانواده‌های متوسط، در بهبود معیشت ما نقش مهمی داشت. با این‌همه، وضع زندگی ما خیلی محقرانه بود و ناگزیر به صرفه‌جویی در حد افراط بودیم. بعنوان مثال، برای مصرف خمیر دندان، بعد از صرف شام، یکی از رفقا مأمور بود خمیر دندان را به حداقل ممکن روی مسواک زندانیان بگذارد تا از حیف و میل آن جلوگیری شود. یکی از مشکلات دیگر، تأمین سیگار برای رفقای سیگاری بود که آن را به حداقل و از ارزان‌ترین نوع آن رسانده بودند. در واقع، باید از شکم جمع می‌زدیم و دود سیگارها را تأمین می‌کردیم. بنابراین، روزانه حداکثر سه نخ سیگار برای دودی‌ها توزیع می‌شد. هر نخ سیگار را با تیغ به سه قسمت تقسیم می‌کردند و هر یک از این قسمت‌های کوچک سیگار را سر چوب سیگار می‌گذاشتند و تا آخرین قسمت آن، دود می‌شد. ادوارد ترکاراپتیان از همه دودی‌تر بود و اغلب از جیره سیگارهای دیگر ناخنک می‌زد. وقتی کسی سیگارش را روشن می‌کرد، او دو انگشتش را جلو می‌آورد و می‌گفت، با اجازه. سیگار را می‌گرفت و با منتهای نفس، پک می‌زد و نصف یک سوم سیگار را دود می‌کرد.

ساختن لیوان چای‌خوری

لیوان چای‌خوری هم نداشتیم و برای تهیه لیوان، بطری‌های خالی را از کمر با نخ پرک می‌بستیم و سر و ته بطری را بین دو کف پا می‌گذاشتیم و یک نفر هم با یک لیوان آب منتظر بود. مثل کار خراط‌ها، ریسمان را آنقدر دور بطری با فشار حرکت می‌دادیم که خط حرکت ریسمان داغ می‌شد و بطری از همان مسیر ریسمان ترک می‌خورد و سر بطری گرد تا گرد جدا می‌شد. نصف ته بطری می‌شد لیوان چای‌خوری ما. البته، لبه تیز آن لیوان با کمک سنگ و یا جسم سخت‌تر از شیشه ساییده می‌شد تا موقع شستن، آسیبی به دست نرساند.

مصرف قند و چای هم کاملاً کنترل می‌شد. عصرها، مأمور تهیه چای، آب جوش می‌آورد و یک قاشق سوپ‌خوری چای به داخل هر یک از دو کتری می‌ریخت. البته با یک قاشق چای، امکان تهیه چای پررنگ نبود و نمی‌توانست همه زندانیان را راضی کند. اما، یک رفیق ارمنی داشتیم بنام گورک که او با همین یک قاشق چای، می‌توانست همه را راضی کند و به همه چای پررنگ بدهد و رمز کارش را به هیچکس نمی‌گفت. روزی به اتفاق او به چوپانی رفته بودم. بعد از صرف ناهار، کتری کوچک چوپانی را جوش آورد. من مراقب بودم تا ببینم چه می‌کند. او یک قاشق چای‌خوری چای داخل کتری ریخت و از لای یک بسته کاغذ، یک چیزی به آن اضافه کرد. در این موقع، مچش را گرفتم و پرسیدم که این چه بود به درون آن ریختی؟ در جواب گفت، بابا! معجزه که نمی‌شه کرد و سپس اضافه کرد. من قند را می‌سوزانم و هر بار که چای دم می‌کنم، کمی قند سوخته را همراه چای در کتری می‌ریزم و بدین ترتیب، تا دلت بخواهد چای رنگ می‌گیرد و از چای پررنگ که از این طریق تهیه می‌شود، همه را راضی می‌کنم.

پای برهنه در جزیره خارک

مطلب دیگر، کمک به سر و وضع رفقایی بود که مرخص می‌شدند. مثلاً اگر یک نفر مرخص می‌شد و لباس و کفش آبرومندانه‌ای نداشت. آنانی که لباس و کفش مرتب داشتند، آن را در اختیار او می‌گذاشتند تا موقع سوار شدن به لنج به‌اصطلاح آبروداری کنند. در این زمینه، رفقای قدیمی در جزیره خارک که کفش‌هایشان پاره شده بود و دیگر قابل استفاده نبود، با پای برهنه راه می‌رفتند. محوطه بازداشتگاه پر از تیغ‌های گرد و کوچکی به‌اندازه نخود بود که پای برهنه را آزار می‌داد. برای رفت و آمد بین ساختمان‌ها، یک راه باریکی درست شده بود که فاقد تیغ بود و رفقای پا برهنه از این کوره‌راه رفت و آمد می‌کردند. یادم هست یک روز پرویز آتابکی دبیر ادبیات و سخنگوی جمعیت ملی مبارزه با استعمار قبل از کودتای ۲۸ مرداد که جوانی بلندبالا و خوش‌بیان بود، با بدن لخت و پای برهنه یک سینی رب گوجه فرنگی را مثل طبق‌کش‌ها، روی سرش گذاشته بود و از همین کوره‌راه، آن را به آشپزخانه می‌برد. یکی از رفقا با دیدن او در این وضعیت، گفت: «ببین سر تیپ بختیار، سخنگوی جمعیت ملی مبارزه با استعمار را به چه روزی انداخته!»

در هر حال، این بود وضع زندگی و معیشتی ما. اما، باید بگویم، صرف‌نظر از این کمبودهای جدی و گرمای شرجی طاقت‌فرسا و جریان عملیات ایذایی و کودتای پادگان خارک، دوستان تبعیدی در خارک روحیه خوبی داشتند. این روحیه خوب تا مقطع زمانی تجویز سپردن تنفرنامه از طرف رهبری حزب ادامه داشت که به این موضوع خواهیم پرداخت.

دنباله دارد



سال ۱۳۲۲ - زندانیان ۴ آبانی تبعید شده به خارک
از چپ ایستاده: عزیز رحیم‌پور، پرویز کلهر، شکوری، محمد فقیهی دوانی (پدر پیروز دوانی)، مهدی رئیسی، مظفر، محمد بلوری، گورک آدامیان، یعقوب ابرم، دکتر حسین فلاح، بختیار
نشسته: حسن چاله‌سری (ژندی‌فر)، عبدالله مشعلیان، اسماعیل نیسانی، شکرالله کرمانی، نوریک آوانسیان، محمد بهرامی، علی علیزاده (عشیری)، آداک کواشیمه

اورشلیم‌پست: اسرائیل باید خود را برای جنگی مستقل و بدون محدودیت زمانی علیه جمهوری اسلامی آماده کند

جاناتان پولارد تحلیلگر مسائل بین‌المللی در یادداشتی که دهم آبان ۱۴۰۵ در روزنامه «اورشلیم‌پست» منتشر شد، می‌نویسد که چشم‌انداز حمله هوایی مشترک اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی پس از انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر آمریکا، شکاف عمیق استراتژیک میان برنامه واشنگتن برای خروج از جنگ و ضرورت‌های حیاتی اورشلیم را آشکار کرده است.

بر اساس گزارش‌ها، برنامه‌ریزی آمریکا بر اجرای یک عملیات کوتاه‌مدت و شدید متمرکز است؛ عملیاتی که هدف آن نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای باقیمانده جمهوری اسلامی و صنایع استراتژیک آن است و پس از آن واشنگتن با اعلام پیروزی، نیروهای خود را خارج خواهد کرد؛ اما پولارد می‌گوید، این وضعیت سیاست‌گذاران را در اورشلیم با شرایطی بسیار خطرناک‌تر در دوران پس از جنگ روبرو خواهد ساخت.



همباران محل جلسه سرّی شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی (شعام)

جاناتان پولارد تحلیلگر مسائل بین‌المللی در یادداشتی که دهم آبان ۱۴۰۵ در روزنامه «اورشلیم‌پست» منتشر شد، می‌نویسد که چشم‌انداز حمله هوایی مشترک اسرائیل و آمریکا علیه جمهوری اسلامی پس از انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر آمریکا، شکاف عمیق استراتژیک میان برنامه واشنگتن برای خروج از جنگ و ضرورت‌های حیاتی اورشلیم را آشکار کرده است.

بر اساس گزارش‌ها، برنامه‌ریزی آمریکا بر اجرای یک عملیات کوتاه‌مدت و شدید متمرکز است؛ عملیاتی که هدف آن نابودی زیرساخت‌های هسته‌ای باقیمانده جمهوری اسلامی و صنایع استراتژیک آن است و پس از آن واشنگتن با اعلام پیروزی، نیروهای خود را خارج خواهد کرد؛ اما پولارد می‌گوید، این وضعیت سیاست‌گذاران را در اورشلیم با شرایطی بسیار خطرناک‌تر در دوران پس از جنگ روبرو خواهد ساخت.

برای اسرائیل، خروج سریع نیروهای آمریکایی به معنای باقی ماندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است؛ نیرویی که شکست نخورده، به شدت خشمگین است و به باور تحلیلگران هرگز تسلیم نخواهد شد.

با توجه به توانایی جمهوری اسلامی برای شلیک موج‌هایی از کلاهک‌های پیشرفته با قابلیت مانور، پهپادهای تهاجمی، مهمات خوشه‌ای و حتی محموله‌های احتمالی رادیولوژیک یا شیمیایی، اسرائیل نمی‌تواند اجازه دهد پیروزی موقت آمریکا به وضعیتی دائمی از آسیب‌پذیری شدید این کشور تبدیل شود.

نویسنده تأکید می‌کند: «برای جلوگیری از چنین سناریوی فاجعه‌باری، اسرائیل باید بپذیرد که حمله به نقاطی در خاک ایران تنها نیمی از نبرد است؛ تهدید حکومت ایران بدون قطع نظام‌مند بازوهای منطقه‌ای آن خنثی نخواهد شد.»

در ادامه این یادداشت تحلیلی آمده، دستیابی به نتیجه‌ای واقعاً قاطع مستلزم نابودی همزمان و بدون ملاحظه نیروهای نیابتی اصلی رژیم ایران است: حزب‌الله لبنان، حوثی‌های یمن و بقایای حماس در غزه.

اگر این پایگاه‌های عملیاتی مجهز به تسلیحات سنگین در مرزهای اسرائیل دست‌نخورده باقی بمانند، تهران حتی در شرایطی که زیرساخت‌های داخلی‌اش در آتش می‌سوزند، همچنان قادر خواهد بود از طریق نیروهای نیابتی خود جنگ فرسایشی به راه بیندازد.

اسرائیل با از بین بردن قدرت تهاجمی ساختارهای فرماندهی، انبارهای موشکی و کنترل سیاسی این ارتش‌های نامتقارن، می‌تواند جمهوری اسلامی را بطور کامل منزوی کند، عمق استراتژیک را از جمهوری اسلامی بگیرد و آن را از نظر ژئوپلیتیک در خاورمیانه منزوی سازد.

اگر آمریکا طرح خود را برای وارد کردن ضربات سنگین به جمهوری اسلامی و خروج فوری نیروهایش اجرا کند، هدف عملیاتی اسرائیل باید از مشارکت صرف در جنگ به یک کارزار مستقل و مستمر برای مهار بلندمدت رژیم تغییر کند.

اسرائیل برای تضمین بقای خود در خلأ ناشی از خروج آمریکا، چاره‌ای جز از بین بردن نظام‌مند زیرساخت‌های گسترده‌تر پشتیبان جنگ در ایران نخواهد داشت. این به معنای گسترش فهرست اهداف نظامی، فراتر از تأسیسات هسته‌ای و هدف قرار دادن شبکه برق ایران، ظرفیت‌های صادرات هیدروکربن و مجتمع‌های اصلی صنایع نظامی آ» است؛ با این هدف که توانمندی‌های جمهوری اسلامی بطور پایدار تضعیف شود.

اسرائیل با از کار انداختن موتورهای اقتصادی تأمین‌کننده مالی سپاه پاسداران و کارخانه‌هایی که زرادخانه موشکی و پهپادی آن را تولید می‌کنند، می‌تواند توانایی رژیم ایران برای اعمال قدرت در سراسر منطقه را به شدت کاهش دهد.

با این حال، صرفاً ویرانی و تخریب نمی‌تواند امنیت بلندمدت را در برابر دشمنی که به نابودی اسرائیل متعهد است تضمین کند. بخش حیاتی استراتژی اسرائیل پس از جنگ باید آغاز فوری یک برنامه فشرده داخلی برای دستیابی به برتری مطلق فناوری و تسلیحاتی باشد.

اسرائیل باید قاطعانه عمل کند

اورشلیم در کنار حفظ مواضع دفاعی خود باید به سرعت زرادخانه‌ای از موشک‌های بالستیک میان‌برد (IRBM) مجهز به کلاهک‌های مانورپذیر هنگام ورود مجدد به جوّ (MaRV)، سامانه‌های گلاید مافوق صوت (HGV) و موشک‌های کروز مافوق صوت (HCM) را توسعه داده و به کار گیرد.

این توانمندی‌های پیشرفته و نسل جدید حمله، برای عبور از سامانه‌های پدافند هوایی در حال تکامل، ضروری هستند و می‌توانند تهران را بطور دائم در معرض تهدید نگه دارند. چنین قابلیتی یک عامل بازدارندگی یکجانبه برای اسرائیل ایجاد می‌کند که به تغییر مواضع سیاسی در واشنگتن وابسته نخواهد بود.

در نهایت، آزمون واقعی عزم اسرائیل از روزی آغاز خواهد شد که بمب‌افکن‌های آمریکایی به کشورشان بازگردند.

اورشلیم باید اساساً یک دکترین استراتژیک جدید و سختگیرانه را بپذیرد: ضرورت مطلق جلوگیری از بازسازی توانمندی‌های تهاجمی رژیم ایران، فارغ از هر هزینه‌ای که در پی داشته باشد.

نویسنده در پایان عنوان می‌کند، این رویکرد به معنای اتخاذ سیاست مداخله و جلوگیری مستمر و پیشدستانه است. هرگونه تلاش سپاه پاسداران برای بازسازی تأسیسات صنایع نظامی، واردات قطعات حیاتی یا احیای توان تولید موشک باید با اقدام نظامی فوری و قاطع اسرائیل پاسخ داده شود.

اسرائیل با متعهد شدن به یک کارزار چندساله و بدون سازش برای حذف نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی، محروم ساختن استراتژیک رژیم ایران از توانمندی‌های نظامی و تسلیح مجدد سریع در داخل، می‌تواند پیروزی نسبی آمریکا را به راه حلی قطعی علیه تهدیدات جمهوری اسلامی تبدیل کند.

پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میاندوره‌ای کنگره آمریکا؛
استقبال جمهوری اسلامی از شکست جمهوریخواهان

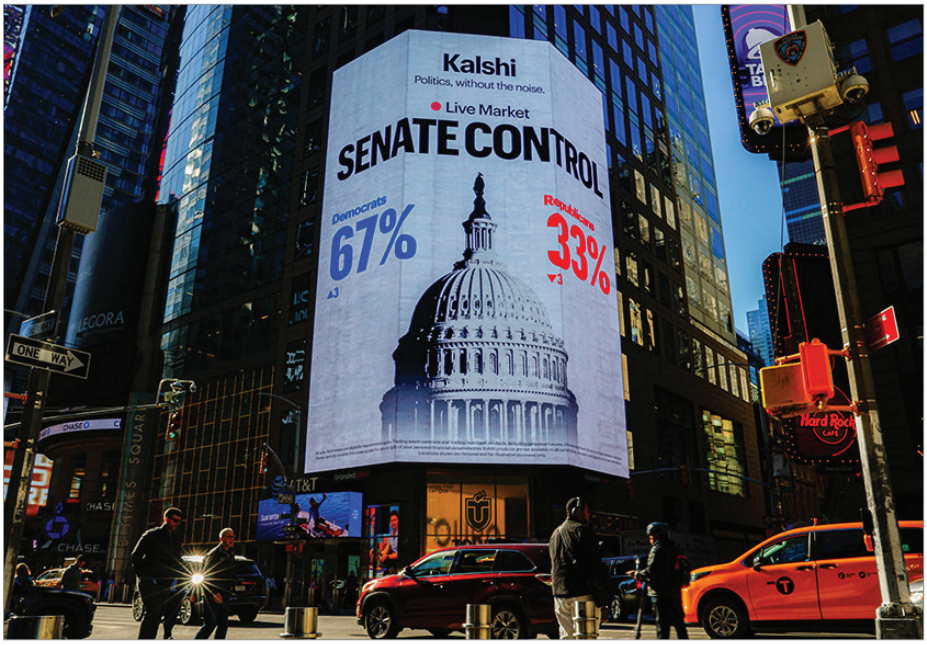
● با اعلام نتایج اولیه شمارش آراء انتخابات میاندوره‌ای آمریکا، تا چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ (نیمروز بوقت ایران)، حزب دموکرات موفق شد اکثریت کنگره، شامل سنا و مجلس نمایندگان، را به دست آورد.

● رئیس‌جمهوری آمریکا در مصاحبه با فاکس‌نیوز جنگ با جمهوری اسلامی را در نتیجه انتخابات کنگره موثر دانست. دونالد ترامپ عنوان کرد، اقتصاد آمریکا در دوره نخست ریاست جمهوری او در بهترین وضعیت خود بود، اما عملکرد کنونی اقتصاد حتی از آن دوره هم بهتر است. به گفته ترامپ، «اگر بنزین گران نشده بود، این تفاوت برای مردم ملموس‌تر بود.»

● محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی اولین مقام رسمی بقایای جمهوری اسلامی است که به نتایج انتخابات آمریکا واکنش نشان داد. او در «ایکس» نوشت: «مردم آمریکا به جنگ نه گفتند و ما هم با آنها موافقیم.» این ادعا در حالیست که مسبب جنگ، خود جمهوری اسلامی است!

● خبرگزاری فارس و خبرگزاری صداوسیمای جمهوری نیز اسلامی شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای آمریکا را «تغییر رژیم» خواندند!

● استقبال جمهوری اسلامی از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات سوم نوامبر در حالیست که بسیاری از تحلیلگران چشم‌انداز را برعکس تصورات آن ترسیم می‌کنند: با شکست جمهوریخواهان در این انتخابات، دونالد ترامپ با اختیاراتی که به عنوان رئیس جمهور دارد، تلاش خواهد کرد تا در فرصتی که برایش باقی مانده، مسئله جمهوری اسلامی را به هر شکلی که شده حل کند! به ویژه اگر جنگ در شکست جمهوریخواهان نقش بازی کرده باشد.



انتخابات آمریکا، عکس: رویترز

با اعلام نتایج اولیه شمارش آراء انتخابات میاندوره‌ای آمریکا، تا چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ (نیمروز به وقت ایران)، حزب دموکرات موفق شد اکثریت کنگره، شامل سنا و مجلس نمایندگان، را به دست آورد.

بر اساس نتایج اعلام‌شده، دموکرات‌ها تا کنون ۵۴ کرسی سنا را در اختیار گرفته‌اند، در حالی که جمهوریخواهان ۴۲ کرسی به دست آورده‌اند. در مجلس نمایندگان نیز دموکرات‌ها با کسب ۲۱۸ کرسی، به حد نصاب لازم برای تشکیل اکثریت رسیدند. جمهوریخواهان تا کنون ۱۳۴ کرسی این مجلس را به دست آورده‌اند.

هر چند احتمال تغییر این نتایج وجود دارد اما با این ارقام، جمهوریخواهان شانسی برای پیروزی ندارند.

واکنش ترامپ

رئیس جمهوری آمریکا در مصاحبه با فاکس‌نیوز جنگ با جمهوری اسلامی را در نتیجه انتخابات کنگره موثر دانست. دونالد ترامپ عنوان کرد، اقتصاد آمریکا در دوره نخست ریاست جمهوری او در بهترین وضعیت خود بود، اما عملکرد کنونی اقتصاد حتی از آن دوره هم بهتر است. به گفته ترامپ، «اگر بنزین گران نشده بود، این تفاوت برای مردم ملموس‌تر می‌بود.»

ترامپ در پاسخ به پرسشی درباره استفاده از سلاح هسته‌ای علیه رژیم ایران، گفت «نه، نیازی ندارم. جمهوری اسلامی را از قبل ۹۰ درصد از کار انداخته‌ایم.»

او درباره گسترش حمله‌ها پس از انتخابات میاندوره‌ای پاسخ داد: «نگاه می‌کنیم و اگر فرصتی ببینیم، هرچه به سود این کشور [ایالات متحده] باشد انجام می‌دهیم». وی گفت، معتقد است که تصمیم جنگ «کاملاً درست بود و همچنان هست».

ترامپ تصمیم جنگ با جمهوری اسلامی را «تصمیمی بسیار خردمندانه برای آینده کشور و جهان» خواند و تأکید کرد که دوباره نیز همین تصمیم را می‌گرفت.

مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران از نتایج انتخابات آمریکا استقبال کردند، زیرا از مدت‌ها پیش به این ارزیابی رسیده بودند که اگر جمهوریخواهان در انتخابات کنگره شکست بخورند فشار از روی جمهوری اسلامی کاهش خواهد یافت.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی اولین مقام رسمی بقایای جمهوری اسلامی است که به نتایج انتخابات آمریکا واکنش نشان داد. او در «ایکس» نوشت: «مردم آمریکا به جنگ نه گفتند و ما هم با آنها موافقیم.» ادعای قالیباف در حالیست که مسبب جنگ، خود جمهوری اسلامی است.

قالیباف در ادامه با تهدید نوشت: «اگر دولت آمریکا خواست مردمش را نادیده بگیرد و به خواسته‌های حامیان مالی و باجگیران بین‌المللی تن دهد، پاسخ منفی ما به جنگ برای آمریکا به کابوس تبدیل خواهد شد.»

کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله خبرگزاری فارس از پیروزی «عبدل السید» نامزد مسلمان حزب دموکرات در ایالت میشیگان استقبال کردند.

خبرگزاری فارس و خبرگزاری صداوسیمای جمهوری اسلامی نیز شکست جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای آمریکا را «تغییر رژیم» خواندند!

دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی در خطی سازمانیافته ادعا می‌کند که شکست جمهوریخواهان در این انتخابات ناشی از مقاومت جمهوری اسلامی در جنگ بود. در مقابل، بخشی از مخالفان حکومت می‌گویند ترامپ بجای آنکه کار جمهوری اسلامی را تمام کند به دنبال روزنه‌ای برای «توافق» بود و همین فرسایشی شدن جنگ به زیان جمهوریخواهان تمام شد.

استقبال جمهوری اسلامی از پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات سوم نوامبر در حالیست که بسیاری از تحلیلگران چشم‌انداز را برعکس تصورات آن ترسیم می‌کنند: با شکست جمهوریخواهان در این انتخابات، دونالد ترامپ با اختیاراتی که به عنوان رئیس جمهور دارد، تلاش خواهد کرد تا در فرصتی که برایش باقی مانده، مسئله جمهوری اسلامی را به هر شکلی که شده حل کند! به ویژه اگر جنگ در شکست جمهوریخواهان نقش بازی کرده باشد.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

اصرار بر مذاکره؛ الگوی یک سیاستِ «شکست‌خورده»



طرح از کیهان لندن ©KayhanLondon

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک‌پست»، جمهوری اسلامی بر اجرای هفت شرط «عجیب و غریبی» اصرار می‌ورزد که دونالد ترامپ ماه گذشته آنها را رد کرده بود. رژیم ایران همچنان تنها چارچوب قابل قبول خود را همین هفت‌بند می‌داند و هرگونه گفتگو درباره برنامه هسته‌ای و موشکی خود را به حاشیه می‌راند.

طبق آخرین گزارش‌ها، مذاکرات غیرمستقیم از طریق قطری‌ها جریان دارد. رژیم ایران پیش‌نویس‌هایی ارائه کرده و ادعا می‌کند آمریکا برخی شروط را پذیرفته، اما ابهاماتی باقی مانده است. با این حال، محسن رضایی، دبیر شورای «امنیت ملی» جمهوری اسلامی، تأکید کرده که بدون اجرای کامل هفت شرط، نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکرات پیش می‌رود.

اصلاح رفتاری در ساختار جمهوری اسلامی برای دستیابی به «توافق دیپلماتیک هسته‌ای» ناممکن و هرگونه تغییر اساسی در این اصول، به معنای فروپاشی مشروعیت نظام است. تاریخ مذاکرات هسته‌ای و امنیتی با رژیم ایران، الگویی تکراری از یک بازی شامل خرید وقت، نقض توافق و سوء استفاده است. از توافق‌های اولیه با اروپا در ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ گرفته تا برجام ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی از مذاکرات برای خرید زمان و کاهش فشار به عنوان روش «فرار به جلو» استفاده کرده است.

در شرایط کنونی و در مذاکرات با میانجیگری قطر نیز همین الگو دیده می‌شود: رژیم ایران شروط حداکثری می‌گذارد، بحث هسته‌ای را به تعویق می‌اندازد، و از کارت تنگه هرمز برای فشار اقتصادی استفاده می‌کند.

تجارب گذشته ثابت کرده که مذاکره با جمهوری اسلامی که هسته‌ی هویت خود را در تقابل با غرب و اسرائیل تعریف کرده، نتیجه‌ای جز تقویت آن ندارد. فشارهای مختلف حداکثری، انزوا و بهم‌زدن محاسبات امنیتی رژیم ایران (از طریق اقدام قاطع) تنها راه‌هایی هستند که تا کنون در تضعیف جمهوری اسلامی مؤثر بوده‌اند.

محسن رضایی می‌گوید، جمهوری اسلامی تنها در صورتی که آمریکا طرح هفتگانه‌ی پیشنهادی آن را اجرا کند، به کشتیرانی تجاری در آب‌های آزاد خلیج فارس حمله نخواهد کرد!

محسن رضایی، دبیر شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی، در پستی در شبکه‌ی اجتماعی ایکس اعلام کرد که پاسخ آمریکا به آخرین پیشنهاد صلح رژیم ایران «قانع‌کننده» نبوده و واشنگتن باید «کامل و صریح» به هفت شرط پاسخ دهد و آنها را اجرا کند. او می‌گوید جمهوری اسلامی تنها در این صورت، به کشتیرانی تجاری در آب‌های آزاد خلیج‌فارس حمله نخواهند کرد.

بر اساس گزارش روزنامه «نیویورک‌پست»، این موضع‌گیری، ادامه‌ی اصرار بر همان هفت شرط «عجیب و غریبی» است که دونالد ترامپ ماه گذشته آن را رد کرده بود. رژیم ایران همچنان تنها چارچوب قابل قبول خود را همین هفت‌بند می‌داند و هرگونه گفتگو درباره برنامه‌ی هسته‌ای و موشکی را به حاشیه می‌راند.

جمهوری اسلامی همچنین ادعا کرده در صورتی که هفت شرط آن بطور کامل اجرا شود، تنگه هرمز ظرف مدت کوتاهی (دو روز تا یک هفته) با عدم حملات به کشتیرانی از سوی سپاه پاسداران امن شود. در این میان، میانجیگری قطر همچنان ادامه دارد و پیام‌هایی از طریق مقاماتی مانند معاون رئیس جمهور آمریکا جی. دی. ونس رد و بدل شده، اما جمهوری اسلامی پاسخ آمریکا را ناکافی دانسته است.

اصرار جمهوری اسلامی بر هفت شرط خود در حالیست که جنگ یا درگیری‌های جاری که از اواخر فوریه ۲۰۲۶ شدت گرفته ادامه دارد، تنگه هرمز به عنوان اهرم فشار ناامن و محدود شده و حملات متقابل و تهدید به از سر گرفتن عملیات نظامی از هر دو سو مطرح است. ترامپ پیشتر پیشنهادهای مشابه را رد کرده و خطوط قرمز خود را اعلام نموده بود.

طبق آخرین گزارش‌ها، مذاکرات غیرمستقیم از طریق قطری‌ها جریان دارد. رژیم ایران پیش‌نویس‌هایی ارائه کرده و ادعا می‌کند آمریکا برخی شروط را پذیرفته، اما ابهاماتی باقی مانده است. با این حال، رضایی تأکید کرده که بدون اجرای کامل هفت شرط، نه تنگه هرمز باز می‌شود و نه مذاکرات پیش می‌رود.

همزمان، گزارش‌هایی از آمادگی جمهوری اسلامی برای از سر گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای و بازسازی سایت‌های اتمی وجود دارد و تهدید آن به پاسخ قاطع در صورت حمله‌ی مجدد مطرح شده است.

این وضعیت نشان‌دهنده‌ی سوء استفاده از تنگه هرمز به عنوان اهرم اقتصادی و امنیتی است. ناامنی از سوی جمهوری اسلامی در این آبراه حیاتی، تجارت جهانی نفت را تحت تأثیر قرار داده و فشار بر بازارهای انرژی وارد کرده است. آمریکا و متحدانش محاصره دریایی را به عنوان پاسخ به اقدامات رژیم ایران اعمال کرده‌اند.

اصلاح رفتاری؟! امری ناممکن در جمهوری اسلامی

اصل مسئله اما فراتر از این شروط خاص و یکطرفه است. جمهوری اسلامی از بدو تأسیس بر پایه‌ی صدور انقلاب و ایدئولوژی «مقاومت» بنا شده است. دشمنی با آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» و اسرائیل به عنوان «شیطان کوچک» در قانون اساسی و گفتمان رسمی نهادینه شده است. حمایت از نیروهای تروریستی (حزب‌الله، حماس، حوثی‌ها و گروه‌های عراقی) نه سیاست تاکتیکی، بلکه بخشی از رسالت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است.

هفت شرط رژیم ایران دقیقاً همین ماهیت را منعکس می‌کند. پایان «خصومت‌ها» به معنای محدود کردن توانایی اسرائیل و آمریکا در مقابله با تروریسم نیابتی است؛ رفع تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌ها بدون هیچ تعهد متقابل هسته‌ای، عملاً تقویت اقتصادی رژیم ایران برای ادامه‌ی سیاست‌های بحران‌سازی منطقه‌ای است؛ کاهش حضور آمریکا و پرداخت غرامت نیز به منزله‌ی به رسمیت شناختن «پیروزی ایدئولوژیک» بقایای جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی هیچگاه حاضر به دست کشیدن از برنامه هسته‌ای به عنوان ابزار بازدارندگی و تبلیغات

ایدئولوژیک نخواهد بود و موشک‌های بالستیک را جزء جدایی‌ناپذیر نیروی دفاعی و قدرت‌نمایی خود می‌داند.

اصلاح رفتاری در ساختار جمهوری اسلامی برای دستیابی به «توافق دیپلماتیک هسته‌ای» ناممکن و هرگونه تغییر اساسی در این اصول، به معنای فروپاشی مشروعیت نظام است.

افرادی مانند محسن رضایی، که سابقه‌ی نظامی و امنیتی طولانی دارند، نماینده‌ی تداوم این خط هستند، نه تغییر و تلاشی که منافع ملت ایران در آن لحاظ گردد. حتی در دوره‌های به ظاهر «متعادل» نیز (مانند دوران روحانی) این سیاست‌های بنیادین تغییر نکرد و صرفاً تاکتیک‌ها برای کسب امتیاز اقتصادی اندکی تعدیل شدند.

روند بی‌نتیجه مذاکره با توجه به تجارب گذشته

تاریخ مذاکرات هسته‌ای و امنیتی با رژیم ایران، الگویی تکراری از یک بازی شامل خرید وقت، نقض توافق و سوء استفاده است. از توافق‌های اولیه با اروپا در ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ گرفته تا برجام ۲۰۱۵، جمهوری اسلامی از مذاکرات برای خرید زمان و کاهش فشار به عنوان روش «فرار به جلو» استفاده کرده است.

توافق هسته‌ای «برجام» محدودیت‌های موقتی بر غنی‌سازی اورانیوم گذاشت، اما رژیم ایران پس از خروج آمریکا در هشتم ماه مه ۲۰۱۸، به سرعت از سقف مجاز عبور کرد، غنی‌سازی را به ۶۰ درصد رساند، سانتریفیوژهای پیشرفته نصب کرد و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را محدود نمود. آرشیو هسته‌ای کشف‌شده توسط اسرائیل نشان داد که برنامه‌ی تسلیحاتی مخفی حتی پس از سال ۲۰۰۳ نیز ادامه داشته و جمهوری اسلامی در مورد برنامه‌های گذشته‌ی خود دروغ گفته است.

با فعال‌شدن مکانیسم ماشه (اسنپ‌بک) در سپتامبر ۲۰۲۵ اگرچه تحریم‌های سازمان ملل بازگشت، اما در تمام این سال‌ها، رژیم ایران همزمان به توسعه‌ی موشکی، تقویت نیروهای نیابتی و سرکوب داخلی ادامه داده است. امتیازاتی که در مذاکرات داده شد (رفع تحریم، آزادسازی دارایی)، بجای تغییر رفتار، صرف گسترش نفوذ منطقه‌ای و تقویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

در شرایط کنونی و در مذاکرات با میانجیگری قطر نیز همین الگو دیده می‌شود: رژیم ایران شروط حداکثری می‌گذارد، بحث هسته‌ای را به تعویق می‌اندازد، و از کارت تنگه هرمز برای فشار اقتصادی استفاده می‌کند.

رد پاسخ آمریکا و اصرار بر اجرای کامل شروط هفتگانه، نشان‌دهنده‌ی عدم اراده‌ی واقعی برای مصالحه و رسیدن به توافق واقعی است. هرگونه توافقی که با رژیم ایران حاصل شود، صرفاً تنفسی موقت خواهد بود و رژیم ایران از آن برای بازسازی و پیشبرد اهداف خود بهره خواهد برد، زیرا این رژیم امکان تغییر بنیادین در رفتار ایدئولوژیک ذاتی خود را ندارد.

تجارب گذشته ثابت کرده که مذاکره با جمهوری اسلامی که هسته‌ی هویت خود را در تقابل با غرب و اسرائیل تعریف کرده، نتیجه‌ای جز تقویت آن ندارد. فشارهای مختلف حداکثری، انزوا و بهم‌زدن محاسبات امنیتی رژیم ایران (از طریق اقدام قاطع) تنها راه‌هایی هستند که تا کنون در تضعیف جمهوری اسلامی مؤثر بوده‌اند.

در هر حال، طرح هفت‌بندی رژیم ایران، نه گامی به سوی صلح، بلکه تأیید دوباره بن‌بست ساختاری و مسیر شکست‌خورده‌ی «مذاکره برای مذاکره» از سوی جمهوری اسلامی است. رئیس جمهور آمریکا پس از انتخابات میاندوره‌ای فرصت کافی دارد تا با جلوگیری از «اتلاف وقت» بیشتر و بر اساس آنچه خود گفته است، کار را تمام کند.

پایان شمارش آراء در اسرائیل؛ نتانیاهو با وجود از دست دادن اکثریت پارلمانی همچنان شانس حفظ قدرت را دارد



بنیامین نتانیاهو / رویترز

● شمارش آراء انتخابات در اسرائیل به پایان رسید و با وجود اینکه ائتلاف بنیامین نتانیاهو (لیکود) با ۵۳ رای نتوانست اکثریت کرسی‌های پارلمان (۶۱ کرسی) را به دست آورد اما همچنان امکان تشکیل دولت آینده را دارد و شانس اول به شمار می‌رود زیرا رقبای او برای دستیابی به قدرت با اختلافات سیاسی و دشواری تشکیل ائتلاف روبرو هستند.

● آسوشیتدپرس در گزارشی که هشتم آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، می‌نویسد که تصمیم‌های دشواری در پیش است. آیا احزاب اصلی مخالف که با هدف برکناری نتانیاهو و پایان دادن به نخست‌وزیری او کارزار انتخاباتی گسترده‌ای به راه انداخته بودند، حاضر خواهند شد تصمیم سیاسی حساسی بگیرند و با احزاب به رهبری اعراب ائتلاف کنند؟

● دنی سیترینوویچ تحلیلگر منطقه‌ای و افسر پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل به رویترز گفت، نتانیاهو «با نباختن پیروز شد» و توانست از شکست سیاسی خود جلوگیری کند.

شمارش آراء انتخابات در اسرائیل به پایان رسید و با وجود اینکه ائتلاف بنیامین نتانیاهو (لیکود) با ۵۳ رای نتوانست اکثریت کرسی‌های پارلمان (۶۱ کرسی) را به دست آورد اما همچنان امکان تشکیل دولت آینده را دارد و شانس اول به شمار می‌رود زیرا رقبای او برای دستیابی به قدرت با اختلافات سیاسی و دشواری تشکیل ائتلاف روبرو هستند. همزمان «لیکود» ائتلاف عربی را متهم به تقلب گسترده در انتخابات کرده است. این ائتلاف ۱۸ کرسی در پارلمان به دست آورده است.

نتایج اولیه انتخابات نشان داد که ائتلاف احزاب راستگرا و مذهبی حامی نتانیاهو با کسب ۵۳ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست، از اردوگاه مخالفان به رهبری گادی آیزنکوت با ۴۸ کرسی جلو افتاده است. احزاب عرب نیز ۱۹ کرسی به دست آورده‌اند. گفته شد نتایج رسمی انتخابات ۱۳ آبان اعلام خواهد شد.

آسوشیتدپرس در گزارشی که هشتم آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، می‌نویسد که تصمیم‌های دشواری در پیش است. آیا احزاب اصلی مخالف که با هدف برکناری نتانیاهو و پایان دادن به نخست‌وزیری او کارزار انتخاباتی گسترده‌ای به راه انداخته بودند، حاضر خواهند شد تصمیم سیاسی حساسی بگیرند و با احزاب به رهبری اعراب ائتلاف کنند؟ یا اینکه تعهدات انتخاباتی خود را کنار خواهند گذاشت و برای تشکیل یک دولت وحدت ملی، که ممکن است با اختلافات داخلی جدی روبرو شود، به نتانیاهو خواهند پیوست؟

نمایندگان ائتلاف لیکود می‌گویند مدارک و شواهد خود از تقلب احزاب عرب را به دستگاه‌های امنیتی اسرائیل ارائه دادند اما آسوشیتدپرس مدعی شده هیچ مدرک قابل قبولی ارائه نشده است.

رویترز نیز به نقل از آویو بوشینسکی مشاور پیشین نتانیاهو نوشت که نخست وزیر اسرائیل با وجود از دست دادن اکثریت، موقعیت سیاسی خود را هنوز حفظ کرده است.

دنی سیترینوویچ تحلیلگر منطقه‌ای و افسر پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل نیز گفت نتانیاهو «با نباختن پیروز شد» و توانست از شکست سیاسی خود جلوگیری کند.

به نوشته رویترز، مهم‌ترین تحول انتخابات، مشارکت بی‌سابقه شهروندان عرب اسرائیل بود که احزاب نماینده آنها را به موقعیتی تعیین‌کننده در مذاکرات تشکیل دولت رسانده است.

دنیس راس، مذاکره‌کننده پیشین آمریکا در روند صلح خاورمیانه، گفت احزاب عرب تا کنون هرگز از چنین میزان نفوذ سیاسی برخوردار نبوده‌اند.

با این حال، تشکیل دولت به رهبری آیزنکوت احتمالاً به حمایت مستقیم یا غیرمستقیم احزاب عرب نیاز دارد؛ گزینه‌ای که ممکن است با مخالفت برخی متحدان راستگرای او، از جمله نفتالی بنت و آویگدور لیبرمن، روبرو شود.

در مقابل، تحلیلگران احتمال تشکیل دولت وحدت ملی به رهبری نتانیاهو و با مشارکت بخشی از مخالفان را مطرح کرده‌اند.

بوشینسکی معتقد است، دونالد ترامپ می‌تواند با استفاده از نفوذ سیاسی خود نتانیاهو را به تشکیل ائتلافی گسترده‌تر و کنار گذاشتن برخی متحدان راستگرای افراطی تشویق کند.

نتانیاهو در سخنرانی پس از انتخابات، همکاری با آمریکا برای مقابله با تهدید جمهوری اسلامی را از اولویت‌های خود دانست.

در صورت ناکامی مذاکرات تشکیل دولت، احتمال برگزاری انتخابات مجدد وجود دارد. تا تعیین تکلیف دولت آینده، نتانیاهو در مقام نخست وزیر دولت موقت باقی خواهد ماند.

پایان مذاکراتِ بدون نتیجه؛ متحدان آمریکا در خلیج‌فارس برای آغاز حملات به جمهوری اسلامی آماده می‌شوند

بر اساس گزارش رویترز به نقل از یک مقام آگاه از مذاکرات، مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی روز یکشنبه (دهم آبان) پس از پایان گفتگوهای غیرمستقیم با میانجی‌های قطری بدون هیچ پیشرفتی دوحه را ترک کردند.

از سوی دیگر، گزارشی در وال‌استریت ژورنال نشان می‌دهد، متحدان آمریکایی در خلیج‌فارس خود را برای بمباران سنگین آمریکا علیه رژیم ایران آماده می‌کنند. آنها انتظار دارند این حملات که ممکن است از همین هفته آغاز شود، چرخه‌ی تلافی‌جویانه شدیدی علیه زیرساخت‌های اقتصادی و غیرنظامی خودشان ایجاد کند.

انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات، می‌گوید منطقه درگیر بحرانی شده که سخت تلاش کردند از آن جلوگیری کنند. مقامات کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس از آغاز حملات جدید حمایت نمی‌کنند، اما اکثریت وقوع آن را «نزدیک» می‌دانند و انتظار تلافی تهاجمی‌تر رژیم ایران را دارند.

در کوتاه‌مدت، دیپلماسی از طریق قطر و سایر میانجی‌ها ممکن است ادامه یابد، اما این روزنه پس از انتخابات میاندوره‌ای بسیار محدود خواهد شد، به ویژه آنکه شروط جمهوری اسلامی پیشتر از سوی دونالد ترامپ رد شده‌اند. اکنون منطقه در حالت انتظار و آماده‌باش قرار دارد و تصمیم عملی ترامپ معمولا همان چیزی نیست که روزانه بیان می‌کند.



محسن رضایی که آرزویش برای رئیس جمهوری اسلامی شدن برآورده نشد، اکنون گفته می‌شود که از تصمیم‌گیران بقایای جمهوری اسلامی است. این عکس وی را میان حاجی‌زاده و سلامی نشان می‌دهد که هر دو توسط آمریکا و اسرائیل از میان برداشته شدند

انتخابات میاندوره‌ای آمریکا روز سوم نوامبر در شرایطی آغاز می‌شود که بار دیگر «دیپلماسی» با جمهوری اسلامی و بقایایش نیز شکست خورده و کشورهای حاشیه خلیج فارس خود را برای درگیری‌های تازه آماده می‌کنند.

با آغاز انتخابات میاندوره‌ای در آمریکا، همراه با وضعیت شکننده‌ی دیپلماسی پس از خروج بدون نتیجه‌ی مذاکره‌کنندگان رژیم ایران از دوحه و افزایش آمادگی‌های نظامی ایالات متحده، کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز خود را برای دور جدیدی از درگیری‌ها آماده می‌کنند.

جنگ علیه جمهوری اسلامی که از نهم اسفند ۴۰۴ با ضربات مشترک آمریکا و اسرائیل آغاز شد، پس از فروپاشی یادداشت «تفاهم اسلام‌آباد» هفدهم ژوئن و بازگرداندن محاصره دریایی آمریکا از ۲۳ تیر ۴۰۵، عمدتاً بر محور تنگه هرمز، صادرات نفت رژیم ایران و زیرساخت‌های نظامی متمرکز مانده است.

بر اساس گزارش رویترز به نقل از یک مقام آگاه از مذاکرات، مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی روز یکشنبه (دهم آبان) پس از پایان گفتگوهای غیرمستقیم با میانجی‌های قطری بدون هیچ پیشرفتی دوحه را ترک کردند.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه، در نشست خبری هفتگی تأکید کرد که اساس گفتگوها همان طرح هفت ماده‌ای است که در شهریورماه تدوین شده و هدف آن بازگشایی تنگه هرمز و پایان محاصره دریایی آمریکا است.

پیشنهاد تازه‌ی جمهوری اسلامی در چانه‌زنی‌های قطر، ارائه‌ی همین طرح در جدول زمانی فشرده‌تری بوده که اجرا شود. بقایی گفت: «مطالبات ما به‌وضوح و شفافیت کامل بیان شده‌اند. این مطالبات منطقی و معقول‌اند؛ هیچ توافق نهایی آغاز نمی‌شود و تنگه هرمز بازگشایی یا امن نخواهد شد مگر آنکه محاصره دریایی آمریکا پایان یابد، مطالبات ما محترم شمرده شود و نیازهای مشروع جمهوری اسلامی برآورده گردد». او تصریح کرد که «توپ اکنون در زمین آمریکا است».

همچنین عباس عراقچی وزیر خارجه نیز در مصاحبه با شبکه الجزیره اعلام کرد که تحت یک توافق، تنگه هرمز می‌تواند ظرف دو روز (بجای هفت روز اولیه) بازگشایی شود. پیشنهاد اولیه جمهوری اسلامی پیشتر توسط دونالد ترامپ رد شده بود. اما حالا این کوتاه کردن جدول زمانی به عنوان نشانه‌ی حسن‌نیت جمهوری اسلامی قلمداد شده است.

جزئیات طرح هفت مرحله‌ای و شرایط جمهوری اسلامی

طرح هفت‌روزه‌ی رژیم ایران که در حاشیه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل به میانجی‌های قطری تحویل داده شد، بر پایه‌ی «یادداشت تفاهم اسلام‌آباد» استوار است که به جایی نرسید. این یادداشت که با میانجیگری پاکستان و قطر تنظیم شده بود، آتش‌بس موقت، مهلت شصت‌روزه برای مذاکرات نهایی و پیوند امنیت تنگه هرمز با برنامه‌ی هسته‌ای را شامل می‌شد، اما حملات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کشتیرانی بین‌المللی مانع اجرای آن شد.

مراحل اصلی طرح (طبق اظهارات عراقچی، قالیباف و بقایی) به این شرح بوده است:

روز صفر: پذیرش آمریکا از طریق قطر و شروع شمارش.

روزهای اول تا پنجم: پایان فشار نظامی و اقتصادی، اعلام آتش‌بس کامل در تمام جبهه‌ها (از جمله لبنان)، توقف محاصره دریایی، صدور معافیت نفتی، آزادسازی دارایی‌های مسدود (حداقل ۱۲ میلیارد دلار)، لغو تحریم‌های یکجانبه اخیر و آماده ساختن فنی تنگه هرمز از سوی جمهوری اسلامی و عمان.

روز ششم: بازگشایی تنگه و از سر گرفته شدن کشتیرانی تجاری بدون عوارض.

روز هفتم: آغاز مذاکرات نهایی درباره‌ی موضوعات مورد توافق از جمله برنامه هسته‌ای.

در کنار شرایط هفتگانه، رژیم ایران همچنین بر تعیین مسیر ناوبری در خلیج فارس نیز اصرار می‌ورزد. بقایی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی تأکید دارند اینها «پیش‌شرط» نیستند بلکه بازگشت به تعهدات قبلی‌اند و این مذاکرات، شامل انتقال اورانیوم غنی‌شده نیست. در هر حال این پیشنهادات که موضوع را به جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان نیز گره زده در حالی همگی از سوی آمریکا ردّ شدند که چندین هفته است انتقال نفت از خلیج فارس جریان دارد و اختلال در تنگه هرمز بیش از همه به زیان خود جمهوری اسلامی تمام شده است.

آمادگی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس برای حملات آمریکا و پیامدهای آن

از سوی دیگر، گزارشی در وال‌استریت ژورنال نشان می‌دهد، متحدان آمریکایی در خلیج‌فارس خود را برای بمباران سنگین آمریکا علیه رژیم ایران آماده می‌کنند. آنها انتظار دارند این حملات که ممکن است از همین هفته آغاز شود، چرخه‌ی تلافی‌جویانه شدیدی علیه زیرساخت‌های اقتصادی و غیرنظامی خودشان ایجاد کند.

تلاش‌های دیپلماتیک دولت ترامپ و میانجی‌های عرب ادامه دارد، اما عدم پیشرفت در مذاکرات به دلیل پافشاری جمهوری اسلامی بر خواست‌های یکطرفه و نامعقول، بدون ارائه‌ی هیچ امتیازی، دست آمریکا را برای موج دوباره‌ی حملات باز گذاشته است.

رئیس‌جمهور ایالات متحده به سمت حمله‌ی بزرگ پس از انتخابات میاندوره‌ای تمایل دارد که می‌تواند

نیویورک‌تایمز: هشدار اسرائیل به آمریکا و دولت‌های عربی درباره استفاده احتمالی جمهوری اسلامی از تسلیحات شیمیایی

در بخشی از گزارش «نیویورک‌تایمز» آمده، مقامات اسرائیلی در گفتگوهای دو هفته گذشته با نهادهای اطلاعاتی و دیگر مقامات آمریکایی، تهدید سلاح‌های شیمیایی جمهوری اسلامی را «فوری‌تر» از تلاش تهران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای توصیف کرده‌اند.

به گفته کارشناسان تسلیحاتی و مقامات آمریکایی، نصب سلاح شیمیایی روی موشک بالستیک چندان دشوار نیست. مشکل اصلی، اطمینان از پخش موثر عنصر شیمیایی است. انتقال مخفیانه بمب از مرز نیز دشواری‌های خود را دارد و استفاده از پهپاد برای حمل این سلاح‌ها از دیگر گزینه‌ها بیشتر محتمل است.

کارشناسان تسلیحاتی هشدار می‌دهند، ممکن است جمهوری اسلامی با احساس تهدید علیه بقای خود، از آستانه استفاده «مستقیم و تهاجمی از این سلاح‌های غیرمتعارف» عبور کرده باشد.



حضور پرسنل سپاه پاسداران در «مصلی خمینی»

روزنامه «نیویورک‌تایمز» گزارش داد که اسرائیل اطلاعاتی در اختیار آمریکا قرار داده که بر اساس آن، جمهوری اسلامی در حال بررسی استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه دشمنان خود است.

در این گزارش که سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ منتشر شد، آمده برخی مقامات آمریکایی این اطلاعات را بخشی از کارزار فشار دولت بنیامین نتانیاهو جهت متقاعد کردن کاخ سفید برای از سر گرفتن عملیات گسترده نظامی علیه حکومت ایران می‌دانند.

در مقابل، گروهی دیگر با اشاره به هشدارهای متعدد اخیر درباره آمادگی جمهوری اسلامی برای حمله به منافع آمریکا، بر ضرورت جدی گرفتن این تهدیدها تأکید دارند. اسرائیل بخشی از این اطلاعات را با مقامات کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز در میان گذاشته است.

یک مقام منطقه‌ای به نیویورک‌تایمز گفت، اسرائیل به این کشورها گفته جمهوری اسلامی برای استفاده کردن از سلاح‌های شیمیایی خود می‌کوشد، اما شواهدی ارائه نداده و دولت‌های خلیج فارس هم این ارزیابی‌ها را جدی ندانسته‌اند.

در بخشی از گزارش «نیویورک‌تایمز» آمده، مقامات اسرائیلی در گفتگوهای دو هفته گذشته با نهادهای اطلاعاتی و دیگر مقامات آمریکایی، تهدید سلاح‌های شیمیایی جمهوری اسلامی را «فوری‌تر» از تلاش تهران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای توصیف کرده‌اند.

مقام‌های آمریکایی گفتند نهادهای اطلاعاتی اسرائیل بر این باورند که حکومت ایران با سرعت در حال توسعه فناوری لازم برای نصب این سلاح‌ها روی موشک یا انتقال مخفیانه آنها به اسرائیل یا کشوری دیگر برای انجام حمله است.

با این حال، افرادی که در جریان اطلاعات تازه قرار گرفته‌اند، درباره زمان لازم برای به کار گرفتن سلاح شیمیایی از سوی تهران و میزان اثرگذاری آن دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

به‌گفته کارشناسان تسلیحاتی و مقامات آمریکایی، نصب سلاح شیمیایی روی موشک بالستیک چندان دشوار نیست. مشکل اصلی، اطمینان از پخش موثر عنصر شیمیایی است. انتقال مخفیانه بمب از مرز نیز دشواری‌های خود را دارد و استفاده از پهپاد برای حمل این سلاح‌ها از دیگر گزینه‌ها بیشتر محتمل است.

نیویورک‌تایمز در بخش دیگری نوشت، در جامعه اطلاعاتی آمریکا درباره توسعه سلاح‌های شیمیایی در ایران اختلاف نظر چندانی وجود ندارد، ولی اینکه رهبران جمهوری اسلامی به استفاده از آنها روی بیاورند، محل بحث جدی است.

دانا استرول مقام ارشد سیاست‌گذاری خاورمیانه در پنتاگون در دولت جو بایدن می‌گوید، بیش از دو دهه است که ذخیره‌سازی مواد و اجزای مورد نیاز برای ساخت سلاح‌های شیمیایی در ایران شناسایی شده، اما جمهوری اسلامی هنوز از این سلاح‌ها استفاده نکرده است.

استرول می‌افزاید، ممکن است جمهوری اسلامی با احساس تهدید علیه بقای خود، از آستانه استفاده «مستقیم و تهاجمی از این سلاح‌های غیرمتعارف» عبور کرده باشد.

این روزنامه همچنین نوشت، بحث تهدید شیمیایی جمهوری اسلامی برای برخی مقامات آمریکایی یادآور اطلاعات نادرست سال ۲۰۰۲ درباره سلاح‌های کشتار جمعی عراق در زمان صدام حسین است

دولت عراق تا آن زمان برنامه‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک خود را عمدتاً کنار گذاشته یا متوقف کرده بود. با این حال، نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده به دولت جرج دبلیو بوش اطمینان داده بودند که ارزیابی آنها درباره برخورداری عراق از این سلاح‌ها «خدشه‌ناپذیر» است.

پیش از این «مرکز مطالعات استراتژیک بگین- سادات» در دانشگاه بار-ایلان اسرائیل گزارش داده بود که جمهوری اسلامی ممکن است در شرایطی که در ساخت سلاح هسته‌ای ناکام مانده، به دنبال تقویت و گسترش ظرفیت‌های خود در حوزه تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک باشد.

این اندیشکده هشدار داده بود، چنین روندی می‌تواند تهدیدی برای اسرائیل، منطقه و مردم ایران به شمار آید.

زیرساخت‌های درآمدزا، انبارهای موشکی و سایت‌های هسته‌ای در ایران را هدف قرار دهد، اما هنوز تصمیم نهایی نگرفته است.

دونالد ترامپ در تماس روز شنبه با بنیامین نتانیاهو، خواست همچنان به دیپلماسی فرصت داده شود. نتانیاهو بر ضربات فوری پس از انتخابات میاندوره‌ای اصرار داشت. ارتش اسرائیل طرح‌های حمله را آماده کرده و در حالت آماده‌باش بالا قرار دارد.

انور قرقاش، مشاور دیپلماتیک رئیس امارات، می‌گوید منطقه درگیر بحرانی شده که سخت تلاش کردند از آن جلوگیری کنند. مقامات کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس از آغاز حملات جدید حمایت نمی‌کنند، اما اکثریت وقوع آن را «نزدیک» می‌دانند و انتظار تلافی تهاجمی‌تر رژیم ایران را دارند.

بعداز خروج هیئت جمهوری اسلامی از دوحه، در صورت تبادل یک پیش‌نویس اگرچه می‌تواند نشان‌دهنده‌ی ادامه‌ی گفتگو از طریق کانال‌های غیرمستقیم باشد، اما شرایط رژیم ایران (پایان محاصره پیش از بازگشایی تنگه هرمز) با اولویت‌های ترامپ (کاهش قیمت انرژی پس از انتخابات و جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای) فاصله دارد.

با این حال، در کوتاه‌مدت، دیپلماسی از طریق قطر و سایر میانجی‌ها ممکن است ادامه یابد، اما این روزنه پس از انتخابات میاندوره‌ای بسیار محدود خواهد شد، به ویژه آنکه شروط جمهوری اسلامی پیشتر از سوی دونالد ترامپ رد شده‌اند. اکنون منطقه در حالت انتظار و آماده‌باش قرار دارد و تصمیم عملی ترامپ معمولا همان چیزی نیست که روزانه بیان می‌کند.

کیهان

قاچاق تسلیحات؛ شبکه پنهان وزارت دفاع جمهوری اسلامی برای دور زدن محاصره آمریکا



کامیون‌های «ایویکو» دارای کاربرد دوگانه برای استفاده نظامی توسط جمهوری اسلامی وارد ایران شده است

تحقیقات گسترده‌ی منتشرشده از سوی خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد که نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی با حروف اختصاری «MOD» (مخفف وزارت دفاع) نامگذاری شده‌اند و پس از آن اعداد پنج یا شش رقمی قرار دارد. علاوه بر این، همه‌ی نهادهای شناسایی شده یک آدرس ثبت مشترک با وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح رژیم ایران (MODAFL) در تهران دارند.

تحقیقات رویترز بر اساس هزاران سند بانکی و دولتی رژیم ایران، پرونده‌های شرکت‌ها و حدود ۱۹ هزار ثبت وارداتی انجام شده و با همکاری شرکت مشاوره‌ی تحلیل ریسک اسرائیلی- آمریکایی «۲۴۰ آنالیتیکس» صورت گرفته است.

شماره‌های تلفن ثبت‌شده برای ۹۱ مورد از این آژانس‌ها در سوابق بانک سپه، که حقوق و مستمری نیروهای سپاه پاسداران را مدیریت می‌کند، ظاهر شده است. هیچ مدرکی مبنی بر قرار گرفتن این نهادهای شماره‌دار در فهرست تحریم‌های غربی یافت نشده است.

- از ژانویه تا آوریل ۲۰۲۵، این نهاد ۸۸۶ تن مواد شیمیایی را به مجموعه‌ی بندری شه‌بندر(رجایی) در بندرعباس وارد کرد. یک انفجار بزرگ در ۲۶ آوریل در این بندر حداقل ۷۰ کشته برجای گذاشت که گزارش‌های مختلف علت آن را احتراق پرکلرات سدیم در کانتینرها دانستند.

- کالاها از طریق کشتی‌های باری از روسیه از دریای کاسپین، کامیون از آسیای مرکزی و هواپیماهای باری از چین وارد ایران شده‌اند.

واردات میلیاردها دلار تسلیحات و تجهیزات نظامی به ایران از ژانویه ۲۰۲۵ تا کنون با وجود تحریم‌های غرب و محاصره‌ی دریایی نیروی دریایی آمریکا انجام شده و در طول جنگ اخیر نیز ادامه یافته است.

جمهوری اسلامی یک شبکه‌ی مخفی با بیش از پنج‌هزار نهاد و ارگان نظامی با دسترسی جهانی ایجاد کرده که از ژانویه ۲۰۲۵ تا کنون حداقل دو میلیارد دلار سخت‌افزار، تجهیزات نظامی، مواد منفجره و کامیون‌های سنگین وارد ایران کرده است. این واردات با وجود تحریم‌های غرب و محاصره بنادر کشور توسط نیروی دریایی آمریکا انجام شده و حتی در طول جنگ اخیر نیز ادامه یافته است.

تحقیقات گسترده‌ی منتشرشده از سوی خبرگزاری رویترز نشان می‌دهد که نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی با حروف اختصاری «MOD» (مخفف وزارت دفاع) نامگذاری شده‌اند و پس از آن اعداد پنج یا شش رقمی قرار دارد. علاوه بر این، همه‌ی نهادهای شناسایی شده یک آدرس ثبت مشترک با وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح رژیم ایران (MODAFL) در تهران دارند.

در اسناد ثبت‌شده، تاریخ تأسیس آنها یازدهم فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۲۲ بهمن ۵۷ روز تسلط انقلاب اسلامی بر ایران ذکر شده، اما اکثر آنها در سال ۲۰۱۳ و در اوج فشار تحریم‌ها ایجاد شده‌اند. رد پای مالی این شبکه در اسناد حمل و نقل و بارنامه از سال ۲۰۱۶ قابل ردیابی است.

تحقیقات رویترز بر اساس هزاران سند بانکی و دولتی رژیم ایران، پرونده‌های شرکت‌ها و حدود ۱۹ هزار ثبت وارداتی انجام شده و با همکاری شرکت مشاوره‌ی تحلیل ریسک اسرائیلی- آمریکایی «۲۴۰ آنالیتیکس» صورت گرفته است.

نوام بینستوک (Noam Binstok)، تحلیلگر ارشد این شرکت (۳۵ ساله) در ژوئن ۲۰۲۵ این نهادها را کشف کرد. او هزاران صفحه از اسناد بانک سپه را که در تلگرام و وبسایت «ویکی‌ایران» به صورت آزاد در گردش بودند، در شبکه‌ی آنلاین «۲۴۰ آنالیتیکس» بارگذاری و الگوی این ارگان‌های شماره‌دار را شناسایی کرد.

برخی از این نهادها به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بنیادهای اقتصادی وابسته به دفتر رهبری جمهوری اسلامی و دیگر نهادهای انقلابی مرتبط هستند. شماره‌های تلفن ثبت‌شده برای ۹۱ مورد از این آژانس‌ها در سوابق بانک سپه، که حقوق و مستمری نیروهای سپاه پاسداران را مدیریت می‌کند، ظاهر شده است. هیچ مدرکی مبنی بر قرار گرفتن این نهادهای شماره‌دار در فهرست تحریم‌های غربی یافت نشده است.

ارگان کلیدی: MOD 346428 و واردات میلیارد دلاری

یکی از این نهادها به نام اختصاری «MOD 346428» در دوره‌ی هجده ماهه از ژانویه ۲۰۲۵ تا ژوئن -۲۰۲۶ که شامل چهار ماه از جنگ جاری نیز می‌شود- به تنهایی ۲.۳ میلیارد دلار تجهیزات نظامی وارد کرده است. این کالاها شامل پیشران‌های موشکی، مواد منفجره، قطعات سلاح حیاتی برای ساخت پهپاد و موشک، و همچنین کامیون‌های سنگین قابل استفاده به عنوان «لانچر موشک» بوده است. بخش عمده‌ی این محموله‌ها از چین، روسیه و آلمان ثبت شده‌اند.

آمار گمرکی منتشرشده در رسانه‌های ایرانی نشان می‌دهد، خریدهای خارجی این نهاد از ۴۴۲ میلیون دلار در سال منتهی به مارس ۲۰۲۳ به ۹۸۸ میلیون دلار در سال بعد افزایش یافته و آن را در میان ده واردکننده‌ی برتر ایران قرار داده است.

از ژانویه تا آوریل ۲۰۲۵، این نهاد ۸۸۶ تن مواد شیمیایی را به مجموعه‌ی بندری شه‌بندر(رجایی) در بندرعباس وارد کرد. این مواد تحت کدهایی شامل کلرات‌های سدیم و پرکلرات‌ها -پیش‌سازهای کلیدی سوخت جامد موشک- ثبت شده بودند.

یک انفجار بزرگ در ۲۶ آوریل در این بندر حداقل ۷۰ کشته برجای گذاشت که گزارش‌های مختلف علت آن را احتراق پرکلرات سدیم در کانتینرها دانستند.

همچنین، این نهاد ۴۳۵ کامیون سنگین «ایویکو» را بین ژانویه ۲۰۲۵ و ژوئن ۲۰۲۶ وارد کرده است. رویترز می‌نویسد، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی، برخی از این کامیون‌ها را در محوطه گمرکی اطراف تهران ردیابی کرده و شماره‌های VIN آنها را با سوابق وارداتی تطبیق داده است.

شرکت ایویکو اعلام کرد، حضور کامیون‌هایش در ایران خارج از کنترل آن بوده و بسیاری از آنها در اصل به «آسیای مرکزی» مانند قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان

صادر شده‌اند. علاوه بر این، محموله‌ی ۹۳ تن تیتانیوم چینی در فوریه ۲۰۲۶ و صدها تن مواد شیمیایی دیگر وارد شده که می‌توانند در بدنه‌ی موشک و موتورهای موشکی استفاده شوند. پنج محموله چاشنی روسی نیز به ارزش مجموع ۷.۶ میلیون دلار از ابتدای ۲۰۲۵ وارد شده که آخرین آن به ارزش ۱.۹ میلیون دلار در ژوئن گذشته بوده است.

مسیرها، روش‌های مالی و ادامه واردات در جنگ

کالاها از طریق کشتی‌های باری از روسیه از دریای کاسپین، کامیون از آسیای مرکزی و هواپیماهای باری از چین وارد ایران شده‌اند. حجم واردات ماهانه در ماه مارس ۴۷ درصد کاهش یافت و به ۵۴ میلیون دلار رسید، اما تا ماه مه دوباره به ۷۷ میلیون دلار افزایش یافت.

جمهوری اسلامی در نیمه اول سال ۲۰۲۶ نیز محموله‌ی چاشنی، مواد منفجره، قطعات موتور هواپیما و مواد سوخت موشک را به صورت قاچاق وارد کرد. صدها میلیون دلار کامیون، قطعات موتور و الکترونیک از آلمان و دیگر کشورهای اتحادیه اروپا، از جمله ۳۴ میلیون دلار کامیون ایویکو ثبت شده است. همچنین ۲۷ میلیون دلار کالا از امارات متحده عربی از زمان آغاز جنگ وارد ایران شده است.

در این میان، حدود ۹۷ درصد معاملات بررسی‌شده «بدون انتقال ارز» تسویه شده‌اند. این شبکه از طریق واسطه‌ها و شرکت‌های پوششی خارجی (که «امناء» نامیده می‌شوند) عمل می‌کند و درآمد حاصل از فروش غیرقانونی نفت را برای خرید کالاهای مورد نیاز خود به کار می‌برد.

سوابق بانک سپه نشان می‌دهد ۳۶ نهاد در پایان ۲۰۲۴ حدود ۱.۲ میلیارد دلار سپرده‌ی ارزی داشته‌اند و بقیه‌ی شبکه حدود ۱.۸ میلیارد دلار، ریال ایران را تأمین کرده‌اند. عوامل نهایی شناسایی‌شده شامل واحد نظامی مسئول برنامه‌ی موشک بالستیک رژیم ایران و شرکت پوششی «صحرا تندر» (که آمریکا در ۲۰۲۴ به دلیل تولید پهپاد برای روسیه تحریم کرده) هستند.

سالزبری، پژوهشگر دانشگاه کلمبیا در زمینه‌ی انتقال تسلیحات رژیم ایران، این تلاش را «عملیاتی در مقیاس صنعتی برای بازسازی یا گسترش ناوگان موجود پهپاد و موشک» خواند. چهار کارشناس تحریم و تسلیحات که یافته‌ها را بررسی کرده‌اند، تأیید کردند این مواد در برنامه‌های موشکی و پهپادی استفاده می‌شوند.

واکنش‌ها و اقدامات

سخنگوی وزارت خزانه‌داری آمریکا با بیان اینکه ایالات متحده «خطوط حیاتی اقتصادی رژیم را قطع کرده»، می‌گوید: «در حالی که رژیم ممکن است به تلاش‌های ناامیدانه برای دور زدن تحریم‌های قدرتمند ما ادامه دهد، ما همیشه ده قدم جلوتر هستیم».

اسکات بسنت با ارائه‌ی طرح عملیات «طرد اقتصادی» در ۲۴ اوت اعلام کرد، به دنبال کانال‌های درآمدی و تدارکاتی باقیمانده‌ی جمهوری اسلامی است. چین اعلام کرد از وضعیت بی‌اطلاع است و مخالف ارتباط دادن خصومت‌های منطقه‌ای به پکن است.

با این حال، یافته‌ها و مشکلات اجرای تحریم‌ها در برابر شبکه‌های پیچیده و موازی را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد رژیم ایران با استفاده از درآمد نفت، واسطه‌های خارجی و مسیرهای چندگانه، تلاش کرده تا توان بازسازی برنامه‌های موشکی و پهپادی خود را حفظ کند. کارشناسان بر لزوم نظارت گسترده‌تر بر «تجارت دوکاربردی» و اجرای تحریم‌های ثانویه تأکید دارند.

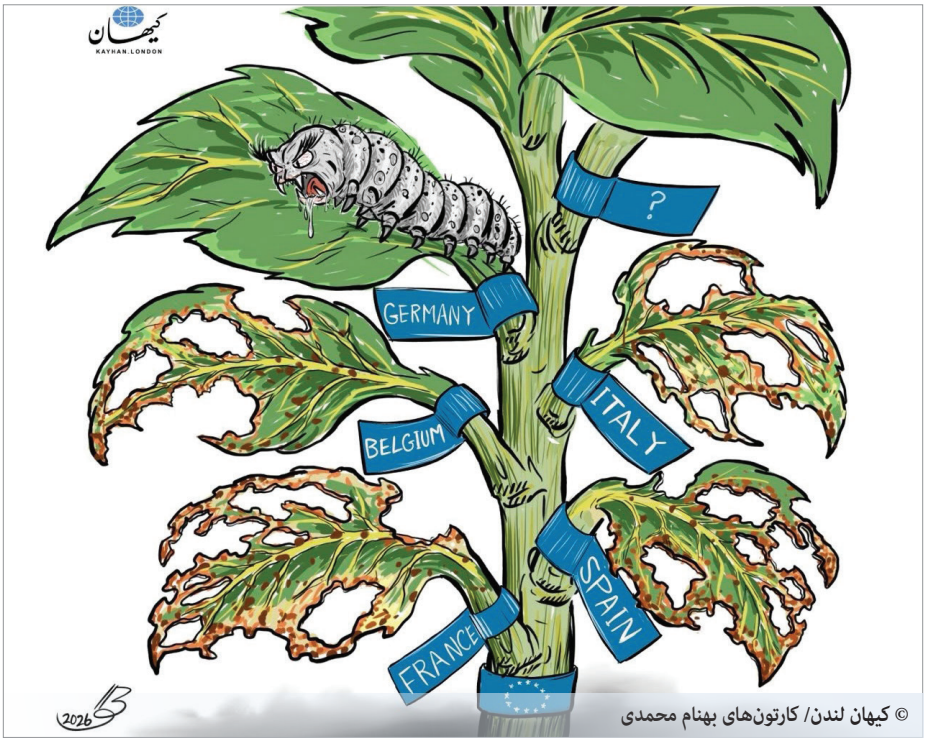
نقطه تلاقی پول رژیم ایران و تجارت خانواده وزیر آمریکایی!



ویدئو

فرید خلیفی - پشت زمامداران و عوامل رژیم اسلامی، شبکه‌ای مالی از تبهکاران قرار دارد که از سویی مشغول تاراج منابع ایران‌اند و از سوی دیگر در حال گردآوردن پول‌های حاصل از فروش این منابع در دنیا. در عین حال دولت آمریکا هم تلاش می‌کند منابع مالی جمهوری اسلامی را با تحریم و محاصره دریایی قطع کند. اما حالا اسناد قضایی آمریکا از جابجایی بیش از یک و نیم میلیارد دلار درآمد نفت ایران در شبکه‌ای از دلارهای دیجیتال پرده برداشته‌اند! شبکه‌ای که ابزار اصلی آن «تتر»(USDT) است؛ نوعی رمزارز موسوم به «استیبل‌کوین» که ارزش هر واحد آن تقریباً برابر یک دلار آمریکاست و بدون نیاز به شبکه بانکی سنتی، در سراسر جهان قابل انتقال است.

و حالا آلمان! آفتی که به جان اروپا افتاده...



© کیهان لندن/ کارتون‌های بهنام محمدی

گزینه‌های حمله علیه جمهوری اسلامی به ترامپ ارائه شد

به گزارش «وال‌استریت ژورنال»، در جلسه‌ای که دریاسالار برد کوپر فرمانده «سنتکام» گزینه‌های حمله را به رئیس جمهور آمریکا ارائه کرد، پیت هگست وزیر جنگ و ژنرال دن کین رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و دیگر اعضای کابینه حضور داشتند. در این نشست، موضوعات دیگری از جمله ادامه‌ی محاصره دریایی آمریکا نیز در دستور کار قرار داشت.

برد کوپر به ندرت شخصاً به ترامپ گزارش می‌دهد و این دیدار می‌تواند نشانه‌ای از نزدیک شدن آمریکا به یک عملیات نظامی قابل توجه باشد.

تحلیلگران نظامی معتقدند، کوپر احتمالاً طیف وسیعی از گزینه‌ها را به دونالد ترامپ ارائه کرده، از حملات محدود نمادین تا حملات گسترده‌تر برای فلج کردن قابلیت‌های موشکی رژیم ایران که می‌تواند در یک دوره‌ی ۱۰ تا ۱۴ روزه انجام گردد.


دریادار برد کوپرفرمانده سنتکام و پیت هگست وزیر جنگ آمریکا

واشنگتن در حالی بررسی از سر گرفتن حملات نظامی علیه جمهوری اسلامی را دنبال می‌کند که دریاسالار برد کوپر فرمانده ارشد نیروهای آمریکا در خاورمیانه، گزینه‌های نظامی را در کاخ سفید به دونالد ترامپ ارائه کرد.

دریاسالار برد کوپر، فرمانده‌ی ارشد نیروهای آمریکا در خاورمیانه و رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، در جلسه‌ای کم‌سابقه و حضوری در کاخ سفید، گزینه‌های نظامی علیه جمهوری اسلامی را به دونالد ترامپ ارائه کرد. این نشست در شرایطی برگزار شد که واشنگتن در حال بررسی از سر گرفتن عملیات‌های نظامی در مقیاس بزرگ است و همزمان مسیرهای دیپلماتیک را نیز دنبال می‌کند.

به گزارش «وال‌استریت ژورنال»، این جلسه با حضور پیت هگست وزیر جنگ و ژنرال دن کین رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح و دیگر اعضای کابینه برگزار شد و موضوعات دیگری از جمله ادامه‌ی محاصره دریایی آمریکا علیه نیز در دستور کار قرار داشت.

وال‌استریت ژورنال می‌نویسد که این نشست یک روز پس از جلسه‌ای مشابه با معاون رئیس‌جمهور جی. دی. ونس برگزار شد. ونس در تلاش‌هایی برای احیای مذاکرات صلح با رژیم ایران نقش داشته، هرچند ترامپ برخی گزارش‌ها درباره‌ی تماس‌های دیپلماتیک را کم‌اهمیت جلوه داده و آنها را مرتبط با موضوعات محدودی مانند «کمک‌های پزشکی» دانسته است.

خبر جلسه‌ی دریادار کوپر و دونالد ترامپ در کاخ سفید همزمان با هشدارهایی منتشر شده که مقامات آمریکایی به کشورهای عربی خلیج فارس داده‌اند تا برای عملیات نظامی کوتاه و پرقدرت پس از انتخابات میاندوره‌ای سوم نوامبر آماده باشند.

وال استریت ژورنال پیشتر گزارش داده بود که آمریکا و اسرائیل در حال آماده شدن برای دور جدیدی از عملیات‌های جنگی سنگین هستند تا رژیم ایران را ضعیف‌تر کرده و به سمت مذاکرات سوق دهند. ترامپ هنوز تصمیم نهایی نگرفته اما طبق منابع، به حمله‌ای بزرگ پس از انتخابات تمایل دارد که ممکن است زیرساخت‌های نظامی- موشکی و سایت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را هدف قرار دهد.

دونالد ترامپ در یک گردهمایی انتخاباتی هفته‌ی گذشته گفت: «شاید یک خشم حماسی کوچک دیگر انجام دهیم، یا آنها توافق کنند.» این اشاره به عملیات سنگین بمباران مشترک آمریکا و اسرائیل در بهار ۲۰۲۶ بود که با نام «خشم حماسی» شناخته می‌شود.

عملیات «خشم حماسی» که از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ آغاز شد، منجر به کشته شدن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و بسیاری فرماندهان رژیم شد و اهدافی چون قابلیت‌های موشکی، نیروی دریایی، هوایی و زیرساخت‌های صنعتی دفاعی رژیم ایران از بین برد. این عملیات نظامی حدود ماه مه پایان یافت، اما جنگ در وضعیت بن‌بست بدون آتش‌بس یا توافق صلح، باقی مانده است.

از اوایل سپتامبرگذشته، اگرچه هیچ حمله‌ی مستقیمی به جمهوری اسلامی صورت نگرفته، اما درگیری‌ها گسترش یافته که شامل حملات روزانه‌ی سپاه پاسداران به کشتیرانی بین‌المللی و حوثی‌های تحت حمایت رژیم ایران به زیرساخت‌های نفتی و فرودگاه‌های عربستان سعودی می‌شود.

برد کوپر به ندرت شخصاً به ترامپ گزارش می‌دهد و این دیدار می‌تواند نشانه‌ای از نزدیک شدن آمریکا به یک عملیات نظامی قابل توجه باشد. او پیشتر در ژوئیه، پس از مراسمی در دلور (Delaware)، همراه با هگست و کین در هواپیمای «ایرفُرس وان» با ترامپ دیدار کرده بود.

سخنگویان پنتاگون و فرماندهی مرکزی آمریکا در مورد این جلسه‌ی توجیهی از اظهار نظر خودداری کردند، اما گزارش وال‌استریت ژورنال، بر تمرکز این دیدار بر اثربخشی محاصره دریایی، هدایت نفتکش‌ها از تنگه هرمز به بازارهای جهانی انرژی و کمپین فشار اقتصادی هماهنگ با وزارت خزانه‌داری تأکید دارد.

رئیس‌جمهور آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی مسیر دوگانه‌ای را در پیش گرفته است؛ تلاش دیپلماتیک برای رسیدن به توافق و آماده شدن برای از سر گرفتن عملیات نظامی، در صورتی که خواست واشنگتن با تلاش‌های دیپلماتیک برآورده نشود.

پنتاگون در هفته‌های اخیر سامانه‌های دفاع هوایی، مهمات و تدارکات به منطقه اعزام کرده، برخی نیروها را از پایگاه‌های آسیب‌پذیر جابجا نموده و یک باتری پاتریوت اضافی نیز به اسرائیل برای تقویت دفاع موشکی ارسال می‌کند.

حضور ناوهای هواپیمابر (دو ناو در منطقه و سومی در راه) و دارایی‌های هوایی و زمینی کافی، زمینه را برای آغاز عملیات نظامی احتمالی فراهم کرده است.

از نگاهی جامع‌تر، این جلسه در چارچوب جنگ هشت‌ماهه‌ی آمریکا و متحدانش علیه رژیم ایران قرار دارد که با هدف جلوگیری از دستیابی به سلاح هسته‌ای، نابودی قابلیت‌های موشکی و نیروی دریایی آن آغاز شد.

ترامپ بارها تأکید کرده که جنگ را «هر زمان که بخواهد» پایان می‌دهد، اما باید با «تضمین قطعی» عدم دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای همراه باشد. او در یک گردهمایی در تگزاس گفت که پایان جنگ باید با یک «توافق نهایی» باشد، مبنی بر اینکه آنها هرگز سلاح هسته‌ای نخواهند داشت.

تحلیلگران نظامی معتقدند، کوپر احتمالاً طیف وسیعی از گزینه‌ها را به دونالد ترامپ ارائه کرده، از حملات محدود نمادین تا حملات گسترده‌تر برای فلج کردن قابلیت‌های موشکی رژیم ایران که می‌تواند در یک دوره‌ی ۱۰ تا ۱۴ روزه انجام گردد. از سوی دیگر، تلاش‌های دیپلماتیک ونس و میانجی‌ها نشان می‌دهد که واشنگتن هنوز امیدوار به توافق است تا از درگیری بلندمدت اجتناب کند.

نشست دریادار کوپر و رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید همراه با آمادگی‌های نظامی، نشان‌دهنده‌ی آمادگی برای از سر گرفتن حملات علیه جمهوری اسلامی در حالیست که روند بدون نتیجه‌ی مذاکرات چندماهه نیز در جریان است.

با این حال، تصمیم نهایی در اختیار دونالد ترامپ است و در روزهای آینده بعداز انتخابات میاندوره‌ای با توجه به ناسازگاری بقایای جمهوری اسلامی، می‌تواند مسیر «چراغ خاموش» او را تغییر دهد.

تلاش قطر برای جلوگیری از حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی



محسن رضایی و عباس عراقچی در نشست چهارجانبه تهران

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد میانجی‌های قطری روز جمعه هشتم آبان ۱۴۰۵ بیش از ۱۲ ساعت در تهران با مقام‌های جمهوری اسلامی گفتگو کردند تا به توافقی برای از سر گرفتن مذاکرات مستقیم میان آمریکا و رژیم ایران دست یابند و از وقوع جنگ پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا جلوگیری کنند. این گفتگوها روز شنبه ۳۱ اکتبر در دوحه، پایتخت قطر، ادامه خواهد یافت.

گفته می‌شود آمریکا اکنون تنها چند روز با احتمال آغاز یک عملیات نظامی فاصله دارد و دونالد ترامپ نیز حمله نظامی پس از انتخابات آمریکا را محتمل دانسته است.

پایگاه خبری «آکسیوس» به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داد میانجی‌های قطری روز جمعه هشتم آبان ۱۴۰۵ بیش از ۱۲ ساعت در تهران با مقام‌های جمهوری اسلامی گفتگو کردند تا به توافقی برای از سر گرفتن مذاکرات مستقیم میان آمریکا و رژیم ایران دست یابند و از وقوع جنگ پس از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا جلوگیری کنند. این گفتگوها روز شنبه ۳۱ اکتبر در دوحه، پایتخت قطر، ادامه خواهد یافت.

گفته می‌شود آمریکا اکنون تنها چند روز با احتمال آغاز یک عملیات نظامی فاصله دارد و دونالد ترامپ نیز حمله نظامی پس از انتخابات آمریکا را محتمل دانسته است.

یک منبع دیپلماتیک گفت، میانجی‌های قطری در جریان نشست طولانی با مقامات جمهوری اسلامی بطور مستمر با کاخ سفید در تماس بودند. این منبع گفت: «پیشرفت مثبتی حاصل شده است. مذاکرات همچنان با هدف فراهم کردن زمینه دستیابی به توافقی میان آمریکا و ایران ادامه دارد.»

قطر در تلاش است تا آمریکا و جمهوری اسلامی را متقاعد کند بر سر مجموعه‌ای از اقدامات متقابل توافق کنند؛ اقداماتی که طی چند روز اجرا شود و دو طرف را به مذاکرات مستقیم درباره برنامه هسته‌ای رژیم ایران و سایر مسائل بازگرداند.

یک مقام آمریکایی گفت، تا کنون دو خواسته متضاد مانع پیشرفت مذاکرات شده است: اصرار دولت ترامپ بر اینکه جمهوری اسلامی در چارچوب از سر گرفتن مذاکرات، امتیازات هسته‌ای بدهد و در مقابل، شرط رژیم ایران مبنی بر اینکه آمریکا ابتدا محاصره دریایی را لغو کند، دارایی‌های مسدودشده ایران را آزاد کند و به این کشور اجازه فروش نفت بدهد، عملی شود.

قطری‌ها تلاش می‌کنند جمهوری اسلامی را متقاعد کنند به بازرسان سازمان ملل اجازه بازدید از سایت‌های هسته‌ای بمباران‌شده را بدهد. این اقدام به عنوان تدبیری برای اعتمادسازی مطرح شده که در مقابل آن، آمریکا بخشی از تحریم‌ها را کاهش دهد.

در حلقه نزدیکان دونالد ترامپ، درباره اینکه او باید چه تصمیمی بگیرد، اختلاف نظر وجود دارد.

به گفته یک مقام آمریکایی، پیت هگست وزیر دفاع، و مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا، نسبت به امکان دستیابی به هرگونه توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی کنونی به شدت بدبین هستند. آنها معتقدند که میراث سیاسی ترامپ باید تضعیف بیشتر جمهوری اسلامی، از جمله از طریق حملات نظامی بیشتر، باشد.

این مقام گفت، در حالی که جی. دی. ونس، معاون رئیس‌جمهور و فرستادگان ترامپ، استیو ویتکاف و جرد کوشنر، خواهان از سر گرفتن مذاکرات هستند، ترامپ تردید دارد که رژیم ایران هرگز با توافقی که از نظر او قابل قبول باشد موافقت کند.

ترامپ روز جمعه در پاسخ به خبرنگاران گفت: «مذاکراتی در جریان است. آنها می‌خواهند مذاکره کنند. مدام در حال مذاکره هستند... راستش را بخواهید، ما وقت داریم. این یک جنگ است، اما جنگی متعارف نیست.»

همزمان اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، که کارزار فشار اقتصادی موسوم به «عملیات طرد اقتصادی» را هدایت می‌کند، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران ترامپ است که از او می‌خواهد به این ابتکار فرصت دهد تا نتیجه‌ی آن مشخص شود و شتابزده دوباره وارد درگیری نظامی نشود.

به گفته یک منبع منطقه‌ای، کشورهای منطقه از جمله مصر، ترکیه، عراق، پاکستان و عربستان سعودی، رژیم ایران را تحت فشار قرار داده‌اند تا پیش از انتخابات میاندوره‌ای آمریکا با از سر گرفته شدن مذاکرات موافقت کند.

یک مقام آمریکایی گفت، اگر جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای شکست سنگینی بخورند، ممکن است ترامپ تمایل بیشتری به صدور فرمان یک عملیات نظامی گسترده داشته باشد.

این مقام گفت: «اگر او احساس کند تحقیر شده یا جایگاهش را از دست داده، دست به اقدامی جسورانه خواهد زد. این همان چیزی است که همه به مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند. بهترین فرصت آنها برای رسیدن به توافق، همین حالاست.»

یک مقام کاخ سفید اما گفت که نتایج انتخابات در تصمیم‌گیری ترامپ درباره ایران تأثیری نخواهد داشت.

رهبران عربستان سعودی و ترکیه در روزهای اخیر از ترامپ خواسته‌اند فرصت بیشتری به دیپلماسی بدهد.

همزمان، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، در حال مذاکره و اعمال فشار بر ترامپ است تا بلافاصله پس از انتخابات، عملیات نظامی مشترکی علیه جمهوری اسلامی آغاز کند.

آکسیوس در پایان نوشت، از سر گرفتن جنگ می‌تواند نه‌تنها به ویرانی گسترده در ایران، بلکه به خسارات عظیم در کشورهای حاشیه خلیج فارس منجر شود و بحران جهانی انرژی را تشدید کند.

رژیم ایران تهدید کرده در صورت حمله آمریکا به زیرساخت‌های انرژی این کشور، تأسیسات نفت و گاز عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین را هدف حملات تلافی‌جویانه قرار خواهد داد.

هرگونه حمله آمریکا به نقاطی در ایران به صورت مشترک با اسرائیل انجام خواهد شد. رژیم ایران نیز احتمالاً با حملات موشکی پاسخ خواهد داد و حزب‌الله لبنان هم ممکن است حملاتی علیه اسرائیل انجام دهد.

تماس تلفنی ترامپ با نتانیاهو در میانه میانجیگری قطر

بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال»، این گفتگو چند روز پس از جلسه‌ای در کاخ سفید صورت گرفت که ترامپ در آن با فرماندهان ارشد نظامی خود، از جمله فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) دریاسالار برد کوپر، وزیر دفاع پیت هگست و رئیس ستاد مشترک ارتش ژنرال دن کین، گزینه‌های از سر گرفتن عملیات رزمی عمده در منطقه را بررسی کرد.

در این میان، میانجی‌های قطری برای چند روز متوالی با مقامات رژیم ایران دیدار کرده‌اند تا مسیر بازگشت به مذاکرات مستقیم را هموار کنند.

یک ویدیوی تبلیغاتی که توسط خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در ارتباط با «تغییر جغرافیای جنگ» منتشر شده، نقشه‌ای از پایگاه‌های نظامی در ۹ کشور اروپایی از جمله بریتانیا، آلمان، ایتالیا و یونان را نشان می‌دهد.

رژیم ایران که لزوماً توانایی اجرای همه‌ی تهدیدهایش را ندارد، هدفش ایجاد ابهام، افزایش هزینه‌ی محاسباتی و خرید زمان برای تقویت توان داخلی و کسب امتیاز در مذاکرات است.

رئیس‌جمهوری ایالات متحده فعلا در مقابل جمهوری اسلامی موازنه‌ای میان اقدام نظامی و مذاکره برقرار کرده که امنیت خاورمیانه به پیروزی قاطع آن بستگی خواهد داشت.



نتانیاهو و ترامپ در کنست / ۱۳ اکتبر ۲۰۲۵

تماس تلفنی ترامپ با نتانیاهو در روز شنبه با هدف هماهنگی آمریکا با متحد کلیدی آن در خاورمیانه صورت گرفته، آنهم در شرایطی که ایالات متحده در حال آماده شدن برای از سر گرفتن بمباران‌های احتمالی علیه جمهوری اسلامی است.

رئیس‌جمهور ایالات متحده صبح شنبه (۳۱ اکتبر ۲۰۲۶) با نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو تماس تلفنی برقرار کرد. این تماس که در جهت هماهنگی با متحد کلیدی آمریکا در خاورمیانه بوده، در شرایطی انجام شد که ایالات متحده در حال آماده شدن جهت از سر گرفتن بمباران‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی است.

بر اساس گزارش «وال‌استریت ژورنال»، این گفتگو چند روز پس از جلسه‌ای در کاخ سفید صورت گرفت که ترامپ در آن با فرماندهان ارشد نظامی خود، از جمله فرمانده ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) دریاسالار برد کوپر، وزیر دفاع پیت هگست و رئیس ستاد مشترک ارتش ژنرال دن کین، گزینه‌های از سر گرفتن عملیات رزمی عمده در منطقه را بررسی کرد.

گزارش‌های رسانه‌ای اسرائیلی و آمریکایی تأیید می‌کنند که این تماس در میانه‌ی آمادگی‌های نظامی برای هدف قرار دادن تأسیسات باقیمانده برنامه‌ی هسته‌ای رژیم ایران انجام شده است.

دونالد ترامپ بعد از این گفتگو در«پالم‌بیچ» به خبرنگاران گفت که ایالات متحده هنوز باید با «یک یا دو سایت» از جمله کوه «کلنگ گزلا» را که بنا بر اطلاعات غرب محلی برای ذخیره‌سازی مواد هسته‌ای است و تا کنون هدف قرار نگرفته، مقابله کند و این کار در «ده دقیقه» امکان‌پذیر است. او تأکید کرد که برنامه‌ای برای این کار وجود دارد و می‌توان آن را بسیار سریع اجرا کرد.

همزمان در کنار مسیر نظامی، تلاش‌های دیپلماتیک نیز فعال است. معاون رئیس‌جمهور جی. دی. ونس نامه‌ای به محسن رضایی، رئیس شورای «امنیت ملی» جمهوری اسلامی، درباره‌ی از سر گرفتن مذاکرات ارسال کرده که بالاترین سطح تماس آمریکا با رژیم ایران در ماه‌های اخیر محسوب می‌شود.

در این میان، میانجی‌های قطری برای چند روز متوالی با مقامات رژیم ایران دیدار کرده‌اند تا مسیر بازگشت به مذاکرات مستقیم را هموار کنند. ترامپ به خبرنگاران گفته، مذاکرات «خوب پیش می‌رود»، اما مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی «چندان قابل اعتماد نیستند» زیرا توافق کرده و سپس عقب‌نشینی می‌کنند.

وزیر خارجه مارکو روبیو نیز تأکید کرده که ترامپ هنوز تصمیم نهایی برای حملات جدید نگرفته و ترجیح او راه دیپلماتیک است، اما آمادگی برای اقدام نظامی وجود دارد.

از سوی دیگر، حسین محبی سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روز یکشنبه ۱۰ آبان اعلام کرد که این نهاد در حال شناسایی اهداف جدید و برنامه‌ریزی عملیات در «صحنه‌های جغرافیایی جدید» برای آمادگی در برابر حمله‌ی احتمالی دیگر به جمهوری اسلامی است.

این اظهارات یک روز پس از پیام منسوب به مجتبی خامنه‌ای رهبر نامرئی رژیم ایران، به فرماندهان نظامی صادر شد که پاسخ به هر تهدیدی را «بدون محدودیت جغرافیایی» بدهند.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی تهدید به گسترش دامنه‌ی جغرافیایی درگیری می‌کند. در طول جنگ قبلی، موشک و پهپاد به سمت ترکیه، جمهوری آذربایجان و حتی قبرس نیز شلیک شد. دو موشک هم به سمت پایگاه مشترک آمریکا- بریتانیا در جزیره‌ی «دیگو گارسیا» در اقیانوس هند پرتاب گردید.

در شهریورماه گذشته، حسین محبی گفته بود که اگر رژیم ایران دوباره مورد حمله قرار گیرد، «قطعاً جغرافیای جنگ را تغییر خواهیم داد» و اینبار نیز تهدیدها را متوجه پایگاه‌های نظامی آمریکا کرده است. یک ویدیوی تبلیغاتی که توسط خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در ارتباط با «تغییر جغرافیای جنگ» منتشر شده، نقشه‌ای از پایگاه‌های نظامی در ۹ کشور اروپایی از جمله بریتانیا، آلمان، ایتالیا و یونان را نشان می‌دهد.

تهدیدهای اخیر رژیم ایران، از جمله تأکید مکرر بر «بدون محدودیت جغرافیایی»، انتشار گرافیک‌هایی از عملیات موشکی، نمایش نقشه‌ی پایگاه‌های اروپایی و بیانیه‌هایی درباره‌ی اهداف جدید، نمونه‌ی کلاسیک استفاده از تهدیدهای تبلیغاتی و رسانه‌ای به عنوان ابزار بازدارندگی دائمی توسط جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی از سال‌ها پیش در مواجهه با فشارهای هسته‌ای و منطقه‌ای، استراتژی «جنگ روانی و بازدارندگی از طریق تهدید» را به کار گرفته است. رژیم ایران که لزوماً توانایی اجرای همه‌ی تهدیدهایش را ندارد، هدفش ایجاد ابهام، افزایش هزینه‌ی محاسباتی و خرید زمان برای تقویت توان داخلی و کسب امتیاز در مذاکرات است.

در کنار تهدیدهای منطقه‌ای- فرامنطقه‌ای و همچنین حملات مستمر روزانه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه کشتیرانی تجاری در خلیج‌فارس، رژیم ایران از طریق میانجی‌ها نیز مشغول مذاکره است و مقاماتش با پافشاری بر خواست‌های همیشگی خود، اعلام کرده‌اند که هرگونه پیشرفت در مذاکره به پاسخ‌های آمریکا بستگی دارد. در سطح منطقه‌ای، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس هشدارهای آمادگی دریافت کرده‌اند و امارات متحده از آمادگی خود برای دفاع در برابر حملات جمهوری اسلامی خبر داده است.

با این حال، تماس دونالد ترامپ با بنیامین نتانیاهو، نشانه‌ای از تداوم هماهنگی میان واشنگتن و اورشلیم در برنامه‌ریزی نظامی، اطلاعاتی و عملیاتی در مقابل بقایای جمهوری اسلامی است. رئیس‌جمهوری ایالات متحده فعلا در مقابل جمهوری اسلامی موازنه‌ای میان اقدام نظامی و مذاکره برقرار کرده که امنیت خاورمیانه به پیروزی قاطع آن بستگی خواهد داشت.

دونالد ترامپ: باید تکلیف یکی دو سایت هسته‌ای ایران را روشن کنیم؛ کارِ ۱۰ دقیقه‌است!

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا شنبه نهم آبان ۱۴۰۵ در جریان مراسم هالووین در «مارالاگو» گفت که مذاکرات با ایران خوب پیش می‌رود و رهبران جمهوری اسلامی خواستار توافق با آمریکا برای پایان جنگ هستند. او همچنین بار دیگر احتمال حمله آمریکا به تاسیسات «کوه کلنگ گزلا» را مطرح کرد.

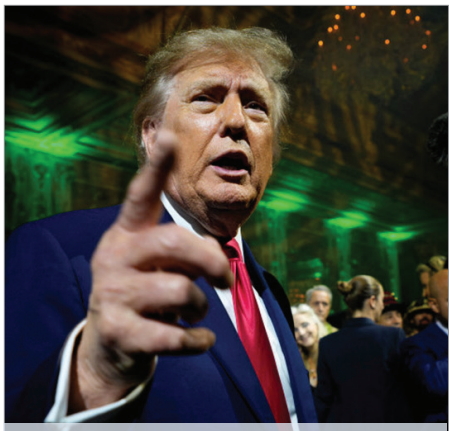
رئیس جمهوری آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا جدول زمانی خاصی برای این گفتگوها در نظر دارد، گفت: «ما نیروی دریایی، نیروی هوایی، ضدهوایی‌ها و تقریبا همه تجهیزات نظامی آنها را نابود کردیم. ما بخش بزرگی از توان تولید تسلیحات آنها را نابود کرده‌ایم. برنامه هسته‌ای آنها را هم نابود کرده‌ایم و از این نظر عجله‌ای نداریم.»

او تأکید کرد: «ما همچنان باید تکلیف یک یا دو تأسیسات آنها را مشخص کنیم. می‌توانیم این کار را در ۱۰ دقیقه انجام دهیم و برای آن برنامه داریم. شاید بتوانید کوه کلنگ را در نظر بگیرید که باید تکلیف آن را مشخص کنیم. می‌توانیم خیلی سریع کار را یکسره کنیم.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا شنبه نهم آبان ۱۴۰۵ در جریان مراسم هالووین در «مارالاگو» گفت که مذاکرات با ایران خوب پیش می‌رود و رهبران جمهوری اسلامی خواستار توافق با آمریکا برای پایان جنگ هستند. او همچنین بار دیگر احتمال حمله آمریکا به تاسیسات «کوه کلنگ گزلا» را مطرح کرد.

ترامپ عنوان کرد که رژیم «ایران هیچگاه به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت... آنها می‌خواهند به توافق برسند، ببینیم چه می‌شود.»

او درباره مذاکرات گفت: «خوب پیش می‌رود. اما آنها زیاد قابل اعتماد نیستند... مدام توافق می‌کنند و بعد پا پس



دونالد ترامپ در مراسم هالووین

می‌کشند، الان هم می‌خواهند توافق کنند.»

رئیس جمهوری آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا جدول زمانی خاصی برای این گفتگوها در نظر دارد، گفت: «ما نیروی دریایی، نیروی هوایی، ضدهوایی‌ها و تقریبا همه تجهیزات نظامی آنها را نابود کردیم. ما بخش بزرگی از توان تولید تسلیحات آنها را نابود کرده‌ایم. برنامه هسته‌ای آنها را هم نابود کرده‌ایم و از این نظر عجله‌ای نداریم.»

او تأکید کرد: «ما همچنان باید تکلیف یک یا دو تأسیسات آنها را مشخص کنیم. می‌توانیم این کار را در ۱۰ دقیقه انجام دهیم و برای آن برنامه داریم. شاید بتوانید کوه کلنگ را در نظر بگیرید که باید تکلیف آن را مشخص کنیم. می‌توانیم خیلی سریع کار را یکسره کنیم.»

همزمان قطر مذاکرات فشرده‌ای را با جمهوری اسلامی پیش می‌برد تا راهی برای جلوگیری از جنگ مجدد پیدا شود اما مقام‌های تهران با اصلی‌ترین خواسته‌های آمریکا که خارج کردن بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد است، مخالفت کرده‌اند.

بنیامین نتانیاهو بارها تلاش کرده ترامپ را برای از سر گرفتن حملات به جمهوری اسلامی ترغیب کند. همزمان ارتش‌های دو کشور برنامه‌هایی را برای حملات تازه علیه رژیم ایران تدوین کرده‌اند که به گفته منابع آگاه، تاسیسات مدفون در زیر «کوه کلنگ» می‌تواند از اهداف احتمالی این حملات باشد.

ترامپ پیش از این گفته بود، در حال بررسی استفاده از بمب ۲۲ هزار پوندی جی‌بی‌یو۴۳-/بی، موسوم به «موآب»، علیه تأسیسات زیرزمینی «کوه کلنگ گزلا» است.

از سوی دیگر، یک مقام آمریکایی به آکسیوس گفت که اگر جمهوریخواهان در انتخابات میاندوره‌ای شکست سنگینی بخورند، اتفاقا ممکن است ترامپ تمایل بیشتری به صدور دستور یک عملیات نظامی گسترده داشته باشد.

این مقام گفت که ترامپ «اگر احساس کند تحقیر شده یا قدرت و اختیارش کاهش یافته، دست به اقدامی جسورانه خواهد زد. این همان چیزی است که همه به زمامداران ایران می‌گویند. بهترین فرصت آنها برای دستیابی به توافق، همین حالاست.»

جمهوری اسلامی، نیروی دریایی و هوایی بریتانیا را «سازمان تروریستی» اعلام کرد!

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در اقدامی عجیب اعلام کرد نیروی دریایی و هوایی بریتانیا «سازمان تروریستی» هستند و سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا (MI6) نیز یک «گروه متخاصم» شناخته می‌شود.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی تصریح کرد که این تصمیم بر اساس مصوبه «شورای عالی امنیت ملی» اتخاذ شده و در پی اقدام بریتانیا مبنی بر قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی صورت گرفته است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی در اقدامی عجیب اعلام کرد نیروی دریایی و هوایی بریتانیا «سازمان تروریستی» هستند و سازمان اطلاعات خارجی بریتانیا (MI6) نیز یک «گروه متخاصم» شناخته می‌شود.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۵ نیروی دریایی سلطنتی و نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا را در فهرست سازمان‌های «تروریستی» و سازمان اطلاعات خارجی این کشور (MI6) را در فهرست «گروه‌های متخاصم» قرار



نیروی دریایی ارتش بریتانیا

داد.این وزارتخانه در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری دولتی ایرنا منتشر شد، اعلام کرد که این اقدام در واکنش به اقدامات «خصمانه» لندن، به ویژه تعیین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک «سازمان تروریستی» صورت گرفته است.وزارت خارجه جمهوری اسلامی تصریح کرد که این تصمیم بر اساس مصوبه «شورای عالی امنیت ملی» اتخاذ شده و در پی اقدام بریتانیا مبنی بر قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی انجام شده است.جمهوری اسلامی دولت بریتانیا را متهم می‌کند که با فراهم کردن دسترسی به پایگاه‌ها و امکانات نظامی و لجستیک تحت حاکمیت بریتانیا، در جنگ آمریکا و اسرائیل علیه آن مشارکت داشته است.

رئیس ام‌آی۵، سازمان اطلاعات داخلی بریتانیا، ۲۱ مهرماه گفت که جمهوری اسلامی ایران در تلاش است مراکز نظامی در بریتانیا را هدف قرار دهد و توطئه احتمالی حمله به «فیرفورد»، پایگاه هوایی محل استقرار جنگنده‌های آمریکایی در ماه سپتامبر، «موردی استثنایی» نبوده است.

اولتیماتوم دادستان تهران برای برخورد با بلاگرها، تورهای گردشگری و بی‌حجابی

دادستان تهران با تأکید بر اینکه «۲۸ دستگاه اجرایی در زمینه حجاب و عفاف دارای تکلیف قانونی هستند» افزود: «باید ببینیم که آیا این دستگاه‌ها به تکالیف خود در این حوزه عمل کرده‌اند؟ در همین راستا سازمان بازرسی استان مکلف است ظرف مدت یک ماه بررسی‌های لازم را انجام دهد.»

او خواستار استفاده از مشارکت مردم برای پیشبرد برنامه‌های حجاب اجباری و برخورد قاطع با آنچه «باندهای سازمانیافته ترویج فساد» خواند، شد.

دادستان تهران همچنین مدعی «هنجارشکنی در تورهای گردشگری و انتشار محتواهای غیراخلاقی در صفحات این تورها» شد و دستور داد: «صفحات تورهای گردشگری غیرمجاز باید با قید فوریت و ظرف یک هفته شناسایی و مسدود شوند و برخورد قانونی لازم با گردانندگان این صفحات صورت گیرد.»

دادستان تهران خواستار رصد بیش از پیش فضای مجازی نیز توسط پلیس فتا شد و گفت: «پلیس فتا باید نظارت بیشتری بر این حوزه داشته باشد چرا که بسیاری از این جرائم در فضای مجازی رخ می‌دهد.»

نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در هفته‌های گذشته افزایش فشارهای اجتماعی به بهانه حجاب و «رعایت نشدن شئونات اسلامی» را بطور سازمانیافته در دستور کار قرار داده‌اند. تحلیلگران هدف حکومت از تشدید رصد و سرکوب شهروندان را جلوگیری از بروز اعتراضات سراسری ارزیابی می‌کنند.



علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب تهران، در جلسه کارگروه عفاف و حجاب، با تأکید بر ضرورت برخورد قاطع با باندهای سازمانیافته ترویج فساد در استان، گفت: صفحات مجازی تورهای گردشگری فاقد مجوز ظرف مدت یک هفته باید مسدود شود.

دادستان تهران با بیان اینکه «۲۸ دستگاه اجرایی در زمینه حجاب و عفاف دارای تکلیف قانونی هستند»، افزود: «باید ببینیم که آیا این دستگاه‌ها به تکالیف خود در این حوزه عمل کرده‌اند؟ در همین راستا سازمان بازرسی استان مکلف است ظرف مدت یک ماه بررسی‌های لازم را انجام دهد و چنانچه محرز شود که دستگاهی در انجام وظایف خود در این حوزه اهمال و کوتاهی داشته، قطعا برخورد قاطع و بازدارنده‌ای با مدیران این دستگاه‌ها صورت خواهد گرفت.»

او خواستار استفاده از مشارکت مردم برای پیشبرد برنامه‌های حجاب اجباری و برخورد قاطع با آنچه «باندهای سازمانیافته ترویج فساد» خواند، شد.

دادستان تهران با اشاره به «ضرورت استفاده از ظرفیت بسیج اصناف در جهت نظارت و ساماندهی وضعیت پوشاک»، گفت: «در حال حاضر متاسفانه شاهد فروش البسه مغایر ارزش‌های اسلامی در سطح جامعه هستیم؛ لذا باید از ظرفیت بسیج اصناف استفاده شود تا نظارت بر فعالیت فروشندگان و تولیدی‌های پوشاک و مزون‌های دارای مجوز افزایش یابد.»

او در بخشی از سخنانش مدعی «هنجارشکنی در تورهای گردشگری و انتشار محتواهای غیراخلاقی در صفحات این تورها» شد و دستور داد: «صفحات تورهای گردشگری غیرمجاز باید با قید فوریت و ظرف یک هفته شناسایی و مسدود شوند و برخورد قانونی لازم با گردانندگان این صفحات صورت گیرد.»

علی صالحی همچنین گفت: «برخی هنجارشکنی‌ها نیز در اماکن عمومی اعم از سالن‌های ورزشی، رستوران‌ها، تالارها، بوستان‌ها، سالن‌های سینما و تئاتر و پارک‌ها ایجاد شده لذا از مسئولان امر تقاضا داریم نظارت جدی بر این اماکن داشته باشند. چنانچه در هر کدام از این اماکن هنجارشکنی رخ دهد هم با مسئول مجوز دهنده برخورد قانونی صورت خواهد گرفت و هم با شخص خاطی.»

دادستان تهران خواستار رصد بیش از پیش فضای مجازی نیز توسط پلیس فتا شد و گفت: «پلیس فتا باید نظارت بیشتری بر این حوزه داشته باشد چرا که بسیاری از این جرائم در فضای مجازی رخ می‌دهد. متاسفانه تبلیغاتی که صورت می‌گیرد، برخی بلاگرهایی که در این حوزه کار می‌کنند و محتواهای نامناسبی که در فضای مجازی به صورت فراگیر منتشر می‌شود باعث ترویج فساد و بی‌بند و باری می‌شود. در این خصوص نباید تنها به مسدودسازی صفحات اکتفا کرد بلکه باید با متخلفان برخورد مناسب صورت پذیرد.»

نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی در هفته‌های گذشته افزایش فشارهای اجتماعی به بهانه حجاب و «رعایت نشدن شئونات اسلامی» را بطور سازمانیافته در دستور کار قرار داده‌اند. تحلیلگران هدف حکومت از تشدید رصد و سرکوب شهروندان را جلوگیری از بروز اعتراضات سراسری ارزیابی می‌کنند.اسدالله جعفری، رئیس دادگستری استان اصفهان، ماه گذشته اعلام کرد: «اکنون مدتی است کار شناسایی افراد تن‌نما و ولنگار در بحث حجاب و عفاف شروع شده و باید پاسخگو باشند. حجاب، حکم خدا و قانون و درخواست مردم است و دستگاه قضایی برای اجرای حکم الهی آماده است و اجرا می‌کند.»

رئیس دادگستری اصفهان افزود: «برخی از تمام خط قرمزها را عبور کرده‌اند، در حالی که همه باید تحت حاکمیت قانون باشند». وی افزوده: «جایی که خدا حکم واضح و صریح دارد، کسی حق مخالفت ندارد و درباره اجرای قانون عفاف و حجاب، اکنون نیز قوانینی داریم و عذر و واهمه‌ای به عنوان دستگاه قضایی در اجرای قانون نداریم.»

محمدحسین امید، رئیس دانشگاه تهران، اواخر مهرماه امسال از تشکیل «کارگروه حجاب برای رسیدگی به موضوع پوشش دانشجویان» خبر داد و گفت: «این کارگروه با دعوت محرمانه از دانشجویان و گفتگو با آنها، پیش از ارجاع موارد به شورای انضباطی، برای حل و فصل موضوع تلاش می‌کند.»

رئیس دانشگاه تهران افزود: «در دانشگاه ما از حدود پنج تا شش ماه پیش کارگروهی تشکیل شده که موارد منعکس‌شده به دانشگاه درباره رفتارهایی که ناهنجار تلقی می‌شوند، بررسی می‌کند. این کارگروه با افراد مورد نظر تماس می‌گیرد، از آنها دعوت می‌کند و با گفتگو تلاش می‌کند مسئله را بدون ارجاع به شورای انضباطی حل کند.»

محمدحسین امید مبنای تشخیص تخلف در پوشش دانشجویان را «آیین‌نامه اخیر وزارت علوم» دانست و مدعی شد رویکرد دانشگاه «متعادل» است و «تندروی» صورت نگرفته است. او افزود، در یک سال و نیم گذشته کنترل‌های پیشین در ورودی‌های دانشگاه برداشته شده و «دانشجویان خودشان ضوابط را رعایت می‌کنند.»

از سوی دیگر خبرها از موج پلمب رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها، باشگاه‌های ورزشی و دیگر اماکن عمومی دیگر به بهانه «رعایت نشدن شئونات اسلامی» حکایت دارد.

همچنین در هفته جاری اتاق اصناف ایران در اطلاعیه‌ای هشدار داده که برگزاری هرگونه مراسم، جشن، تبلیغ یا فروش اقلام مرتبط با هالووین در واحدهای صنفی ممنوع است و تخلف منجر به پلمب و برخورد قانونی می‌شود.

در این اطلاعیه آمده است: «بر اساس مقررات جاری و در راستای صیانت از شئون فرهنگی، مذهبی و اجتماعی کشور، برگزاری هرگونه مراسم، جشن، تجمع، تبلیغ، یا فروش اقلام مرتبط با موسوم به هالووین در کلیه اماکن عمومی و صنفی به طور کامل ممنوع می‌باشد.» پلیس نظارت بر اماکن عمومی نیز در اطلاعیه‌ای مشابه واحدهای صنفی را تهدید کرده که اقدام تبلیغی یا اجرایی مرتبط با هالووین سبب «پلمب واحد و معرفی متصدی به مراجع ذیصلاح» خواهد شد.

گفتگو با ایمان صفتی درباره امکانات و مشکلات خبرنگاری در دو فضای ایرانی و اروپاییِ خارج کشور



مدت‌هاست که نسل جدیدی از ایرانیان به خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در کشورهای مختلف پیوسته است. ایمان صفتی که از مارس ۱۹۹۹ به آلمان مهاجرت کرده به این نسل تعلق دارد. وی سال‌ها در رسانه‌های مختلف کار کرده و در حال حاضر در روزنامه معروف «بیلد» اشتغال دارد و با رسانه‌های فارسی‌زبان نیز همکاری دارد.
اختر قاسمی با ایمان صفتی درباره پیشینه‌ی خبرنگاری وی و کار در دو فضای متفاوت ایرانی و اروپایی به ویژه آلمان و تجربیات او در این زمینه گفتگو کرده است.

گزارشی از اختر قاسمی درباره نمایش «۷۷ ساعت» در کلن



شامگاه جمعه، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، در سالن سینمای موزه لودویگ شهر کلن، تصاویری به نمایش درآمد که تماشای آنها آسان نبود. فیلم مستند- داستانی «۷۷ ساعت» به کارگردانی وحید مهدوی، با حضور صدها تن از ایرانیان و آلمانی‌ها در این سینما به نمایش درآمد.
این فیلم روایتی تکان‌دهنده از رویدادهای هولناک هشتم و نهم ژانویه ۲۰۲۶ (۱۷ و ۱۸ دی‌ماه ۴۰۴) در ایران است که با استفاده از تصاویر واقعی ساخته شده و در بخش‌هایی از آن، برای جلوگیری از شناسایی افراد و حفظ امنیت آنان، تصاویر با کمک هوش مصنوعی تغییر داده شده‌اند.
سالن سینما مملو از جمعیت بود. تماشاگران در سکوتی سرد و سنگین، با چشمانی اشکبار به تماشای تصاویری نشسته بودند که روایتگر رنج و سرنوشت شهروندان در ایران بود.
اختر قاسمی همکار کیهان لندن گزارشی از شب نمایش «۷۷ ساعت» در شهر کلن تهیه و با برخی تماشاگران گفتگو کرده است.

عبور نفت از میان آتش؛ پشت صحنه مأموریت کنترل تنگه هرمز توسط نیروی دریایی آمریکا



«تیک‌آف» جنگنده اف/ای۱۸- بر عرشه ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن»

روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی کم‌سابقه عملیات روزانه‌ی خلبانان و خدمه‌ی ناو هواپیمابر «یواس‌اس جرج واشنگتن» در دریای عرب را از نزدیک تصویر کرده که نشان می‌دهد نیروی دریایی ارتش آمریکا برای برقراری امنیت در تنگه هرمز و تامین انرژی جهانی چگونه می‌جنگد.

این مأموریت‌های تقریباً روزانه، که بخشی از یک عملیات گسترده‌تر شامل ناو هواپیمابر دوم، یک کشتی تهاجمی آبی- خاکی، بیش از دوازده ناوشکن موشک‌انداز و هواپیماها و پهپادهای مستقر در پایگاه‌های منطقه است، به آمریکا و شرکای خلیج فارس کمک کرده تا از عبور جریان نفت با وجود حملات مکرر رژیم ایران به کشتیرانی بین‌المللی محافظت کند.

رژیم ایران از پهپادها و موشک‌های کروز مادون‌صوت (که برخی مقامات آمریکایی آنها را به دلیل اندازه‌ی نسبتا بزرگ، سرعت پایین و مانورپذیری بسیار کم «اتوبوس مدرسه پرنده» توصیف کرده‌اند) استفاده می‌کند.

کاخ سفید اعلام کرده، محاصره اقتصادی و دریایی با «تمام قدرت و اثر» ادامه دارد و پیش از انتخابات میاندوره‌ای حمله‌ای به جمهوری اسلامی صورت نخواهد گرفت، هرچند پنتاگون در حال افزایش نیروها و کشتی‌ها است و ترامپ گزینه‌های حملات تازه را بررسی می‌کند.

انتقال نفت خام از خلیج فارس در حالی همچنان از تنگه هرمز جریان دارد که نیروهای نظامی ایالات متحده یک مأموریت گسترده و شبانه‌روزی رو پیش می‌برند.

نیروهای نظامی ایالات متحده در حال اجرای مأموریتی گسترده، شبانه‌روزی و ظاهرا بدون تاریخ پایان مشخص هستند تا جریان نفت خام از خلیج فارس را از طریق تنگه هرمز حفظ کنند و همزمان به محاصره دریایی علیه جمهوری اسلامی ادامه دهند.

روزنامه وال‌استریت ژورنال در گزارشی کم‌سابقه عملیات روزانه‌ی خلبانان و خدمه‌ی ناو هواپیمابر «یواس‌اس جرج واشنگتن» در دریای عرب را از نزدیک تصویر کرده که نشان می‌دهد نیروی دریایی ارتش آمریکا برای برقراری امنیت در تنگه هرمز و تامین انرژی جهانی چگونه می‌جنگد.

در دل تاریکی شب، جنگنده‌های اف۳۵-سی و اف/ای۱۸- مجهز به موشک‌های هوا به هوا از عرشه‌ی ناو هواپیمابر «جرج واشنگتن» با منجنیق (کاتاپولت) پرتاب می‌شوند و به سمت تنگه هرمز پرواز می‌کنند. هدف آنها رهگیری و سرنگونی موشک‌های کروز و پهپادهای جمهوری اسلامی است که به سمت کشتی‌های تجاری شلیک می‌شوند.

خلبانان در طول شب با ساندویچ‌های آماده، آدامس و کیسه‌های اضطراری (Bathroom bags) خود را سرپا نگه می‌دارند و با هواپیماهای جنگ الکترونیک، هواپیماهای هشدار زودهنگام راداری (آی- ۲ هاوک‌آی) و هلیکوپترهای ضدزیردریایی هماهنگ می‌شوند تا چتر محافظ بر فراز نفتکش‌ها ایجاد کنند. پس از ساعت‌ها پرواز، جت‌های جنگنده با سرعت بیش از ۱۶۰ کیلومتر در ساعت به عرشه بازمی‌گردند و با قلاب دُم در کمتر از دو ثانیه متوقف می‌شوند.

این مأموریت‌های تقریباً روزانه، که بخشی از یک عملیات گسترده‌تر شامل ناو هواپیمابر دوم، یک کشتی تهاجمی آبی- خاکی، بیش از دوازده ناوشکن موشک‌انداز و هواپیماها و پهپادهای مستقر در پایگاه‌های منطقه است، به آمریکا و شرکای خلیج فارس کمک کرده تا از عبور جریان نفت با وجود حملات مکرر رژیم ایران به کشتیرانی بین‌المللی محافظت کند.

ارتش آمریکا اعلام نموده که در شش ماه گذشته بیش از سه هزار کشتی تجاری را در عبور از تنگه هرمز یاری کرده و این امر صادرات نفت خلیج فارس را در هفته‌های اخیر از سطح پیش از جنگ فراتر برده است. دریاسالار برد کوپر، فرمانده‌ی نیروهای آمریکایی در خاورمیانه (سنتکام)، هفته‌ی گذشته با هلیکوپتر بر فراز تنگه هرمز پرواز کرد و این دستاورد را تأیید نمود. آمریکا بر اساس داده‌ها اعلام کرده که مسیرهای اصلی کشتیرانی نیز از مین‌های دریایی رژیم ایران پاکسازی شده‌اند و توانایی جمهوری اسلامی در ردیابی کشتی‌ها را تا حد زیادی تضعیف کرده و ۹۵ درصد کشتی‌ها به صورت ایمن از تنگه عبور می‌کند.

موفقیت‌های نیروی دریایی ایالات متحده برای کنترل تنگه هرمز، هزینه‌های بالایی نیز به همراه دارد. عملیات‌های پروازی پی در پی بر روی دو ناو هواپیمابر، کشتی تهاجمی و پایگاه‌های هوایی، هواپیماها، طبعا خدمه و شبکه‌ی گسترده‌ی مکانیک‌ها و تعمیرکاران را تحت فشار شدید قرار می‌دهد.

ناوهای هواپیمابر در حال ماموریت جنگی، ماه‌ها شبانه‌روز فعال بوده‌اند و رکوردهای شگفت‌انگیز مدت استقرار و روزهای متوالی بدون توقف در بندر را شکسته‌اند که در این میان استقرار ناوشکن‌های موشک‌انداز نیز تمدید شده است.

دریاسالار داریل کادل، رئیس عملیات دریایی ←

نیروی دریایی آمریکا، گفته است: «ملوانان آماده‌اند استقرارهای طولانی داشته باشند، اما به توقف در بندر و همچنین شفافیت در مورد طول مدت استقرارهایشان هم نیاز دارند». نیروی دریایی آمریکا، در حال ایجاد مرکز تعمیر و نگهداری در جزیره‌ی دیگو گارسیا و برنامه‌ریزی برای توقف‌های بندری بیشتر است.

فضای هوایی تنگه هرمز که عرض آن حدود ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) است، پر از اشیاء پرنده است و خلبانان تنها چند ثانیه فرصت واکنش دارند. یک خلبان از ناو «جرج واشنگتن» می‌گوید، وقتی جت‌ها در منطقه‌ی ماموریت با مهمات کافی هستند، نرخ موفقیت حفاظت از کشتی‌ها ۱۰۰ درصد بوده، اما گاهی جمهوری اسلامی بیش از ظرفیت دفاعی آمریکا به کشتی‌ها شلیک می‌کند.

دریاسالار جفری هی‌مز، فرمانده‌ی گروه ضربت ناو، تأکید کرده: «اگر تهدیدی به سوی آن کشتی‌ها شلیک شود، چه موشک کروز ضدکشتی باشد چه پهپاد، این هواپیماها وارد عمل می‌شوند و آن را در زمان بسیار کوتاهی رهگیری و سرنگون می‌کنند. ما این کار را با اطمینان انجام می‌دهیم».

رژیم ایران از پهپادها و موشک‌های کروز مادون‌صوت (که برخی مقامات آمریکایی آنها را به دلیل اندازه‌ی نسبتا بزرگ، سرعت پایین و مانورپذیری بسیار کم «اتوبوس مدرسه پرنده» توصیف کرده‌اند) استفاده می‌کند.

در پشت صحنه، تیم‌های تعمیر و نگهداری بدون وقفه، شبانه‌روز کار می‌کنند. انسباین آدی شیفر، افسر بخش در واحد تعمیر و نگهداری میانی هواپیما، گفته است که هرچه هواپیماها بیشتر پرواز کنند، بیشتر مستعد خرابی هستند و کار پشت صحنه اغلب نادیده گرفته می‌شود.

ناو «جرج واشنگتن» که مستقر در ژاپن است و از ماه اوت جایگزین «یواس‌اس آبراهام لینکلن» شده، با آسانسورهای غول‌پیکر خود هواپیماها را جابجا می‌کند و خدمه با وجود ابهام در مورد طول مأموریت، انگیزه‌ی خود را حفظ کرده‌اند.

ایالات متحده در حال حاضر حدود ۵۰ هزار نیرو و ۲۰ کشتی دریایی در خاورمیانه دارد. دفتر بودجه‌ی کنگره هزینه‌ی این درگیری را ماهانه دو تا سه میلیارد دلار برآورد کرده که شامل مصرف مهمات، سوخت جت و تدارکات می‌شود.

مقامات آمریکایی اذعان دارند این تلاش فشرده در حالیست که آمریکا همزمان برای مقابله با نفوذ چین و پاسخ به بحران‌های دیگر، نیازمند همراهی بین‌المللی بیشتر است و در همین زمینه دولت ترامپ برای «تشکیل ائتلاف» در تلاش بوده است.

کمپین فشار حداکثری آمریکا شامل تحریم‌ها و محاصره دریایی که صادرات نفت رژیم ایران را به صفر رسانده، تا کنون برای وادار کردن جمهوری اسلامی به امتیازاتی که واشنگتن می‌خواهد، هنوز در جریان است.

کاخ سفید اعلام کرده، محاصره اقتصادی و دریایی با «تمام قدرت و اثر» ادامه دارد و پیش از انتخابات میاندوره‌ای حمله‌ای به جمهوری اسلامی صورت نخواهد گرفت، هرچند پنتاگون در حال افزایش نیروها و کشتی‌ها است و ترامپ گزینه‌های حملات تازه را بررسی می‌کند.

در نهایت، این مأموریت، که توانسته جریان نفت را در حال حاضر نزدیک به سطح پیش از جنگ بازگرداند، نشان‌دهنده‌ی توانایی عملیاتی قابل توجه نیروی دریایی آمریکا در حفظ آزادی ناوبری و علیه جاه‌طلبی‌های رژیم ایران است. اما تشکیل یک ائتلاف بین‌المللی در همراهی با آمریکا، فشار بر نیروها و هزینه‌های ایالات متحده را می‌کاهد؛ امر مهمی که کشورهای اروپایی تا کنون در راستای رویارویی مستقیم با جمهوری اسلامی از آن شانه خالی کرده‌اند.

حملات آمریکا به مراکز نظامی در جنوب ایران ساعاتی پیش از آغاز انتخابات میاندوره‌ای آمریکا



تصویری از منابع محلی که گفته می‌شود مربوط به انهدام یک لانچر در قشم است

ارتش آمریکا بامداد سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ به تلافی موشک‌پرانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، تعدادی از اهداف نظامی در نواحی جنوب ایران از جمله در قشم، بندرعباس و بندرلنگه را هدف حمله قرار داد.

آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد، نیروهای جمهوری اسلامی «از موشک‌های زمین به هوا، علیه تجهیزات نظامی آمریکا» استفاده کرده‌اند که در تلافی این حملات، آمریکا نیز حملات دفاعی محدودی را علیه برخی اهداف در تنگه هرمز انجام داد.

این حملات تنها ساعاتی پس از آغاز انتخابات میاندوره‌ای کنگره در آمریکا انجام شد. منابع غیررسمی می‌گویند، پدافند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش کرده یک جنگنده آمریکایی را هدف قرار دهد که ناموفق بود، اما همان جنگنده دقایقی بعد لانچر سپاه را هدف قرار داد.

ارتش آمریکا، بامداد سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ به تلافی موشک‌پرانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، تعدادی از اهداف نظامی در نواحی جنوب ایران از جمله در قشم، بندرعباس و بندرلنگه را هدف حمله قرار داد.

آسوشیتدپرس به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد، نیروهای جمهوری اسلامی «از موشک‌های زمین به هوا، علیه تجهیزات نظامی آمریکا» استفاده کرده‌اند که در تلافی این حملات، آمریکا نیز حملات دفاعی محدودی را علیه برخی اهداف در تنگه هرمز انجام داد.

این حملات تنها ساعاتی پس از آغاز انتخابات میاندوره‌ای کنگره در آمریکا انجام شد.

منابع غیررسمی می‌گویند، پدافند سپاه پاسداران تلاش کرده یک جنگنده آمریکایی را هدف قرار دهد که ناموفق بود، اما همان جنگنده دقایقی بعد لانچر سپاه را هدف قرار داد.

به گزارش منابع منطقه‌ای، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل از دونالد ترامپ خواسته است پس از برگزاری این انتخابات آمریکا در سوم نوامبر، موج دیگری از حملات علیه جمهوری اسلامی را آغاز کند.

علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در پیامی هشدار داد که دارایی‌های مادی و غیرمادی آمریکا و اسرائیل در تیررس نیروهای مسلح قرار دارند.

روزنامه «همشهری» وابسته به شهرداری تهران سه‌شنبه ۱۲ آبان۱۴۰۵ در صفحه نخست خود با انتشار تصویری از پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای اروپایی، آنها را اهداف احتمالی موشک‌های جمهوری اسلامی در صورت آغاز دور تازه‌ای از جنگ معرفی کرده است.

«همشهری» در تصویر منتشرشده، نام پایگاه‌هایی در بریتانیا، آلمان، فرانسه، ایتالیا، یونان، رومانی، آلبانی، پرتغال و قبرس را همراه با موقعیت جغرافیایی و فاصله تقریبی آنها از ایران درج کرده و تاکید کرده است که این مراکز برای حملات توسط جمهوری اسلامی «اهداف مشروع هستند.»

کلیسای پائول، میزبان «ریترِ ایرانی»

● روز هفتم نوامبر ۲۰۲۶، بنیاد فردریش نومان جایزه‌ی آزادی سال ۲۰۲۶ را به ملت ایران اهدا خواهد کرد و شهریار ایران، رضا شاه دوم پهلوی، آن را به نمایندگی امانی از این ملت دریافت خواهد نمود.

● رضا شاه دوم پهلوی، در هفتم نوامبر، نه برای دریافت نشان پیروزی در یک نبرد نظامی، بلکه برای دریافت امانیِ جایزه‌ی آزادیِ ملتی به کلیسای پائول خواهد رفت که فرزندانش در مبارزه با استبداد، هزینه‌های جبران‌ناپذیری پرداخته‌اند.

● این جایزه قرار است در هفتم نوامبر، در همان کلیسایی اهدا شود که روزگاری نمایندگان آلمان درباره‌ی حقوق ملت و مشروعیت حکومت در آن به گفتگو نشسته بودند.

● تاریخ فرانکفورت و تجربه‌ی امروز ملت ایران، با همه‌ی تفاوت‌های تاریخی و اجتماعی خود، در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند: پرسش از مسئولیت قدرت در برابر انسان.

● رضا شاه دوم پهلوی در کلیسای پائول، جایزه‌ای را به نمایندگی امانی از ملت ایران دریافت خواهد کرد که به نام مردمانی ثبت شده است که برای آزادی خود ایستادگی کرده‌اند. انتظار می‌رود در این مراسم، رنج قربانیان سرکوب، مسئولیت حکومت جمهوری اسلامی و هزینه‌ی سنگینی که مردم ایران پرداخته‌اند، در برابر افکار عمومی اروپا و جهان بازتاب یابد.

● در هفتم نوامبر، این بنای تاریخی بار دیگر میزبان سخن گفتن از آزادی خواهد بود. این بار، صدای ملت ایران است که از پشت دیوارهای زندان، از میان خانه‌های سوگوار، از خیابان‌های خونین و از حافظه‌ی چند نسل سرکوب‌شده، از مکان مقدسی در فرانکفورت به جهان آزاد خواهد رسید.



کلیسای سنت پائول فرانکفورت

بهزاد پرنیان – روز هفتم نوامبر ۲۰۲۶، کلیسای تاریخی پائول در شهر فرانکفورت آلمان، میزبان مراسمی خواهد بود که اهمیت آن فراتر از اهدای یک جایزه‌ی بین‌المللی است. در این روز، بنیاد فردریش نومان جایزه‌ی آزادی سال ۲۰۲۶ را به ملت ایران اهدا خواهد کرد و شهریار ایران، رضا شاه دوم پهلوی، آن را به نمایندگی امانی از این ملت دریافت خواهد نمود؛ ملتی که نزدیک به نیم‌قرن برای دستیابی به آزادی و حقوق انسانی خود، بهایی سنگین پرداخته است.

در فرهنگ سلحشوری آلمانی، واژه‌ی «ریتر» (Ritter) به شوالیه‌هایی گفته می‌شد که افزون بر مهارت جنگاوری، در آرمان‌های جوانمردی با مفاهیمی چون شرافت، وفاداری به پیمان، خویشتن‌داری و پاسداری از حرمت انسان شناخته می‌شدند. در ادبیات قرون وسطایی آلمان، بویژه در داستان «پارسیفال» اثر ولفرام فون اشنباخ، شوالیه‌ی آرمانی آن کسی نبود که تنها شمشیر زدن بداند؛ او باید رنج دیگران را درک می‌کرد و مسئولیت اخلاقی قدرت خود را نیز می‌پذیرفت.

از همین منظر، تعبیر «ریترِ ایرانی» در عنوان این یادداشت، نه اشاره به مقامی نظامی یا اشرافی، بلکه استعاره‌ای از سلحشوری در میدان سیاست و مسئولیت در برابر سرنوشت یک ملت است. رضا شاه دوم پهلوی، در هفتم نوامبر، نه برای دریافت نشان پیروزی در یک نبرد نظامی، بلکه برای دریافت امانیِ جایزه‌ی آزادیِ ملتی به کلیسای پائول خواهد رفت که فرزندانش در مبارزه با استبداد، هزینه‌های جبران‌ناپذیری پرداخته‌اند.

و اما، چه شگفت فرانکفورت و چه شگفت‌تر کلیسای پائول، برای ما ایرانیان!

برای دریافتن اهمیت تاریخی این انتخاب، باید نزدیک به دو سده به عقب بازگردیم؛ به روزگاری که آلمان هنوز کشور متحد امروزی نبود و مردمان سرزمین‌های آلمانی‌نشین در جستجوی راهی برای عبور از حکومت‌های خودکامه، دستیابی به حقوق شهروندی و تأسیس حکومتی بر پایه‌ی قانون بودند.

در هجدهم ماه مه ۱۸۴۸، نمایندگان مجلس ملی آلمان در کلیسای پائول گرد هم آمدند تا درباره‌ی سرنوشت سیاسی یک ملت تصمیم بگیرند؛ درباره‌ی اینکه قدرت از کجا مشروعیت می‌گیرد، حدود اختیارات فرمانروایان کجاست و مردم چه حقوقی در برابر حکومت دارند. جمهوری‌خواهان، مشروطه‌خواهان و نمایندگان گرایش‌های گوناگون سیاسی در این مجلس حضور داشتند. اختلاف‌نظرها فراوان بود، اما پرسش اصلی یکی بود: چگونه می‌توان اراده‌ی ملت را به بنیان حقوقی حکومت تبدیل کرد؟

این مجلس در سال ۱۸۴۹ قانون اساسی پیشنهادی خود را تصویب کرد، اما کوشش آن برای ایجاد نظام سیاسی تازه با مقاومت قدرت‌های سلطنتی وقت روبرو شد و به نتیجه نرسید. بااین‌حال، شکست سیاسی آن مجلس به معنای شکست اندیشه‌ای نبود که در آن پرورش یافته بود. بسیاری از اصول مربوط به حقوق شهروندی، حکومت قانون و نمایندگی ملت، بعدها در سنت حقوقی و سیاسی آلمان جای گرفتند.

از همین رو، کلیسای پائول در حافظه‌ی تاریخی آلمانی‌ها تنها یک بنای مذهبی نیست؛ یادگار یکی از نخستین کوشش‌های بزرگ آنان برای تبدیل آرمان آزادی به قانون و نهاد سیاسی است.

هفتاد و پنج سال بعد، در سال ۱۹۲۳، فرانکفورت بار دیگر به یکی از مراکز مهم تحول اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی اروپا تبدیل شد. تأسیس مؤسسه‌ی پژوهش‌های اجتماعی، زمینه‌ی پیدایش جریانی را فراهم آورد که بعدها با نام «مکتب فرانکفورت» شناخته شد؛ مکتبی که اندیشمندانی چون ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو و هربرت مارکوزه، در شکل‌گیری و گسترش آن نقش داشتند.

اگر نمایندگان مجلس ۱۸۴۸ بیشتر در اندیشه‌ی محدود کردن قدرت سیاسی از راه قانون بودند، متفکران مکتب فرانکفورت می‌کوشیدند نشان دهند که سلطه همیشه در قالب فرمان حکومتی یا نیروی نظامی ظاهر نمی‌شود. مناسبات اقتصادی، دستگاه تبلیغات، فرهنگ توده‌ای و شیوه‌های شکل‌گیری افکار عمومی نیز می‌توانند در بازتولید اقتدار و فرمان‌برداری نقش داشته باشند.

این تحول در اندیشه‌ی اجتماعی اهمیت فراوانی داشت؛ زیرا تجربه‌ی قرن بیستم نشان داد که وجود صنعت، دانشگاه، فناوری و حتی نهادهای ظاهرا مدرن، به‌تنهایی تضمینی برای آزادی انسان نیست. جامعه‌ای می‌تواند از نظر علمی و صنعتی پیشرفته باشد، اما در همان حال، دستگاهی عظیم برای سرکوب، تبلیغات و نابودی حقوق فردی ایجاد کند.

ظهور نازیسم و فجایع جنگ جهانی دوم، این پرسش را با ابعادی هولناک در برابر جامعه‌ی آلمان قرار داد.

پس از پایان جنگ، فرانکفورت در سال ۱۹۴۶ میزبان کنگره‌ی جامعه‌شناسی آلمان در دوران پس از جنگ شد. بازسازی جامعه‌ی آلمان دیگر تنها مسئله‌ی ساختن شهرها، کارخانه‌ها و جاده‌های ویران‌شده نبود. مسئله‌ی اساسی‌تر، بازسازی اعتماد اجتماعی، مسئولیت شهروندی و فرهنگی بود که بتواند در برابر بازگشت تمامیت‌خواهی مقاومت کند.

در چنین فضایی، جامعه‌شناسی و فلسفه‌ی سیاسی به پرسشی بسیار عملی رسیدند: چگونه ممکن است میلیون‌ها انسان در جامعه‌ای برخوردار از تمدن و دانش زندگی کنند، اما دستگاهی حکومتی بتواند آنان را به اطاعت از قوانینی ضدانسانی و مشارکت در جنایاتی سازمان‌یافته

←

وادارد؟

پاسخ به این پرسش، تنها در کتاب‌ها و دانشگاه‌ها جستجو نشد. فرانکفورت در دسامبر ۱۹۶۳ شاهد آغاز یکی از مهم‌ترین محاکمات جنایات نازی‌ها بود؛ دادگاه آشویتس که تا اوت ۱۹۶۵ ادامه یافت.

در این دادگاه، شهادت بازماندگان اردوگاه‌های مرگ، بخشی از جنایاتی را که سال‌ها در سکوت، انکار یا فراموشی مانده بود، به افکار عمومی آلمان بازگرداند. فریتس بائر، دادستانی که در پیگیری این پرونده نقش اساسی داشت، بر ضرورت رویارویی جامعه‌ی آلمان با گذشته‌ی خود و بررسی مسئولیت جنایتکاران در چارچوب قانون تأکید می‌کرد.

اما نباید از یاد برد که اهمیت دادگاه آشویتس، تنها در محاکمه و مجازات متهمان خلاصه نمی‌شد.

آن محاکمات یادآوری می‌کردند که جنایت حکومتی با سقوط حکومت پایان نمی‌یابد. قربانیان حق دارند حقیقت را بازگویند، جامعه حق دارد بداند چه بر آنان گذشته است و دستگاه عدالت وظیفه دارد مسئولیت فردی عاملان جنایت را بررسی کند.

بر همین پایه، شاید بتوان گفت که تاریخ فرانکفورت، در روند تحولات سیاسی و اجتماعی خود، به بستری برای زایش پرسش‌هایی چالش‌برانگیز تبدیل شد؛ پرسش‌هایی که از دل تجربه‌های تاریخی این شهر سر برآوردند و به بنیادی‌ترین مسائل فلسفه‌ی سیاسی راه یافتند.

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین آن‌ها این پرسش بود: آیا اطاعت از دستور حکومت، انسان را از مسئولیت اخلاقی و حقوقی اعمال خود معاف می‌کند؟

پاسخی که از دل آن محاکمات و تجربه‌ی تاریخی آلمان برجسته شد، این بود که فرمان حکومتی نمی‌تواند به‌خودی‌خود توجیه‌کننده‌ی جنایت باشد.

چند سال بعد، در آوریل ۱۹۶۸، فرانکفورت میزبان شانزدهمین کنگره‌ی جامعه‌شناسی آلمان با موضوع «سرمایه‌داری متأخر یا جامعه‌ی صنعتی؟» شد. بحث بر سر این بود که آیا جوامع جدید را باید صرفا با میزان پیشرفت صنعتی و فناوری شناخت یا آنکه مناسبات قدرت، ساختار اقتصادی و جایگاه انسان در جامعه نیز باید در مرکز تحلیل قرار گیرند.

این مباحث، در کنار اختلافات فکری میان استادان و نسل جوان دانشگاهی، نشان می‌داد که آزادی مسئله‌ای پایان‌یافته نیست. حتی در جوامعی که از حکومت‌های تمامیت‌خواه عبور کرده‌اند، پرسش درباره‌ی حدود قدرت، استقلال اندیشه، نقش رسانه‌ها و مسئولیت شهروندان همچنان زنده می‌ماند.

فرانکفورت در دهه‌های بعد نیز از این مناقشات دور نماند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب این شهر، بارها به محل برخورد دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی تبدیل شد. در سال ۱۹۸۹، پس از فتوای قتل سلمان رشدی از سوی روح‌الله خمینی، مسئله‌ی آزادی بیان و امنیت نویسندگان بار دیگر در مرکز توجه جهانی قرار گرفت.

این رخداد برای ایرانیان معنایی فراتر از یک اختلاف ادبی یا مذهبی داشت. حکومتی که از نخستین سال‌های استقرار خود با سانسور، سرکوب مطبوعات و حذف مخالفان شناخته می‌شد، این بار فرمان قتل نویسنده‌ای را در خارج از مرزهای ایران صادر کرده بود. آزادی اندیشه دیگر تنها مسئله‌ای داخلی نبود؛ تهدید آن می‌توانست مرزهای جغرافیایی را پشت سر بگذارد.

اکنون، پس از گذشت نزدیک به دو قرن از مجلس ملی ۱۸۴۸، فرانکفورت بار دیگر در برابر مسئله‌ی آزادی و سرنوشت یک ملت قرار گرفته است؛ این بار نه ملت آلمان، بلکه ملت ایران.

بنیاد فردریش نومان، که از سال ۲۰۰۶ جایزه‌ی آزادی خود را برای پاسداشت تلاش‌های مؤثر در گسترش جامعه‌ی آزاد و ارزش‌های آزادی‌خواهانه اهدا می‌کند، جایزه‌ی سال ۲۰۲۶ را به مردم ایران اختصاص داده است. این جایزه قرار است در هفتم نوامبر، در همان کلیسایی اهدا شود که روزگاری نمایندگان آلمان درباره‌ی حقوق ملت و مشروعیت حکومت در آن به گفتگو نشسته بودند.

دریافتِ به امانتِ این جایزه توسط رضا شاه دوم پهلوی، در اعلام رسمی بنیاد نیز با این توضیح همراه شده که جایزه متعلق به ملت ایران است و در آینده باید به نمایندگان آزادانه انتخاب‌شده‌ی آن سپرده شود.

در این تصمیم، نکته‌ای مهم وجود دارد: جایزه به نام یک ملت ثبت می‌شود؛ ملتی که هنوز از امکان انتخاب آزادانه‌ی نمایندگان و ساختار حکومت خود محروم است.

البته انتخاب شهریار ایران رضا شاه دوم پهلوی برای دریافت امانیِ این جایزه، در میان گروه‌های سیاسی ایرانی و برخی محافل آلمانی با اختلاف‌نظرهایی همراه بوده است. منتقدان، مسئله‌ی نمایندگی سیاسی یک ملت بدون انتخابات آزاد را مطرح می‌کنند و بنیاد نومان، با درایت و شجاعتی مثال‌زدنی در توضیح تصمیم خود، بر جایگاه شناخته‌شده‌ی ایشان در میان مخالفان جمهوری اسلامی و تأکید وی بر حق مردم ایران برای تعیین نظام سیاسی آینده استناد کرده است.

حتی اگر در خوش‌بینانه‌ترین برداشت، مخالفت‌های برخی گروه‌های سیاسی با انتخاب شهریار ایران، رضا شاه دوم پهلوی، برای دریافت امانی این جایزه از سوی بنیاد فردریش نومان را فارغ از هرگونه غرض‌ورزی و خصومت سیاسی بدانیم، باز هم نمی‌توان از یک حقیقت بنیادین چشم پوشید: اختلاف‌نظر درباره‌ی نمایندگی سیاسی، مشروعیت و اراده‌ی ملت، از مسائل دیرینه‌ی مشروطه‌خواهی است؛ مسائلی که پاسخ نهایی به آن‌ها نه در جدال‌های سیاسی، بلکه در سازوکارهای آزاد، قانونی و مبتنی بر رأی ملت تعیین می‌شود. تأکید بر همین اصل، از محورهای اصلی سخنان و مواضع رضا شاه دوم پهلوی در سال‌های مبارزه‌ی سیاسی ایشان برای استیفای حقوق از دست‌رفته‌ی ملت ایران بوده است.

و البته لازم به یادآوری آنچنانی نیست که ملت ایران در این چهل‌وهفت سال، تنها با محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی روبرو نبوده است.

اعدام‌های سیاسی، زندان، شکنجه، سرکوب اعتراضات، محرومیت‌های اجتماعی و فشار بر خانواده‌های دادخواه، بخشی از تجربه‌ی چند نسل ایرانی بوده‌اند. از اعتراضات دانشجویی و جنبش‌های اعتراضی دهه‌های گذشته تا خیزش‌های سراسری سال‌های اخیر، هر نسل با صورت تازه‌ای از همان مسئله‌ی قدیمی روبرو شده است: حق زندگی آزادانه در سرزمین خود.

در این میان، خانواده‌های جاویدنامان جایگاهی ویژه دارند. آنان نه‌تنها عزیزان خود را از دست داده‌اند، بلکه بسیاری از آنان ناچار شده‌اند برای دانستن حقیقت، برگزاری مراسم یادبود و مطالبه‌ی عدالت نیز هزینه بپردازند. در تجربه‌ی چنین خانواده‌هایی، آزادی دیگر یک مفهوم انتزاعی در کتاب‌های فلسفه‌ی سیاسی نیست؛ نام فرزندی است که به خانه بازنگشته، مادری است که چشم‌انتظار مانده و پدری است که حق دادخواهی از او دریغ شده است.

در حقیقت شاید بتوان چنین ادعا کرد که تاریخ فرانکفورت و تجربه‌ی امروز ملت ایران، با همه‌ی تفاوت‌های تاریخی و اجتماعی خود، در یک نقطه به یکدیگر می‌رسند: پرسش از مسئولیت قدرت در برابر انسان.

آلمان برای رسیدن به نظام سیاسی کنونی خود، از تجربه‌های دشوار تاریخی عبور کرده است. میراث مجلس پائول، اندیشه‌ی انتقادی، بازسازی دموکراتیک پس از جنگ و محاکمات جنایات نازی‌ها، هر یک از زاویه‌ای متفاوت به این شناخت یاری رسانده‌اند که آزادی بدون قانون، عدالت، آگاهی اجتماعی و پاسخ‌گویی قدرت، همواره آسیب‌پذیر خواهد بود.

برای ایران نیز آزادی نمی‌تواند تنها به پایان یافتن عمر یک حکومت محدود بماند. برقراری حکومتی پاسخ‌گو، تضمین حقوق شهروندی، استقلال دستگاه قضایی، آزادی اندیشه و حق انتخاب مردم، ضرورت‌هایی هستند که آینده‌ی سیاسی کشور باید بر پایه‌ی آنها ساخته شود.

و این حقیقتی برای ما ایرانیان است که هفتم نوامبر ۲۰۲۶، در چنین بستری معنای تاریخی خود را پیدا می‌کند.

رضا شاه دوم پهلوی در کلیسای پائول، جایزه‌ای را به نمایندگی امانی از ملت ایران دریافت خواهد کرد که به نام مردمانی ثبت شده است که برای آزادی خود ایستادگی کرده‌اند. انتظار می‌رود در این مراسم، رنج قربانیان سرکوب، مسئولیت حکومت جمهوری اسلامی و هزینه‌ی سنگینی که مردم ایران پرداخته‌اند، در برابر افکار عمومی اروپا و جهان بازتاب یابد.

اما اهمیت این مراسم را نباید تنها در سخنان شایسته‌ترین نماینده‌ی ملت ایران در آن روز جستجو کرد. مسئله‌ی بزرگ‌تر آن است که آیا جهان آزاد، پس از شنیدن روایت قربانیان و شناخت ابعاد سرکوب، مسئولیت خود را صرفا در ابراز همدردی خواهد دید یا در حمایت مؤثر از حقوق و خواسته‌های آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران نیز گام برخواهد داشت؟

این همان پرسشی است که از فلسفه‌ی سیاسی به عرصه‌ی عمل می‌رسد؛ از مفهوم آزادی به مسئولیت دفاع از آن.

کلیسای پائول در سال ۱۸۴۸ محل تلاش برای نوشتن حقوق یک ملت بود. در سال ۲۰۲۶ قرار است محل پاسداشت ملتی باشد که برای دستیابی به حقوق خود همچنان مبارزه می‌کند.

میان این دو تاریخ، نزدیک به صدوهشتاد سال فاصله است؛ سال‌هایی سرشار از پیشرفت، جنگ، ویرانی، بازسازی و کوشش انسان برای یافتن راهی به‌سوی جامعه‌ای آزادتر (و البته در مورد ایران، راهی به‌سوی جامعه‌ی آزاد).

در هفتم نوامبر، این بنای تاریخی بار دیگر میزبان سخن گفتن از آزادی خواهد بود. این بار، صدای ملت ایران است که از پشت دیوارهای زندان، از میان خانه‌های سوگوار، از خیابان‌های خونین و از حافظه‌ی چند نسل سرکوب‌شده، از مکان مقدسی در فرانکفورت به جهان آزاد خواهد رسید.

در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که در سنت شوالیه‌گری آلمانی، ریترِ آرمانی باید در کنار دلاوری، مسئولیت اخلاقی خود را نیز می‌شناخت. در استعاره‌ی این یادداشت، ریترِ ایرانی نه شمشیری برای کشورگشایی در دست دارد و نه برای دریافت تاجی تازه به فرانکفورت می‌رود. آنچه با خود به کلیسای پائول خواهد برد، روایت رنج، ایستادگی و آرزوی آزادی مردمانی است که جایزه به نام آنان ثبت شده است؛ و اگر تاجی در این روایت معنا داشته باشد، آن تاج چیزی جز رهایی ایران و سربلندی ملت آن نیست.

و چنین است که کلیسای پائول، برای یک روز، بلندگوی ملتی خواهد شد که می‌خواهد جهان نه‌فقط صدای او، بلکه بهای آزادی‌خواهی او را نیز بداند، اگر که اخبار به آنها نرسیده باشد!

پاینده ایران
جاویدشاه

ما چه می‌خواهیم؟ از رهایی ایران تا تمرین رواداری برای آینده

در چهل سالی که از مبارزات وارث پادشاهی، شاهزاده رضا پهلوی با انتشار بیانیه‌ی چهارده ماده‌ای می‌گذرد، اصول اولیه و بنیان حفظ تمامیت سرزمینی ایران، برقراری دولت دموکراتیک، سکولار و حقوقی، همچنان سرلوحه‌ی اهداف و آرمان‌های مبارزاتی ما است.

اصول، مبانی و اولیه‌ی ما، تعیین‌کننده‌ی رفتار و حرکات مبارزاتی در رعایت پرنسیپ‌های مدنی و رواداری فکری-سیاسی و اخلاقی، بوده و تمرینی برای آینده‌ی سیاسی-اجتماعی و حقوقیِ ایرانی دموکراتیک، آزاد و قانونمند است.



نادر زاهدی – در چهل سالی که از مبارزات وارث پادشاهی، شاهزاده رضا پهلوی با انتشار بیانیه‌ی چهارده ماده‌ای می‌گذرد، اصول اولیه و بنیان حفظ تمامیت سرزمینی ایران، برقراری دولت دموکراتیک، سکولار و حقوقی، همچنان سرلوحه‌ی اهداف و آرمان‌های مبارزاتی ما است. طیف سلطنت‌طلب و آزادی‌خواه اپوزیسیون ایرانی، در کنار دیگر طیف‌های فعال، در جهت احقاق حقوق شهروندان ایرانی، با آگاهی از تحولات جهانی و منطقه‌ای، با شناخت تحولاتی که در سیاست ایرانی به وقوع پیوسته‌اند، همراه و همگام با ملت و دیگر مخالفان حاکمیت اسلامی، روش‌های متفاوتی را در باور به اعتراض و حضور مدنی، از خود نشان داده است.

اولویت طیف پادشاهی‌خواه و سلطنت‌طلب، رهایی کشور از استبداد و دستیابی به آزادی و برابری تمامی ایرانیان بوده است؛ برخورد، تلاقی و همبستگی یا مخالفت با طیف‌های دیگر اپوزیسیون در مقاطعی از تاریخ مبارزاتی ملی‌گرایانه، مبتنی بر همان اصول اولیه‌ی اعلام‌شده (حفظ تمامیت سرزمین ایران- برقراری دولت دموکراتیک- سکولار و حقوقی) بوده است؛ دوری از تنش‌های هیجانی و تبلیغات رسانه‌ای علیه دیگر طیف‌های اپوزیسیون که در برخی از فعالان سیاسی و میدانی (چه از طرفداران پادشاهی‌خواه و چه دیگر گروه‌ها و احزاب) در سال‌های اخیر، صحنه‌های مبارزاتی را شورمندانه غیرقابل دفاع کرده‌اند، همان‌طور که در بیانات شاهزاده رضا پهلوی و اعلامیه‌های صادره از حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) به تأکید گفته و عمل شده است، در روال و منش مبارزاتی، به‌دور از اخلاق و سیاست دموکراتیک بوده و به واقع، مانعی از پرداختن به هدف اصلی مبارزان و موجب تشدد و تفرقه‌ی اپوزیسیون به شمار می‌رود.

به استناد حیات سیاسی-فرهنگی چهار دهه‌ی گذشته‌ی طیف مشروطه‌خواه و سلطنت‌طلب، اولویت ما در مقابله و مخالفت، دوری از برخوردهای هیجانی و افراطی میان هواداران طیف‌های مختلف و متعدد اپوزیسیون بوده و مرکزیت و محوریت مبارزات دموکراسی‌خواهانه در پیوند با ملی‌گرایی فرهنگی و همراهی و پشتیبانی از مبارزان داخلی است. طرفه آنکه، هرگونه تلاش و فعالیت اعم از حضوری، رسانه‌ای، میدانی و... در راستای مواجهه و مخالفت با حکومت اسلامی، وجاهت اخلاقی و حقوقی در عرصه‌های سیاسی دارد. همان‌طور که تبلیغات و مقابله با طیف‌های مختلف اپوزیسیون در کانون‌های دیپلماتیک (لابی‌گری- مجامع بین‌المللی حقوق بشری و...)- فضاهای رسانه‌ای دیجیتالی- میدان‌های فعالیت داخلی و آکسیون‌های تظاهرات خارجی و...، نشأت‌گرفته از اذهان و ایدئولوژی‌های ضدمدنی- غیرانسانی و غیردموکراتیک بوده و ثمره و نتیجه‌ای وطن‌خواهانه و ملی‌گرایانه در بر ندارند.

همان‌طور که اشاره کردم، اصول، مبانی و اولیه‌ی ما، تعیین‌کننده‌ی رفتار و حرکات مبارزاتی در رعایت پرنسیپ‌های مدنی و رواداری فکری-سیاسی و اخلاقی، بوده و تمرینی برای آینده‌ی سیاسی-اجتماعی و حقوقیِ ایرانی دموکراتیک، آزاد و قانونمند است. بی‌تردید فکر و اندیشه، رفتار و منش، اهداف و آرمان‌های دموکراسی‌خواهان در وضعیت پیچیده و سرنوشت‌ساز امروز، با دوری از درگیری‌های هیجانی میان طیف‌های مختلف اپوزیسیون و حرکت در راستای هدف اصلی و اولویت مبارزاتی، با همبستگی و همراهی طیف‌های متفاوت ایران‌گرا و حقوق‌مدار، برطرف‌کننده‌ی آفات سیاسی-اخلاقی بوده و آینه‌ای از شیوه‌ی کشورداری روادار و شهروندمحور به شمار می‌روند.

المیادین: مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند خروج اورانیوم‌ها از ایران زمینه‌ساز حمله بعدی خواهد بود



نشست چهارجانبه پزشکیان و محسن رضایی با مقامات امنیتی و نظامی سه کشور ترکیه، عربستان و پاکستان در تهران

یک مقام وابسته به جمهوری اسلامی به شبکه المیادین گفته: «اجرای هفت بند مورد نظر ایران، خط قرمزی است که نمی‌توان از آن عقب‌نشینی کرد. مطرح کردن دوباره پرونده اتمی، نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای گرفتن اهرم بازدارندگی هسته‌ای از ایران است؛ آمریکا از طریق فشارهای روانی و دیپلماتیک تلاش می‌کند توانمندی‌های هسته‌ای ایران را نابود کند یا آنها را به تصرف خود درآورد.»

همین منبع عنوان کرد: «جمهوری اسلامی نگران است خارج کردن اورانیوم‌ها از ایران، بجای پایان دادن به جنگ، زمینه‌ساز تجاوز نظامی جدید آمریکا شود.»

او با انتقاد از عملکرد دولت‌های میانجی گفت: «تهران میانجیگری را که صرفاً به انتقال مطالبات آمریکا و اعمال فشار بر ایران برای پذیرش آنها محدود شود، نخواهد پذیرفت».

مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند به هیچ عنوان حاضر به خارج کردن اورانیوم‌های غنی‌شده از ایران نیستند. آنها حتی پیشنهاد روسیه را برای انتقال اورانیوم‌ها به این کشور با ضمانت قطر، پاکستان، ترکیه و عربستان هم نپذیرفته‌اند.

شبکه المیادین به نقل از یک منبع در جمهوری

اسلامی گزارش داد: «خط قرمز مقامات جمهوری اسلامی برای توافق با آمریکا اجرای شروط هفتگانه است و از آن عقب‌نشینی نخواهد کرد.» این منبع گفته، مطرح کردن دوباره پرونده اتمی، نشان‌دهنده تلاش آمریکا برای گرفتن اهرم بازدارندگی هسته‌ای از ایران است.

منابع غیررسمی گزارش داده بودند که آمریکا از طریق واسطه‌ها بار دیگر از جمهوری اسلامی خواسته است که ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی را که محل دقیق نگهداری آنها مشخص نیست، از ایران خارج کند اما مقامات تهران نپذیرفته‌اند.

همین منبع به شبکه المیادین گفت: «جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، اخیراً با محسن رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، مکاتباتی داشته است.»

او افزود: «تبادل پیام میان مقام‌های آمریکایی و ایرانی موضوعی استثنایی نیست و سابقه‌های شناخته‌شده‌ای دارد؛ روی آوردن مقام‌های ارشد آمریکایی به مکاتبه، نشان‌دهنده ناتوانی واشنگتن در دستیابی به اهداف خود از راه‌های دیگر است.»

این منبع آگاه ادعا کرد: «ادعای ترامپ مبنی بر اینکه پیام ونس در پاسخ به درخواست ایران برای دریافت تجهیزات و دارو ارسال شده، کاملاً دروغ است.» وی افزود: «تهران زمانی که مناسب بداند، جزئیات این پیام را فاش خواهد کرد؛ ایران پیش از اجرای هفت بندی که به آمریکایی‌ها ابلاغ کرده، هیچ اقدام جدیدی انجام نخواهد داد. بازگشایی تنگه هرمز یا آغاز مذاکرات جدید، پیش از اجرای شروط ایران انجام نخواهد شد.»

آمریکا به دنبال تصاحب اورانیوم‌هاست

وی تصریح کرد: «اجرای هفت بند مورد نظر ایران، خط قرمزی است که نمی‌توان از آن عقب‌نشینی کرد. آمریکا از طریق فشارهای روانی و دیپلماتیک تلاش می‌کند توانمندی‌های هسته‌ای ایران را نابود کند یا آنها را به تصرف خود درآورد.»

این منبع آگاه گفت: «اگر آمریکا ادعا می‌کند مواد هسته‌ای غنی‌شده را نابود کرده، پس چرا همچنان خواستار تحویل آنهاست؟ تهران نگران است که خارج کردن اورانیوم‌ها از ایران، بجای پایان دادن به جنگ، زمینه‌ساز تجاوز نظامی جدید آمریکا شود.»

وی تاکید کرد: «میانجی‌ها باید اصول میانجیگری را رعایت کنند و در صدد تحمیل خواسته‌های آمریکا به ایران برنیایند؛ تهران میانجیگری را که صرفاً به انتقال مطالبات آمریکا و اعمال فشار بر ایران برای پذیرش آنها محدود شود، نخواهد پذیرفت.»

او ادامه داد که جمهوری اسلامی «ایران تحت فشار تحرکات دیپلماتیک از شروط هفتگانه خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. ایران حسن نیت خود را در قبال کشورهای خلیج فارس نشان داده است و اجازه نخواهد داد هیچیک از این کشورها از تهران سوءاستفاده کند.»

این منبع آگاه وابسته به جمهوری اسلامی تأکید کرد: «استفاده از پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای منطقه برای حمله به منافع ایران، با پاسخی متناسب با ماهیت تجاوز مواجه خواهد شد. هیچکس حق ندارد به هدف قرار دادن اهدافی در داخل کشورهایی که از خاک خود برای حمله به منافع ایران استفاده می‌کنند، اعتراض کند.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا پیش از این اعلام کرده بود که ارتباط ونس با مقامات جمهوری اسلامی مربوط به مذاکرات صلح نبوده و به علت انتقال دارو به ایران برای کمک به مردم بوده است.

اجرای ۷۷ حکم اعدام در ایران طی ماه گذشته میلادی

● «سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داده، بر اساس اسناد جمع‌آوری شده توسط این سازمان، جمهوری اسلامی در ماه اکتبر-۲۰۲۶ مهرماه- ۷۷ شهروند را اعدام کرده است. شش تن از اعدام‌شدگان با اتهامات سیاسی و امنیتی روبرو بودند.

● تنها ۱۳ مورد از اعدام‌های ماه گذشته، یعنی کمتر از ۱۷ درصد، توسط منابع رسمی اعلام شده و «سازمان حقوق بشر ایران ۶۴ مورد دیگر را با استناد به اطلاعات دو منبع مستقل تأیید کرده است.»

● از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، این سازمان دست‌کم ۶۹۱ اعدام را ثبت کرده که سه تن از اعدام‌شدگان در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند. ۳۲ نفر از اعدام‌شدگان، شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات بودند.

● منابع حقوق‌بشری اواخر تابستان امسال گزارش داده بودند که دست‌کم ۱۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در ۱۳ استان با حکم اعدام روبرو هستند؛ بیشترین شمار این افراد با ۴۶ نفر مربوط به استان اصفهان است.

«سازمان حقوق بشر ایران» گزارش داده، بر اساس اسناد جمع‌آوری شده توسط این سازمان، جمهوری اسلامی در ماه اکتبر-۲۰۲۶ مهرماه- ۷۷ شهروند را اعدام کرده است. شش تن از اعدام‌شدگان با اتهامات سیاسی و امنیتی روبرو بودند.

به گزارش «سازمان حقوق بشر ایران»، از میان ۷۷ مورد اعدام که مدارک آنها به دست این سازمان رسیده است، تنها ۱۳ مورد، یعنی کمتر از ۱۷ درصد توسط منابع رسمی اعلام شده و «سازمان حقوق بشر ایران ۶۴ مورد دیگر را با استناد به اطلاعات دو منبع مستقل تأیید کرده است.»

این گزارش افزوده، شش نفر از شهروندانی که در ماه اکتبر ۲۰۲۶ اعدام شدند با اتهامات امنیتی و سیاسی روبرو بوده‌اند. سه نفر از آنان شهروندان بازداشت‌شده در اعتراضات سراسری، دو تن وابسته به گروه‌های مخالف حکومت و یک نفر متهم به جاسوسی بودند.

همچنین ۳۹ نفر از اعدام‌شدگان با اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بودند؛ ۳۱ نفر به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر به اعدام محکوم شده بودند؛ و یک مرد به اتهام تجاوز جنسی اعدام شد.

در گزارش «سازمان حقوق بشر ایران» آمده، از اول ژانویه تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶، این سازمان دست‌کم ۶۹۱ اعدام را ثبت کرده است که سه تن از اعدام‌شدگان در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشتند.

در این مدت ۳۵۳ نفر با اتهام قتل عمد به قصاص نفس محکوم شده بودند که چهار شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات نیز در میان آنان قرار داشتند. همچنین ۲۴۴ نفر به اتهام جرائم مرتبط با مواد مخدر، ۸۱ نفر با اتهامات امنیتی و ۱۲ نفر به اتهام تجاوز جنسی اعدام شدند. اتهام یک زن اعدام‌شده همچنان نامشخص است.

از میان افرادی که با اتهامات امنیتی اعدام شدند، ۳۲ نفر شهروند بازداشت‌شده در اعتراضات، ۱۵ نفر زندانی سیاسی وابسته به گروه‌های مخالف حکومت، ۱۷ نفر متهم به جاسوسی یا همکاری با دولت‌های خارجی و ۹ نفر محکوم به سرقت مسلحانه بودند. چهار نفر نیز به ارتباط با گروه داعش متهم شده بودند و اتهام چهار نفر دیگر مشخص نیست.

بر اساس این گزارش، از ابتدای سال میلادی تا آخر ماه اکتبر، تنها ۱۰۰ مورد، معادل ۱۴/۵ درصد اعدام‌های ثبت‌شده را منابع رسمی اعلام کردند. سازمان حقوق بشر ایران ۵۹۱ مورد دیگر را با استناد به اطلاعات دو منبع مستقل تأیید کرده است.

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر



اعدام در ملا عام

در ایران نیز هفته نخست آبان‌ماه جاری در گزارشی که به بازه اعتراضات دی۴۰۴ تا آخر امرداد امسال مربوط بود اعلام کرد، در این بازه زمانی دست‌کم ۲۵ نفر در ارتباط با اعتراضات دی۴۰۴ اعدام شدند که دست‌کم پنج مورد از این اعدام‌ها در ملاء عام اجرا شده است.

مای ساتو تأکید کرده بود که قانون «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و دولت‌های متخاصم» به ابزاری برای صدور احکام و اجرای تعدادی از این اعدام‌ها تبدیل شده است.

او افزوده بود: «با این حال اعدام‌های مرتبط با اعتراضات تنها بخش کوچکی از کل اعدام‌ها را تشکیل می‌دهند. تعداد اعدام‌های ثبت‌شده به‌شدت بالاست و قطع ارتباط اینترنتی و مخابراتی که از پیش نیز وجود داشت، فضای غیرشفاف را عمیق‌تر کرده است. بیش از ۸۰ درصد اعدام‌ها مربوط به قصاص (مقابله‌به‌مثل) یا جرایم مرتبط با مواد مخدر بوده‌اند.»

منابع حقوق‌بشری اواخر تابستان امسال گزارش داده بودند که دست‌کم ۱۰۰ نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه در ۱۳ استان با حکم اعدام روبرو هستند؛ بیشترین شمار این افراد با ۴۶ نفر مربوط به استان اصفهان است.

۴۸ سال پس از روزهای «عملیات مشترک»، دود کدام آتش چشمان فرانسه را می‌سوزاند؟

از بدو ورود آن جرثومه‌ی سیاهی و تباهی به خاک فرانسه، نمایندگان احزاب ملی‌گرا و محافظه‌کار فرانسه، نسبت به اختیارات و امکانات او برای فعالیت سیاسی علیه پادشاهی ایران در خاک فرانسه هشدار دادند و حتی نمایندگانی بودند که خواستار اخراج خمینی از فرانسه شدند.

خمینی اهریمن‌نشان، روز ۱۴ مهرماه ۵۷ وارد فرودگاه پاریس شد و چهار روز بعد یعنی هجدهم مهرماه، در خانه‌ای که پیش از ورودش توسط دستگاه‌های امنیتی فرانسه و ایالات متحده، تدارک دیده و تجهیز شده بود، در نوفل‌لوشاتو استقرار یافت و از آن پس تا ۳۱ ژانویه یعنی تا پایان روز ۱۱ بهمن همان سال، در آن ستاد عملیاتی مقیم بود.

در محافل روشنفکری سوسیالیستی و کمونیستی فرانسه چند «کمیته‌ی پشتیبانی» از خمینی که در بدو ورود هنوز امام نشده بود و به نام «آیت‌الله» از او نام می‌بردند، تشکیل شد. ریاست یکی از آنها را ژان‌پل سارتر، سیمون دوبووار و میشل فوکو به‌عهده گرفتند.

در لوموند، آندره فونتن، مدیر روزنامه که همواره منتقد نظام سلطنتی در ایران بود و طی مدتی طولانی از آیت‌الله خمینی و انقلاب اسلامی با حرارت پشتیبانی می‌کرد، سرمقاله‌ی پرسروصدایی تحت عنوان «بازگشت پدیده‌ی الهی» منتشر کرد و آیت‌الله خمینی را با پاپ ژان پل دوم مقایسه کرد.

حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری فرانسوا میتران، در ماه‌های منتهی به بهمن ۵۷ آشکارا در کنار جنبش ضدشاه ایستاد: در سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۱۳۵۷) یک تظاهرات مشترک در حمایت از آنچه جنبش مردم ایران می‌نامید برگزار کرد.

مرور برخی از تیترهای اومانیته، در فاصله‌ی شهریور تا بهمن ۵۷، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی خطی است که این پشتیبانان همیشگی حزب توده، نسبت به پادشاهی ایران و مهره‌ای که علیه این پادشاهی تراشیده شده بود، یعنی خمینی، پی می‌گرفتند.

کمونیست‌های فرانسوی حتی بعد از ماجرای دروغین و وارونه‌نمایی‌شده‌ی هفده شهریور هم قطعنامه‌ای به پارلمان اروپا بردند تا علیه ایران به تصویب برسانند اما نتوانستند برای تصویب آن، رأی به دست بیاورند.

در میان حامیان اروپایی خمینی، صدای کلیسا هم بود. پدر آندره لودوز، کشیش دومینیکن و روزنامه‌نگار هفته‌نامه‌ی مسیحی Témoignage chrétien، در ژانویه‌ی ۱۹۷۹ از طرف آن هفته‌نامه به نوفل‌لوشاتو رفت و با خمینی دیدار کرد. او خمینی را مردی «جدی و حساب‌شده» یافت و از او چنین تصویری داد: «این پیرمرد عظیمِ آرامِ سیاه‌پوش». لودوز خمینی را با کشیش دیتریش بونهوفر، قهرمان مقاومت ضدنازی، مقایسه کرد و گزارشش را با این جمله بست: «در نوفل‌لوشاتو، ایران در انتظار ساعت آزادی‌اش است.



صادق قطب‌زاده و ابراهیم یزدی در دو طرف خمینی؛ احمدآقا پسر خمینی و ابوالحسن بنی‌صدر در سمت راست تصویر؛ نوفل لوشاتو؛ زمستان ۱۹۷۹

مهدی قدیمی* – در روزهایی که شهرهای فرانسه، درگیر غارت و دود و آتش شده بود، این آشوب در میان ایرانیان موجی از بازخوانی روزهای سقوط ایران به دست چشم‌آبی‌ها را به راه انداخت و از قضا تمام این ماجرا در روزهایی رخ می‌دهد که با روزهای فعالیت ستاد عملیات موسوم به انقلاب ۵۷ در فرانسه مقارن است. به همین بهانه، بی‌مناسبت نیست اگر سری بزنیم به آن ایام و گوشه‌ای از مستندات درباره‌ی این فعالیت ۱۱۸روزه‌ی ستاد عملیات در قلب فرانسه را نیز بازخوانی کنیم تا دریابیم که چرا شماری از ایرانیان به این روزهای فرانسه، با زبانی طعنه‌آلود، نیشخند می‌زنند.

پیش از آغاز، لازم است توضیح دهم که از بدو ورود آن جرثومه‌ی سیاهی و تباهی به خاک فرانسه، نمایندگان احزاب ملی‌گرا و محافظه‌کار فرانسه، نسبت به اختیارات و امکانات او برای فعالیت سیاسی علیه پادشاهی ایران در خاک فرانسه هشدار دادند و حتی نمایندگانی بودند که خواستار اخراج خمینی از فرانسه شدند. در میان هیاهوی کرکننده‌ی بوق‌های تبلیغاتی احزاب سوسیالیست و کمونیست فرانسه و روشنفکران و روزنامه‌نگاران پرسروصدای آنها نیز، روزنامه‌نگاران و روشنفکرانی از جناح راست بودند که این حمایت‌ها از بلوای خمینی و کل مضحکه‌ی موسوم به انقلاب را به تندی نقد می‌کردند و هشدار می‌دادند. اما به‌سان سایر موارد، صدایشان در میان شعله‌های تب مارکسیسم و سوسیالیسم و لنینیسم و مشتی ایسم دیگرِ مد روز، نشنیده گرفته و بایکوت شد.

نکته‌ی دیگری که لازم است مورد توجه قرار گیرد، تمایز دو حزب کمونیست و سوسیالیست فرانسه در این غائله است.

حزب کمونیست فرانسه چنان‌که چند سال قبل در اپیزود «آنها که گند زدند» در پادکست مدبویز شرح داده بودم، هم‌پای حزب هم‌نام خود در آلمان شرقی، زهدانی بود که نطفه‌ی نخستین کمونیست‌های ایرانی در محافل آن منعقد شد و در ادامه این حلقه‌ی اولیه‌ی کمونیست‌های ایرانی، بنیان‌گذار حزب توده نیز شدند و از سال‌ها قبل از بلوای ۵۷ تا همین روزهای حضور خمینی در فرانسه، حزب کمونیست فرانسه، حزب توده را تبلیغ و حمایت می‌کرد. آنها چنان‌که در بیانیه‌های حزب توده و شخص کیانوری، دبیرکل جدید حزب، منعکس است، از خمینی بعنوان رهبر انقلاب حمایت می‌کردند. اما حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری فرانسوا میتران با تمام بوق‌های رسانه‌ای و نیروی پارلمانی خود، حامی مصدقی‌ها بود و در این روزها بیش از همه، فروهر و سنجابی را تبلیغ می‌کرد و همچنان تا امروز همین مسیر را ادامه می‌دهد.

با این مقدمات برویم به سراغ گوشه‌هایی از عملکرد هیئت حاکمه‌ی فرانسه و احزاب کمونیست و سوسیالیست این کشور در کوران فتنه‌ی ۵۷ که همه‌ی این واقعیت‌ها و مستندات را مدیون تلاش خستگی‌ناپذیر زنده‌یاد دکتر هوشنگ نهاوندی هستیم. او با کوششی فراوان مجموعه‌ی این مستندات را در کتابی به نام «خمینی در فرانسه» منتشر کرده بود.

خمینی اهریمن‌نشان، روز ۱۴ مهرماه ۵۷ وارد فرودگاه پاریس شد و چهار روز بعد یعنی هجدهم مهرماه، در خانه‌ای که پیش از ورودش توسط دستگاه‌های امنیتی فرانسه و ایالات متحده، تدارک دیده و تجهیز شده بود، در نوفل‌لوشاتو استقرار یافت و از آن پس تا ۳۱ ژانویه یعنی تا پایان روز ۱۱ بهمن همان سال، در آن ستاد عملیاتی مقیم بود.

همین ابتدا درباره‌ی چیزی که در بند قبل نوشتم و مستعد این است که من را متهم به توهم توطئه کنید، دو واقعیت بعنوان نمونه بگویم و به ادامه‌ی مطلب بپردازیم.

در سطور بالا نوشته‌ام خانه‌ی او در نوفل‌لوشاتو توسط دستگاه‌های امنیتی فرانسه و ایالات متحده تدارک

دیده و تجهیز شده بود. این یک ادعای بدبینانه یا حاصل توهم نیست.

موریس دروئون، روزنامه‌نگار فرانسوی، در این‌باره در روزنامه‌ی فیگارو، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴ (۲۲ آبان ۱۳۸۳) نوشته است:

«از سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ آمریکایی‌ها به دلایل نفتی، تصمیم به برکناری شاه گرفته بودند. در نوفل‌لوشاتو، سیا خانه‌ی مجاور محلی را که نوارهای آتش‌افروزانه‌ی خمینی در آن تهیه و ضبط می‌شد، در اختیار گرفته بود. این نوارها را سپس با چمدان دیپلماتیک به تهران می‌فرستادند. ماجرای نوفل‌لوشاتو صفحه‌ی درخشانی در تاریخ فرانسه نیست. رفتار والری ژیسکاردستن که آن همه توجه و عنایت به یک پیغمبر دروغین کرد و آن همه وسیله در اختیارش گذاشت، قابل فهم نیست. ایرانِ پهلوی بی‌عیب و نقص نبود، اما کشوری بود در حال نوسازی و توسعه. آیا درست بود که نظامی عقب‌افتاده و تابع تعصبات خونین را جایگزین آن سازند؟ اعتلای اسلام‌گرایی افراطی در همین‌جا آغاز شد.»

ادعای او درباره‌ی استقرار سازمان CIA در منزل مجاور خانه‌ای که برای خمینی در نظر گرفته شده بود، عینا برگرفته از کتاب کنت الکساندر دو مارانش، رئیس سازمان اطلاعات خارجی فرانسه از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱ است. دومارانش در کتاب «راز شاهزادگان» (چاپ ۱۹۸۶، انتشارات استوک پاریس) که گفتگوی مفصل اوست با کریستین اوکران، روزنامه‌نگار فرانسوی، این جمله را بیان کرده است:

«در نوفل‌لوشاتو، سیا خانه‌ی مجاور محلی را که نوارهای آتش‌افروزانه‌ی خمینی در آن تهیه و ضبط می‌شد، در اختیار گرفته بود. این نوارها را سپس با چمدان دیپلماتیک به تهران می‌فرستادند.»

همچنین پی‌یر دو ویلمارە، از چهره‌های سرشناس نهضت مقاومت فرانسه از سال ۱۹۴۰ (بعدا از صاحب‌منصبان سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه)، روزنامه‌نگار و نویسنده، عضو هیئت تحریریه‌ی «والر آکتوئل»، «نخستین روزنامه‌نویسی بود که به دیدار خمینی رفت و موفق به گفتگو با او شد». عین روایت او:

«قطب‌زاده که بعدا به دستور خمینی تیرباران شد مرا پذیرفت. مدتی چانه زدیم. سرانجام قبول کرد که مرا به نزد خمینی ببرد و به مدت دو ساعت ترجمه‌ی مصاحبه‌ی مرا با آیت‌الله به‌عهده گرفت... خمینی برای استراحت کوتاهی به ساختمان مجاور رفت که عمارت کوچکی بود... برای ما چای آوردند... از اتاق مجاور صداهایی به گوشم رسید که مخابرات رادیویی زمان مقاومت را به یادم آورد. کنجکاو شدم. به بهانه‌ی رفتن به دستشویی اتاق را ترک کردم. درِ اتاقی را که صداها از آن می‌آمد باز کردم. دو نفری که در آنجا به کار مخابره مشغول بودند داد و فریاد کردند که در آنجا چه می‌کنم. عذر خواستم و گفتم که اشتباه کرده‌ام و به دنبال محل دستشویی می‌گردم... در بازگشت متوجه دکل‌های نسبتا بزرگ دستگاه‌های مخابرات شدم. ارتباطات آنها با کجا و با چه کسی بود؟... به محض پایان مصاحبه بی‌درنگ عازم پاریس شدم. به وزارت کشور نزد مسئولان امر رفتم و تعجب خود را از این که خمینی اجازه یافته از خاک فرانسه بدون اجازه‌ی مخصوص با خارج از کشور ارتباطات رادیویی برقرار کند به آنها گفتم. به من گفتند که در این کار دخالتی نکنم. به این ترتیب به من ثابت شد که همه‌چیز را از قبل برای آیت‌الله آماده کرده بودند.»[۱]

خب حالا بعد از این مقدمه بپردازیم به حال و هوای احزاب سیاسی و روشنفکران فرانسه، در هنگامه‌ی پخت‌وپز جمهوری آخوندی در مطبخ نوفل‌لوشاتو، با ادویه‌ی کمونیستی-سوسیالیستی.

ستایشگران سیاهی

در محافل روشنفکری سوسیالیستی و کمونیستی فرانسه چند «کمیته‌ی پشتیبانی» از خمینی که در بدو ورود هنوز امام نشده بود و به نام «آیت‌الله» از او نام می‌بردند، تشکیل شد. ریاست یکی از آنها را ژان‌پل سارتر، سیمون دوبووار و میشل فوکو به‌عهده گرفتند.

میشل فوکو دو بار به ایران رفت: یک بار در سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۵۷) و بار دیگر در نوامبر همان سال (بهمن ۵۷). به ملاقات آیت‌الله نیز رفت و «مقالاتی در مدح او در جراید مهم اروپایی انتشار داد». عنوان مقاله‌اش در هفته‌نامه‌ی پاریسی نوول ابسرواتور پرمعنی بود: «ایران: چگونه می‌توان به یک حرکت سیاسی جنبه‌ای روحانی داد؟»؛ تحلیل او از تشیع «مورد تأیید همه‌ی اعضای شورای نویسندگان این هفته‌نامه‌ی وزین دست‌چپی قرار گرفت»؛ در آن از «توفان افسانه‌ای که ایران را به لرزه درآورد» سخن رفت. فوکو خمینی را ستود و تشیع را «مذهبی فاقد هرگونه سلسله‌مراتب» و «مذهبی تابع ملت» معرفی کرد، آن هم در شرایطی که حتی یک کلمه از «آثار» خمینی را نخوانده بود و چیزی از عقاید او نمی‌دانست.

روزنامه‌ی لوموند پاریس که نقش و سهم بزرگی در «جعل» زندگی‌نامه‌ی خمینی و پراکندن آن در جهان و «ساختن» شخصیت دروغین وی داشت و لقب امام هم در همین نشریه برای آن شیاد اختراع شد، در ۱۲ ژانویه‌ی ۱۹۷۹ (۲۲ دی ۵۷) زندگی‌نامه‌ی مجعول دیگری منتشر کرد که پدربزرگ خمینی (درویش هندی و بی‌سوادی که درباره‌ی سبب انتقالش از هند به ایران نکات مشکوکی وجود دارد) «امام» لقب گرفته و به پدرش که پرونده‌ای پیچیده از غارتگری و احتمالات جدی درباره‌ی وابستگی به کمپانی هند شرقی درباره‌ی او مطرح است، عنوان آیت‌الله داده شده بود و به‌علاوه در این زندگی‌نامه‌ی جعلی توضیحات مفصل درباره‌ی افکار فلسفی، نظریات سیاسی و اندیشه‌های اقتصادی «امام» نیز مطرح شده بود.

در همین لوموند، آندره فونتن، مدیر روزنامه که همواره منتقد نظام سلطنتی در ایران بود و طی مدتی طولانی از آیت‌الله خمینی و انقلاب اسلامی با حرارت پشتیبانی می‌کرد، سرمقاله‌ی پرسروصدایی تحت عنوان «بازگشت پدیده‌ی الهی» منتشر کرد و آیت‌الله خمینی را با پاپ ژان پل دوم مقایسه کرد؛ نوشت که نهضت خمینی نشان از نیاز بنیادی انسان‌ها به جستجوی اصل و هویت خویش دارد.

فیلسوف سرشناس ژاک مادل هم از قافله عقب نماند و در لوموند «نهضت خمینی را خروشی که از اعماق تاریخ برآمده» تلقی کرد و آن را «نشانه‌ی اراده‌ی ملتی» دانست «که می‌خواهد زنجیرهای اسارت را پاره کند»؛ نتیجه گرفت «شاید شور و هیجان ملت ایران راه‌گشای آینده‌ای بهتر برای نوع بشر باشد».

سوسیالیست‌ها و مصدقی‌ها

در باب روشنفکران و نویسندگان و روزنامه‌نگاران چپ‌مرام فرانسوی به همین چند نمونه اکتفا کنیم و بپردازیم به دو کانون اصلی سیاسی فرانسوی حامی بلوای ۵۷ یعنی حزب کمونیست و حزب سوسیالیست که تا همین امروز و در میان اپوزیسیون ظاهری جمهوری اسلامی نیز، تماما با همان ایده‌ها و ادعاهای سال ۵۷، مشی آن دو حزب استمرار دارد.

کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها از سپتامبر ۱۹۷۸ سر این‌که بسیج همبستگی با ایران مال کیست با هم جدل داشتند.

حزب سوسیالیست فرانسه به رهبری فرانسوا میتران، در ماه‌های منتهی به بهمن ۵۷ آشکارا در کنار جنبش ضدشاه ایستاد: در سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۱۳۵۷) یک تظاهرات مشترک در حمایت از آنچه جنبش مردم ایران می‌نامید برگزار کرد؛ هیئت اجرایی حزب در اعلامیه‌های ۶ و ۱۲ ژانویه‌ی ۱۹۷۹ (۱۶ و ۲۲ دی ۱۳۵۷) حمایت حزب را از «حرکتی که در ایران در جریان است» اعلام داشت؛ و شامگاه سه‌شنبه ۲۳ ژانویه‌ی ۱۹۷۹ (۳ بهمن ۱۳۵۷) نشست همبستگی با ایران را در تالار Maison de la Chimie پاریس برگزار کرد.

لیونل ژوسپن، دبیر بین‌الملل حزب، در ارگان تئوریک حزب سوسیالیست، سیاست حزب را در این دوره این‌گونه تشریح کرد: «حمایت از جنبش مردمی علیه شاه و به‌رسمیت‌شناختن نقش اساسی‌ای که جبهه‌ی ملی، وارث مصدق، باید در برون‌رفتی دموکراتیک و پیشرو از بحران ایفا کند.» ژوسپن می‌گوید: «در همین چارچوب، حزب سوسیالیست دیدار کریم سنجابی، رهبر جبهه‌ی ملی، با خمینی را در پاریس ترتیب داد؛ به بازداشت سنجابی و داریوش فروهر با صدور اطلاعیه اعتراض کرد؛ و نشستی در حمایت از این نیروها با حضور داریوش فروهر برگزار کرد.»

توجه کنید، کریم سنجابی یک ایرانی مصدقی ضدشاه است که آزادانه در ایران و خارج از ایران فعالیت دارد. خمینی هم یک آخوند ایرانی ضدشاه است. وقتی این دو قرار است با هم دیدار کنند، حزب سوسیالیست فرانسه این دیدار را هماهنگ می‌کند. آیا سنجابی نمی‌توانسته خودش برود و خمینی را ببیند؟ آیا اختیار او در دست حزب سوسیالیست فرانسه بوده، و یا در اتاق عملیاتی که خمینی را در آن مستقر کرده بودند، حزب سوسیالیست فرانسه آن‌قدر نفوذ داشته که هماهنگی برای دیدارهایی که مصدقی‌ها نمی‌توانستند انجام دهند را انجام دهد؟

روایت دیدار سنجابی با سران حزب قبل از دیدار با خمینی و اعلامیه‌ی او بعد از دیدار با خمینی هم به‌خوبی نشان می‌دهد که در قامت یک مأمور از طرف حزب برای اعلام همبستگی با خمینی و احتمالا تعیین سهم از فردای ایران، به محل ملاقات اعزام شده بود:

سنجابی در پاریس و در گفتگو با ژوسپن گفت ایرانیان «نظامی قرون‌وسطایی» نمی‌خواهند؛ و پس از دیدار با خمینی در نوفل‌لوشاتو، در اعلامیه‌ای رسمی اعلام کرد: «سلطنت کنونی ایران با نقض قوانین اساسی و اعمال ظلم و ستم و ترویج فساد و تسلیم در برابر سیاست‌های بیگانه، فاقد پایگاه قانونی و شرعی است. جنبش ملی و اسلامی ایران با وجود بقای نظام سلطنتی غیرقانونی، با هیچ ترکیب حکومتی موافقت نخواهد کرد. نظام حکومت ملی ایران بر اساس موازین اسلام و دموکراسی و استقلال، به‌وسیله‌ی مراجعه به آرای عمومی تعیین گردد.» او در همان سفر پاریس، از فرانسوا میتران، دبیرکل حزب سوسیالیست، بابت حمایت سوسیالیست‌ها از جنبش ایران تشکر کرد.

همچنین در دنباله‌ی اقدامات حزب سوسیالیست، روز ۲۲ ژانویه یعنی دوم بهمن ۵۷، این حزب نشست خودش را با حضور داریوش فروهر برگزار کرد و در ادامه همان روز سفارت ایران در پاریس به دست گروهی که مثل همیشه دانشجویان ایرانی نامیده می‌شدند، با همراهی خود سفیر که به خمینی پیوسته بود و با میانجی‌گری بنی‌صدر، اشغال شد. (راستی، آشوب‌های اخیر فرانسه هم به دانش‌آموزان فرانسوی نسبت داده می‌شود.)

کمونیست‌ها، توده و خمینی

حالا که موضع و وابستگان حزب سوسیالیست تا حدودی مشخص شد، نگاهی هم بکنیم به مواضع حزب

کمونیست درباره‌ی خمینی و بلوای ۵۷ ایران، در روزهای حضور آن ملعون در فرانسه:

«نمایندگان کمونیست ژرار بوردو و سوسیالیست ژان‌پیر کت در ۱۴ نوامبر از دولت خواستند اطمینان دهد که آیت‌الله خمینی اخراج نخواهد شد.»

این درخواست در حالی مطرح شد که ژرژ مسمن، نماینده‌ی راست‌گرای پارلمان، در سؤالی پرسیده بود چطور خمینی می‌تواند «آشکارا انقلاب کشورش را، زیر حمایت مقامات فرانسوی، سازمان دهد»؛ و دیدیه ژولیا، دیگر نماینده‌ی راست‌گرا، «خصلت کاملا غیرعادی اظهارات و فراخوان‌های انقلاب... از سوی یک بیگانه در فرانسه» را محکوم کرده بود[۲].

روز ۴ ژانویه‌ی ۱۹۷۹ (۱۴ دی ۱۳۵۷)، حزب کمونیست تجمعی مقابل سفارت ایران در پاریس علیه حکومت پادشاهی ایران برگزار کرد. روزنامه‌ی اومانیته، ارگان رسمی حزب، یک روز قبل، فراخوان این تجمع را در صفحه‌ی اول خود منتشر کرده بود.

همچنین ۱۸ ژانویه یعنی اواخر دی ۵۷ هم سه هزار نفر در نشست سالن موتوالیته به فراخوان سازمان‌های مارکسیست-لنینیست جمع شدند.

مرور برخی از تیترهای اومانیته، در فاصله‌ی شهریور تا بهمن ۵۷، به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی خطی است که این پشتیبانان همیشگی حزب توده، نسبت به پادشاهی ایران و مهره‌ای که علیه این پادشاهی تراشیده شده بود، یعنی خمینی، پی می‌گرفتند:

۱- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۸۰ — ص ۱ و ۷ — «شاه را بیرون کنید» — دومینیک باری، فرستاده‌ی ویژه

۵- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۸۳ — ص ۱ و ۷ — «تهران: ۵۰۰ هزار نفر و گل‌ها» — د. باری

۶- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۸۴ — ص ۷ — «ایران - توده به جبهه‌ی متحد فرا می‌خواند» — د. باری

۷- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۸۵ — ص ۹ — «ایران - امروز اعتصاب عمومی» — د. باری

۸- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۸۶ — ص ۱ و ۷ — «دیروز یک میلیون نفر در خیابان‌های تهران» — د. باری

۲۱- سپتامبر ۱۹۷۸ — شماره‌ی ۱۰۵۹۷ — ص ۸ — «ایران - سلاح‌های آمریکایی برای شاه»

۳- ژانویه‌ی ۱۹۷۹ — شماره‌ی ۱۰۶۸۵ — صفحه‌ی اول (بنر) — فراخوان تجمع ۴ ژانویه: «کشتارها در ایران را متوقف کنید!»

۲۴- ژانویه‌ی ۱۹۷۹ — شماره‌ی ۱۰۷۰۳ — ص ۱ و ۷ — «ایران - ارتش چه خواهد کرد؟ - گارد پرتورین شاه در برابر مطبوعات رژه می‌رود»

۱۲- فوریه‌ی ۱۹۷۹ — شماره‌ی ۱۰۷۱۹ — ص ۸ — «تهرانِ قیام‌کرده» — د. باری

۱۳- فوریه‌ی ۱۹۷۹ — شماره‌ی ۱۰۷۲۰ — ص ۱ و ۸ — «یک‌به‌یک باستیل‌های شاه گرفته شدند، جشن سقوط سلطنت» — د. باری

به‌راستی آیا این تیترها و اخبار غیرواقعی درباره‌ی ایران آن روز، با سکوت همین احزاب و رسانه‌ها پس از قتل‌عام ایرانیان توسط جمهوری اسلامی، یک ریشه‌ی مشترک اعتقادی ندارد؟

کمونیست‌های فرانسوی حتی بعد از ماجرای دروغین و وارونه‌نمایی‌شده‌ی هفده شهریور هم قطعنامه‌ای به پارلمان اروپا بردند تا علیه ایران به تصویب برسانند اما نتوانستند برای تصویب آن، رأی به دست بیاورند.

برای دانستن بهتر مواضع و عملکرد حزب کمونیست فرانسه و فرزندان ایرانی‌اش در حزب توده، بد نیست این قسمت از پایان‌نامه‌ی ژان‌باتیست تندو با عنوان: «بازگشت آیت‌الله خمینی به ایران از نگاه مطبوعات فرانسه» که در سال ۲۰۱۰ در دانشگاه پاریس نوشته شده را با هم بخوانیم:

اومانیته (ارگان حزب کمونیست) در فرانسه به توده صدا داد، بویژه با بازتاب «فراخوان جبهه‌ی متحد» سپتامبر ۱۹۷۸ آن[۳].

توده در آن زمان حزبی زیرزمینی بود که به جبهه‌ی متحد گسترده‌ی ضدشاه فرا می‌خواند؛ در سپتامبر ۱۹۷۸ (شهریور ۵۷) خواستار «یک جمهوری» شد (نه صراحتا اسلامی)؛ در ۱۴ ژانویه‌ی ۱۹۷۹ فراخوانش را به «آیت‌الله‌ها خمینی و طالقانی، دکتر سنجابی...» برای «جبهه‌ی متحد آزادی‌بخش ملی ایران» تجدید کرد؛ دبیر اول جدیدش نورالدین کیانوری (جانشین ایرج اسکندری، برکنارشده در ژانویه‌ی ۱۹۷۹) به نیوزویک گفت حزب، «عناصر عینا پیشروی» جنبش خمینی را به رسمیت می‌شناسد و از «ابتکارهای» او پشتیبانی می‌کند: «اعلام جمهوری اسلامی، برچیدن سلطنت، تشکیل مجلس مؤسسان...» [۴].

مورد عجیب کشیش طرفدار خمینی

حالا که تا اینجا آمدیم و به پایان‌نامه‌ی تندو اشاره کردیم، حسن‌ختام این نوشتار هم می‌تواند یکی دیگر از نکته‌های مورد اشاره‌ی تندو در پایان‌نامه‌اش باشد که تا امروز، در جای دیگری ندیدم مورد توجه قرار بگیرد و آن هم حمایت بخش‌هایی از کلیسای فرانسه از بلوای خمینی و شخص اوست:

«در میان حامیان اروپایی خمینی، صدای کلیسا هم بود. پدر آندره لودوز، کشیش دومینیکن و روزنامه‌نگار هفته‌نامه‌ی مسیحی Témoignage chrétien، در ژانویه‌ی ۱۹۷۹ از طرف آن هفته‌نامه به نوفل‌لوشاتو رفت و با خمینی دیدار کرد. او خمینی را مردی «جدی و حساب‌شده» یافت و از او چنین تصویری داد: «این پیرمرد عظیمِ آرامِ سیاه‌پوش». لودوز خمینی را با کشیش دیتریش بونهوفر، قهرمان مقاومت ضدنازی، مقایسه کرد و گزارشش را با این جمله بست: «در نوفل‌لوشاتو، ایران در انتظار ساعت آزادی‌اش است.»

البته ذکر این نکته هم لازم است که این کشیش از نویسندگان هفته‌نامه‌ی Témoignage chrétien بود که به مسیحیان چپ‌گرای فرانسه تعلق داشت.

این نوشتار البته می‌تواند با ارائه‌ی واقعیت‌هایی بیشتر درباره‌ی نقش آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و بسیاری شواهد گوناگون از همکاری و مداخله‌ی این سه دولت در سقوط پادشاهی ریشه‌دار و محبوب ایران، توسعه یابد. اما با توجه به مناسبت زمانی آن، یعنی همزمانی آشوب‌های فرانسه با سالگرد ایامی که خمینی از فرانسه و با یاری محافل پاریسی، در راه به آتش کشیدن ایران گام برمی‌داشت، تنها به بیان گوشه‌ای از عملکرد فرانسویان اکتفا شد تا مشخص گردد که چرا بسیاری از ایرانیان این روزها به طعنه می‌گویند: بوی گل سوسن و یاسمن، از پاریس می‌آید.

*مهدی قدیمی، روزنامه‌نگار.

[۱] هفته‌نامه‌ی «والر آکتوئل»؛ بازنشر در «لا وی فرانسز»، شماره‌ی ۲۶ مارس تا ۱ آوریل ۱۹۸۴

[۲] لوموند، ۹ نوامبر ۱۹۷۸، ص ۳

[۳] ۶ سپتامبر ۱۹۷۸، شهریور ۵۷، ص ۷

[۴] تندو، با ارجاع به لکسپرس، ۲۷ ژانویه‌ی ۱۹۷۹، و نیوزویک

تشدید رکود تورمی در بازار مسکن ایران

بر اساس گزارش "دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی"، سهم مسکن از هزینه خانوار به ۵۹ درصد رسیده و هفت عامل اقتصادی و ساختاری در تشدید مشکلات این بازار نقش دارند.

بازار مسکن با رکود شدید روبروست و ساخت مسکن نیز به علت افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و نبود طرح‌های حمایتی از سوی دولت، در عمل قفل شده است. کارشناسان این شرایط را زمینه‌ساز افزایش بیشتر قیمت‌ها ارزیابی می‌کنند؛ موضوعی که سبب افزایش اجاره‌بها نیز می‌شود و سهم مسکن در هزینه خانوار را بیشتر می‌کند.

یک کارمند با درآمد متوسط برای خرید یک خانه ۸۰ متری در مناطق جنوب پایتخت باید ۸۲ سال کل حقوق خود را پس‌انداز کند. این زمان برای کارگران به بیش از یک و نیم قرن می‌رسد.

با وجود رکود سنگین در بازار مسکن ایران، قیمت‌ها همچنان در حال افزایش است و آمارها نشان می‌دهد یک کارمند با درآمد متوسط برای خرید یک خانه ۸۰ متری در مناطق جنوب پایتخت باید ۸۲ سال کل حقوق خود را پس‌انداز کند. این زمان برای کارگران به بیش از یک و نیم قرن می‌رسد. افزایش قیمت در بازار مسکن، سبب افزایش اجاره‌بهای مسکن نیز می‌شود که برای مستأجران حقوق‌بگیر که بخش زیادی از درآمدشان باید صرف تهیه موادغذایی حداقلی شود، بحرانی جدی به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش "دفتر مطالعات حکمرانی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی"، سهم مسکن از هزینه خانوار به ۵۹ درصد رسیده و هفت عامل اقتصادی و ساختاری در تشدید مشکلات این بازار نقش دارند.

این گزارش با اشاره به آمارهای شهریور ۱۴۰۵، از رشد ۳۳/۵ درصدی شاخص قیمت بخش مسکن نسبت به ماه مشابه سال قبل خبر داده و نوشته افزایش هزینه مسکن، قدرت خرید خانوارها را کاهش داده و پس‌انداز و خانه‌دار شدن را دشوارتر کرده است؛ شرایطی که نشان می‌دهد کاهش سرعت رشد برخی هزینه‌ها لزوماً به معنای بهبود دسترسی مردم به مسکن نیست.

در این میان، بازار مسکن با رکود شدید روبروست و ساخت مسکن نیز به علت افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها و نبود طرح‌های حمایتی از سوی دولت، در عمل قفل شده است. کارشناسان این شرایط را زمینه‌ساز افزایش بیشتر قیمت‌ها ارزیابی می‌کنند؛ موضوعی که سبب افزایش اجاره‌بها نیز می‌شود و سهم مسکن در هزینه خانوار را بیشتر می‌کند.

در همین رابطه فرشید پورحاجت، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان مسکن، با هشدار درباره تورم لجام‌گسیخته و تنگنای شدید مالی بخش خصوصی، از بلاتکلیفی عمیق سازندگان خبر داد و تاکید کرد ادامه این وضعیت موجب جهش قیمت تمام‌شده مسکن و افت شدید تولید خواهد شد.

فرشید پورحاجت گفته، افزایش هزینه‌های ساخت و ساز و کمبود منابع مالی، تولید مسکن را تحت تاثیر

قرار داده و سازندگان را با موانع جدی مواجه کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی ماه‌های اخیر بسیاری از انبوه‌سازان با مشکلات تامین مالی مواجه شده و پروژه‌های خود را به حالت تعویق درآورده‌اند.

او با اشاره به مهم‌ترین چالش‌های این حوزه اظهار داشت: «امروز یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه تولید مسکن، تأمین منابع مالی است و این کار نیز به راحتی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، هر روز شاهد افزایش هزینه‌های ساخت و ساز هستیم؛ افزایش‌هایی که تحت تاثیر تورم شکل‌گرفته در اقتصاد کشور و نوسانات دلار رخ می‌دهند و به صورت لجام‌گسیخته ادامه پیدا می‌کنند.»

رسول قربان‌نژاد، کارشناس ارشد بازار مسکن، معتقد است تداوم وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بدترین شرایط برای بازار مسکن ایران است. او توضیح داده که در این شرایط از یکسو فشارهای تورمی ادامه پیدا می‌کند و از سوی دیگر، نااطمینانی اقتصادی مانع از شکل‌گیری رونق در معاملات و سرمایه‌گذاری می‌شود.

به گفته این کارشناس ارشد بازار مسکن، رشد نقدینگی، انتشار اوراق و سایر عوامل مؤثر بر تورم می‌توانند فشار بیشتری بر اقتصاد وارد کنند. در چنین شرایطی، افزایش تدریجی نرخ ارز و رشد هزینه‌های زندگی، قدرت خرید خانوارها را بیش از گذشته کاهش می‌دهد و بخش مصرفی بازار مسکن، به‌ویژه متقاضیان خرید نخستین خانه، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

رسول قربان‌نژاد با اشاره به دشواری‌های خانه‌دار شدن خانوارها گفت: "بر اساس شاخص مورد اشاره، در شرایط فعلی یک کارمند با پس‌انداز کامل حقوق خود ممکن است به حدود ۸۲ سال زمان نیاز داشته باشد تا بتواند یک واحد مسکونی ۷۵ متری خریداری کند. چنین عددی نشان‌دهنده عمق شکاف میان درآمد خانوارها و قیمت مسکن است و باید به‌عنوان هشداری جدی برای سیاست‌گذاران در نظر گرفته شود."

وی ادامه داد: «خانوارهایی که برای خرید خانه اول در حال پس‌انداز هستند، مدت‌هاست از بازار خرید و فروش فاصله گرفته و در بازار اجاره باقی مانده‌اند. افزایش هزینه‌های زندگی در کنار رشد اجاره‌بها، امکان پس‌انداز را نیز از این خانوارها می‌گیرد و مسیر خانه‌دار شدن آنها را دشوارتر می‌کند.»

افزایش قیمت مسکن بطور مستقیم بر بازار اجاره‌بها اثرگذاشته و هزینه اجاره مسکن را به صورت تصاعدی افزایش می‌دهد. رسول قربان‌نژاد نیز اشاره کرده که «بازار اجاره سریع‌تر از بازار خرید و فروش به نوسانات اقتصادی واکنش نشان می‌دهد. افزایش نرخ ارز معمولاً با فاصله زمانی در قیمت معاملات مسکن منعکس می‌شود، اما اثر آن بر بازار اجاره می‌تواند سریع‌تر نمایان شود.»

این کارشناس بازارمسکن افزوده است: «زمانی که درآمد خانوارها متناسب با رشد هزینه‌ها افزایش پیدا نمی‌کند، مستأجران برای تأمین هزینه مسکن ناچار می‌شوند به مناطق ارزان‌تر نقل مکان کنند. تداوم این روند می‌تواند کیفیت زندگی خانوارها را کاهش دهد و فشار روانی و اجتماعی قابل‌توجهی ایجاد کند.»

او با اشاره به سهم بالای هزینه مسکن در سبد خانوارها گفت: «زمانی که بخش عمده درآمد خانوار صرف اجاره‌بها می‌شود، منابع کمتری برای تأمین سایر نیازهای اساسی، آموزش، سلامت و بهبود کیفیت زندگی باقی می‌ماند. بنابراین، آثار رکود تورمی بازار مسکن نباید صرفاً از منظر افزایش قیمت‌ها بررسی شود؛ پیامدهای اجتماعی و روانی این وضعیت نیز اهمیت زیادی دارد.»

وبسایت «تجارت نیوز» گزارش داده: "در حالی که دولت از آماده‌سازی نزدیک به هزار واحد استیجاری برای تحویل به زوج‌های جوان در آبان ماه و بر اساس «طرح آشیان» خبر داده، اختلاف نظر درباره اولویت این طرح و نحوه اجرای سیاست‌های حمایتی از مستأجران همچنان پابرجاست؛ برخی مجلس‌نشینان مثل علی نیکزاد نیز نسبت به اجرای این برنامه تردید دارند."

در این گزارش آمده، بر اساس آخرین اظهارات حبیب‌الله طاهرخانی، معاون مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی، نزدیک به هزار واحد مسکن استیجاری برای تحویل آماده شده و پس از انجام هماهنگی‌های لازم با استانداران، قرار است واگذاری آنها در آبان‌ماه انجام شود. به گفته وی، حتی قرار بود نخستین مجموعه این واحدها در گیلان در هفته پایانی مهرماه تحویل متقاضیان شود اما هماهنگی‌های لازم برای این کار زمانبر شد.

در کنار این واحدها وزارت راه و شهرسازی از برنامه تأمین زمین برای ساخت ۷۵ هزار واحد استیجاری با مشارکت بخش خصوصی خبر داده است؛ برنامه‌ای که تحقق آن به تأمین زمین، جذب سرمایه‌گذار، تأمین مالی و پیشبرد پروژه‌های ساختمانی وابسته است. همچنین در چارچوب برنامه اعلام شده دولت، اجاره‌بهای واحدها برای دهک‌های یک و دو معادل ۳۵ درصد، برای دهک‌های سه و چهار معادل ۴۵ درصد و برای دهک‌های پنج و شش معادل ۵۵ درصد نرخ کارشناسی روز تعیین شده و قراردادها پنج‌ساله خواهند بود.



با این حال واکنش دو نماینده مجلس، درباره اولویت‌بندی برنامه‌های مسکن و نحوه استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای حمایت از مستأجران، دو محور متفاوت را نشان می‌دهد؛ یکی تردید درباره قابلیت اجرای مسکن استیجاری در کنار ضرورت تکمیل طرح‌های موجود و دیگری انتقاد از اجرا نشدن کامل قوانین کنترل بازار اجاره.

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس در حاشیه رونمایی از سامانه ساختار بنیاد مسکن درباره طرح مسکن استیجاری با اشاره به تجربه نهضت ملی مسکن و موضوع واگذاری زمین با حق بهره‌برداری ۹۹ساله، بر ضرورت تعیین تکلیف طرح‌های موجود تأکید کرد. در سوی دیگر، رضایی‌کوچی، نماینده مجلس بر ظرفیت‌های قانونی موجود برای حمایت از مستأجران تأکید کرد و گفت که بخشی از مشکلات فعلی بازار اجاره، به استفاده نشدن از ابزارهای قانونی و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی بازمی‌گردد.

«تجارت نیوز» نوشته، اظهارات متفاوت این دو نماینده مجلس شورای اسلامی اجرای «طرح آشیان» برای حمایت از مستأجران جوان را با تردید روبرو کرده است. نمایندگان بطور مشخص دو رویکرد مختلف درباره حل بحران مسکن است؛ افزایش عرضه مسکن اجاره‌ای با هزینه کمتر برای گروه‌های هدف و استفاده مؤثر از مقررات موجود برای مدیریت بازار اجاره. ابزار نخست به منابع مالی، زمین، سرمایه‌گذار و واحدهای قابل واگذاری نیاز دارد و ابزار دوم به اجرای منظم قانون، تصمیم‌گیری در سطح استان‌ها و نظارت بر رعایت مصوبات وابسته است.

این گزارش تأکید کرده، مسکن استیجاری زمانی می‌تواند به ابزاری مؤثر برای حمایت از مستأجران تبدیل شود که فاصله میان اعلام برنامه و تحویل واقعی واحدها کاهش یابد و در کنار آن، ظرفیت‌های قانونی کنترل بازار اجاره نیز بطور کامل به کار گرفته شود. وگرنه حتی تعیین اهداف بزرگ برای ساخت و عرضه مسکن اجاره‌ای یا تصویب مقررات حمایتی، به تنهایی تضمین‌کننده کاهش فشار هزینه مسکن بر خانوارها نخواهد بود.

نمایندگان دیگر مجلس شورای اسلامی نیز به سیاست‌های دولت پزشکیان در بازار مسکن انتقاد دارند. برای نمونه نصرالله پژمانفر، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس با تأکید بر اینکه افزایش تقاضا در کنار توقف یا کاهش تولید مسکن، زمینه رشد قیمت‌ها را فراهم می‌کند، گفت: "بجای اتخاذ سیاست‌هایی که هزینه زندگی در تهران را بالا می‌برد، باید عوامل اصلی تمرکز جمعیت در پایتخت برطرف شود؛ چراکه فشار اقتصادی ناشی از چنین تصمیم‌هایی می‌تواند اقشار کم‌درآمد را به خروج از تهران وادار کند."

محمدرضا رضایی کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، نیز با هشدار نسبت به افزایش سرسام‌آور هزینه‌های مسکن اعلام کرد: "در آینده شاهد مهاجرت معکوس روستاییان خواهیم بود."

به گفته وی، حداقل ۵۰ درصد هزینه‌های معیشت خانوارها به مسکن اختصاص دارد؛ موضوعی که فشار سنگینی بر اقتصاد خانواده‌ها وارد کرده است. او با اشاره به کاهش سهم جمعیت روستایی کشور به حدود ۲۵ درصد، نبود شفافیت در طرح‌های هادی، فعالیت دلالان و افزایش قیمت زمین و مسکن را از چالش‌های جدی روستاها دانست.

جمهوری اسلامی و خشونت نهادی علیه زنان

بر اساس آمارهای ثبت شده، در مهرماه ۱۴۰۵ دست‌کم ۲۸ زن و دختر در نقاط مختلف ایران به قتل رسیدند؛ زنانی که بسیاری از آنان به دست همسر، همسر سابق، برادر، پسر یا دیگر مردان نزدیک به خود کشته شدند.

لیلا مهرابی کارشناس مطالعات زنان: درخواست طلاق، مخالفت با ازدواج اجباری یا اختلافات مالی و عاطفی، به خودی خود نمی‌تواند توجیهی برای قتل باشد. چنین روایت‌هایی ممکن است مسئولیت مرتکب را کمرنگ کنند و خشونت را به واکنشی قابل فهم در برابر رفتار قربانی تقلیل دهند.

سیمین کاظمی پزشک و جامعه‌شناس نیز با اشاره به سکوت معنادار مقامات حکومتی درباره آمار روز به افزایش زن‌کشی تأکید کرده، برای جلوگیری از حبس مردان به خاطر مهریه قانون می‌گذارند، ولی برای قتل زنان سکوت می‌کنند و افزوده این سکوت به معنای خشونت نهادی علیه زنان است.



آمار خشونت‌های فیزیکی علیه زنان و زن‌کشی در ایران با افزایش چشمگیری روبرو است. اگرچه برخی کارشناسان تشدید بحران‌های اقتصادی و معیشتی را از عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت فیزیکی علیه زنان و زن‌کشی توسط مردان خانواده ارزیابی می‌کنند اما فعالان حقوق زنان و جامعه‌شناسان معتقدند سکوت و عدم واکنش عامدانه مقامات حکومت به آمارها و خود قوانین زن‌ستیز نظام و بی‌اعتنایی به تصویب قوانینی در جهت حمایت از زنان سبب تشدید آمار این نوع از خشونت‌های جنسیتی است.

مهرماه ۱۴۰۵ با گزارش قتل ۲۸ زن و دختر در نقاط مختلف ایران به پایان رسید؛ زنانی که بسیاری از آنان به دست همسر، همسر سابق، برادر، پسر یا دیگر مردان نزدیک به خود کشته شدند. در میان این قتل‌ها، هفت کودک نیز قربانی قتل‌های خانوادگی شدند؛ از مهناز سرفراز، ۱۷ ساله و قربانی کودک‌همسری که به دست شوهرش کشته شد، تا یگانه حسین‌زایی، دختر ۱۶ ساله‌ای که از ده‌سالگی به ازدواج اجباری درآمده بود و بر اثر ضرب و جرح و خفگی جان باخت.

روزنامه «شرق» نیز اواخر مهرماه از ثبت ۳۸ مورد زن‌کشی از ابتدای شهریورماه تا اواخر مهرماه خبر داده بود. آمار خشونت خانگی در ایران در حالی با افزایش روبروست که به گفته کارشناسان، فشارهای اقتصادی و معیشتی، فرسودگی روانی، اختلافات حل‌نشده و تنش‌های ناشی از فقر از جمله عواملی موثر در تشدید خشونت خانوادگی هستند.

لیلا مهرابی، کارشناس مطالعات زنان، در گفتگو با خبرگزاری «برنا» با بیان اینکه یکی از خطاهای رایج در تحلیل قتل‌های خانوادگی، نسبت دادن جنایت به آخرین اختلاف یا مشاجره میان اعضای خانواده است، گفته است: «درخواست طلاق، مخالفت با ازدواج اجباری یا اختلافات مالی و عاطفی، به خودی خود نمی‌تواند توجیهی برای قتل باشد. چنین روایت‌هایی ممکن است مسئولیت مرتکب را کمرنگ کنند و خشونت را به واکنشی قابل فهم در برابر رفتار قربانی تقلیل دهند.»

این کارشناس مطالعات زنان افزوده است: «در بسیاری از موارد، مسئله اصلی فراتر از یک اختلاف خانوادگی است و باید آن را در بستر باور به حق کنترل و مالکیت بر زندگی دیگری بررسی کرد. زمانی که یک فرد برای خود حق تصمیم‌گیری درباره رفت و آمد، پوشش، ارتباطات و انتخاب‌های همسر یا دخترش قائل می‌شود، استقلال طرف مقابل ممکن است به تهدیدی علیه اقتدار او تبدیل شود. در چنین شرایطی، مخالفت با خواسته‌های فرد سلطه‌گر یا تلاش برای خروج از رابطه خشونت‌آمیز می‌تواند خطر خشونت را تشدید کند.»

این کارشناس مطالعات زنان همچنین تأکید کرده، تهدید، ضرب و شتم، حبس، تعقیب و محدود کردن ارتباطات فرد، شیوه‌هایی برای تحمیل اراده هستند و نباید تحت عنوان اختلاف زناشویی یا مسائل خصوصی خانواده عادی‌سازی شوند. به گفته او، استفاده از اصطلاحاتی مانند «قتل ناموسی» نیز نباید به پنهان شدن ماهیت خشونت منجر شود؛ زیرا هیچ توجیه فرهنگی، خانوادگی یا عاطفی نمی‌تواند قتل را به اقدامی قابل قبول تبدیل کند.

سیمین کاظمی پزشک و جامعه‌شناس نیز با اشاره به سکوت معنادار مقامات حکومتی درباره آمار روز به افزایش زن‌کشی تأکید کرده برای جلوگیری از حبس مردان به خاطر مهریه قانون می‌گذارند، ولی برای قتل زنان سکوت می‌کنند و افزوده این سکوت به معنای خشونت نهادی علیه زنان است.

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه «سکوت درباره زن‌کشی مصداق خشونت نهادی علیه زنان است»، گفته: «واقعیت این است، قوانینی که در حال حاضر برای تنظیم روابط اجتماعی و خانواده، حقوق افراد و محافظت از شهروندان وجود دارد، نه‌تنها کارکرد ندارند، بلکه بعضاً آسیب‌زننده هم هستند. وقتی سیاست‌گذار و قانون‌گذار به مسئله خشونت علیه زنان توجه نمی‌کنند، این سکوت به خشونت علیه زنان دامن می‌زند.»

سیمین کاظمی تأکید کرده: «تلطیف و تقلیل خشونت و قتل زنان به اختلافات خانوادگی و صورت‌بندی این مسئله به عنوان یک موضوع شخصی، بهانه‌ای شده است که خشونت بی‌اهمیت تلقی شود و مراجع و نهادهای مسئول، از جمله قوه مقننه، ضرورتی برای مداخله و حمایت از زنان احساس نکنند.»

او معتقد است: «این شیوه مواجهه، زنان را به شدت در برابر خشونت آسیب‌پذیر کرده است. هر از چند روز، ما اشکال شدیدتر و بی‌رحمانه‌تری از خشونت مردسالارانه علیه زنان را در رسانه‌ها می‌بینیم، اما ظاهرا این موارد به‌عنوان پرونده‌هایی عادی در حوزه عمومی بایگانی می‌شوند.»

این جامعه‌شناس با بیان اینکه هیچیک از مسئولان، حتی مسئولان زن، واکنشی به این اخبار نشان نداده‌اند و با قتل و خشونت علیه زنان به عنوان مسئله‌ای عادی و گریزناپذیر برخورد می‌کنند، گفته است: «مردی سر زنش را گوش تا گوش می‌بُرد و در شهر می‌چرخاند، آن یکی دخترش را در انظار عمومی، در جوی کنار خیابان، می‌کشد، یکی دیگر خواهرش را مثله می‌کند و هر روز از صورت‌های خشن‌تری از خشونت پرده‌برداری می‌شود، اما همچنان به این پرونده‌ها مهر اختلافات خانوادگی می‌زنند. خشونت یک مسئله اجتماعی است و حداقل کاری که حکومت در دفاع از زنان می‌تواند انجام دهد، تصویب قوانین بازدارنده است، اما این کار به دلایل مختلف به نتیجه نرسیده است.»

همانطور که سیمین کاظمی افزوده، اراده‌ای در میان مقامات جمهوری اسلامی برای حمایت از حقوق زنان و تأمین امنیت آنها وجود ندارد. لایحه «منع خشونت علیه زنان» که تنها طرح کارآمد- البته روی کاغذ- برای حمایت از حقوق زنان و حفاظت از آنها در برابر خشونت‌های خانگی و اجتماعی بوده، بیش از یک دهه است که معطل تصویب و اجرا مانده؛ این طرح بارها دچار تغییر نام و محتوا شده، در آخرین تحولات، اوایل سال ۱۴۰۴، توسط دولت از مجلس شورای اسلامی پس گرفته شد. تغییرات مکرر مجلس دوازدهم از جمله تغییر نام به «حفظ و ارتقای کرامت زنان و خانواده» و حذف واژه «خشونت»، دلیل این استرداد عنوان شده است.

لایحه مربوطه در اردیبهشت ۱۳۹۵ از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه و در آذر ۱۳۹۶ نیز کلیات آن در مجلس شورای اسلامی تصویب شد اما همچنان «اندر خم یک کوچه» باقی مانده و تصویب نشده است.

تشدید کمبود گاز در ایران؛ احتمال قطع گاز در ۱۳ استان

سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اعلام رقم جدیدی درباره کمبود گاز در زمستان امسال، گفته است که با کاهش ظرفیت تولید و افزایش مصرف، مجموع کمبود ظرفیت و ناترازی گاز در اوج مصرف امسال به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید.

مقامات دولت پیشتر از خطر قطع گاز در ۱۱ استان خبر داده بودند اما در آخرین گزارش منتشر شده از استان‌هایی که با خطر قطع گاز در زمستان روبرو هستند نام ۱۳ استان ذکر شده است.

علی بختیار، عضو پیشین کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، نسبت به انتقال فشار ناشی از کمبود گاز به بخش صنعت هشدار داده و این وضعیت را تشدیدکننده مشکلات تولیدکنندگان دانسته است.

محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان: باید با مردم صادقانه صحبت کنیم و توضیح دهیم که در حوزه گاز، به دلیل ناترازی‌های [کمبودهای] سال‌های گذشته و همچنین خسارات ناشی از جنگ، با کمبود مواجه هستیم و به صرفه‌جویی نیاز داریم!



مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران اعلام کرده است که میزان کمبود گاز در اوج مصرف در زمستان امسال به ۴۰۰ میلیون مترمکعب افزایش خواهد یافت.

سعید توکلی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران با اعلام رقم جدیدی درباره کمبود گاز در زمستان امسال، گفته است که با کاهش ظرفیت تولید و افزایش مصرف، مجموع کمبود ظرفیت و ناترازی [کمبود] گاز در اوج مصرف امسال به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید.

سعید توکلی اعلام کرد: «در پی حملات نظامی به چهار پالایشگاه گاز در ۲۷ اسفند سال گذشته، حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز کشور از دست رفت که تاکنون ۱۰۰ میلیون مترمکعب آن به چرخه تولید بازگشته است.»

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران همچنین گفته است، در حال حاضر حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت تولید گاز همچنان از دسترس خارج است.

سعید توکلی با اشاره به اینکه در سال‌های گذشته، کمبود گاز در زمان اوج مصرف بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب بود، گفت که با در نظر گرفتن کاهش ظرفیت تولید امسال، مجموع این کمبود به حدود ۴۰۰ میلیون مترمکعب می‌رسد.

او با تاکید بر ضرورت کاهش مصرف خانگی، از مردم خواست دمای خانه‌های خود را بین ۱۸ تا ۲۱ درجه سانتی‌گراد تنظیم کنند.

او گفت، کاهش هر یک درجه از دمای خانه‌ها در زمان اوج مصرف می‌تواند روزانه حدود ۲۵ میلیون مترمکعب در مصرف گاز صرفه‌جویی کند؛ رقمی که به گفته او، معادل تولید یک فاز پارس جنوبی است.

مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران هشدار داد که افزایش مصرف گاز خانگی، نیروگاه‌ها را ناچار به استفاده بیشتر از سوخت مایع می‌کند و «استفاده از سوخت‌های جایگزین در نیروگاه‌هایی که در داخل یا نزدیکی شهرها قرار دارند، می‌تواند به افزایش آلودگی هوا منجر شود.»

با آغاز فصل سرد و استفاده از وسایل گرمازا در شهرهای مختلف کشور، هشدارها درباره کمبود گاز و برق در هفته‌ها و ماه‌های پیش رو افزایش یافته است. سعید توکلی جمعه گذشته اعلام کرد، مصرف گاز در بخش خانگی، تجاری و صنایع کوچک طی ۵ روز حدود ۳۰ درصد افزایش یافته و به همین دلیل مدیریت مصرف در روزهای آینده اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

مقامات دولت پیشتر از خطر قطع گاز در ۱۱ استان خبر داده بودند اما در آخرین گزارش منتشر شده از استان‌هایی که با خطر قطع گاز در زمستان روبرو هستند نام ۱۳ استان ذکر شده است. استان‌های مازندران، گلستان و خراسان شمالی از مناطق دارای بیشترین نگرانی معرفی شده‌اند. همچنین احتمال محدودیت یا نوسان تأمین گاز در تهران، البرز، سمنان، کرمان، اصفهان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، کردستان و خراسان «رضوی» مطرح شده است.

علی بختیار، عضو پیشین کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، نسبت به انتقال فشار ناشی از کمبود گاز به بخش صنعت هشدار داده و این وضعیت را تشدیدکننده مشکلات تولیدکنندگان دانسته است.

او هشدار داده، صنایع کشور طی سال‌های گذشته بارها با محدودیت گاز و برق مواجه شده‌اند و تکرار این وضعیت در شرایط فعلی می‌تواند مشکلات تولیدکنندگان را تشدید کند. به گفته، علی بختیار محدودیت انرژی صنایع باید با برنامه‌ریزی دقیق مدیریت شود تا تولید و اشتغال بیش از گذشته تحت فشار قرار نگیرد.

محمدرضا عارف، معاون اول مسعود پزشکیان، نیز روز دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ در نشست با اعضای «کارگروه ماده ۸»، که در ارتباط با فرآورده‌های نفتی و سوخت فعالیت دارد، با اشاره به کمبود شدید گاز و احتمال قطع گاز در برخی مناطق کشور گفت: «باید با مردم صادقانه صحبت کنیم و توضیح دهیم که در حوزه گاز، به دلیل ناترازی‌های سال‌های گذشته و همچنین خسارات ناشی از جنگ، با کمبود مواجه هستیم و به صرفه‌جویی نیاز داریم.»

معاون اول مسعود پزشکیان گفت: «مدیریت مناسب مصرف گاز برای حفظ پایداری شبکه در فصل سرما اهمیت زیادی دارد؛ زیرا قطع شبکه گاز خسارات فراوانی به همراه خواهد داشت.»

او در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه «تصمیم‌گیری درباره فرآورده‌های نفتی از پیچیده‌ترین مسائل کشور است و در گذشته، غفلت از این پیچیدگی‌ها مشکلاتی ایجاد کرده است»، گفت: «در سال‌های گذشته، حتی کوچک‌ترین اصلاح قیمتی در حوزه سوخت، هزینه‌های غیرضروری به کشور تحمیل کرده است.»

هوشنگ صیدالی، مدیر امور هماهنگی گازرسانی شرکت ملی گاز ایران، نیز هفته گذشته با هشدار درباره دشوارتر شدن شرایط تامین گاز در زمستان پیش‌رو اعلام کرد که احتمال بروز محدودیت در ۱۱ استان وجود دارد، صنایع نیز باید برای عبور از دوره اوج مصرف، ذخیره‌سازی سوخت دوم را جدی بگیرند.

از آنسو تولید برق در ایران به دلیل تکیه به نیروگاه‌های حرارتی به شدت متأثر از کمبود گاز خواهد شد. موضوعی که ممکن است زمستان امسال سبب جیره‌بندی برق در بخش صنعت یا حتی خانگی شود.

در همین رابطه حمیدرضا عزیزی، نماینده مجلس شورای اسلامی، تأکید کرده ۸۰ درصد تولید برق در ایران وابسته به گاز و سوخت‌های فسیلی است و مصرف صحیح باعث جلوگیری از قطعی گاز در فصل سرد سال می‌شود.

قابل توجه اینکه وزارت نیرو بار افزایش هزینه تولید برق به دلیل کمبود گاز را بر دوش شهروندان انداخته و اعلام کرده هزینه برق مشترکان از ابتدای آبان با تغییراتی همراه شده است و هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض برق به صورت پلکانی محاسبه می‌شود. به این ترتیب رقم قبوض برق از آبان گران‌تر خواهند شد.

احسان ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق، در اینباره گفت: «در پی افزایش نرخ سوخت تحویلی به نیروگاه‌ها و اعلام نرخ گواهی سوخت از سوی وزارت نفت سقف قیمت برق در بازار عمده‌فروشی از ابتدای آبان افزایش یافته است.»

افشاگری یک اقتصاددان: دولت پزشکیان از سال گذشته دلار ۲۷۰ هزار تومانی را هدف‌گذاری کرده بود



● قیمت هر دلار آمریکا از ابتدای پاییز گذشته تا کنون با افزایش ۲/۵ برابری روبرو شده است. فقط در فاصله تیرماه تا مهرماه امسال و طی چند هفته ۹۰ هزار تومان به قیمت هر دلار آمریکا در افزوده شد.

● حسین راغفر اقتصاددان: در سال گذشته در سازمان برنامه و بودجه تصمیمی درباره قیمت ارز امسال مطرح شد؛ به این معنا که اگر وضعیت مساعد نشود، دلار باید به ۲۷۰ هزار تومان برسد.

● بر اساس آمارها، نرخ برابری دلار آمریکا در مقابل ریال ایران طی یک سال گذشته بیش از ۱۵۰ درصد و طی سه سال گذشته نزدیک به ۴۳۰ درصد جهش داشته است؛ سقوطی چشمگیر در ارز ملی که به تورم افسارگسیخته و افت شدید سطح معیشت مردم انجامیده است.

● حسین راغفر مهم‌ترین پیامد کاهش ارزش پول ملی را افت قدرت خرید نیروی کار و خانوارهایی می‌داند که پس‌اندازهای خود را به ریال نگهداری می‌کنند. به گفته او، هنگامی که تورم ارزش واقعی درآمدها و پس‌اندازهای ریالی را کاهش می‌دهد، بخشی از منابع این گروه‌ها عملاً از دست می‌رود؛ روندی که او از آن با عنوان «مالیات تورمی» یاد می‌کند.

حسین راغفر، اقتصاددان، اعلام کرده است که سال گذشته در سازمان برنامه و بودجه مقرر شده بود که اگر «وضعیت کشور مساعد نشد» قیمت دلار به ۲۷۰ هزار تومان افزایش پیدا کند. او با تأکید بر اینکه کاهش ارزش پول ملی به زیان مردم است گفته، سهم سیاست‌گذاری داخلی در تورم کنونی، بسیار بیشتر از پیامدهای جنگ است.

سقوط ارزش پول ملی در ایران طی ماه‌های گذشته رکوردهای بی‌سابقه‌ای برجای گذاشته است. قیمت هر دلار آمریکا از ابتدای پاییز گذشته تا کنون با افزایش ۲/۵ برابری روبرو شده است. فقط در فاصله تیرماه تا مهرماه امسال و طی چند هفته ۹۰ هزار تومان به قیمت هر دلار آمریکا در افزوده شد.

در هفته‌های گذشته عبدالناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی با ادعای آمادگی این بانک برای تزریق دو میلیارد دلار ارز در بازار و همچنین اجرای طرح واگذاری ۱۰ هزار دلار به هر ایرانی با ارائه کارت ملی، وعده کاهش نرخ ارز را داده بود. قیمت ارز اما کاهش نیافته و هر دلار آمریکا روز دوشنبه ۱۱ آبان ۱۴۰۵ با نرخ ۲۷۳ هزار و ۵۰۰ تومان معامله شد. وابستگی اقتصاد ایران به واردات کالا سبب موج‌های پی در پی تورمی با افزایش قیمت ارز می‌شود. از سوی دیگر سقوط ارزش پول ملی از جمله عوامل فشار به معیشت خانوار ایرانی است.

حسین راغفر، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در گفتگو با «خبرآنلاین» تأکید کرده، افزایش قیمت ارز و رسیدن آن به کانال ۲۷۰ هزار تومان از سال گذشته توسط تیم اقتصادی دولت پزشکیان برنامه‌ریزی شده بود. او گفته «در سال گذشته در سازمان برنامه و بودجه تصمیمی درباره قیمت ارز امسال مطرح شد؛ به این معنا که اگر وضعیت مساعد نشود، دلار باید به ۲۷۰ هزار تومان برسد.»

او این روند را «فراتر از یک پیش‌بینی ساده» ارزیابی کرده و معتقد است: «هنگامی که سیاست‌گذاران از پیش نرخ مشخصی را برای ارز مطرح می‌کنند، ممکن است مجموعه‌ای از اقدامات و فضاسازی‌ها در جهت تحقق همان نرخ شکل بگیرد.» حسین راغفر در این زمینه به نقش رسانه‌ها در آماده‌سازی افکار عمومی اشاره می‌کند و می‌گوید، پیشتر نیز نمونه‌هایی از طرح مکرر یک نرخ مشخص برای ارز در رسانه‌های نزدیک به گروه‌های صاحب نفوذ وجود داشته است.

به اعتقاد این اقتصاددان، چنین روندی می‌تواند به تثبیت انتظارات تورمی و فراهم شدن زمینه پذیرش افزایش نرخ ارز در جامعه منجر شود. او همچنین معتقد است، در این فرایند، منافع گروه‌های خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد، در حالی که هزینه‌های کاهش ارزش پول ملی به بخش وسیعی از جامعه منتقل می‌شود.

بر اساس آمارها، نرخ برابری دلار آمریکا در مقابل ریال ایران طی یک سال گذشته بیش از ۱۵۰ درصد و طی سه سال گذشته نزدیک به ۴۳۰ درصد جهش داشته است؛ سقوطی چشمگیر در ارز ملی که به تورم افسارگسیخته و افت شدید سطح معیشت مردم انجامیده است.

در همین رابطه وبسایت «داده‌های باز ایران» هفته گذشته گزارش داد: «طبق برآورد دیوان محاسبات، بانک مرکزی ایران در سال گذشته حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان سود خالص داشته که از محل افزایش درآمد ناشی از فروش گران‌تر ارز، شمش و سکه طلا حاصل شده است. این سودآوری مستقیماً بر شکاف عمیق میان نرخ‌های رسمی و آزاد اتکا دارد؛ هم‌اکنون نرخ دولتی دلار آمریکا (ارز مبادله‌ای) حدود ۱۸۶ هزار تومان است، در حالی که نرخ ارز در بازار آزاد ایران به بالای ۲۷۰ هزار تومان رسیده که نشان‌دهنده اختلافی بیش از ۴۵ درصد است. همین اختلاف نرخ نیز یکی از منابع اصلی درآمدزایی بانک مرکزی و کاهش ارزش واقعی تعهدات دولت به شمار می‌رود.»

این گزارش افزوده: «تورم شدید همچنین با بزرگ‌تر کردن اسمی تولید ناخالص داخلی سریع‌تر از رشد

←

تورم کمرشکن برای مردم؛ ادعای «شکست دشمن» برای حکومت!



استقراض‌ها، نسبت بدهی ریالی دولت را پایین نگه داشته است. بطور نمونه، تازه‌ترین گزارش مدیریت بدهی‌های عمومی و روابط مالی دولت— زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی— نشان می‌دهد، بدهی‌های ریالی دولت فقط در سه‌ماهه بهار امسال حدود ۱۲.۶ درصد رشد داشته و به ۳۱۱ تریلیون تومان رسیده و بدهی شرکت‌های دولتی نیز با ۲۰ درصد افزایش به بالای ۷ تریلیون تومان اوج گرفته است؛ اما نسبت بدهی‌های دولت به تولید ناخالص داخلی به دلیل متورم‌شدن اندازه اسمی اقتصاد، از ۶ درصد در پایان سال ۱۴۰۴ به ۵.۹ درصد در پایان خرداد ۱۴۰۵ رسید.

«داده‌های باز ایران» افزوده، این آمارها اما تنها بدهی‌های ریالی دولت، از جمله بدهی به بانک‌ها را در بر می‌گیرد و بزرگ‌ترین تعهد مالی حکومت را شامل نمی‌شود، یعنی بدهی‌های ارزی دولت به صندوق توسعه ملی. این صندوق در سال ۱۳۸۹ برای ذخیره بخشی از درآمدهای نفتی جهت اعطای تسهیلات به بخش خصوصی ایجاد شد، اما در عمل بخش اعظم این دارایی‌ها صرف جبران کسری بودجه دولت و شرکت‌های دولتی شد.

در این گزارش تأکید شده: «سود دولت از سقوط ارزش ریال فقط به درآمدهای سرشار ناشی از شکاف قیمت ارز و طلا محدود نمی‌شود، بلکه هم‌زمان از ارزش واقعی هزینه‌های جاری دولت— از جمله قدرت خرید حقوق پرداختی به کارمندان— کاسته شده و بار بدهی‌های سنگین حکومت به قیمت تحمیل تورم کمرشکن بر جامعه سبک‌تر جلوه داده می‌شود.»

حسین راغفر نیز در گفتگو با «خبرآنلاین» مهم‌ترین پیامد کاهش ارزش پول ملی را افت قدرت خرید نیروی کار و خانوارهایی می‌داند که پس‌اندازهای خود را به ریال نگهداری می‌کنند. به گفته او، هنگامی که تورم ارزش واقعی درآمدها و پس‌اندازهای ریالی را کاهش می‌دهد، بخشی از منابع این گروه‌ها عملاً از دست می‌رود؛ روندی که او از آن با عنوان «مالیات تورمی» یاد می‌کند.

این اقتصاددان تأکید می‌کند که آثار تورم برای همه گروه‌های اقتصادی یکسان نیست. به اعتقاد او، در شرایط افت ارزش پول ملی، گروه‌هایی که به درآمدهای ارزی دسترسی دارند، ممکن است از موقعیت مساعدتری برخوردار شوند؛ در مقابل، حقوق‌بگیران و خانوارهایی که درآمدشان متناسب با افزایش قیمت‌ها رشد نمی‌کند، با کاهش مستمر قدرت خرید روبرو می‌شوند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم نقطه به نقطه به ۸۸/۷ درصد رسیده است؛ این رقم بیانگر اینست که هزینه سبد مصرفی خانوارها بطور متوسط نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۸۸/۷ درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش، در مهرماه تورم سالانه ۷۶/۸ درصد بوده است. به بیان دیگر میانگین سطح قیمت‌ها در یک سال منتهی به آخر مهرماه با افزایش ۷۶/۸ درصدی روبرو شده است. از سوی دیگر در مهرماه در طول چهار هفته تورم ۴/۴ درصد افزایش یافته است.

فرامرز توفیقی، فعال کارگری، با اشاره به افزایش شدید قیمت مواد غذایی در هفته‌های گذشته، اعلام کرده، هزینه سبد معیشت خانوارهای کارگری پیش از مهرماه ۹۱ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود، اما این رقم تا پایان مهر۱۴۰۵، در خوش‌بینانه‌ترین حالت به ۱۰۰ میلیون تومان رسید.

این فعال کارگری تأکید کرده، فقط طی یک ماه گذشته قیمت سبد خوراکی‌های خانوارهای کارگری دست‌کم ۱۲ درصد افزایش یافته است. او گفته، محاسبه ماهانه هزینه‌های زندگی دیگر معنایی ندارد؛ زیرا قیمت کالاهای اساسی روزانه تغییر می‌کند.

● علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی، اعلام کرده: «دشمنان بارها تلاش کرده‌اند اقتصاد ایران را به فروپاشی بکشانند، اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسیده است». این ادعا در حالی مطرح می‌شود که افزایش بی‌سابقه قیمت دارو و مواد غذایی، تأمین نیازهای اولیه را برای خانوارهای ایرانی دشوارتر کرده است.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم عمومی اقتصاد کشور در مرز ۹۰ درصد قرار گرفته و میانگین تورم مواد غذایی در محدوده ۱۲۰ درصد است. همچنین قیمت‌ها از ابتدای سال تا پایان مهرماه ۴۰/۵ درصد افزایش یافته است.

● سعید توتونچی، اقتصاددان، با این توضیح که «تورم هزینه سنگینی را به سبد مصرفی خانوارها، به‌ویژه در بخش کالاهای اساسی و هزینه‌های مسکن، تحمیل کرده است»، گفته: «افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ نمی‌تواند قدرت خرید ازدست‌رفته خانوارها را کامل جبران کند و تنها بخش بسیار محدودی از هزینه‌های آنها را پوشش می‌دهد.»

علی مدنی‌زاده، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی، اعلام کرده:«دشمنان بارها تلاش کرده‌اند اقتصاد ایران را به فروپاشی بکشانند، اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسیده است». این ادعا در حالی مطرح می‌شود که افزایش بی‌سابقه قیمت دارو و مواد غذایی، تأمین نیازهای اولیه را برای خانوارهای ایرانی دشوارتر کرده است؛ نرخ فلاکت در ایران با افزایش همزمان بیکاری و تورم رکورد جدیدی را ثبت کرده و سیاست‌های حمایتی دولت از معیشت مردم شکست خورده است!

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، تورم عمومی اقتصاد کشور در مرز ۹۰ درصد قرار گرفته و میانگین تورم مواد غذایی در محدوده ۱۲۰ درصد است. همچنین قیمت‌ها از ابتدای سال تا پایان مهرماه ۴۰/۵ درصد افزایش یافته است. اگرچه بسیاری از اقتصاددانان تورم واقعی در اقتصاد کشور را بیش از ارقام مورد ادعای دولت ارزیابی می‌کنند اما سطوح تورمی مورد ادعای دولت نیز بیانگر تثبیت یک فاجعه معیشتی است.

دولت در شرایط جنگ و تشدید تحریم‌ها و محاصره اقتصادی با کاهش شدید منابع ارزی روبروست و وابستگی اقتصاد ایران به درآمد خام‌فروشی نفت به مشکل جدی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در این میان اما سهم سیاست‌های نادرست اقتصادی، نه تنها در ۴۷ سال گذشته، بلکه در یکسال و نیم اخیر نیز که شرایط جنگی، اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده، عامل اصلی بحرانی است که هزینه آن بطور مستقیم به سفره و زندگی شهروندان تحمیل می‌شود.

آمارها نشان می‌دهد رشد نقطه به نقطه پایه پولی در شهریورماه ۱۴۰۵ به ۸۹/۹ درصد رسیده است؛ این رقم، در صورت کمتر بودن رشد این متغیر در ماه‌های پیشین، بالاترین میزان در تاریخ آن خواهد بود. همچنین رشد نقطه به نقطه پول به ۶۳/۳ درصد رسیده که بالاترین سطح دست‌کم از سال ۱۳۹۰ تا کنون محسوب می‌شود.

رشد نقدینگی در شهریورماه به ۵۱/۶ درصد رسیده، در حالی که تورم نقطه به نقطه بر اساس آمار بانک مرکزی ۸۳/۸ درصد بوده است.

افزایش پایه پولی و نقدینگی به عنوان محرکه‌های مهم نرخ تورم در اقتصاد به شمار می‌روند که تأثیراتی به مراتب عمیق‌تر از جنگ و تحریم بر روند افزایش تورم دارد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» با اشاره به اینکه بانک مرکزی بیش از هفت ماه است جزئیات آمارهای پولی را به

صورت رسمی منتشر نکرده، نوشته است: «سه عامل اصلی می‌توانند در افزایش پایه پولی نقش داشته باشند: افزایش نرخ ذخیره قانونی و اضافه‌برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی، خرید ارز از سوی بانک مرکزی و افزایش احتمالی استقراض دولت برای تامین کسری بودجه. با این حال، به دلیل نبود اطلاعات تفصیلی ترازنامه بانک مرکزی، نمی‌توان سهم دقیق هر یک از این عوامل را مشخص کرد.»

«دنیای اقتصاد» همچنین با اشاره به آمار نوشته که در شهریورماه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها با سرعتی به مراتب بیشتر از رشد حجم نقدینگی اتفاق افتاده است. هنگامی که نرخ تورم و نرخ ارز با سرعتی بیشتر از رشد نقدینگی افزایش پیدا می‌کنند، می‌توان این وضعیت را نشانه‌ای از افزایش شدت تورم‌زایی نقدینگی دانست.

بر اساس پژوهشی که صندوق بین‌المللی پول درباره اقتصاد ایران انجام داده، یک‌درصد افزایش در پایه پولی می‌تواند به افزایش ۰/۵ درصدی تورم منجر شود. کارشناسان نیز درباره سیاست‌های اقتصادی و پولی تیم اقتصادی دولت پزشکیان و اثرات تورمی اجرای این سیاست‌ها هشدار می‌دهند.

رحمان سعادت، اقتصاددان و استاد دانشگاه، هشدار داده: «دولت در کنترل شتاب تورم ناموفق بوده است. از سال ۱۴۰۰ به بعد و به ویژه در دو سال اخیر به دلیل افزایش تنش‌های سیاسی، شیب رقم تورم افزایش چشمگیری داشته و معمولاً بالای ۵۰ درصد بوده است.»

به عقیده این اقتصاددان، «اگر برخی سیاست‌های فعلی اقتصادی ما تغییر نکند، قطعا نرخ تورم ما در سال آینده بالای ۱۰۰ درصد خواهد بود.»

او افزوده: «اقتصاد ما به سرعت در حال کوچک شدن است و در صورت وقوع جنگ جدید، اقتصاد ما تبدیل به معیشتی خواهد شد؛ یعنی تمرکز فقط روی سیر کردن شکم مردم می‌شود و احتمال دارد برخی از صنایع تعطیل شوند.»

رحمان سعادت گفته: «احتمال بروز «ابرتورم» در اقتصاد وجود دارد، اما به دلیل بزرگ بودن اقتصاد ایران، احتمال آن ۲۰ تا ۳۰ درصد است.»

ناصر ذاکری اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی نیز بحران تورم چهار دهه‌ای در اقتصاد ایران را نتیجه کارنامه نامطلوب دولت‌های جمهوری اسلامی می‌داند.

این اقتصاددان هشدار داده: «مردم برای کنار آمدن با شرایط اقتصادی، در حال اجرای طرح «مدارای نجیبانه» هستند. درواقع ابتدا سفرهای تفریحی خود را حذف کردند، بعد از خرید کالاهای غیرضروری و لوکس صرف نظر کردند، سپس مهمانی‌ها و مراسم عروسی پرهزینه را کنار گذاشتند. این روند به‌تدریج به جایی رسیده که برخی افراد حتی از هزینه‌های درمان و خرید دارو صرف‌نظر می‌کنند یا ناچارند در این زمینه صرفه‌جویی کنند.»

به عقیده این پژوهشگر اقتصادی، «وقتی فردی برای تأمین هزینه‌های درمان خود مجبور به حذف دارو می‌شود، دیگر نمی‌توان اسم این وضعیت را صرفه‌جویی گذاشت؛ این شرایط به معنای مختل شدن زندگی و خدشه‌دار شدن کرامت انسانی اوست.»

تورم فزاینده سبب افزایش نرخ فلاکت و گسترش فقر شده است. اکثر خانوارها در ایران با وجود اشتغال و داشتن درآمد برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی نیز با بحران روبرو هستند. کاهش سرانه مصرف موادغذایی ضروری و پدیده متوقف کردن درمان به علت ناتوانی در پرداخت هزینه درمان از نشانه‌های سقوط خانوارها به زیر خط فقر مطلق است.

در این میان آنچه به عنوان برنامه‌های حمایتی از سوی دولت پزشکیان تدوین و اجرایی شده نیز در عمل بی‌خاصیت و غیرموثر بوده و در دستیابی به اهداف مورد ادعا شکست خورده است. مهمترین طرح حمایتی دولت ارائه کالابرگ ماهانه یک میلیون تومانی به هر شهروند بوده است. در حالی که امروز قیمت یک شانه تخم‌مرغ به ۸۰۰ هزار تومان و قیمت یک عدد مرغ به یک میلیون تومان رسیده، و برآوردها از رسیدن رقم هزینه زندگی ماهانه یک خانوار سه نفره به حدود ۱۰۰ میلیون تومان حکایت دارد، پرداخت کالابرگ یک میلیون تومانی طرحی شکست خورده است.

دولت به تازگی برای بخشی از خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی مبلغ ۵۰۰ هزار تومان به یارانه افزوده است. کارشناسان این رقم را نیز بی‌خاصیت ارزیابی می‌کنند.

در همین رابطه سعید توتونچی، اقتصاددان، با این توضیح که «تورم هزینه سنگینی را به سبد مصرفی خانوارها، به‌ویژه در بخش کالاهای اساسی و هزینه‌های مسکن، تحمیل کرده است»، گفته: «افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ نمی‌تواند قدرت خرید ازدست‌رفته خانوارها را کامل جبران کند و تنها بخش بسیار محدودی از هزینه‌های آنها را پوشش می‌دهد.»

انتقادها و هشدارها به دولت پزشکیان درباره وضعیت معیشتی مردم و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن برای جمهوری اسلامی، پیوسته از سوی رسانه‌های حکومتی نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد. روزنامه «اطلاعات» نوشته است: «افزایش اعتبار کالابرگ نباید جایگزین سیاست‌های مهار تورم شود و نمی‌توان انتظار داشت افزایش اعتبار به‌تنهایی مشکلات معیشتی مردم را برطرف کند. از سوی دیگر، حمایت از معیشت مردم باید در مرکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و بودجه‌ای قرار گیرد، نه آنکه به پرداخت‌های مقطعی و تصمیم‌های کوتاه‌مدت محدود شود.»

در ادامه این مطلب آمده: «مطالبه روشن است: افزایش اعتبار کالابرگ متناسب با تغییرات هزینه زندگی، انتشار گزارش شفاف منابع و مصارف طرح، گسترش پوشش حمایتی و اتخاذ سیاست‌های مؤثر برای مهار تورم. افزایش اخیر گامی مثبت است، اما حمایت واقعی زمانی محقق می‌شود که مردم آثار آن را در خرید کالاهای ضروری و بهبود وضعیت معیشت خود احساس کنند. سفره مردم باید معیار نهایی ارزیابی سیاست‌های حمایتی باشد.»

روزنامه «جمهوری اسلامی» نیز درباره افزایش اعتبار رقم کالابرگ برای بخشی از جمعیت کشور و معیارهای تعیین واجدین شرایط افزایش اعتبار نوشته: «دست‌اندرکاران طرح برای انجام دقیق آنچه باید اجرا شود تا عملکردشان خالی از ایراد و اشکال باشد لازم است به چند نکته توجه نمایند: قیمت‌ها و میزان تورم در کشور ما در حال حاضر شناورند و متأسفانه ثباتی ندارند. طرح حذف بخشی از کالابرگ بگیران اگر با مبلغ مشخصی از درآمد ماهانه افراد معیاربندی شود، با توجه به شناور بودن قیمت‌ها نمی‌توان برای ثبات این تصمیم اعتباری قائل شد. برخی افراد و خانواده‌ها به دلیل داشتن شغل آزاد یا برخوردار بودن از درآمدهای متنوع و یا ثروت‌هائی که تحت کنترل دولت قرار ندارند برای دولت قابل نظارت نیستند و طراحان حذف کالابرگ‌بگیران امکان شناسایی آنها را ندارند. در مورد کارمندان، کارگران و آندسته از افراد و خانواده‌هایی که دولت اطلاعات کافی از درآمدهای آنها دارد نیز نکاتی وجود دارند که موجب عدم امکان اجرای دقیق طرح با تکیه بر معیار مشخص خواهند شد.»

«جمهوری اسلامی» به دولت هشدار داده: «نتیجه‌ای که می‌توان از این ملاحظات گرفت اینست که دولت باید برای اطمینان پیدا کردن از اتقان کاری که در طرح حذف بخشی از کالابرگ‌بگیران انجام می‌دهد، از عجله کردن بپرهیزد، جوانب کار را با بررسی دقیق و همه‌جانبه مورد نظر قرار دهد.»

حذف «ارز ترجیحی» بیش از ۴۵۰۰ قلم کالا؛ منتظر موج جدید افزایش قیمت‌ها باشید!

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی: تا یک ماه دیگر شرایط اقتصادی کشور از این که هست بدتر می‌شود، چرا که وزارت صمت نامه‌ای به بانک مرکزی داده تا تنها چند قلم کالا از نرخ ۱۸۸ هزار تومان استفاده کنند و بقیه کالاها با نرخ نزدیک به آزاد تامین شود.

آنچه حسین صمصامی دربار حذف ارز واردات کالا و همچنین گرانی کالاها مطرح کرده است، ناشی از تشدید فشارهای تحریمی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی است. صادرات دریایی نفت خام ایران که در نیمه نخست سپتامبر بطور میانگین حدود ۲۳۰ هزار بشکه در روز بود، از هفته دوم این ماه به صفر رسیده است.

در این میان، شهروندانی که در حال حاضر نیز درآمدهای ناچیز آنها برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های حیاتی کافی نیست، باید بار موج جدید گرانی ناشی از تصمیمات ارزی دولت را متحمل شوند.

ماه‌هاست اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان خواستار افزایش رقم رسمی دستمزد هستند اما دولت در اینباره هم با فعالان صنفی همراهی نکرده است. پیشتر دولت وعده افزایش حقوق‌ها در نیمه دوم سال را داده بود اما همچنان خبری از عملی شدن این وعده هم وجود ندارد.

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، از حذف ارز ترجیحی ۴۵۳۳ قلم کالا خبر داده و پیش‌بینی کرده در دو ماه آینده قیمت کالاها به شدت و تا ۵۰ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. او با هشدار درباره بروز اعتراضاتی شبیه اعتراضات دی۴۰۴ گفته، دولت پزشکیان ماهانه ۱۰ میلیون تومان از جیب مردم بر می‌دارد و یک میلیون کالابرگ به آنها می‌دهد!

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از سیاست‌های دولت در عدم تأمین ارز قیمت کالاها گفته است: «به دلیل سیاست های دولت در حال حاضر ارز کالاهای اساسی هر روز هزار تومان گران می‌شود. تا یک ماه دیگر شرایط اقتصادی کشور از این که هست بدتر می‌شود، چرا که وزارت صمت نامه‌ای به بانک مرکزی داده تا تنها چند قلم کالا از نرخ ۱۸۸ هزار تومان استفاده کنند و بقیه کالاها با نرخ نزدیک به آزاد تامین شود.»

به گفته حسین صمصامی، «این نامه یعنی قیمت بیش از چهار هزار کالا را عمدا ۱۰۰ هزار تومان افزایش می‌دهند و در یکی، دو ماه آینده قیمت کالاها به شدت افزایش پیدا خواهد کرد. با این اتفاق قیمت کالاها و خودرو حدود ۴۰-۵۰ درصد افزایش می‌یابد. در شرایطی که ارز ۴۵۳۳

قلم کالا حذف شده ، همان سیاست‌های دی سال گذشته در حال تکرار است.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی سیاست‌های اقتصادی دولت و اثرات آن در بازارها و معیشت مردم را از عوامل اعتراضات دی۴۰۴ ارزیابی کرده و گفته: «دی سال گذشته چه اتفاقی رخ داد؟ ارز ۲۸۵۰۰ حذف شد. چرا مرغ ۱۴۰ هزار تومان به ۲۵۰-۲۴۰ هزار تومان جهش پیدا کرد؟ چون ارز را حذف کردند. سال گذشته اعلام کردند که ارز ۲۸۵۰۰ رانت است. ما این ارز را به واردکننده می‌دادیم تا با آن دارو، نهاده‌های دامی و... وارد کند. اما واردکننده پس از ورود، این اقلام را به قیمت آزاد به مردم می‌فروخت. این ارز رانت است و باید حذف شده و به زنجیره آخر یعنی مصرف‌کننده اختصاص یابد.»

برمی‌داریم و یک میلیون تومان در جیب آنها می‌گذاریم. از کالاهای مصرفی پنج میلیون از جیب مردم برمی‌داریم و یک میلیون در جیب آنها می‌گذاریم.»

آنچه حسین صمصامی دربار حذف ارز واردات کالا و همچنین گرانی کالاها مطرح کرده، ناشی از تشدید فشارهای تحریمی ایالات متحده بر جمهوری اسلامی است. صادرات دریایی نفت خام ایران که در نیمه نخست سپتامبر بطور میانگین حدود ۲۳۰ هزار بشکه در روز بود، از هفته دوم این ماه به صفر رسیده است. تحلیلگران تأکید دارند درآمدهای ارزی دولت به دلیل پرداخت نشدن بخشی از مطالبات پول فروش نفت هنوز به صفر نرسیده، اما فشار مالی سنگینی بر بودجه حکومت ایجاد شده است. همچنین با توجه به نیاز شدید اقتصاد ایران به منابع ارزی برای واردات کالا و تجهیزات، دولت تغییراتی در شیوه تأمین ارز پرداخته و نوشته، پیامد این تصمیم‌ها برای بخش تولید می‌تواند فراتر از محدود شدن واردات کالاهای مصرفی باشد. بسیاری از واحدهای صنعتی برای ادامه فعالیت به مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات وارداتی وابسته‌اند. اگر این اقلام در اولویت‌های پایین‌تر قرار بگیرند یا امکان تأمین ارز آنها از مسیرهای قبلی از بین برود، بنگاه‌ها ناچار خواهند بود ارز مورد نیاز را با هزینه بالاتری تهیه کنند. افزایش هزینه واردات نیز بطور مستقیم بر قیمت تمام‌شده تولید اثر می‌گذارد.

این اثرگذاری به معنای افزایش قیمت‌ها در بازار داخلی و کاهش رقابت‌پذیری تولیدات ایران در بازارهای بین‌المللی خواهد بود؛ موضوعی که از سوی حسین صمصامی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. در این میان، شهروندانی که در حال حاضر نیز درآمدهای ناچیز آنها برای تأمین ضروری‌ترین



این نماینده مجلس شورای اسلامی مسعود پزشکیان را تهدید به استیضاح کرد و گفت: «ابتدا تأکید کنم که ما تعامل با دولت را در پیش گرفتیم و راهکارهای موضوعاتی که به نظرما می‌رسید را به دولت نشان دادیم اما آنها توجهی به این راهکارها نداشتند. پس از آن من استیضاح رئیس جمهور را آماده کردم اما هنوز بارگذاری نکردم. علت مطرح شدن استیضاح هم این است که بانک مرکزی با افزایش مداوم نرخ ارز، معیشت مردم را به سختی انداخته و اگر دولت این مسیر غلط را اصلاح نکند، قطعا طرح استیضاح به جریان می‌اندازیم.»

او افزود: «گفته شد که برای جبران این افزایش قیمت، این ارز را به مردم یا همان مصرف‌کننده و زنجیره آخر می‌دهیم. یک میلیون به مردم می‌دهند. این یک میلیون از کجا آمده؟ معلوم نیست. آیا این یک میلیون می‌توان افزایش قیمت‌ها را جبران کند؟ هیچکس جوابی نمی‌دهد. اما ما آن زمان جواب داده و اعلام کردیم که این موضوع را محاسبه کردیم؛ با حذف ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی و افزایش نرخ تالار مبادله، عملا ماهانه ۱۰ میلیون تومان از جیب مردم واردات انجام داده است.

در همین رابطه وبسایت «اقتصاد ۲۴» گزارش داده، واردات بدون انتقال ارز به این معناست که واردکننده برای تأمین ارز موردنیاز خود از منابع ارزی شخصی، تجاری یا منابع دیگر استفاده کند و برای آن درخواست تخصیص ارز از شبکه رسمی بانکی نداشته باشد. این روش پیشتر برای واردات برخی کالاهای ضروری، مواد اولیه و ماشین‌آلات خطوط تولید نیز پیش‌بینی شده بود. با اعمال فهرست جدید، این گزینه برای حدود ۸۱۰۰ ردیف تعرفه از سامانه حذف شده است. هرچند سیاست‌گذار تأکید کرده که حذف این گزینه از فهرست سامانه لزوماً به معنای لغو حقوقی تمام مجوزهای قبلی نیست.

این گزارش افزوده، در کنار این سیاست، دولت اولویت‌های چهارگانه ارزی را نیز برای واردات تعیین کرده است. در این حالت دولت واردات را ممنوع نکرده، اما مسیرهای تأمین ارز برای واردات را تغییر داده و در بسیاری از موارد، واردکننده را به سمت تأمین ارز با نرخ آزاد سوق داده است. گزارش «اقتصاد ۲۴» به جزییات مصوبه جدید دولت

هزینه‌های حیاتی کافی نیست، باید بار موج جدید گرانی ناشی از تصمیمات ارزی دولت را متحمل شوند.

در آنسو، ماه‌هاست اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان خواستار افزایش رقم رسمی دستمزد هستند اما دولت در اینباره هم با فعالان صنفی همراهی نکرده است. پیشتر دولت وعده افزایش حقوق‌ها در نیمه دوم سال را داده بود اما همچنان خبری از عملی شدن این وعده هم وجود ندارد.

یاسر اسلام‌دوست، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، نیز روز گذشته درباره معیشت بازنشستگان و حقوق‌بگیران گفت: «تا این لحظه تصمیم رسمی و قطعی درباره افزایش مجدد حقوق در نیمه دوم سال اعلام نشده است، اما مطالبه مجلس روشن است. فشار تورم بر سفره خانوار واقعی است و ترمیم قدرت خرید کارگران، کارمندان و بازنشستگان یک ضرورت است، نه یک مطالبه حاشیه‌ای. کمیسیون اجتماعی نیز این موضوع را از جمله تسریع در تسویه مطالبات معوق بازنشستگان پیگیری می‌کند.»

بستری‌های سوختگی در ایران؛ ۲۹ درصد قربانیان اسیدپاشی عمدی و ۱۶ درصد اقدام به خودسوزی

حمید صالحی، رئیس انجمن سوختگی ایران: موارد خودسوزی حدود ۱۶ درصد بستری‌های سوختگی را شامل می‌شوند. میانگین سطح سوختگی حدود ۶۵ درصد و میزان مرگ و میر بیماران بستری حدود ۶۲ درصد گزارش شده است.

رئیس انجمن سوختگی ایران افزوده، حدود ۲۹ درصد موارد سوختگی شیمیایی به اسیدپاشی عمدی مربوط است.

آمار ارائه شده از سوی مرکز امار ایران نشان می‌دهد که تعداد موارد ثبت‌شده خودکشی از حدود ۳۵۰۰ مورد در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۶ هزار مورد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. همزمان با تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، نرخ خودکشی نیز از در دهه ۱۳۹۰ بطور قابل توجهی افزایش یافته و از حدود ۴/۷ مورد به بیش از ۷ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده است.

استان ایلام بالاترین نرخ خودکشی کشور را دارد و در سال ۱۴۰۲ به ۱۶/۸ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده است. پس از ایلام، بالاترین نرخ‌ها به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، همدان و البرز تعلق دارد. در این استان‌ها نرخ خودکشی بیش از ۱۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت گزارش شده است.



رئیس انجمن سوختگی ایران با اعلام آماری تکاندهنده از موارد بستری بیماران دچار سوختگی گفته که ۱۶ درصد از بستری‌های سوختگی مربوط به خودسوزی است که حدود ۶۲ درصد از این افراد جان خود را از دست می‌دهند. او همچنین اعلام کرده اسیدپاشی عمدی عامل ۲۹ درصد سوختگی‌های شیمیایی در ایران است.

حمید صالحی، رئیس انجمن سوختگی ایران، توضیح داده: «میزان بروز خودسوزی حدود ۴/۵ مورد به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت برآورد شده و این موارد حدود ۱۶ درصد بستری‌های سوختگی را شامل می‌شوند.»

او با بیان اینکه «شدت آسیب‌ها و میزان مرگ‌ومیر در این بیماران بسیار نگران‌کننده است، گفت: «در مطالعات انجام‌شده، میانگین سطح سوختگی حدود ۶۵ درصد و میزان مرگ‌ومیر بیماران بستری حدود ۶۲ درصد گزارش شده است. همچنین زنان و افراد جوان سهم قابل توجهی از قربانیان خودسوزی را تشکیل می‌دهند.»

حمید صالحی همچنین اعلام کرده، بخشی از سوختگی‌های شیمیایی ناشی از اسیدپاشی عمدی و خشونت اجتماعی است و بر اساس یک پژوهش، حدود ۲۹ درصد موارد سوختگی شیمیایی به اسیدپاشی عمدی مربوط بوده است. او افزوده: « اگرچه از نظر تعداد در مقایسه با سایر علل سوختگی فراوانی کمتری دارد، اما به دلیل شدت آسیب‌های جسمی، تغییر شکل‌های پایدار، تخریب چهره و پیامدهای روانی و اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.»

قابل توجه اینکه حمید صالحی گفته، این آمار مربوط به «گذشته» است و برای داشتن آمار دقیق میزان خودسوزی در کشور نیاز به «یک نظام ثبت ملی دقیق و به‌روز» داریم.

آمار تکاندهنده خودسوزی و اسیدپاشی عمدی بیانگر سال‌ها عدم توجه جمهوری اسلامی به سلامت روانی جامعه و بحران‌های اجتماعی در کشور است. همچنین افزایش بحران‌های اقتصادی و معیشتی در ایران نیز از جمله عوامل محرک خشونت و خودکشی در ایران است.

آمار ارائه شده از سوی مرکز امار ایران نشان می‌دهد که تعداد موارد ثبت‌شده خودکشی از حدود ۳۵۰۰ مورد در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۶ هزار مورد در سال ۱۴۰۲ رسیده است.

همزمان با تشدید بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، نرخ خودکشی نیز از در دهه ۱۳۹۰ بطور قابل توجهی افزایش یافته و از حدود ۴/۷ مورد به بیش از ۷ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده است.

بررسی داده‌های استانی نشان می‌دهد، وضعیت در مناطق غربی ایران به‌مراتب بحرانی‌تر از مناطق مرکزی و شرقی است.

استان ایلام بالاترین نرخ خودکشی کشور را دارد و در سال ۱۴۰۲ به ۱۶/۸ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت رسیده است. پس از ایلام، بالاترین نرخ‌ها به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، همدان و البرز تعلق دارد. در این استان‌ها نرخ خودکشی بیش از ۱۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت گزارش شده است.

همچنین آمار دیگری نشان می‌دهد، استان‌هایی مانند ایلام، کرمانشاه، لرستان، و گلستان بالاترین میزان خودسوزی در کشور را به خود اختصاص داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که در برخی دوره‌ها میزان خودسوزی در استان‌هایی مثل گلستان یا ایلام روندهای افزایشی نگران‌کننده‌ای داشته است.

امیرحسین جلالی ندوشن، سخنگوی انجمن علمی روانپزشکان ایران، ماه گذشته با هشدار درباره «خستگی روانی» بخش گسترده‌ای از جامعه توضیح داده بود: «امنیت اقتصادی، کیفیت روابط اجتماعی، امکان پیش‌بینی آینده، اعتماد به نهادها، دسترسی به خدمات، شرایط کار و مسکن و میزان ثبات زندگی، همگی بر سلامت روان اثر می‌گذارند.»

این روانپزشک افزوده بود: «اگر فشارهای محیطی برای مدت طولانی افزایش پیدا کنند، نمی‌توان هر اضطراب، خستگی یا افت عملکردی را صرفاً به ضعف فرد در مدیریت خودش نسبت داد. در عین حال، تأکید بر عوامل اجتماعی به این معنا نیست که فرد هیچ نقشی ندارد؛ بلکه سلامت روان حاصل تعامل میان امکانات و محدودیت‌های محیط و شیوه‌ای است که هر فرد با آنها مواجه می‌شود.»

امیرحسین جلالی ندوشن توضیح داده بود: «مسئله در بحران‌های تکرارشونده فقط شدت هر رویداد نیست؛ مسئله این است که فاصله‌ای که معمولاً برای بازیابی لازم است، کوتاه یا حذف می‌شود. فرد هنوز در حال کنار آمدن با پیامدهای یک اتفاق است که با عدم‌قطعیت یا مسئله دیگری روبرو می‌شود. در چنین وضعی، مرز میان دوره بحران و زندگی عادی کم‌رنگ می‌شود. افراد ممکن است ناچار شوند هم‌زمان کار کنند، فرزند بزرگ کنند، تصمیم‌های مهم بگیرند و روابط خود را حفظ کنند، در حالی که بخشی از ظرفیت روانی آنها دائماً صرف ارزیابی خطر و سازگار شدن با تغییرات می‌شود.»

او همچنین تأکید کرده بود، در شرایطی که فشار و عدم‌قطعیت طولانی می‌شود، می‌توان انتظار داشت خستگی روانی، نگرانی درباره آینده، کاهش احساس کنترل و کوتاه‌تر شدن افق برنامه‌ریزی در بخشی از مردم بیشتر شود.

امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی انالوجه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴، اعدام شدند



از راست، امیرحسین ابراهیمی و امیرحسین ملکی

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داد، حکم اعدام امیرحسین ملکی ۲۰ ساله و امیرحسین ابراهیمی انالوجه ۱۸ ساله، از متهمان پرونده «میدان علیخانی»، در سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ در زندان دستگرد اصفهان اجرا شد.

پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان اعتراضات این منطقه در هجدهم دی‌ماه چهار نیروی انتظامی کشته شدند.

پس از این حادثه، ۵۹ نفر بازداشت و علیه آنها پرونده‌ای مشترک معروف به پرونده «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پرونده، ۱۲ شهروند به اعدام و ۲۳ نفر با وجود تبرئه از برخی اتهامات، به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شدند.

در هفته‌های گذشته احکام اعدام علیرضا رئیسی، علیرضا سپاهی، عرفان اسفندیاری، گل‌محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی، امیرحسین صفری حسین‌آبادی و قائم حسینی اجرا شده بود. با اعدام امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی شمار شهروندان اعدام شده در این پرونده به ۹ تن رسیده است.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از اجرای حکم اعدام امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۴۰۴ در شهر اصفهان، خبر داد.

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی گزارش داد حکم اعدام امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی انالوجه از متهمان پرونده «میدان علیخانی» در سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵ در زندان دستگرد اصفهان اجرا شد.

سازمان حقوق بشر ایران ساعاتی پیش از انتشار خبر اجرای حکم این دو جوان گزارش داده بود که خانواده امیرحسین ملکی ۲۰ ساله و امیرحسین ابراهیمی انالوجه ۱۸ ساله روز دوشنبه ۱۱ آبان‌ماه برای آخرین ملاقات با فرزندانشان به زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) فراخوانده شدند و قرار است احکام اعدام این دو معترض روز سه‌شنبه ۱۲ آبان‌ماه اجرا شود.

امیرحسین ابراهیمی انالوجه که در برخی خبرهای اولیه نام او ابوالفضل ابراهیمی منتشر شده بود متولد ۱۳۸۵، جوان ۲۰ ساله و دانشجوی ممتاز رشته پزشکی در اصفهان بود.

مرکز حقوقی «دادبان» به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده که امیرحسین در جریان اعتراضات ۱۸ دی ۱۴۰۴ با موتورسیکلت به سمت خانه مادربزرگش در محدوده میدان علیخانی می‌رفته که در ازدحام جمعیت و ترافیک گرفتار شده است. او و همراهش پس از شناسایی از طریق پیگرد تلفن همراه بازداشت شدند.

این منبع آگاه گفته: «امیرحسین آنقدر غرق درس و کتاب بود که اصلا نمی‌دانست موساد چیست. در جریان بازجویی‌ها از او می‌پرسند چگونه با موساد ارتباط گرفته و او در پاسخ می‌گوید: نمی‌دانم چیست، بازجوها تصور می‌کنند او خودش را به ندانستن می‌زند و به همین دلیل به شدت شکنجه‌اش می‌کنند تا از او اعتراف اجباری بگیرند.»

خبرگزاری «میزان» این دو جوان ۱۸ و ۲۰ ساله را «عناصر مسلح» معرفی کرده که در جریان اعتراضات دی۴۰۴ و در «میدان علیخانی» اصفهان در کشته شدن چهار مأمور نیروی انتظامی نقش داشته‌اند.

پرونده معروف به پرونده «میدان علیخانی» به اعتراضات شامگاه ۱۸ دی ۱۴۰۴ مرتبط است که در محدوده میدان علیخانی، میان ملک‌شهر و کاوه اصفهان رخ داد. نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی مدعی شدند در جریان اعتراضات این منطقه در هجدهم دی‌ماه چهار نیروی بسیج و یگان ویژه به نام حسین رمضانی، محمد همتی، سیدعلی خشوعی و ولی‌الله صفری کشته شده‌اند.

پس از این حادثه، ۵۹ نفر بازداشت شده و علیه آنها پرونده‌ای مشترک، معروف به پرونده «میدان علیخانی» تشکیل شد. از میان ۵۹ متهم این پرونده، ۱۲ شهروند به اعدام و ۲۳ نفر با وجود تبرئه از برخی اتهامات، به احکام پنج تا ۱۰ سال زندان محکوم شدند.

در پرونده «میدان علیخانی» علیرضا سپاهی (متولد ۱۳۸۰) به چهار بار اعدام، ابوالفضل سپاهی (متولد ۱۳۸۲) به سه بار اعدام، علیرضا رئیسی (متولد ۱۳۸۳)، قائم حسینی (متولد ۱۳۸۴) و گل‌محمد محمدی (متولد ۱۳۸۱)، شهروند افغانستان، هر کدام به دو بار اعدام محکوم شدند.

همچنین امیرحسین صفری (متولد ۱۳۷۷)، امیرحسین ملکی (متولد ۱۳۸۵)، علی دشتی (متولد ۱۳۸۵)، امیرحسین ابراهیمی انالوجه (متولد ۱۳۸۵)، شروین باقریان (متولد ۱۳۸۶)، عرفان اسفندیاری (متولد ۱۳۸۶) و ابوالفضل ابراهیمی (متولد ۱۳۸۶) هر یک به یکبار اعدام محکوم شدند.

روند دادرسی این پرونده نیز مانند دیگر پرونده‌های مرتبط با اعتراضات دی۴۰۴ و اعتراضات ضدحکومتی سال‌های گذشته به شکلی ناعادلانه و حتی مغایر با قوانین خود جمهوری اسلامی پیش رفته است. نهادهای حقوق بشری از شکنجه، اعتراف‌گیری اجباری، محرومیت متهمان از دادرسی عادلانه و دسترسی مؤثر به وکیل خبر داده‌اند.

در هفته‌های گذشته احکام اعدام علیرضا رئیسی، علیرضا سپاهی، عرفان اسفندیاری، گل‌محمد محمدی، ابوالفضل سپاهی، امیرحسین صفری حسین‌آبادی و قائم حسینی اجرا شده بود. با اعدام امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی شمار شهروندان اعدام شده در این پرونده به ۹ تن رسیده است.

کمبود و گرانی دارو از مرز هشدار گذشته است



روزنامه «جهان صنعت» در یک گزارش میدانی نوشته، هزینه درمان یک سرماخوردگی معمولی در ایران به چهار میلیون تومان رسیده است.

خبرگزاری «ایلنا» نوشته: «آنچه بیماران تالاسمی از سر می‌گذرانند محرومیت از داروهای مورد نیاز، افزایش ذخایر آهن بدن، عوارض ناشی از مصرف داروهای جایگزین و نگرانی از آسیب به اندام‌های حیاتی، تصویری از دشواری‌هایی ارائه می‌دهد که در کنار نیاز مستمر به تزریق خون، زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است.»

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران که طی ماه‌های گذشته چندبار نسبت به افزایش و کمبود داروهای تخصصی روانپزشکی انتقاد کرده بود، ادامه این روند را ایجاد موج بستری بیماران روانپزشکی به علت اختلال در دریافت دارو ارزیابی کرده و هشدار داده که حتی تخت بیمارستانی کافی در بیمارستان‌های روانپزشکی موجود نیست.

بحران کمبود و گرانی دارو از مدت‌ها پیش به بحرانی جدی در ساختار سلامت ایران تبدیل شده است. اکنون متخصصان و فعالان در انجمن‌های حمایتی از بیماران خاص با انتقاد از عملکرد دولت در تأمین داروی بیماری‌های خاص و همچنین بیماری‌های روانپزشکی از عبور این بحران از مرز هشدار خبر می‌دهند.

روزنامه «جهان صنعت» در یک گزارش میدانی نوشته، هزینه درمان یک سرماخوردگی معمولی در ایران به چهار میلیون تومان رسیده است.

در این گزارش آمده، از یک‌میلیون و ۳۶۱ هزار تومان هزینه داروهای یک نسخه فرضی سرماخوردگی، بیمار تحت پوشش تامین اجتماعی با نسخه پزشک عمومی باید ۱میلیون و ۲۹۵هزار تومان را شخصا بپردازد؛ معادل ۹۵ درصد قیمت آزاد داروها. در مقابل، سهم پرداختی بیمار تحت پوشش بیمه نیروهای مسلح برای همین نسخه حدود ۵۹۷ هزار تومان است!

این گزارش افزوده: «اما هزینه بیمار به همینجا ختم نمی‌شود. با احتساب هزینه ویزیت پزشک، سرم‌تراپی و ملزومات تزریق و در صورت تجویز داروها و اقلام اضافی، مجموع هزینه‌های درمان می‌تواند به حدود ۲ تا ۴ میلیون تومان نیز برسد؛ رقمی که فشار بیشتری بر جیب بیماران وارد می‌کند.»

بر اساس این گزارش، هزینه ویزیت پزشک عمومی حدود ۳۰۰ هزار تومان و ویزیت متخصص ۵۰۰ هزار تومان است. از سوی دیگر، در صورت تجویز سرم‌تراپی، بیمار باید حدود ۲۵۰ هزار تومان برای سرم نمکی نیم‌لیتری، هزینه تجهیزات تزریق و ۲۸۰ هزار تومان نیز برای دستمزد تزریق بپردازد. به این ترتیب تنها با اضافه شدن هزینه ویزیت و سرم‌تراپی به قیمت داروهای نسخه، مجموع پرداختی بیمار به حدود ۲.۲ تا ۲.۴ میلیون تومان می‌رسد و با احتساب داروهای اضافی، مکمل‌هایی مانند ویتامین C و زینک و سایر هزینه‌های احتمالی، این رقم می‌تواند به حدود ۴ میلیون تومان نیز افزایش یابد.

بررسی «جهان‌صنعت» نشان می‌دهد که اختلاف تعهدات بیمه‌ای حتی برای داروهای یکسان نیز قابل توجه است. برای مثال، هزینه ۲۰ قرص ناپروکسن برای بیمه‌شده نیروهای مسلح ۲۲ هزار و ۵۰۰ تومان است اما بیمار تحت پوشش تامین اجتماعی یا بیمه سلامت با نسخه پزشک عمومی باید تمام ۱۷۰ هزار تومان قیمت آن را بپردازد.

محبوبه ولدخانی مدیر پیشین سازمان غذا و دارو در گفتگو با «جهان‌صنعت» با انتقاد از افزایش قیمت داروها بدون اصلاح متناسب تعهدات بیمه‌ای به وضعیت داروهای پرمصرفی مانند ژلوفن و کلد استاپ اشاره کرد که فاقد پوشش بیمه‌ای هستند.

در گزارش «جهان صنعت» آمده: «در شرایطی که قیمت دارو افزایش یافته، اختلاف تعهدات بیمه‌ای به تفاوتی چندصدهزار تومانی در هزینه یک نسخه یکسان منجر شده است؛ اختلافی که مستقیما بر پرداخت از جیب بیماران اثر می‌گذارد.»

در آنسو خبرگزاری «ایلنا» در یک گزارش میدانی دیگر به مشکلات بیماران مبتلا به تالاسمی در شرایط کمبود و گرانی دارو پرداخته و نوشته: «آنچه بیماران تالاسمی از سر می‌گذرانند محرومیت از داروهای مورد نیاز، افزایش ذخایر آهن بدن، عوارض ناشی از مصرف داروهای جایگزین و نگرانی از آسیب به اندام‌های حیاتی، تصویری از دشواری‌هایی ارائه می‌دهد که در کنار نیاز مستمر به تزریق خون، زندگی آنان را تحت تأثیر قرار داده است.»

کمبود داروی خارجی بیماران تالاسمی را دچار مشکل کرده و داروهای مشابه نیز با بدن بسیاری از آنها سازگار نیست. یک بیمار مبتلا به تالاسمی ماژور ساکن شیراز با اشاره به کمبود داروهای آهن‌زدای وارداتی گفته است: «حدود ۹ ماه است که نتوانسته‌ام داروی آهن‌زدای وارداتی تهیه کنم. داروهای آهن‌زدای تولید داخلی با بدن من سازگاری ندارند و با توجه به اینکه هر دو هفته یکبار تزریق خون دارم، میزان آهن بدنم افزایش یافته و خطرات جدی سلامت من را تهدید می‌کند.»

به گفته این شهروند مبتلا به تالاسمی، «بسیاری از بیماران تالاسمی ماژور نیز با مشکل عدم سازگاری بدن با داروهای آهن‌زدای ایرانی مواجه هستند. همانطور که هنگام تجویز آنتی‌بیوتیک، پزشک درباره حساسیت دارویی بیمار سؤال می‌کند، در مورد داروهای آهن‌زدا نیز باید به سازگاری دارو با بدن بیمار توجه شود.»

او افزوده است: «به دلیل تفاوت ترکیبات داروهای

آهن‌زدا، ممکن است یک دارو با بدن یک بیمار سازگار باشد، اما برای بیمار دیگری مناسب نباشد. بر اساس استانداردهای جهانی، بهترین دارو برای هر بیمار، دارویی است که بدن او آن را بپذیرد و بتواند با مصرف آن، درمان مؤثری داشته باشد.»

یونس عرب مدیرعامل انجمن تالاسمی نیز در گفتگو با روزنامه «شرق» گفته: «داروی تزریقی دسفرال با قیمت ارزی ۱/۵ برابر از سوی شرکت واردکننده نرخ‌گذاری شده، در حالی که سازمان نباید هر قیمتی را از واردکننده قبول کند و بار آن را بر دوش بیمار بیندازد. همچنین سازمان باید بیمه‌ها، ازجمله بیمه سلامت را متقاعد کند تا دارو با نرخ آزاد به دست بیمار نرسد. اگرچه وقتی ارز ترجیحی دارو حذف می‌شود، شرکت‌های بیمه هم تمایلی برای مشارکت ندارند و حتی اگر بیمه هم کنند باز بار مالی دارو برای بیمار سنگین است و عملا برای بسیاری غیرقابل تهیه می‌شود.»

یونس عرب با اشاره به قرص «جیدنیو» گفته: «جیدنیو یک قرص آهن‌زداست و هر قرص آن به نرخ ارز آزاد برای بیمار چیزی در حدود ۸۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود. بیماری که در ماه دست‌کم ۶۰ قرص مصرف می‌کند، باید در ماه نزدیک ۵۰ میلیون فقط برای این یک قلم دارو هزینه کند و بسیار طبیعی است اگر بیمار مصرف دارو و روند درمان را متوقف کند. سازمان از مدت‌ها پیش با این دلیل که جیدنیو مشابه داخلی دارد، از اختصاص ارز ترجیحی به آن خودداری کرده، اما مشابه داخلی آن برای بسیاری از بیماران عوارض داشته است.»

وحید شریعت رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران نیز که طی ماه‌های گذشته چندبار نسبت به افزایش و کمبود داروهای تخصصی روانپزشکی انتقاد کرده بود، بار دیگر اعلام کرده: «دارو گران است، بیماران صرفه‌جویی می‌کنند و توان مردم برای مراجعه به پزشک کم شده است.» او ادامه این روند را ایجاد موج بستری بیماران روانپزشکی به علت اختلال در دریافت دارو ارزیابی کرده و گفته که حتی تخت بیمارستانی کافی در بیمارستان‌های روانپزشکی موجود نیست.

او در توضیح وضعیت بیماران روانپزشکی گفته: «یک عامل تداوم و افزایش فشار استرس و بدتر شدن شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که سبب افزایش افراد نیازمند به خدمات سلامت روان می‌شود. نکته دوم توان مردم برای مراجعه به پزشک است که به نظر می‌رسد به شدت کم شده است؛ یعنی افراد اگر قبلاً ماهی یکبار می‌توانستند مراجعه کنند، الان دو ماه یکبار یا سه ماه یکبار مراجعه می‌کنند تا پول کمتری بپردازند؛ نه اینکه نخواهند، بلکه به خاطر اینکه شرایط‌اش را ندارند.»

وحید شریعت افزوده: «از طرفی گروهی از بیماران به دلیل گرانی، داروهای‌شان را کمتر مصرف می‌کنند، در چنین شرایطی اوضاع بدتر خواهد شد؛ یعنی فردی که قبلاً ماهانه زیر نظر بوده، الان سه ماه یکبار زیر نظر است، قبلاً روزی دو تا قرص می‌خورده، الان روزی یک عدد می‌خورد، بنابراین حدسمان این است که متأسفانه شرایط بیماران بدتر هم می‌شود.»

اینهمه در حالیست که مقامات وزارت بهداشت ادعا می‌کنند، اگرچه در برخی اقلام دارویی کمبودهایی وجود دارد اما «با وجود چالش‌ها و تحریم‌ها» کشور با «بحران دارویی» مواجه نیست!

چند کشته و زخمی در حمله افراد مسلح به نیروهای ارتش و انتظامی در استان سیستان و بلوچستان



تصویر آرشیوی از درگیری‌های سراوان

در حمله افراد مسلح به نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان تعدادی کشته و زخمی شدند. دوشنبه شب و بامداد سه‌شنبه ۱۱ و ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۵ یک مامور انتظامی و یک ارتشی کشته و دو ارتشی دیگر زخمی شدند.

به گزارش منابع داخلی، گروهبان حجت وفاکرده از ماموران آگاهی شهرستان سراوان هنگام خروج از منزل هدف حمله قرار گرفت و کشته شد.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گزارش داد که ستوان جواد حشمتی یکی از کارکنان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در حمله «افراد مسلح ناشناس» در جنوب شرق کشور کشته شده است. او از نیروهای تیپ ۳۷۷ خراسان بود که همزمان با جنگ به نواحی جنوب شرقی کشور اعزام شد.

در حمله افراد مسلح به نیروهای نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان تعدادی کشته و زخمی شدند. دوشنبه شب و بامداد سه‌شنبه ۱۱ و ۱۲ آبان‌ماه ۱۴۰۵ یک مامور انتظامی و یک ارتشی در این حملات کشته و دو ارتشی دیگر زخمی شدند.

به گزارش منابع داخلی، گروهبان حجت وفاکرده از ماموران آگاهی شهرستان سراوان هنگام خروج از منزل هدف حمله قرار گرفت و کشته شد.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز گزارش داد که ستوان جواد حشمتی یکی از کارکنان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی در حمله «افراد مسلح ناشناس» در جنوب شرق کشور کشته شده است. او از نیروهای تیپ ۳۷۷ خراسان بود که همزمان با جنگ به نواحی جنوب شرقی کشور اعزام شد.

دو ارتشی دیگر نیز در تیراندازی افراد مسلح مجروح شدند که هویت آنها هنوز مشخص نیست. در تمام این درگیری‌ها افراد مسلح پس از پایان عملیات فرار کردند.

طی ماه‌های اخیر درگیری میان افراد مسلح و نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی جمهوری اسلامی تلفاتی در پی داشت. در این حملات هدف قرار دادن کارکنان ارتش رو به افزایش است. مینی‌بوس حامل کارکنان لشکر ۸۸ زرهی نیروی زمینی ارتش مستقر در سواحل مکران که برای تعویض شیفت در مسیر بودند، پنجشنبه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۵ مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. در این درگیری دست‌کم سه نفر کشته و زخمی شدند که حال برخی مجروحان وخیم گزارش شد.

شماری از مقامات نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی مدعی‌اند دولت‌های عربی از افراد مسلح فعال در سیستان و بلوچستان حمایت می‌کنند. فداحسن مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «رد پای دو کشور عربی در تحرکات اخیر سیستان و بلوچستان مشهود است.»

با آغاز جنگ اخیر از اسفندماه ۴۰۴ تعداد زیادی از یگان‌های ارتش از سراسر کشور در نواحی جنوبی استان سیستان و بلوچستان مستقر شده‌اند.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

کیهان

سقوط ساختار درمان؛ افزایش ۱۰ برابری قیمت تجهیزات پزشکی

● محمد رئیس‌زاده، رئیس سازمان غذا و دارو، افزایش قیمت تجهیزات پزشکی را تأیید کرده و گفته: «دستگاهی که قبلا ۵ میلیارد تومان قیمت داشت، حالا به ۵۰ میلیارد تومان رسیده در حالی که میزان استهلاکش کاهش نداشته بلکه قیمت هر قطعه‌اش هم ۱۰ برابر گران‌تر شده است.»

● سلمان اسحاقی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی هفته گذشته هشدار داده بود که تداوم مشکلات تأمین تجهیزات پزشکی تا پایان سال ممکن است به تعطیلی بعضی اتاق‌های عمل بیمارستان‌ها منجر شود.

● میرمجید مصلایی، رئیس انجمن آزمایشگاه‌های پزشکی استان تهران، نیز دو روز پیش از کمبود نقدینگی آزمایشگاه‌های تشخیص به دلیل انباشت بلندمدت مطالبات از سازمان‌های بیمه و ناتوانی در خرید کیت‌های ضروری تشخیص خبر داد.



رئیس سازمان نظام پزشکی با تأیید گرانی تجهیزات پزشکی از ۱۰ برابر شدن قیمت این اقلام خبر داده و گفته: «دستگاهی که قبلا ۵ میلیارد تومان قیمت داشت، حالا به ۵۰ میلیارد تومان رسیده در حالی که میزان استهلاکش کاهش نداشته بلکه قیمت هر قطعه‌اش هم ۱۰ برابر گران‌تر شده، اما تعرفه خدمات ارائه شده با این دستگاه، متناسب با این افزایش قیمت نیست.»

افزایش قیمت و کمیاب شدن اقلام دارویی در حالی به بحرانی جدی در ساختار درمان و بهداشت کشور تبدیل شده که در آنسو قیمت تجهیزات پزشکی نیز افزایش قابل توجهی داشته است. سلمان اسحاقی، سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، هفته گذشته هشدار داده بود که تداوم مشکلات تامین تجهیزات پزشکی تا پایان سال ممکن است به تعطیلی بعضی اتاق‌های عمل بیمارستان‌ها منجر شود.او با اشاره به کمبود اقلام مصرفی در اتاق‌های جراحی و بخش‌های بستری و اورژانس‌های بیمارستانی، گفته بود: «کاهش واردات، گرانی و ضعف نظارت بر نحوه هزینه‌کرد ارز دولتی، باعث کمبود اقلام مصرفی بیمارستانی شده و در بعضی بیمارستان‌ها، بیماران باید اقلامی مانند دستکش، گان و وسایل پانسمان را از خارج از بیمارستان تهیه کنند که این هم هزینه مضاعفی بر جیب بیماران است.»

میرمجید مصلایی، رئیس انجمن آزمایشگاه‌های پزشکی استان تهران، نیز دو روز پیش از کمبود نقدینگی آزمایشگاه‌های تشخیص به دلیل انباشت بلندمدت مطالبات از سازمان‌های بیمه و ناتوانی در خرید کیت‌های ضروری تشخیصی خبر داد. یرمجید مصلایی ضمن اشاره به وارداتی بودن اقلام مصرفی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی گفت که این اقلام به شدت به نرخ ارز وابسته است و ظرف دو سال اخیر حتی یک ریال از تفاوت نرخ ارز و حمایت‌های ریالی به آزمایشگاه‌ها پرداخت نشده است.

همچنین دکتر محمدرضا امینی‌فرد، رئیس انجمن علمی آسیب‌شناسی ایران، درباره تبعات کمبود شدید کیت‌های تشخیصی در آزمایشگاه‌های سراسر کشور هشدار داد. در حالی که حدود ۷۰ درصد از تشخیص‌های پزشکی، به جواب آزمایش‌های تشخیص وابسته است ولی رئیس این انجمن علمی به ایرنا گفت: «آزمایشگاه‌ها ستون فقرات تشخیص پزشکی هستند ولی امروز با بحران در تامین مواد مصرفی و کیت‌های تخصصی مواجه هستیم.»

به گزارش خبرگزاری «ایرنا»، نوسانات ارزی و مشکلات در فرآیند واردات، باعث شده تا بسیاری از کیت‌های حیاتی که برای تشخیص بیماری‌های حساس و مزمن مورد نیاز است، در بازار موجود نباشد یا با قیمت‌های غیرقابل‌کنترل عرضه شود. وقتی یک مرکز علوم آزمایشگاهی با کمبود کیت مواجه می‌شود، یا مجبور است از آزمایش‌های با دقت پایین‌تر استفاده کند که این امر خطر تشخیص اشتباه را در پی دارد، یا اینکه مجبور است خدمات را به تعویق بیندازد که این خود باعث تاخیر در روند درمان بیمار می‌شود. علاوه بر مشکل تامین کالا، مراکز علوم آزمایشگاهی با بحران نقدینگی شدیدی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

محمد رییس‌زاده، رئیس سازمان غذا و دارو، در گفتگو با روزنامه «اعتماد» مشکل کمبود تجهیزات پزشکی را «حاد» ارزیابی نکرده است!

رئیس سازمان غذا و دارو گفته: «در حال حاضر، با مشکل خیلی حادی در بحث تجهیزات پزشکی و حتی داروهای بیمارستانی مواجه نیستیم. مشکل کمبود تجهیزات و دارو از قبل هم بوده و پیش از اینهم در ۱۳۰ قلم دارو یا تجهیزات کمبود داشتیم یا ۸۰ قلم دارو و تجهیزات به طور کلی نایاب بود ولی این کمبود با ذخایر استراتژیک جبران می‌شود.»

محمد رئیس‌زاده البته افزایش قیمت‌ها را تأیید کرده و گفته: «دستگاهی که قبلا ۵ میلیارد تومان قیمت داشت، حالا به ۵۰ میلیارد تومان رسیده در حالی که میزان استهلاکش کاهش نداشته بلکه قیمت هر قطعه‌اش هم ۱۰ برابر گران‌تر شده است.»

رئیس سازمان غذا و دارو آنچه را برای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بحران‌زا شده، عدم افزایش تعرفه خدمات ارائه شده با این دستگاه متناسب با افزایش قیمت آنها ارزیابی کرده است: «در حال حاضر، در بیمارستان‌ها بیش از اینکه با کمبود دارو و تجهیزات پزشکی مواجه باشیم، با مسئله استهلاک این تجهیزات مواجهیم و تعرفه خدمات درمانی ارائه شده با این تجهیزات، تعرفه واقعی نیست و این تعرفه جوابگوی هزینه‌ها و استهلاک تجهیزات نیست، چون قیمت تجهیزات به دلیل تلاطم‌های موجود، افزایش داشته و اگر مشکلی برای مردم ایجاد می‌شود از بابت نامتناسب بودن تعرفه خدمات با همین افزایش قیمت‌هاست.»

علی جعفریان، مشاور عالی وزیر بهداشت، نیز در گفتگو با روزنامه «اعتماد» مشکلات تأمین انواع تجهیزات پزشکی را به دو دسته تقسیم کرده و گفته است: «تجهیزات پزشکی شامل دو گروه تجهیزات مصرفی و تجهیزات سرمایه‌ای است.

علی جعفریان گفته: «در مورد تجهیزات سرمایه‌ای با وضعیت متفاوتی مواجهیم، چون اغلب این تجهیزات، وارداتی است و بنابراین، شرایط تحریم و حتی انتقال ارز و مشکلات حمل و نقل کالا، یک چالش جدی برای واردات این تجهیزات است، اما مشکل مهم‌تر این است که این تجهیزات وارداتی، ارزبری دارد ولی ارز واردات تجهیزات سرمایه‌ای، از فهرست ارز ترجیحی حذف شده و باید به صورت آزاد تامین شود در حالی که نقدینگی و ریال همین ارز آزاد هم به سختی تامین می‌شود. با چنین شرایطی، برای تامین تجهیزات سرمایه‌ای بیمارستان‌ها و مراکز درمانی با مشکلات جدی مواجه خواهیم شد.»

مشاور عالی وزیر بهداشت هم افزایش تعرفه خدمات را راهکار دانسته و گفته: «پیش از اجرای سیاست حذف تجهیزات سرمایه‌ای از دریافت ارز ترجیحی، قیمت یک دستگاه‌ام‌آرآی، ۲۰ میلیارد تومان بود ولی حالا قیمت این دستگاه ۷ برابر گران خواهد شد. با این افزایش قیمت و با تعرفه‌های درمانی مصوب، نه بخش دولتی و نه بخش خصوصی قادر به جایگزینی این دستگاه نیستند، چون با این تعرفه‌ها، هزینه خرید و جایگزینی دستگاه‌ام‌آرآی به دست نمی‌آید و بنابراین در کنار گرانی قیمت ارز و تحریم، با مشکل نامتناسب بودن تعرفه‌های درمانی هم مواجهیم و لازم است که اجزای فنی تعرفه‌های درمانی، متناسب با هزینه ارز آزاد اصلاح شود.» این در حالیست که در آنسو سهم بیمه‌های درمانی از پرداخت هزینه دارو و درمان با کاهش روبرو شده و اکثر بار مالی هزینه دارو و درمان بر دوش شهروندان است. در چنین شرایطی افزایش تعرفه‌های خدمات درمانی سبب گران‌تر شدن درمان برای خانوارهایی خواهد شد که اکثر آنها با درآمدهای ناچیز قادر به تأمین هزینه‌های ضروری زندگی نیز نیستند.

آیا عقیده‌ی سیاسی باید سرنوشت سلامت یک ایرانی را رقم بزند؟



مهدی میرسعیدی* – در سال ۱۳۴۳، در چارچوب اصلاحات دوران شاهنشاه آریامهر، برنامه‌ای به نام «سپاه بهداشت» راه‌اندازی شد تا ارائه‌ی خدمات بهداشتی و درمانی را به روستاها و مناطق دورافتاده نیز گسترش دهد.

فلسفه‌ی وجودی سپاه بهداشت را می‌توان در یک پرسش مهم خلاصه کرد: آیا جغرافیا باید سرنوشت درمانی انسان را تحت تأثیر قرار دهد؟

سپاه بهداشت راه‌حل مناسبی برای مشکل نابرابری سلامت در جامعه‌ی ایران بعد از جنگ جهانی دوم بود. بگذریم که با گذشت بیش از چهار دهه از برقراری جمهوری اسلامی، ایران همچنان با نابرابری‌های جدی جغرافیایی و اقتصادی در سلامت روبروست. اختلاف نزدیک به هفت‌ساله‌ی امید به زندگی میان برخی استان‌های کشور و افزایش سهم پرداخت مستقیم مردم از هزینه‌های درمان در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد که عدالت در سلامت هنوز با فاصله‌ای قابل‌توجه از واقعیت زندگی بسیاری از ایرانیان قرار دارد.

اما امروز، آیا شهروندی که فقط به‌خاطر چیزی که فکر می‌کند یا در خیابان فریاد می‌زند، باید دریافت‌کننده‌ی خدمات پزشکی ناعادلانه‌ای باشد؟ و بدتر از آن، آیا ممکن است کسی به‌خاطر عقیده‌اش از رفتن به بیمارستان برای نجات جان خودش بهراسد؟ یا در بیمارستان با خشونت نظامی روبرو شود؟

در خیزش‌های سال‌های اخیر مردم ایران، بخصوص دی‌ماه سال گذشته در انقلاب شیر و خورشید، پرسش‌های مهمی درباره‌ی عملکرد قدرت سیاسی در نظام بهداشت ایران مطرح شده است که از واقعیت‌های دردناک تاریخ اخیر ایران هستند.

در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، گزارش‌های متعددی از بازداشت مجروحان، فشار بر کارکنان درمانی و حضور نیروهای امنیتی در مراکز پزشکی منتشر شد. مقاله‌ای که Owen Dyer در نشریه‌ی BMJ نوشت نشان داد بیماران در مراکز درمانی تحت بازجویی قرار گرفته‌اند و برخی از ترس بازداشت، مراجعه به بیمارستان را به تأخیر می‌انداختند یا اصلا مراجعه نمی‌کردند. همچنین هیئت مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل در گزارش ۲۰۲۴ خود مواردی از دخالت نیروهای امنیتی در محیط بیمارستان، شناسایی مجروحان معترض و ترس بیماران از مراجعه برای درمان را مستندسازی کرده است.

در جریان انقلاب شیر و خورشید در دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز گزارش‌های معتبری از حمله به مراکز درمانی، بازداشت مجروحان و خودداری برخی آسیب‌دیدگان از مراجعه به بیمارستان به دلیل ترس از دستگیری منتشر شد. در مواردی، این ترس پیامدهای مرگبار داشت. همچنین پزشکان و پرستاران زیادی به‌علت خدمت به معترضان بازداشت و زندانی شده‌اند و هنوز نگران آینده‌ی شغلی خود هستند.

هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل در گزارش سپتامبر ۲۰۲۶ خود نیز اعلام کرد که در جریان سرکوب اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، نیروهای امنیتی در روند ارائه‌ی خدمات پزشکی دخالت کرده و برخی مجروحان و کارکنان درمانی را در معرض بازداشت و تهدید قرار دادند.از نگاه پزشکی، پیامد این وضعیت بسیار فراتر از یک اختلاف‌نظر سیاسی است. در شرایط اورژانس، زمان یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل حفظ جان بیمار است. کسی که خونریزی داخلی دارد، مجروحی که رگ‌هایش آسیب دیده، یا بیماری که به‌خاطر ضربه‌ی شدید سر به جراحی فوری نیاز دارد، ممکن است فقط چند ساعت، و گاهی چند دقیقه، فرصت داشته باشد. اگر ترس از بازداشت باعث شود چنین بیماری دیرتر به مرکز درمانی برسد، سیاست عملا به یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی پیامد درمان او تبدیل شده است.

فضای امنیتی گاهی آن‌قدر سنگین روی نظام درمان قرار می‌گیرد که اعتماد بیمار کاملا از بین می‌رود. بیمارستانی که آدم‌ها از ورود به آن می‌ترسند، حتی با مجهزترین امکانات، کارکرد حیاتی‌اش را از دست می‌دهد. اعتماد بیمار زیرساختی نامرئی اما ضروری است که ساختنش سخت و خراب کردنش بسیار آسان است.

آنچه امروز در ایران می‌بینیم، متأسفانه در تاریخ معاصر جهان بی‌سابقه نیست. در آفریقای جنوبی دوران آپارتاید، استیو بیکو، فعال سیاسی مخالف حکومت، در سال ۱۹۷۷ پس از آسیب شدید در بازداشت پلیس جان باخت. پزشکانی که مسئول مراقبت از او بودند نتوانستند استقلال حرفه‌ای خود را در برابر فشار دستگاه امنیتی حفظ کنند. سال‌ها بعد، عملکرد آنان در کمیسیون حقیقت و آشتی آفریقای جنوبی مورد بررسی قرار گرفت. این پرونده نشان داد که بی‌طرفی پزشکی بدون استقلال حرفه‌ای معنا ندارد؛ پزشکی که نتواند در برابر فشار امنیتی از بیمارش دفاع کند، عملا از بی‌طرفی هم دور شده است.در بحرین نیز در جریان اعتراضات سال ۲۰۱۱، ده‌ها پزشک و پرستار بازداشت شدند و تعدادی از آنان به دلیل ارائه‌ی خدمات به مجروحان اعتراضات با اتهامات سیاسی روبرو شدند. در سوریه هم درمان معترضان برای بسیاری از کارکنان سلامت به فعالیتی خطرناک تبدیل شد.

اما پرسش اینجاست: آیا پزشکی که جان یک معترض را نجات می‌دهد، الزاما با عقیده‌ی سیاسی او موافق است؟ و اگر همان پزشک جان یک مأمور حکومتی را نجات دهد، آیا باید او را طرفدار حکومت بدانیم؟ البته که نه. پزشک مسئول درمان انسان است، نه قضاوت درباره‌ی عقاید سیاسی او.

یکی از اصول بنیادین اخلاق پزشکی، بی‌طرفی پزشکی (Medical Neutrality) است. بر اساس این اصل، پزشک باید بدون توجه به عقیده‌ی سیاسی، مذهب، قومیت یا موقعیت اجتماعی بیمار، خدمات درمانی ارائه دهد. اما بی‌طرفی پزشکی به معنای بی‌تفاوتی در برابر نقض حقوق بیماران نیست. پزشکی که در برابر خشونت علیه بیماران، دخالت نیروهای امنیتی در درمان یا نقض محرمانگی اطلاعات پزشکی اعتراض می‌کند، اصول اخلاق حرفه‌ای را زیر پا نگذاشته است؛ بلکه از همان اصول دفاع می‌کند. انجمن جهانی پزشکی نیز در اعلامیه‌ی روتردام در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۶ بر حفاظت از بی‌طرفی پزشکی تأکید کرده است؛ اصولی که شامل شرایط مشابه در ایران هم می‌شود. این اعلامیه همچنین از انجمن‌های پزشکی ملی می‌خواهد نقض بی‌طرفی پزشکی را علنا محکوم کنند، حتی اگر این نقض از سوی دولت خودشان صورت گیرد.

به نظر من، آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد ما را با پرسشی مهم‌تر در علم سلامت عمومی روبرو می‌کند: آیا عقیده‌ی سیاسی، یا حتی عقیده‌ی سیاسی منتسب به یک انسان، می‌تواند به یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی سلامت او تبدیل شود؟

ما سال‌ها درباره‌ی تأثیر فقر، تحصیلات، محیط زیست و محل زندگی بر سلامت انسان صحبت کرده‌ایم. اما وقتی یک مجروح به دلیل ترس از بازداشت به بیمارستان مراجعه نمی‌کند، سیاست نیز از طریق ایجاد ترس و محدودیت دسترسی، بر شانس زنده‌ماندن او تأثیر می‌گذارد.هر نظام سیاسی آینده نیز باید در برابر همین پرسش پاسخ‌گو باشد: آیا مخالفان حکومت می‌توانند بدون ترس و تبعیض خدمات پزشکی دریافت کنند؟

شصت سال پیش، سپاه بهداشت برنامه‌ای بود برای اینکه فاصله‌ی جغرافیایی، سرنوشت درمانی یک ایرانی را تعیین نکند. امروز مسئولیت ما این است که اجازه ندهیم فاصله‌ی سیاسی میان یک شهروند و حکومت، سرنوشت درمانی او را رقم بزند.

این مسئولیت بر عهده‌ی همه‌ی ماست؛ پزشکان، انجمن‌ها و سازمان‌های پزشکی که در ایران فعالیت می‌کنند و نیز ما، از پزشکان و انجمن‌های حرفه‌ای تا نهادهای بین‌المللی پزشکی، مسئولیت داریم موارد نقض بی‌طرفی پزشکی را مستند کنیم، از کارکنان درمانی تحت فشار حمایت کنیم و اجازه ندهیم درمان انسان‌ها به ابزاری برای مجازات سیاسی تبدیل شود. جامعه‌ای که در آن انسان برای نجات جان خود از ورود به بیمارستان می‌ترسد، فقط با بحران سلامت روبرو نیست؛ با بحرانی به‌مراتب بزرگتر مواجه است و آن بحران بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی در سلامت است.

***دکتر مهدی میرسعیدی، استاد دانشگاه و پژوهشگر**

بیش از ۳۵ حمله در یک ماه؛ راهزنی دریایی جمهوری اسلامی با روش‌های چریکی



قایق‌های مهاجم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سواحل خلیج فارس

والاستریت ژورنال در گزارشی بر اساس اطلاعات مقامات منطقه‌ای، شرکت‌های امنیتی و تحلیلگران، با تشریح جزئیات تائید می‌کند، تنگه هرمز که پیش از آغاز درگیری‌ها حدود ۲۰ درصد از تأمین جهانی نفت از آن عبور می‌کرد، به میدان نبرد «سایه»ها تبدیل شده است.

داده‌های مرکز عملیات تجارت دریایی (UKMTO) وابسته به نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا نشان می‌دهد که رژیم ایران در اکتبر ۲۰۲۶ با بیش از ۳۵ مورد تهاجم به کشتی‌ها در تنگه هرمز، بیشترین حملات از آغاز جنگ را انجام داده است. در روزهای نخست ماه نوامبر نیز حداقل پنج کشتی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

کارشناسان بر این باورند که چنین جنگ چریکی می‌تواند برای مدت طولانی ادامه یابد، زیرا رژیم ایران با یک ایدئولوژی افراطی و سابقه‌ای طولانی، نیازی به پیروزی نظامی کلاسیک ندارد؛ کافیست هزینه را برای آمریکا و متحدانش بالا ببرد.

موج جدیدی از ناامنی در آب‌های آزاد خلیج فارس، بخشی از استراتژی گسترده‌تری است که رژیم ایران برای اعمال فشار بر دولت ترامپ در مذاکراتِ بی‌نتیجه در پیش گرفته است.

جمهوری اسلامی در هفته‌های اخیر با افزایش حملات نامتقارن و چریکی در تنگه هرمز، تلاش کرده است جریان عبور نفت از خلیج فارس را همچنان مختل نگه دارد و موقعیت تضعیف‌شده‌ی خود را در درگیری جاری با آمریکا پنهان نماید. این موج جدید از ناامنی در آب‌های آزاد خلیج فارس، که شامل استفاده از پهپادهای زیرآبی بمب‌گذاری‌شده، نارنجک‌های راکتی (آرپی‌جی) و مین‌های چسبنده می‌شود، بخشی از استراتژی گسترده‌تری است که رژیم ایران برای اعمال فشار بر دولت ترامپ در مذاکراتی در پیش گرفته که فعلا به بن‌بست رسیده‌اند.

والاستریت ژورنال در گزارشی بر اساس اطلاعات مقامات منطقه‌ای، شرکت‌های امنیتی و تحلیلگران، با تشریح جزئیات تائید می‌کند، تنگه هرمز که پیش از آغاز درگیری‌ها حدود ۲۰ درصد از تأمین جهانی نفت از آن عبور می‌کرد، به میدان نبرد «سایه»ها تبدیل شده است.

رژیم ایران که به دلیل محاصره دریایی آمریکا و ضربات نظامی، میلیاردها دلار درآمد نفتی خود را از دست داده، اکنون بجای رویارویی مستقیم با نیروی دریایی قدرتمند آمریکا، به تاکتیک‌های کم‌هزینه و پراکنده متوسل شده است.

طبق گزارش‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هفته‌های اخیر به چسباندن مین به بدنه‌ی کشتی‌ها، شلیک نارنجک‌های آرپی‌جی و همچنین پهپادهای زیرآبی حامل مواد منفجره پرتاب اقدام کرده است. این حملات عمدتاً کشتی‌هایی را هدف قرار می‌دهد که نفت را از خلیج فارس به تانکرهای بزرگتر منتقل می‌کنند.

داده‌های مرکز عملیات تجارت دریایی (UKMTO) وابسته به نیروی دریایی سلطنتی بریتانیا نشان می‌دهد که رژیم ایران در اکتبر ۲۰۲۶ با بیش از ۳۵ مورد تهاجم به کشتی‌ها در تنگه هرمز، بیشترین حملات از آغاز جنگ را انجام داده است.

در روزهای نخست ماه نوامبر نیز حداقل پنج کشتی مورد حمله قرار گرفته‌اند. این آمار شامل حمله به تانکرهای نفت، کشتی‌های کانتینری و حامل گاز شده و فقط به نفت محدود نمی‌شود. برخی گزارش‌ها از حملات متعدد در یک روز، مانند شش حادثه در ۱۱ اکتبر، حکایت دارند که برخی از آنها با تأخیر گزارش شده‌اند. خدمه در بسیاری از موارد سالم مانده‌اند، اما آسیب‌های ساختاری و آتش‌سوزی‌های محدود گزارش شده است.

استفاده از تسلیحات ارزان‌قیمت، هزینه‌های نامتقارن این راهزنی چریکی را نشان می‌دهد. هر راکت آرپی‌جی ۷ حدود ۴۰۰ دلار قیمت دارد و مین‌های چسبنده، ارزان و در دسترس توصیف می‌شوند، در حالی که یک تانکر بسیار بزرگ (VLCC) جدید حدود ۱۳۰ میلیون دلار ارزش دارد و قیمت بازار آن تا ۲۳۵ میلیون دلار می‌رسد. یک حمله‌ی موفق می‌تواند کشتی چندمیلیون دلاری را از کار بیندازد یا بیمه و هزینه‌های حمل و نقل را به شدت افزایش دهد.

این مدل حملات چریکی دریایی، که رژیم ایران دهه‌هاست با عنوان «ناوگان پشه‌ای» توسط قایق‌های تندرو سپاه پاسداران تمرین کرده، برای افزایش هزینه‌ی عملیات آمریکا و ایجاد فضای ناامنی طراحی شده است.

هدف اصلی جمهوری اسلامی، بازگرداندن فضای ترس و فلج در تجارت دریایی است که در ابتدای درگیری، جریان عبور نفت را تقریباً متوقف کرده بود. با وجود تلاش‌های آمریکا برای تسهیل عبور کشتی‌های (بجز کشتی‌های متعلق به جمهوری اسلامی) و محاصره بنادر ایران، رژیم که

موقعیت‌اش به سرعت در حال فرسایش است، از این حملات برای اهرم فشار در مذاکرات استفاده می‌کند.

تحلیلگران معتقدند رژیم ایران با دسترسی به ویژگی‌های جغرافیایی (تنگه باریک و اعماق محدود) و تجربه‌ی طولانی در حملات تروریستی دریایی، از مزیت طبیعی برخوردار است. برخی مقامات آمریکایی هشدار داده‌اند که پیروزی جمهوری اسلامی در این میدان، شکست «اقتصادی و امنیتی» برای ایالات متحده خواهد بود، زیرا آمریکا به عنوان قدرت دریایی و تجاری، به آزادی ناوبری وابسته است.

از سوی دیگر، فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) به فرماندهی دریاسالار برد کوپر اعلام کرده که نیروهای آمریکایی بطور منظم مشغول گشت‌زنی هستند و در بازدیدهای هوایی اخیر، هیچ نیرویی از سپاه پاسداران را در منطقه مشاهده نکرده‌اند. فرمانده سنتکام گفته است آمریکا مین‌های دریایی رژیم ایران را جمع‌آوری کرده و عملیات‌های محدودی انجام داده است.

در دوم نوامبر، نیروهای دریایی آمریکا به جزیره قشم ایران حمله کردند که بخشی از سلسله عملیات‌های اعلام‌نشده در تنگه هرمز بوده است. این ضربات در پاسخ به حملات جمهوری اسلامی بود که متهم به تهدید دارایی‌های آمریکایی و حمل و نقل تجاری است.

رژیم ایران نیز ادعاهای متقابلی دارد. سپاه پاسداران اعلام کرده که چهار تانکر نفتی ناقض محدودیت‌ها به مین برخورد کرده و منهدم شده‌اند، دو کشتی دیگر متوقف شده و پنجاه و ششمین پهپاد MQ-9 آمریکا بر فراز تنگه هرمز سرنگون شده است. این ادعاها بخشی از روایت رسمی و تبلیغاتی رژیم ایران برای نمایش کنترل است.

هزینه‌های بیمه‌ی دوران جنگ برای عبور از خلیج فارس افزایش یافته و برخی کشتیرانان به خدمه تا ۲۵ هزار دلار برای هر سفر پیشنهاد می‌دهند تا نفت را از منطقه خارج کنند. حملات نه تنها تانکرها، بلکه کشتی‌های کانتینری را نیز هدف گرفته و هزینه‌های حمل و نقل جهانی را بالا برده است.

در طی چند ماه گذشته، بقایای جمهوری اسلامی از قایق‌های غیرنظامی و ماهیگیری برای جاسوسی استفاده می‌کند که شناسایی را برای نیروهای آمریکایی دشوارتر می‌سازد، اما در چند نوبت نیز توسط نیروی دریایی آمریکا هدف قرار گرفته‌اند.

گزارش‌های مختلف از بازگشت نسبی صادرات نفت خاورمیانه و تضعیف «چنگال» رژیم ایران بر تنگه هرمز سخن می‌گویند، هرچند فضای ناامن همچنان پابرجاست. اگر جریان عبور نفت بهبود یابد، بعید به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت با وجود جمهوری اسلامی، هزینه‌های بیمه‌ی کشتیرانی در خلیج‌فارس کاهش یابد.

کارشناسان بر این باورند که چنین جنگ چریکی می‌تواند برای مدت طولانی ادامه یابد، زیرا رژیم ایران با یک ایدئولوژی افراطی و سابقه‌ای طولانی، نیازی به پیروزی نظامی کلاسیک ندارد؛ کافیست هزینه را برای آمریکا و متحدانش بالا ببرد. از آنسو نیز، پیشرفت آمریکا در محاصره و تسهیل صادرات کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، فشار اقتصادی سنگینی بر جمهوری اسلامی وارد کرده است.

با این حال، بقای جمهوری اسلامی تمام داشته‌ی زرادخانه‌ی خود را برای متوقف کردن جریان نفت به کار گرفته‌اند و راهزنی چریکی جزو آخرین تلاش‌ها برای اینست که نشان دهند «تعیین‌کننده» هستند، در حالی که دزدان دریایی سومالی نیز با شبیخون‌زدن به کشتی‌ها، ادعای قدرت بیشتری در این زمینه دارند!

تحریم یک شبکه هندی و یک شرکت ترکیه‌ای به دلیل همکاری با جمهوری اسلامی در دور زدن تحریم‌ها

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ اعلام کرد که در راستای اجرای عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلام، یک شبکه هندی را به دلیل «اقدامات متقلبانه در حوزه دریانوردی و کمک به ناوگان سایه جمهوری اسلامی» و یک شرکت ترکیه‌ای را به دلیل ارائه خدمات زمینی به ایرلاین‌های ایرانی تحریم کرده است.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، چهار شهروند هند و ۹ شرکت مستقر در این کشور تحریم شده‌اند. سونیل کومار شارما و همسرش جاسپریت پریتی شهید، مستقر در هند از طریق ایجاد شرکت‌های مختلف، در اقدامی متقلبانه و مجرمانه، پرچم‌ها و گواهینامه‌های جعلی را برای کشتی‌های تحریم‌شده‌ای فراهم کرده‌اند که در حمل نفت ایران مشارکت دارند؛ از جمله کشتی‌هایی که از طرف نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن فعالیت می‌کنند.

شرکت «فوگو گراند سرویسز» مستقر در ترکیه، به دلیل ادامه ارائه خدمات پشتیبانی به بخش هوانوردی ایران تحریم شد. به‌گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا، جمهوری اسلامی از شرکت‌های هواپیمایی ظاهرا «تجاری» خود، که بسیاری از آنها تحت کنترل حکومت و نیروهای نظامی آن هستند، برای اقدامات تروریستی، جابجایی نیروهای نظامی، انتقال تسلیحات و فناوری‌های حساس و ارسال طلا و پول نقد به گروه‌های نیابتی خود استفاده می‌کند.



وزارت خزانه‌داری آمریکا

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۵ اعلام کرد که در راستای اجرای عملیات «طرد اقتصادی» علیه جمهوری اسلام، یک شبکه هندی را به دلیل «اقدامات متقلبانه در حوزه دریانوردی و کمک به ناوگان سایه جمهوری اسلامی» و یک شرکت ترکیه‌ای را به دلیل ارائه خدمات زمینی به ایرلاین‌های ایرانی تحریم کرده است.

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، چهار شهروند هند و ۹ شرکت مستقر در این کشور تحریم شده‌اند.

طبق این بیانیه/ سونیل کومار شارما و همسرش جاسپریت پریتی شهید، مستقر در هند از طریق ایجاد شرکت‌های مختلف، در اقدامی متقلبانه و مجرمانه، پرچم‌ها و گواهینامه‌های جعلی را برای کشتی‌های تحریم‌شده‌ای فراهم کرده‌اند که در حمل نفت ایران مشارکت دارند؛ از جمله کشتی‌هایی که از طرف نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن فعالیت می‌کنند.

اسکات بسنت وزیر خزانه‌داری آمریکا، در اظهاراتی در همین زمینه گفت: «همانطور که بارها گفته‌ایم، در چارچوب عملیات طرد اقتصادی، یا با ما هستید یا علیه ما. ما می‌دانیم کجا هستید و کسانی را که همچنان از حکومت ایران حمایت می‌کنند، چه از راه زمینی، چه دریایی و چه هوایی، تحریم خواهیم کرد.»

به‌گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا، پرچم‌های جعلی و گواهینامه‌های دریایی تقلبی به کشتی‌هایی که در فعالیت‌های غیرقانونی مشارکت دارند اجازه می‌دهند مقررات بین‌المللی مربوط به تضمین ایمنی خدمه و پیشگیری از آسیب‌های محیط زیستی را دور بزنند. کشتی‌هایی که بطور غیرقانونی از پرچم‌های جعلی استفاده می‌کنند، فاقد پوشش معتبر بیمه حفاظت و غرامت (P&I) هستند. این بدان معناست که کشتی‌های ناوگان سایه رژیم ایران که با پرچم‌های جعلی فعالیت می‌کنند، ممکن است خسارت‌هایی به ارزش میلیاردها دلار به اقتصاد کشورهایی وارد کنند که در آب‌های سرزمینی آنها تردد می‌کنند.

در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا گفته شده است که شارما و شهید با ادعای نمایندگی کشورهایی از تقریبا تمام قاره‌های جهان، از گویان گرفته تا اسواتینی و لائوس، به ناوگان سایه جمهوری اسلامی، از جمله کشتی‌هایی که از طرف نیروهای نظامی حکومت ایران و گروه‌های نیابتی آن فعالیت می‌کنند، امکان داده‌اند محدودیت‌های بین‌المللی مربوط به فعالیت خود را دور بزنند.

همچنین شرکت «فوگو گراند سرویسز» (Fugo Ground Services Inc)، مستقر در ترکیه، به دلیل ادامه ارائه خدمات پشتیبانی به بخش هوانوردی ایران تحریم شد.

به‌گفته وزارت خزانه‌داری آمریکا، جمهوری اسلامی از شرکت‌های هواپیمایی ظاهرا «تجاری» خود، که بسیاری از آنها تحت کنترل حکومت و نیروهای نظامی آن هستند، برای اقدامات تروریستی، جابجایی نیروهای نظامی، انتقال تسلیحات و فناوری‌های حساس و ارسال طلا و پول نقد به گروه‌های نیابتی خود استفاده می‌کند.

به‌گفته اوفک شرکت «فوگو گراند سرویسز» مستقر در ترکیه، خدمات زمینی و سایر خدمات را به چندین شرکت هواپیمایی ایرانی که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارند و همچنان به ترکیه پرواز می‌کنند، ارائه می‌دهد.


شاهزاده رضا پهلوی:
همه احزاب در اروپا و آمریکا باید از مبارزه مردم ایران حمایت کنند

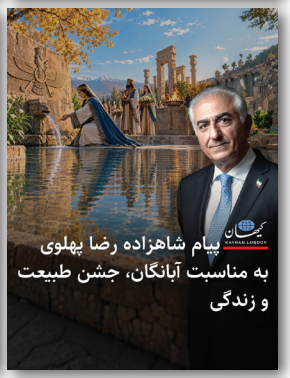


ما چه می‌خواهیم؟
از رهایی ایران تا تمرین رواداری برای آینده


شاهزاده رضا پهلوی در «تایمز بروکسل»:
اروپا باید در کنار مردم ایران بایستد


اطلاعیه دفتر ارتباطات شاهزاده رضا پهلوی
دیدار شاهزاده رضا پهلوی با رهبران ارشد اروپایی در بلژیک و آلمان


پیام شهبانو فرح به مناسبت روز کوروش بزرگ


پیام شاهزاده رضا پهلوی
به مناسبت آبانگان، جشن طبیعت و زندگی


افشاگری یک اقتصاددان:
دولت پزشکیان از سال گذشته دلار ۲۷۰ هزار تومانی را هدف‌گذاری کرده بود


جمهوری اسلامی، نیروی دریایی و هوایی بریتانیا را «سازمان تروریستی» اعلام کرد!


افزایش هزینه تعویض لاستیک ایرانی اتومبیل تا ۵۰ میلیون تومان!


سقوط ساختار درمان؛
افزایش ۱۰ برابری قیمت تجهیزات پزشکی


سقوط بیش از ۱۲۸ هزار واحدی شاخص بورس


تورم پوشاک و کفش سه‌رقمی شد


افزایش قیمت هر شانه تخم‌مرغ به ۸۰۰ هزار تومان


تشدید رکود تورمی در بازار مسکن ایران


تأیید حکم اعدام محمد نادری در دیوان عالی کشور به اتهام «جاسوسی»


فرونشست در ایران چگونه از یک تهدید محیط زیستی به تهدید اقتصادی تبدیل شد؟


اقدام به خودکشی دانشجوی دکترای دانشگاه تهران به علت فشارهای انضباطی


سقوط بیش از ۱۷۵ هزار واحدی شاخص بورس ایران


عمیق‌تر شدن بحران کمبود داروهای روان‌پزشکی


امیرحسین ملکی و امیرحسین ابراهیمی انالوجه، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۱۴۰۴، اعدام شدند



اصرار بر مذاکره؛
الگوی یک سیاستِ «شکست‌خورده»



پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات میاندوره‌ای کنگره آمریکا؛
استقبال جمهوری اسلامی از شکست جمهوریخواهان


تشدید بحران گاز؛
آغاز مازوت‌سوزی در کارخانه‌های سیمان به علت قطع «کامل» گاز


اجرای ۷۷ حکم اعدام در ایران طی ماه گذشته میلادی


خشونت خانگی؛
صدرنشین تماس‌های اورژانس اجتماعی


گزینه‌های حمله علیه جمهوری اسلامی به ترامپ ارائه شد


دونالد ترامپ: باید تکلیف یکی دو سایت هسته‌ای ایران را روشن کنیم؛ کارِ ۱۰ دقیقه است!



افزایش دوباره نرخ ارز؛ ممنوعیت معاملات ارزی در بازارهای داخلی


تماس تلفنی ترامپ با نتانیاهو در میانه میانجیگری قطر


کنفرانس خبری شاهزاده رضا پهلوی در پارلمان اروپا؛ «در کنار مردم ایران می‌ایستید یا به مماشات با جمهوری اسلامی ادامه می‌دهید؟»


بسترهای سوختگی در ایران؛ ۲۹ درصد قربانیان اسیدپاشی عمدی و ۱۶ درصد اقدام به خودسوزی


پایان شمارش آراء در اسرائیل؛ نتانیاهو با وجود از دست دادن اکثریت پارلمانی همچنان شانس حفظ قدرت را دارد


آسوشیتدپرس؛ دزدان دریایی سومالی یک لنج ماهیگیری ایرانی با ۲۳ سرنشین را ربودند


چند کشته و زخمی در حمله افراد مسلح به نیروهای ارتش و انتظامی در استان سیستان و بلوچستان


قبض‌های گران از آخر آبان؛ هزینه کسری برق بر دوش شهروندان


تلگراف: تلاش کارگزار نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی برای جلوگیری از فروش عمارتی مجلل در لندن


قاچاق تسلیحات؛ شبکه پنهان وزارت دفاع جمهوری اسلامی برای دور زدن محاصره آمریکا


المیادین؛ مقامات جمهوری اسلامی می‌گویند خروج اورانیوم‌ها از ایران زمینه‌ساز حمله بعدی خواهد بود


اولتیماتوم دادستان تهران برای برخورد با بلاگرها، تورهای گردشگری و بی‌حجابی


افزایش نجومی قیمت مواد شوینده در ایران


تأیید حکم اعدام آرمان محرقی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات دی۱۴۰۴


تورم کمرشکن برای مردم؛ ادعای «شکست دشمن» برای حکومت!


تشدید کمبود گاز در ایران؛ احتمال قطع گاز در ۱۳ استان


پایان مذاکراتِ بدون نتیجه؛ متحدان آمریکا در خلیج‌فارس برای آغاز حملات به جمهوری اسلامی آماده می‌شوند


تدوین «دستورالعمل» قوه قضائیه برای ساماندهی کافه‌ها


امیرحسین موسوی، با نام کاربری «جیمز بی‌دین» در شبکه «ایکس»، به اعدام محکوم شد


نیویورک‌تایمز؛ هشدار اسرائیل به آمریکا و دولت‌های عربی درباره استفاده احتمالی جمهوری اسلامی از تسلیحات شیمیایی



کمبود و گرانی دارو از مرز هشدار گذشته است


افزایش قیمت ماکارونی به علت افزایش ۲/۵ برابری قیمت گندم


کلیسای پائول، میزبان «ریترِ ایرانی»

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | امانتدار ملت

جایزه «بنیاد فریدریش نائومان برای آزادی» در سال ۲۰۲۶ «به پاس شجاعت، فداکاری و مبارزه مداوم در راه دموکراسی، آزادی و حقوق مدنی» به ملت ایران تعلق گرفت و با تصمیم این بنیاد، شاهزاد رضا پهلوی روز هفتم نوامبر در مراسمی رسمی این جایزه را به نمایندگی از ملت ایران و به امانت دریافت خواهد کرد. شاهزاده رضا پهلوی که برای شرکت در این مراسم به اروپا سفر کرده است، هفته جاری در بلژیک با شماری از نمایندگان پارلمان اروپا دیدار و گفتگو کرد.

تصویر: تجمع ایرانیان در حمایت از شاهزاده رضا پهلوی همزمان با حضور او در پارلمان اروپا، بروکسل، چهارم نوامبر ۲۰۲۶.